زیانهای فاحش مالی که جبران آنها کار بس دشوار است و بالاخره خرابیها و بدبختیها و مشقاتی که گریبانگیر نسل بشر گردید همگی نتیجهٔ سیاست جابرانه کشورهائیست که اینک خود آنها بیش از دیگران آسیب دیده‌اند و آتشی که روشن کردند ودر آن سوختند ماحصل حرص وخودخواهی شومیست که آنها را باین روز سیاه نشانید و بیکمده کشورهای کوچک بیگناه هم آسیب رسانیدند که از جملهٔ آنها ایران دلبند ماست که هر چند سربازانش در جنگ شرکت نکردند ولی به نسبت خود بیش از سایر ملل متفق درراه پیروزی فداکاری نمود ومتحمل خسارات و مضایق مالی واقتصادی فراوانی گردید که فقط یک تعارف دیپلماسی یا باسم «پل پیروزی» نامیده شد وديگر هیچ (۱)

کشورهای متفق باتوسل بیک رشته اقدامات مقتضی بر آمده‌اند که از وقوع نظائر این جنگ که دنیائی را ببدبختی کشانید و همه نیستی جهانی را بخطر انداخت جلوگیری نمایند. امید است این اقدامات کشورهای متفق را تشکیل سازمان امنیت جهانی که دولت ایران نیز در آن شرکت دارد بحصول توفیق کامل مقرون سازد و در سایه این سازمان گیتی تا مدت مدیدی از آسیب جنگ بر کنار ماند و کشورهای بزرگ و کوچک متفق برای اصلاح خرابیهای ناشی از جنگ وجبران مافات بوسیله عقد پیمانهای اقتصادی و کمکهای متقابل و بهبود وضع یکدیگر همت گمارند تا در نتیجه این کشورهای مصیبت دیده بتوانند نفسی براحتی بکشند و کمی از زیر بار فشارهای طاقت فرسای جنگ راحت گردند ولی متأسفانه با رقابتهای سیاسی که ظهور نموده یأس و نومیدی و نگرانی شده است.

کشور ما ایران در طی جنگ گیتی بسهم خود متحمل خسارات بسیاری شده است و فداکاری مهمی برای پیروزی متفقین نموده است که راه ترابری ایران بمتفقین و استفاده ای که از لحاظ جنگی متفقین بتصدیق خودشان از این راه جهانی یا پل پیروزی

کرده‌اند محتاج بذکر و توصیف نیست زیرا فداکاری که کلیه افراد
ملت ایران در این خصوص نموده و زیانهای مالی که دیده و فقر و پریشانی
که با آن بسختی دست بگریبان بوده و محرومیت هائی که در طی جنگ
داشته و هنوز هم دارند بر هیچیک از ملل متفق پوشیده نیست و امیدواریم
متفقین ما که چندین سال تمام قوای خودرا در راه برقراری آزادی
و عدالت بر علیه زورگوئی و تعدی بملل کوچک در سراسر جهان
بکار برده‌اند امیدواریم معنی و حقیقت داشته و این فداکاری ها
و محرومیت های فوق العادهٔ ملت ایران را فراموش نکرده باشند و
ایران را از دریافت کرایه راه‌آهن و سهمیهٔ غرامات و کمکهای مؤثر
اقتصادی و مالی که وعده داده‌اند بی نصیب ننمایند و حتما فقط از این
طریق ممکن است ایران و ایرانی که در راه پیروزی ملل متفق
از هستی ساقط شده است و منابع اقتصادی و مؤسسات صنعتی و جنگی
و بالاخره دار و ندار خودرا در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم متفقین
نموده دوباره بتوانند تجدید قوا نموده و قد علم نمایند.

اینک با پایان یافتن جنگ امیدوار است که دوران بحران
و مشقت‌های ملت ایران نیز پایان یابد و این پریشانی و بدبختی که از
لحاظ وضع اقتصادی و گرانی فوق العاده کالا هنوز مردم ایران
با آن دست بگریبانند خاتمه یافته و پس از سالها سختی و مشقت
گشایش کلی و آسایش عمومی در زندگی طبقات مختلف حاصل شده و بتوانند
نفس راحتی بکشند و ضمنا با وعده و نویدهائی که متفقین بما داده‌اند تخلیهٔ
ایران هرچه زودتر انجام شده تخلیهٔ سراسر ایران از قوای متفقین ما
گردیده و بالنتیجه ساختن هر گونه تسهیلاتی از لحاظ آزادی عمل
و عدم دخالت در امور داخلی ما کمکی بیش گشته از مشاغل کشور بحال
عادی خود شده و گشایشی در کلیهٔ کارهای کشور حاصل گردد.

علی اکبر سیاسی

نگارش: آقای محمد جناب زاده

تعالیم اسلام و صلح جهان

دومین جنگ جهانسوز با شکست ژاپون پایان یافت ولی تأثیرات مادی و معنوی آن از چند جهت باقی و در حقیقت همان افکار مالیخولیائی ومطامع فریبنده که موجب جنگ عالمگیر بوده در مغز اجتماعات و روحیهٔ افراد در تلاطم و جامعهٔ بشر با همهٔ امیدواریهای هواخواهان صلح مقدرات تلخ و تاریکی در پیش راه دارد.

جامعهٔ بشر بیمار است. صحیح است این بیمار در این بار هم دوره بحران را طی کرده و ظاهراً از خطر مرگ رسته ولی جسم آن بی‌اندازه در مبارزهٔ میکروبهای مهاجم آسیب کشیده و تا درجه مسمومیت هم قوه عقلی او تحت تأثیر حوادث ضعیف و پریشان شده است.

جامعهٔ بشر از جنگ زیانهای بیشماری دیده و خواهد دید. ضرر جنگ تنها کشتار هائی بی حساب، انهدام شهرها و مملکتها، گسیخته شدن تشکیلات خانوادگی و اجتماعی، پیدایش انواع امراض و فقر و گرسنگی عمومی و در نتیجه تباهی اخلاق افراد [illegible] و ناقص نیست بلکه جنگ با وضع وحشی و اختراعات موحش موجب بیماریهای روحی و عقلی فراوان است که خواهی نخواهی آثار مشئوم آن تا چند نسل بیادگار خواهد ماند.

اهریمن جنگ عناصر قوی و سالم جماعات را میبلعد. شخصیتهای دانا و دانشمند را معدوم میسازد. ایمان و اخلاق پاک عقاید قویم و مستقیم را مشوش مینماید و در جوامع بشری اعم از غالب و مغلوب اضطراب فکری ایجاد میکند.

ملل غالب تصور میکنند که جهان و سرنوشت انسان در دست آنان است . در نتیجهٔ این تصور عهود و مواعید خود را فراموش مینمایند و آن آزادی و سعادتی را که برای خود و جهانیان آرزومند بودند از لوح خاطر محو میسازند و در فکر استفادهٔ از قدرت و توانائی صوری برآمده موجبات تحول عقیده و حسن نیت خویش را فراهم میآورند و همین معنی است که در کلام مجید بدان اشاره شده که «ولو رحمانهم و کشفنا مابهم من ضر للجو فی طغیانهم یعمهون» .

تاریخ از اینگونه حوادث و پرده‌های مکرر زیاد در صفحه خاطر ثبت نموده است ولی البته امروز از لحاظ ترقی عقلی و مدنی و تجارب متمادی طرز فکر ملل متمدنه نباید مشابه اقوام منحطه باشد .

تا وقتیکه مالیخولیای جهانگیری بهر نام و عنوان از مغز اجتماعات دور نشود جنگ باهمهٔ مفاسد و زیان محسوس و رقت‌انگیز دوام خواهد یافت و یقین است که در این نبرد دائم وسائط غلبه و استیلا و کشورگشائی بمناسبت مقتضیات زمان متفاوت میشود ولی در عین حال بتناوب غالب و مغلوب جای خود را در مرحلهٔ موفقیت بیکدیگر میسپارند .

دراین جنگ خونین وسهمگین عالم انسانی ناچار است با تحمل خسارات مادی و معنوی همواره تمام عناصر فکری و اقتصادی خود را متوجه جنگ نماید وهمیشه فرزندان عالم را برای سلاح و کشتارگاه پرورش دهد .

دوام چنین وضعی که همه ارکان هستی و موجودیت انسانی را طعمهٔ خود قرار داده هولناک است و پیش‌بینی میشود که اگر اتفاق افتد بشر ریشه‌کن و کرهٔ زمین از موجودات زنده تهی خواهد شد .

ما از لحاظ معتقدات دینی نگران چنین پیش‌آمدی نیستیم و میدانیم جهان را صاحبی باشد خدا نام . ولی بایست مطابقه هوی

وهوس زیانکاران را نخواهدنمود « ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فیهن » متفکرین ودوستداران عدالت هر روز درایجاد روش و طریقه تازه درخور مقتضیات و افکار مساعد روز برای تأمین صلح جهان مساعی فراوان مبذول میدارند ولی درعین تقدیر ازاین اقدامات باید متوجه شد که تا مبادی تعلیم و تربیت عمومی درهمه کشورها درظاهر وباطن براصل تعلیمات دینی وعواطف انسانی استوار نگردد دمبدم طوفانهای مهیب سیاسی مانع از اجرای دادگستری و اصول عام‌المنفعه که ضامن صلح وسعادت بشر باشد خواهد شد .

در تلو دیانتهای آسمانی تعالیم دین اسلام ازلحاظ پرورش عواطف انسانی جلوه ومزیت خاصی دارد و درتأمین وتثبیت صلح عمومی ورفع عوامل اختلاف با اصول جامع سعی جمیل بکار برده است . یکی از علل بروز اختلاف و موجبات جنگ فکر برتری وتعالی وقومی است که میتوان گفت این فکر یا این مالیخولیا مصدر اصلی جنگهای تاریخی بوده و هست .

دیانت اسلام همه افراد بشر را بدون تفاوت نژاد دریک رتبه ومقام ومزایائی برای جامعه یاقوم مخصوصی قائل نشده وتقسیم‌بندیهای اجتماعی و پیدایش ملل و طائفه وقبیله را عامل معرفت و شناسائی و حسن تفاهم میان افراد ناس قرار داده است . « یا ایها الناس انا خلقنا کم من ذکر وانثی و جعلنا کم شعوباً و قبائل لتعارفوا . »

باید این نکته تعلیم شود که میان اقوام انسانی و نژادها فرق وامتیازی درخلقت صوری ومعنوی نیست وتصور اینکه بعضی از نژادها یاجماعات از مواهب خدا داد محروم مانده و شعور ادراک و قوای عقلی خاص قوم یانژاد واحدی شده ودیگران درسطح نازلی قرار گرفته اند تصور و گمان باطلی است .

در هر قوم و نژاد و درهر ملت و جامعه با توجه بطبقه بندی و مجموعهٔ نفوسی که سازنده اجتماع میباشند مدارج عقول مختلف و متفاوت است ولی در عین حال هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بتوان گفت هویت اجتماعی یك نژاد از حیث خلقت بطور کلی کمتر یا بالاتر از دیگران است .

در هر قوم و هر نژادی رذائل وفضائل وجود دارد ومحققین گفته اند اگر برجستگان معاریف جماعات را کنار بگذارند تودهٔ همه ملل درمراتب عقلی باهم یکسان میباشند .

سیاست خدعه آمیزی که پیشوایان نازی بقصد تفرقه میان نژادها ابداع واختراع کرده بودند جز یك سلسله وهمیات وتخیلات بی‌اساس چیز دیگری نبود .

نازیها برای کرسی نشیدن مفاخر موهوم خودشان مبادی تاریخ و لغت و علوم ونژاد شناسی را ازمسیر فنی ودانش منحرف نمودند و مجعولات بی پایه وغلطی را وارد فرهنگ ساختند .

آنهابقوه مغالطه میخواستند امتیازاتی درخون وخلقت برای خود زیر عنوان ـ آلمان فوق همه ـ ثابت نمایند وموضوعات ومسائلی را طرح کردند که با زوال خودشان یادگار مشئوم و سرمشق فاسدی بجای گذاردند .

نازیها و شاگردان این مکتب از ترکیب بندی ظاهر جسم و مادهٔ ملوّنه موی و پوست و چشم و لب و شکل بینی و بزرگی و کوچکی جمجمه وسینه و تنگی پیشانی بلندی و کوتاهی اندام مدارج عقلی را اندازه میگرفتند ودرتمام موارد سعی داشتند همهٔ مزایای صوری ومعنوی را هم بخود انحصار دهند .

تردید نیست که موقعیت جغرافیائی وعوامل محیط طرز تفکر و میزان فرهنگ درتکوین مایهٔ عقلی وخود یاظهور آن اثرگذار

دارد لیکن هیچگاه نژاد وجنسی از لحاظ رنگ پوست و علائم صوری واجد علم لدنی نبوده وقومیت مرادف با مدنیت نشده و فرهنگ اکتسابی نشان داده که نژاد سیاه و زرد را هم میتواند بپایه ادراک ومشاعر اقوام سفید پوست برساند .

درهر جنسی از صفات اولیه فطریه وصفات بارز ترقی وجود دارد واین بحث هنوز بجائی نرسیده که مشعلدار علم و معرفت یا موجب مدنیت کدام نژاد ومهد دانش کجا بوده است .

بهر اندازه کاوشهای تاریخی پیش میرود زیادتر مشهود میگردد که اقوام بازمانده از کاروان ترقی سابقه درخشانی در تاریخ مدنیت دارند .

بحکم موازین دین مبین عدل خداوندی شامل حال کلیه عباد وبندگان بوده و هست بمفاد «علم الانسان مالم یعلم» مواهب ایزدی و تعلیمات آسمانی و ودایع عقلی خاص نژاد معین نبوده و خداوند رؤف مهربان فیض خود را عام نموده است امتیاز عقلی نژاد معین بر سایر نژادها و اغفال جماعات بنام لغت وسابقهٔ مدنیت و آتش افروزی باین عناوین و ایجاد عداوت وخصومت که غالباً در گردش زمان سلاح جهانگیران بوده بارها وهم وسستی آن به ثبوت رسیدهٔ و دیگر این ماجرا جوئیها نباید برنامهٔ بشر متمدن و آزادیخواه واقع شود .

اسلام همه اقوام و نژادها را شایسته ترقی و تعالی دانسته و استفاده از حق زندگانی و تمامات الهی و عدالت طبیعی را اساس سیاست اجتماعی قرار داده وهمه را دربرابر یکدیگر بعدل واحسان امر نموده و تاکید نموده است .

بنابراین نخستین اصل اصلاح اوضاع آشفته جهان و تحکیم مبانی عدالت و امنیت و تأمین صلح عمومی بسته باین است که مالیخولیای برتری و سیادت قومی و نژادی از مغزها خارج شود .
این فکر بهر صورت که درآید و در تحت هر عنوان [illegible]

حاکمیت و موجودیت اجتماعات لطمه وارد سازد نتایج تلخ آن یکسان است باید جماعات را آزاد گذارد و بهیچ عنوان در مقدرات آنها دخالت ننمود .

یکی از علل ترقی و تأمین آزادی و قوت روح دموکراسی در دول متحدهٔ امریکا شکست سیاست مستعمراتی در آن منطقه بوده است در امریکا نژادهای مختلف که هر کدام دارای نواقص و یا مزایائی بوده اند باهم تألیف و ترکیب یافته و بدون اینکه دسته و قوم خاصی درصدد تطهیر و برتری خود باشد با حفظ آداب و تقالید موروثی بهم آمیخته و سرمشق عدالت و مظهر آزادی قرار گرفته اند .

اگر باید دنیا روی آرامش بخود به بیند و افراد بشر از زندگانی لرزان و پریشان نجات پیدا کنند باید ترقی و سرنوشت هر کشوری را بعقل واستعداد اهالی آن واگذار کرد .

البته هر کشوری بموقع خود از لحاظ اجرای اصل عدالت و تساوی حقوق و تأمین آزادی فردی عهده دار وظایف دشواریست که در سر فصل آن حل معضلات اقتصادی و توازن زندگانی طبقاتی قرار گرفته و این اصلاحاتهم باید با رعایت حقوق عمومی بعمل آید .

ما از نظر زندگانی اجتماعی خودمان نیازمند هیچگونه تعلیم و سرمشقی نمیباشیم و چنانچه زیادتر باحکام و قوانین و سنن حسنه دین مبین اسلام توجه کنیم همه مشکلات و معضلات زندگانی خود را با بهترین برنامه و روش و شایسته تر میتوانیم مرتفع سازیم ولی بشرط آنکه حقایق را نادیده نگذارده و هوی و هوس و اغراض و خود کامی را جایگزین اصول و اوامر و نواهی دین قرار ندهیم و البته در این صورت موجبات انحطاط عقلی و اجتماعی را فراهم آورده و ناچار پیش آمدهائی که نباید باآن مواجه شویم پیش خود خواهیم دید .

هدف مسئول روزنامه اطلاعات آسمانی - مجموعه جهانداری

بمناسبت تسلیم ژاپن و پایان جنگ جهانگیر

پیام اعلیحضرت همایونی

دربرابر رادیو

روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴

ساعت ۷ و نیم بعدازظهر روز پنجشنبه اعلیحضرت همایونی بمناسبت پایان جنگ جهانی پیام زیر را دربرابر رادیو ایراد فرمودند :

***

خوشبختانه با خبر تسلیم ژاپن جنگ عالمگیر بپایان رسید و دنیا از نوید صلح غرق شادی و مسرت است :

همه میدانند که ازاین جنگ بدنیا چه صدمات و جراحات بزرگی وارد شد و جبران آن مستلزم چقدر کوشش و مجاهدت خواهد بود حالا که این آتش جهانسوز خاموش شده و بهدف اصلی خود که برقراری صلح و آرامش است نائل گردیده ایم باکمال خوشوقتی در جشن شرکت مینمائیم و بتمام ملل مخصوصاً متفقین بزرگ پنجگانه تبریک میگوئیم و بملت ایران که در این نبرد عظیم شریک بوده و پیروزمند و سربلند شده است خوشبختی و سعادت را بشارت میدهیم

در عین حال قلب وروح ما باید شکرگزار ومتوجه رحمت واسعهٔ الهی باشد که در این شدائد بما صبر و توانائی عنایت فرمود ومیتوانیم از نتایج پیروزی متمتع وبهره مند شویم.

تصمیماتیکه برای بسط عدالت وحفظ حقوق ملل واستقرار مبانی صلح در کنفرانس سانفرانسیسکو اتخاذ شده وسیلهٔ گرانبهائیست که همه را بتهیهٔ موجبات سعادت مطمئن و امیدوار میتواند همه باید این تصمیمات را با اشتیاق کامل پیروی کرده و از مشارکت

در اجرای آن دقیقه‌ای فروگزار نکنند. کشور ما نیز که تابحال دچار مشکلات جنگ بود از این ببعد باید با کمال فعالیت درجبران
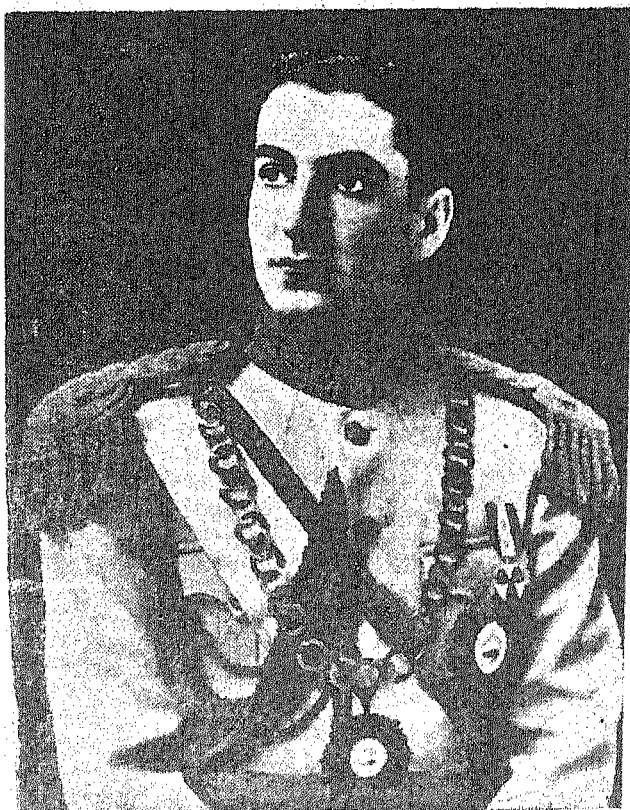
اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی

صدمات وارده وتهیهٔ سعادت آتیه خود سعی و کوشش نماید و طرح

زندگی جدیدی بیابد که همانطوریکه مکرر گفته و تأکید کرده‌ام
وباز هم تکرار میکنم با اتکاء و اعتماد بنفس استقلال و حاکمیت
خود را محفوظ بدارد و برای جامعهٔ ایرانی حد اقل احتیاجات را
بطوریکه با تمدن جهان وفق دهد فراهم کند و این منظور حاصل نمیشود
مگر اینکه پایه عدالت قضائی و اجتماعی را محکم نماید تا در سایه
آن اشخاص صالح وشایسته ومردم خیرخواه وباایمان تشویق و ترویج
شوند و لوازم ترقی وسعادت ورفاهیت تأمین گردد.

بشهادت تاریخ هروقت برای کشور ما مضایق وشدائدی رخ
نموده همینکه مشکلات برطرف شده است همت وغیرت وفداکاری
ملی ایران را بعظمت تاریخی خود رسانیده واز کوشش ومجاهدت
فروگزار نشده است حالا هم موقع تجدید این امتحان تاریخی است .
سعادت وموفقیت همگی را از خداوند تعالی مسئلت داریم .

لرد مارشال ویول نایب السلطنهٔ هندوستان

بمناسبت تسلیم ژاپن و پایان جنگ

بیانات آقای نخست وزیر در مقابل رادیو

آقای صدر نخست وزیر درساعت ۷ و نیم بعد ازظهر روز پنجشنبه ۲۵ مرداد بمناسبت پیروزی متفقین و پایان جنگ سخنرانی زیررا در برابر رادیو ایراد نمودند :

هم میهنان عزیز و گرامی :

در اینموقع که آخرین نیرو از کشور های دشمن در مقابل سربازان دلیر متفقین بزرگ ما سر فرود آورده تسلیم و دولت مهاجم ژاپن که ما هم با آندولت در حال جنگ بودیم رسماً باطلاع چهار دولت امریکا ، اتحاد جماهیر شوروی ، بریتانیای کبیر ، وچین و دولتهای متفق ما رسانید که شرایط کنفرانس پوتسدام را قبول وبکلیه قوای خود دستور داده که عملیات جنگی را قطع واسلحه را تسلیم نمایند . اینجانب با افتخار و خوشحالی و مسرت زیاد رسماً خبر خاتمه جنگ جهانی و بشارت وفتح و پیروزی نهائی را باستحضار شما میرسانم و بسیار خوشوقتم که در این ایام نزدیکی بحق وحقیقت این اقبال را داشته ام که بتوانم یک چنین مژدهٔ روح بخشی را که نوید استقرار آزادی وروز گارهائی پس طولانی از خوشی وسعادت برای ما و برای تمامی مردم جهان است بهمه هموطنان عزیز خود از دور و نزدیک آگهی دهم و خاطر آشفته همه را تسکین داده آسوده و راحت و شاد سازم .

بیش از هشت سال است که محروم بی آزادی شده دنیا دچار جنگ وخونریزی و آسایش و امنیت مسلوب و هزاران هزار عزیزان هر روز بهلاکت میافتادند ما کن ساختمانها مؤسسات و شهر ها در نتیجه آثار آتش بمبی و ویرانه و در دو شیمتی میرفت و اگر این مخاصمه و کشمکش باز هم ادامه مییافت البته چندین میلیون نفوس بر همه تلفات افزوده شده و باز بناهای بسیاری از نتایج سعی و کوشش اینای بشر بتودهٔ خاک مبدل میگردید .

شکر خدایرا که در اثر تدبیر و متانت و بردباری سران
کشورهای بزرگ دوست و متفق ما و با شهامت و شجاعت و فداکاری
سربازان دلیر آنها ، شیفتگان آزادی و عدالت ، پایان روز های
تیره و سخت طلیعهٔ سعادت بشری نمودار و جنگ خانمانسوز عالم
با فتح و پیروزی نهائی خاتمه و آزادی و عدالت ظفر یافت از هم
اکنون باید درسراسر دنیا بشکرانه پیروزی همه بهم کمک و مساعدت
نمائیم و در ترمیم خرابی ها و اصلاح امور کشور های متفق رنج
کشیده و زحمت دیده بکوشیم و مردم بدبخت را در صفحهٔ این
کشور ها که در اثر شوم جنگ بدی و سختی دیده اند در همه جا
با جامعیت و صمیمیت خوشی و رفاه و سعادت زندگی نصیب نمائیم .

هموطنان عزیز : همه میدانند و همه هم دیده و شاهدند که
در امتداد این جنگ شما نیز سالهای سختی کشیده و دچار صدمات
شده اید و در راه پیروزی هم الحق صمیمانه کوشیده و از هیچ نوع
کوشش و مساعدت مضایقه نکرده اید و سران دول معظم متفقین [illegible]
باین مراتب اذعان نموده و منظور [illegible] از اقرار نیست
که شما آنچه در حد قدرت خود داشته اید [illegible] گذارده اید
که وسائل پیشرفت و موفقیت در این راه فراهم شود .

الحال یقین بدانید که ایام سختی و بدبختی سپری شده و روز
بروز باید برای رفاه و آسایش شما جبران گذشته [illegible]
بشود و امید هم هست که هر روز [illegible] روز مقابل در سایه اتفاق
و اتحاد که انتظار آن را البته بیش از پیش دارم بتوانیم وسائل
رفاه و آسایش شما و امنیت کامل کشور را فراهم و پیوسته با اصلاح
امور موفقیت حاصل نمائیم در این راه هم شرط اصلی کمک و مساعدت
خود شما است که مقتضی است در اینموقع تا میتوانید سعی نمائید
همه باهم [illegible] از مجادلاتها و نقارهای بیهوده که بصلاح کشور
نیست کناره جوئید و همه یکدل و یکجهت برای سعادت مردم و امنیت
کشور بر اساس احترام آزادی و عدالت با هم متفق و متحد شوید

تا بمنظور خود برسیم و ریشه های سختی و بدبختی را از جا بر کنیم که :

« آری باتفاق جهان میتوان گرفت »

هرچند هموطنان عزیز من از اعلامیه تهران که بامضای سران دول معظم متفق رسیده واستقلال تام و تمام ایران را متضمن و متعهد شده اند مستحضر هستند در این موقع که جنگ خاتمه یافته لازم دانستم یکمرتبه دیگر از متفقین عزیز خودمان جهت اعلامیه خاصی که فقط بین تمام ملل متفق منحصراً برای ایران در کنفرانس تهران صادر شده است شخصاً و بنام ملت ایران سپاسگزاری نمایم حال که پایتخت کشور از قشون متفقین تخلیه میشود و چون جنگ باتمام رسیده امیدوارم این تخلیه همانطور که تمام ایرانیان انتظار دارند مقدمه ای برای تخلیه تمام کشور باشد و اوضاع ایران نیز که توأم با اوضاع عالم است بحال عادی برگشت نماید و آسایش و عدالت در جهان با کمک متفقین بزرگ ما مستقر گردد .

امر دیگریکه باعث خوشوقتی عالم بشریت است و کشور ایران نیز ذیسهم میباشد و هموطنان عزیزم نسبت به آن علاقه کامل دارند نتایجی استکه از کنفرانس دول متفق در سانفرانسیسکو گرفته شده و اعلیحضرت همایون شاهنشاه معظم ما نیز در فرمایشهای ملوکانه خودشان اشاره فرمودند نمایندگان ایران در این کنفرانس شرکت جسته و بقدر سهم خویش در استقرار مبانی صلح عالم کمک نمودند و منشوری را که بامضای پنجاه دولت متفق رسیده و ضامن صلح آتی عالم میباشد همراه خود بایران آوردند .

من میل دارم خود کشور ما یکی از اولین دولی باشد که این منشور صلح را تصویب نموده بهموطنان عزیزم اطمینان میدهم این منشور که ضامن صلح و امنیت است هر چه زودتر برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم نمایم .

در خاتمه بعموم هموطنان و خانواده های اشخاصی که بواسطه اثرات شوم جنگ عالمگیر مدتی باز داشته و از عزیزان و خویشاوندان خود دور مانده بودند و اینک آسوده و آزادانه با خانواده های خود بسر میبرند تبریک میگویم .

بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و سفیر کبیر انگلستان در ضیافت دربار شاهنشاهی در کاخ سعدآباد

بمناسبت حصول پیروزی قطعی و پایان دومین جنگ عمومی دنیا از طرف دربار شاهنشاهی ضیافت مجللی در کاخ سفید سعدآباد داده شد.

برحسب دعوتی که از طرف رئیس تشریفات سلطنتی شده بود آقایان وزیران و رئیس مجلس شورای ملی کلیه سفراء و وزرای مختار و نمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران از ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر با خانم های خود در کاخ سفید سعدآباد حضور بهم رسانیدند در ساعت ۹ بعد از ظهر مدعوین برای صرف شام راهنمائی شده و در پیشگاه ملوکانه شام صرف گردید در سر میز شام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نطق زیر را ایراد فرمودند.

آقای سفیر کبیر!

خیلی خوشوقتم که امشب از نمایندگان محترم مللی پذیرائی میکنم که شیفتهٔ آزادی بوده و با نهایت شجاعت برضد کشورهای متجاوز یعنی دشمنان عدالت و دموکراسی قیام نمودند.

ما در اینجا برای جشن پایان پیروزمندانه جنگ خانمانسوزی جمع شده‌ایم که نوع بشر را دچار مصائب بیشمار کرده بود.

کشور ایران مفتخر است از اینکه در حدود وسائل خود برای موفقیت متفقین بزرگ خویش و عموم ملل متحده همکاری کرده

و ما یقین داریم جان ومالی که بیدریغ در این راه ایثار شده تحت لوای سازمان‌ملل متحده صلح پایداری را برقرار و احترام حقوق تمام ملل را ازبزرگ یاکوچك وقوی یاضعیف تامین خواهد نمود .

در این موقع جام خود را بسلامتی رؤسای کشور های ملل بزرگ که به نیرومندی کامل با قوای اهریمنی مبارزه کرده‌اند بلند کرده وسعادت و کامیابی آنهارا صمیمانه آرزو مینمایم .

بسلاطین ورؤسای کشورهای ملل متحد وممالك دوستی هم که نمایندگان آنها در سر این میز حضور دارند درود میفرستم .

البته درایندموقع جشن و شادی قهرمانان و شهدای این‌جنگ‌را نیز که باکمال شجاعت جان خودرا برای خدمت بآزادی ورستگاری بشر فدا کرده اند نمیتوانیم فراموش کنیم ومن اینك احساسات قلبی خودرا بارواح پاك آنها هدیه میکنم .

ازخداوند متعال درخواستدارم که در گیتی یکدورهٔ آرامش و امنیت طولانی برقرار فرماید تا رفاه حال و کامیابی کامل اهالی تمام کشور ها تامین شود .

پس از پایان بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سر ریدر بولارد سفیر کبیر انگلستان درتهران باسمت مقدم السفرائی پاسخ زیررا ایراد نمودند :

شاهنشاها :

این بنده که از روز های اول جنگ در ایران بوده ام ، خوشوقتم ازاینکه این افتخار نصیب من شده است تامترجم احساسات نمایندگان سیاسی خارجی ، در پاسخ نطق اعلیحضرت همایونی باشم تمام کسانیکه در این مجلس حضور دارند اظهار خوشوقتی

اعلیحضرت همایونی را درباره اینکه جنگی که مصائب فراوان وارد آورده پایان یافته و از احترامی که برای آنانکه در راه آزادی جان داده اند، قائل شده اید، از ته قلب منعکس میسازند تنها مایه تسلی در برابر اینهمه مصائب و شدائد و در برابر ازبین رفتن اینهمه مردم، امیدواری باین است که سیستم امنیت دنیا که آنرا ملل متفق از جمله ایران - تنظیم کرده اند بیشتر از سلف خود یعنی مجمع اتفاق ملل در جلوگیری از تهاجم، توفیق یابد امیدواری باینکه در تحت این سیستم، چنانکه اعلیحضرت همایونی نیز اشاره فرموده اید، صلح دائمی، احترام بحقوق، تمام ملل چه بزرگ و چه کوچک بوجود آید.

من بنام تمام نمایندگان سیاسی خارجی در اینجا جام خودرا بسلامتی اعلیحضرت همایونی و برای خوشبختی کشور شما که مطمئن هستم بر مشکلات بعد از جنگ فائق خواهد آمد بلند میکنم.

شب نشینی

پس از صرف شام شب نشینی آغاز گردید و برحسب دعوتی که بعمل آمده بود هیئت رئیسه مجلس شورایملی، معاونین وزارتخانهها، رجال، دبیران و وابستههای نظامی سفارتخانه ها، افسران ارشد ارتش شاهنشاهی از ساعت ۱۰ بعد از ظهر در کاخ سعد آباد حضور بهم رسانیدند. از طرف رئیس تشریفات سلطنتی از آقایان مدعوین در محوطه جلو کاخ پذیرائی بعمل آمد. در ساعت ۱۱ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بباغ تشریف فرما شدند و برقص افتتاح گردید، ذات ملوکانه نسبت بعموم مدعوین اظهار تفقد و مهربانی نموده و در ساعت ۱۲ بکاخ مراجعت فرمودند.

این پذیرائی و شب نشینی که در یک محیط گرم و صمیمانه انجام گردید تا مدتی بعد از نیمه شب دوام داشت.

بیانات آقای نخست وزیر
درجلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی
روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴

بانهایت مسرت وخشنودی رسماً باستحضار آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی میرسانم :

«دولت مهاجم ژاپن تسلیم گردید . پس از ۸ سال جنگ و تجاوز های بر خلاف حق و عدالت و برخلاف عهود و اصول بین المللی بالاخره ژاپن در برابر سربازان دلیر و مشعلداران آزادی و عدالت که جان بر کف برای حفظ شرافت و حقوق بشر ایستادگی میکردند سر تسلیم فرود آورده وزانو برزمین زد (صحیح است) .

دولت ژاپن در پایان روز ۲۳ مرداد ماه جاری رسماً باطلاع چهار دولت ، دول متفق ما امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر وچین رسانید که شرایط کنفرانس پوتسدام را قبول نموده و بفرماندهان ارتش و کلیه قوای کشور خود در هر نقطه‌ای که هستند دستور داده است عملیات جنگی را قطع و اسلحه راتسلیم نمایند . باین ترتیب آخرین دولت متجاوز دشمن ما ودشمن متفقین ما در برابر پرچم آزادی و دمکراسی سر تسلیم فرود آورد و پیروزی جهانی بنفع ملل متفق اعلام و تأمین میگردد (صحیح است صحیح است)

اینجانب برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنام دولت وملت ایران که بحقانیت اصولی که پیشروان دول بزرگ دمکراسی هدف مشترک خود قرار داده ایمان و اعتقاد کامل دارد و در راه

نیل باین منظور مقدس از هیچگونه کمك و همراهی دریغ نکرده است (صحیح است صحیح است)

این پیروزی بزرك را که فتح و ظفر، حق و عدالت باافتخار و سربلندی بهمه ملل متفق شیفته آزادی مخصوصاً بچهار دولت بزرك امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و چین صمیمانه شادباش میگوئیم وموفقیت آنها رادرحفظ صلح جهانی و تأمین آزادی و استقلال ملل خواستارم .

عظمت و اهمیت بشر بآزادی و اجرای عدالت است و اگر این دو اصل برای افراد و ملل وکشورها در سراسر جهان مورد ستایش و احترام نباشد ووسیله حفاظت آن تأمین نگردد همه این کوششها و جدیت ها عبث و بیهوده بوده شئون و حیثیات جامعه بشری درخطر واقع میگردد.

شکی ندارد که شهامت و مردانگی، فداکاری و از خود گذشتگی سربازان دلیر شجاع دولت های دوست و متفق ما شئون و مقام معنوی بشر وتمدن دنیا را که در نتیجهٔ هزاران سال زحمات و مجاهدت های زیاد بدست آمده و بازهم باید در راه تکامل آن سعی و کوشش شود از خطر نابودی و فنا نجات داده بر همه واجب و متحتم است برای سپاسگزاری از دلاوران بیباك و با ایمانی که در راه این مقصود و در این جنگ خانمانسوز جهانی بخاك هلاك افتادند اصول مقدسه آزادی بشر و احترام استقلال تام و تمام ملل و کشورها را مخصوصاً آن کشورها که برای حصول این منظور در مدت طولانی جنگ متحمل زحمات و صدمات شده اند محترم شماریم وهمیشه هم برای آزادی و اجرای عدالت در سراسر جهان از بذل مساعی وفداکاری مضایقت نورزیم (صحیح است صحیح است کف زدن ممتد حضار)

نطق آقای رئیس مجلس شورای ملی

سه ماه و شش روز قبل در همین مجلس خبر شادی بخش

و مسرت اثر خاتمه جنگ اروپا باطلاع قاطبهٔ ملت ایران رسید در
آن روز یکی از بزرگترین ملل متجاوز گیتی در برابر قوای پیروزمند
متفقین در افتاد و از پای درآمد لیکن هنوز ملت متجاوز دیگری
که سالها پیش از شروع جنگ اروپا نائرهٔ قتال را درصحنهٔ آسیا
برافروخته بود چنان به پیکار خویش ادامه میداد درآن هنگام ما
همه از صمیم قلب آرزو داشتیم که این کانون ستیزه و جنگ نیز
هرچه زودتر ازجهان برچیده شده و آتش جنگ وقتال در سراسر
گیتی یکباره خاموش گردد وعدالت و مساوات و آزادی وبرابری
جایگزین ظلم و وحشت و خودسری واستبداد بشود. هرچند حصول
این آرزو باقوت عزم و نیرو و ارادهٔ سران ملل متفق و شهامت
وشجاعت افسران و سربازان آنها و کوشش و فداکاری خستگی
ناپذیر آنان و بسط عدل و نصفت تعمیم اصول صحیح و سلم امری
محقق و مسلم بود بسیاری جای خرسندی است که این مهم زودتر
از آنچه انتظار میرفت صورت تحقق پذیرفت و آتش جنگ پیش
ازآنکه پنداشته میشد فرو نشست امروز با نهایت مسرت و با قلبی
پر از تکریم و احترام نسبت بسران ملل متفق که بر اثر کوشش
و تدبیر آنان این آخرین آشیانه ستیزه و کینه جنگ نیز ویران
گشته است مژده شکست قطعی و تسلیم بدون قید و شرط ژاپون
و فرا رسیدن دوران صلح را که جامعه بشر مدتها است در انتظار
آن رنج میبرد بمجلس و ملت ایران اعلام میکنم.

ملت ایران بسیار مباهی و مفتخر است که در راه پیروزی
ملل متفق نسبت به توانائی خود از هیچگونه بذل مجهود دریغ
نورزیده و سهمی بسزا داشته است هنگامیکه هنوز سرنوشت جنگ
و ملل جنگجو تیره و تاریک بنظر میرسید و درافق سیاست جهان
روشنی امیدی از هیچ جانب پدیدار نبود ملتیکه [illegible] قوای پیروزمند

خصم دامنهٔ سلطه و نفوذ خود را بدروازه های ایران کشیده داشت کشور و ملت ما بدون هیچ تردید و یا درنگ و تعلل با کمال میل و علاقه در صف نیرومند ملل متفق قرار گرفت و با دولت متجاوز آلمان و همدستان اروپائی او از در پیکار درآمد و درهمان هنگام سیاست خود را در قبال دولت ژاپون نیز روشن ساخت و در طی اینمدت مدید در این جهاد آزادی کلیهٔ افراد ملت ایران هریك در شغل و مقام خود مانند سربازانی فداکار بانهایت صمیمیت و باعزمی راسخ و ایمانی استوار و با بذل موجود که کمال جود است در راه پیروزی ملل متفق عملا شرکت کرده اند (صحیح است - صحیح است) بهر حال امروز که بیاری خداوند قادر متعال جنگ جهانی پایان یافته است و دیو مرگ و وحشت از پهنهٔ زمین رخت بربسته و فرشته صلح و آزادی برفراز جهان بال گشوده است نخستین آرزوی ما اینستکه این اتحاد ملل بزرگ جهان که موجب حصول چنین پیروزی بزرگی گشته است همچنان با کمال صمیمیت و وداد ادامه یابد زیرا اطمینان کامل داریم همانطور که بدون این سازش ممکن نبود قوای شگرف خصم بدین سرعت متلاشی و نابود شود و دوران صلح و صفا فرا رسد بیشک بدون این یگانگی و اتفاق حفظ صلحی که در راه آن ملل گیتی اینهمه قربانی داده و رنج برده و هموار ساخته‌اند امکان پذیر نخواهد بود .

آرزوی دیگر ما آنست که ملل بزرگ جهان همانطور که در منشور ملل متفق پیش‌بینی و تأیید شده است اساس صلح آینده را بر شالودهٔ حسن تفاهم و حفظ معاهدات و مواثیق و احترام باقوال و تعهدات و رعایت حقوق و حمایت ملل ضعیف در برابر دول قوی و مراعات حقوق اساسی بشر چنان استوار سازند که تا جهان برپاست هیچگونه رخنه‌ای در بنیاد آن راه نیابد و صلحی دائم و حقیقی و خالی از

شائبه هرگونه تزویر و ریا و عنف وجور بوجود آید ومانند فاصله بین دوجنگ اخیر جهان حالت صلح مسلح بخود نگیرد البته باتوجه بمفاد منشور ملل متفق در کنفرانس سانفرانسیسکو که خوشبختانه برخلاف جنگ گذشته در این بار قبل از پایان جنگ تهیه و تدوین گردیده و با رعایت اصول ومقررات سازمانی که از آن پیش بینی شده و با علاقه و ایمانی که کلیه ملل جهان پس از تحمل صدمات این جنگ خانمانسوز بحفظ این اصول ومبانی که خود آزادانه بتدوین آن مبادرت جسته اند ابراز میدارند مخصوصاً با علاقه ای که ملت امریکا بخلاف جنگ گذشته درهمکاری باسایر ملل نسبت بسازمان بین المللی جدید ازخود نشان میدهد حصول این آرزو ممکن ومحقق بنظر میرسد و رجاء واثق داریم که با این ترتیب و با تجاربی که ملل بزرگ گیتی از نواقص سازمان جامعه ملل سابق دارند خطاهای آن سازمان واغماض دول بزرگ دربرابر تعدی ملل متجاوز نسبت بملل ضعیف بار دیگر تکرار نخواهد شد ونیز آرزومندیم که درقبال فداکاریها ومجاهدات ملت وکشور ایران درطی این جنگ ومصائبیکه دراین راه باکمال صمیمیت متحمل شده است هنگام صلح درجه کوشش وسهم بزرگ این کشور در راه حصول پیروزی محفوظ بماند ومقام شایسته ای که متناسب با سابقهٔ درخشان تاریخی این ملت باستانی است درجهان سیاست ملحوظ افتد .

در وهله نخست با احترام وایمانی که نسبت باقوال وتعهدات متفقین معظم خود داریم و باتوجه بمفاد اعلامیه سران سه دولت بزرگ درانجمن تهران آرزومندیم که قوای متفقین اینک که بیاری خداوند متعال جنگ بکلی پایان پذیرفته هرچه زودتر خاک ایران را ترک نماید . درخاتم سخن از جانب دولت ومجلس وملت ایران بروان پاک شهدای راه آزادی بشر که درجبهه های مختلف وپشت

جبهه ها برای استقرار اصول آزادی و مساوات و رفع ظلم قوی از ضعیف جنگیده و جان داده‌اند درود میفرستیم و همچنین درود فراوان بروان پاك پرزیدنت روزولت که ملت امریکا براهبری او جنك را آغاز کرده وبپایان رسانیده نثار میکنیم (صحیح است) وبهترین تحیات قلبی وتبریکات مجلس وملت ایرانرا بسران آن دول بزرك مخصوصاً پرزیدنت ترومن، ژنرالیسموس استالین مستر اتلی ومستر چرچیل تقدیم مینمایم واز خداوند مسئلت میکنم که این بلیه بزرك را خاتمه بلایا و این مصیبت عظیم را آخرین مصائب نوع بشر قرار دهد وهمواره صلح وسلم درجهان پایدار و برقرار بماند (صحیح است) برای سپاسگزاری و ابراز شادمانی در این جشن جهانی که ملت ایران نیز در آن باکمال اشتیاق و میل شرکت نموده است با اجازه آقایان نمایندگان محترم جلسه را تعطیل و جلسه آینده را بعداً اعلام میکنیم (صحیح است کف زدن ممتد نمایندگان)

دریاسالار مونت باتن فرمانده نیروی جنوب خاوری اقیانوس آرام

نطق هیروهیتو امپراتور ژاپن
در مجلس شورای ملی ژاپن

هیروهیتو امپراتور ژاپن پس از تسلیم ژاپن در جلسهٔ فوق العاده مجلس شورای ژاپن حضور یافت.

از طرف ژنرال ماک آرتور فرمانده کل نیروی امریکا در ژاپن هم به خبرنگاران جراید متفقین اجازه داده شد در مجلس حضور یابند. بعلاوه در تالار مجلس عده‌ئی از افسران و سربازان متفقین دیده میشدند امپراتور پس از چند سال اینک برای نخستین بار بمنظور ایراد نطق شخصاً بمجلس رفته است. پس از جلوس بر تخت زرین که خیلی بالاتر از کرسی ریاست مجلس وضع شده بود امپراتور خطاب بمجلس سنا و شوری چنین اظهار داشت:

منظور ما اینست در این هنگام که جنگ بپایان رسیده ملت ما اشکالات بیشمار و گرفتاریهای فوق العاده‌ئی را که قهراً با آن مواجه خواهد گردید مرتفع سازد.

ملت باید طوری رفتار نماید که مفاخر سیاست ملی ژاپن اعتماد عموم جهانیان را تحصیل نماید و با کمال درستی و متانت حالت مسالمت آمیزی برقرار کند و باین ترتیب به پیشرفت و ترقی جامعه انسانیت کمک نماید.

فکر و خیال ما پیوسته متوجه همین مقصود و هدف میباشد.

شما باید در خارج کشور با کمال ایمان و عقیده تعهدات امپراتوری ژاپن را مراعات نموده و سائل سازش و دوستی با عموم ملل را تشویق نمائید و نیز در داخل کشور برای ترمیم و اصلاح کلیه شئون کشور مساعی لازمه را مبذول دارید تمام افراد ملت باید بدون وقفه مشغول کار شده مبانی و اساس دولت را مستحکم نمایند

برای کمک به خانواده های سربازان متوفی و حمایت از زخمیها و بیماران وتهیه رفاهیت افسران و سربازانی که اخیراً مرخص گردیده‌اند و همچنین برای کمک به اشخاصی که دچار مصائب جنگ شده اند از هیچ اقدامی مضایقه نباید بشود .

ما به وزیران خود امر کرده ایم اصول و شرایط سیاست خارجی و داخلی ما را و همچنین جریان وقایعی را که به اتخاذ تصمیمات فوق العاده منتهی گردیده است تشریح نمایند .

هیروهیتو امپراتور ژاپن

ما بمقتضای میل و اراده خود و بمقتضای سیاست امپراتوری دائمی بایجاد دوستی بر روی اساس و اصول متین اخلاق و عدالت در صدد خواهیم بر آمد تا موافقت دولت به این مقصود نایل گردیده و به اتفاق ملیونها اتباع خود با مجاهدت فوق العاده که تا کنون نظیر آن دیده نشده باشد متحداً دوام نعمت به کشور کمک خواهیم بست

شاهزاده هیگاشیکونی نخست وزیر ژاپن فردا در مجلس وقایعی را که به قبول اتمام حجت پتسدام منتهی گردیده تشریح خواهد نمود .

بمناسبت تسلیم ژاپن

نطق نخست وزیر ژاپن

یکروز بعد از نطق امپراتور ژاپن نخست وزیر آن کشور درمجلس شورایملی نطق مفصلی ایراد نموده که قسمت اعظم آن ستایش از امپراتور ژاپن درخصوص کوشش‌هائی که وی برای پایان دادن بجنگ مبذول داشته بوده‌است نخست وزیر اظهار داشت که امپراتور برای رهائی میلیونها نفوس ژاپن از گرسنگی و بدبختی بجنگ خاتمه داد تا بتواند نسل آتیه را حفظ کند.

دولت ژاپن موقعی که درسال ۱۹٤۱ تصمیم گرفت بامریکا و انگلستان اعلان جنگ دهد امپراتور فوق‌العاده اندوهناک گردید و موقعی که شرایط پوتسدام را دولت ژاپون قبول کرد یقین‌داشت که این شرایط از حق حاکمیت امپراتور ژاپن نخواهد کاست.

نخست وزیر ژاپون سپس عللی که موجب شکست آن کشور گردید تشریح نموده و گفت که نمیتوان مسئولیت این شکست را بدوش یک نفر انداخت زیرا ژاپون قبل از بکار رفتن بمب اتمی از طرف نیروی هوائی امریکا بر شهر یوکوشیما وجزیرهٔ ناکازاکی که تلفات و خسارات عظیمی وارد نمود شکست خورده و امور نظامی و اقتصادیش بدون ترتیب شده بود.

وی سپس گفت که باید بملت آزادی عقیده وحق رأی داد ودولت ژاپون در نظر دارد کلیهٔ موانع آزادی را از میان بردارد.

از واقعه پرل هاربر تا واقعهٔ ناو میسوری

سال ۱۹۴۱

روز هفتم دسامبر ۱۹٤۱ هنگامی که نمایندگان سیاسی ژاپن در واشنگتن مشغول مذاکره بودند هواپیماهای ژاپنی بر «پرل هاربر» پایگاه مهم دریائی امریکا ومانیل وشانگهای ومالاکا وسیام و هونك کونك حمله کردند .

در نتیجهٔ این تزویر وابتکار عملیات را موقتاً بدست گرفتند زیرا نیروی دریائی متفقین نتوانست در آغاز کار بر ناوگان ژاپنی تفوق پیدا کند .

روز هشتم دسامبر امریکا و کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا و چین برعلیه ژاپن اعلان جنك دادند و همانموقع نیز چین برعلیه آلمان وایتالیا و سه روز بعدش ایتالیا و آلمان بر علیه دولت متحدهٔ امریکا رسماً وارد پیکار شدند .

روز دهم دسامبر که دو نبرد ناو بزرك انگلیسی بنام «پرنس اف ویلز» «ریپاس» در کرانه مالاکا غرق شدند واز این راه ضربه سختی بر پیکر نیروی دریائی بریتانیا وارد آمد .

از آن پس ژاپنیها دنباله حملات خود را ادامه داده و یکسلسله ضربات پیاپی بر جزیره هائی که برای متفقین ارزش سوق الجیشی و سیاسی داشت وارد آوردند .

روز ۲۲ دسامبر نیرو های ژاپنی بر جزایر فیلیپین که ۸۰ تا ۱۰۰ هزار سرباز در آنجا متمرکز بودند هجوم گرانباری بردند و دو روز بعد جزیرهٔ «ویك» از طرف ژاپنیها اشغال شد و در تاریخ دوم ژانویه ۱۹٤۲ مانیلا پایتخت لوزن سقوط کرد .

در جهت دیگر نیز ژاپنیها «تاراکان» را در کنارهٔ برنئو تصرف کردند. در ۲۳ ژانویه هجومهائی از طرف نیروهای ژاپنی بر جزایر سلیمان، گینه جدید و بریتانیای جدید برده شد.

بدینمنوال در ظرف کمتر از دو ماه ژاپنیها حلقه ای از مواضع دفاعی برای خود تشکیل دادند.

سال ۱۹۴۲

هنگامیکه عملیات سوق الجیشی نیرو های دریائی ژاپن در اقیانوس آرام ادامه داشت نیروهای زمینی و هوائی آن کشور در ظرف مدت کوتاهی مراکز حساس و حیاتی متفقین را در مالاکا، برمه، سوماترا و جاوه ویران ساختند. در ۴ فوریه ۱۹۴۲ پالمبانگ واقع در سوماترا اشغال شد و روز بعد امپراتوری بریتانیا یکی از مراکز مهم حیاتی خود یعنی سنگاپور را از دست داد در این اوان فتح و پیروزی های دریائی نصیب دشمن میشد. در ۱۹ فوریه ژاپنیها بجزیره بالی و روز بعد بتیمور پیاده شدند جزیره جاوه نیز در ۲۹ فوریه اشغال شد و روز ۸ مارس ژاپنیها در «سالاماوا» واقع در گینه جدید نیرو پیادهٔ نمودند.

شهر و بندر مهم رانگون در تاریخ ۹ مارس تخلیه شد و دسته های سربازان چینی مجبور شدند که تونگو را در سی ام مارس رها نمایند.

ورود ژنرال مک آرتور باسترالیا در تاریخ ۱۷ مارس و حمله هوائی بر توکیو در ۱۸ آوریل بمنزلهٔ اولین موفقیت نیروهای متفقین در پیکار دور دور بود با این حال روز اول ماه مه ماندالا تخلیه و عقب نشینی نیرو های انگلیسی بطرف هند آغاز گردید.

دستههای سربازان انگلیسی و هندی که در برابر یک دشمن نیرومند قرار گرفته بودند موفق شدند ۸۰ در صد نیروی خود را عقب بکشانند.

در ٤ مه ژاپنیها بکرجیدر پیاده شدند و تفوق نیروی دریائی که تا آنروز ژاپنیها از آن برخوردار بودند موجب تسهیل این عملیات گردید لکن حمله ناوگان ژاپنی از طرف واحد های نیروی دریائی امریکا بزودی متوقف ماند و طی نبردی که چهار روز در دریای کورال بطول انجامید هفت کشتی بزرگ ژاپن بتحقیق و دو کشتی باحتمال غرق شد و متجاوز از بیست کشتی ژاپنی آسیب دید .

در ۱۲ ژوئن ژاپنیها جزایر کیسکا واتورا در مجمع الجزایر آلئوسین اشغال نمودند و روز بیست و یکم ژویه در گینه جدید (در محل بونا) نیرو پیاده کردند . سپس در تاریخ ۷ اوت نیروهای امریکائی ژاپنیها را اغفال نموده بگودال کانال پیاده شدند ودر ۲٦ اوت دسته های سربازان استرالیائی وامریکائی از ژاپنیها که میخواستند در منتها الیه جنوب شرقی خلیج میلن (در گینه جدید) پیاده شوند پذیرائی بسیار «گرمی» بعمل آوردند در ۳۱ اوت متفقین باولین فتح زمینی خود در خاور دور نائل شده منطقهٔ خلیج میلن را یکسره ازوجود دشمن پاک کردند .

روز دهم سپتامبر ژاپنیها ازاون استانلی رینج در گینه جدید عبور کرده بفاصله ۵۰ میلی بندر مورسبی رسیدند و اگر براین بندر دست میافتند سواحل استرالیا بخطر میافتاد لکن نیرو های استرالیائی خطر را رفع نموده ژاپنیها را مجبور بعقب نشینی در گینه جدید نمودند و از آن زمان ابتکار عملیات نصیب متفقین گردید ژاپنیها در گودال کانال نیز عقب نشینی اختیار کردند . در اینموقع ستونهای سربازان استرالیائی و امریکائی بهم پیوسته بطرف بونا پیش میرفتند دسته های سربازان استرالیائی روز ۲٦ نوامبر گونا را بتصرف آوردند ودر تاریخ ۱۹ دسامبر سربازان انگلیسی از مرز هند عبور کرده وارد خاک برمه شدند .

سال ۱۹۴۳

روز ۱۱ ماه مه دسته های سربازان امریکائی در جزیره اتواز جزایر الئوسین پیاده شدند و در ۲۸ اوت مقاومت ژاپنیها در نیوجرجیا یکسره پایان یافت .

روز چهارم سپتامبر دسته های سربازان متفقین در مشرق لی پیاده شدند و چتر بازان نیز پشت خطوط دشمن فرود آمدند و ضمن این عملیات ۲۰ هزار سرباز ژاپنی را درلی و سالاماوا محاصره نمودند . در ۱۶ سپتامبر لی بدست متفقین افتاد نیروهای استرالیائی نیز پس از پیاده شدن در عقب مواضع ژاپنیها فینشهافن را بتصرف آوردند .

در اواخر ماه نوامبر متفقین تسلط کامل بر خلیج مهم هوون یافتند در همان اوقات نیروهای امریکائی در جزایر تاراوا و ماکین واقع در مجمع الجزایر ژیلبرت پیاده شدند . پیاده شدن نیروهای امریکائی در جزایرمارشال (۳۱ ژانویه ٤٤)موجبات تسهیل پیشروی متفقین را بسوی قلب امپراتوری ژاپن فراهم آورد .

سال ۱۹۴۴

در این ضمن قوای انگلیسی دربرمه با وجود مقاومت دشمن پیشروی خود ادامه میدادند و هنگامیکه باد های موسمی در آغاز ماه مه وزیدن گرفت مواضع مستحکم دفاعی در سلسله جبال مایو و در جبهه اراکان برای خود تهیه نمودند . ستون های وینگیت نیروهای ژاپنی را مدام تعقیب میکرد و در همین حال قوای چینی و امریکائی نیز از کوهپایه کرمن سرازیر شده بسوی میتکینا [illegible] کردند لکن در جبهه مانیپور ژاپنیها از [illegible] پیشروی [illegible] کرده و نیرو های انگلیسی را مجبور بعقب نشینی [illegible] نمودند و در نتیجه کوهیما بتصرف افتاد . روز چهارم مه در شهر ایمفال

و کوهیما بعد از پایداری شدید سربازان انگلیسی از طرف ژاپنیها محاصره شد ولی دسته های سربازان ژاپنی که دراین منطقه ازبقیه ارتش ژاپن دور افتادند دچار قحطی و بیماری گردیدند در اواخر ماه ژوئن تهدیدی که از طرف ژاپنیها بهند وارد میآمد مرتفع شد وپیشرفت نیروهای چینی وامریکائی منجر بتصرف فرودگاه میتکینا در روز ۱۷ مه و تسخیر موگانگ در ۲۶ ژوئن گردید و بالاخره خود شهر میتکینا نیز که بزرگترین پایگاه ژاپنیها در برمه شمالی بود در ۳ اوت بدست متفقین افتاد . روز ۱۶ ژوئن نیروهای امریکائی بسایپان حمله بردند و این شهر در تاریخ ۸ ژوئیه سقوط کرد .

درتعقیب سقوط سایپان تینیان نیز در ۳۱ ژوئیه وگوام ۹ اوت بتصرف متفقین در آمد .

از ژوئیه تا اکتبر ۱۹۴۴ هواپیماهای ناو نشین وواحدهای نیروی دریائی تمام آماجهای جزایر فیلیپین را میکوبیدند روز نوزدهم اکتبر نیروهای امریکائی بجزیره لیت پیاده شدند و در ظرف یک هفته یازده شهر از چنگ دشمن رهائی یافت و سه فرودگاه نیز بتصرف امریکائیها درآمد . تلفات ژاپنیها در دوازده روز اول از بیست هزار نفر تجاوز کرد بالاخره نیروهای ژاپنی آخرین کوشش خود را برای جلوگیری از پیشرفتهای متفقین بعمل آوردند دراواخر ماه اکتبر نیروی دریائی ژاپن اهمیت خود را بکلی از دست داد واز آن پس ارتباط بین ژاپن ومستعمراتش بیش از پیش دشوار گردید .

در ماه اکتبر سربازان چینی ، انگلیسی ، هندی و افریقای جنوبی در برمه پیشرفتهائی نائل شدند روز ۱۸ اکتبر تیدیم مسخر گردید و بعدازیک حمله شدید «فورت وایت» نیز سقوط کرد . سپس دستههای سربازان افریقای شرقی از رودخانه چیندوین عبور کردند ونیروهای انگلیسی نیز درجنوب راه آهن میتکینا ماندالای پیشروی

آغاز نمودند . روز ۱۴ دسامبر سربازان لشکر ۳۶ انگلیسی
ازشط ایراوادی گذشتند و «مونجیو» واقع درمحل تقاطع جاده
لدو و برمه نیز درتاریخ ۲۱ ژانویه بدست نیرو های چینی سقوط کرد
وبدین منوال جاده زمینی چین بعد از دوسال و نیم آزاد گردید .

در این اوقات ارتش چهاردهم با وجود شرایط دشواری
درجبهه مانداله پیشرفت شایانی نمود و روز ۲۱ فوریه بمرکز مهم
میکتیلا رسید . ضمن این عملیات هواپیما های متفقین نیز مراکز
جنگی ژاپن از قبیل کارخانه های هواپیما سازی اومورا و میتسوبیشی
و سایر صنایع جنگی را در ناگویا و توکیو ویران ساختند . در
ماههای اول سال ۱۹۴۵ دایرهٔ عملیات نیروهای متفقین توسعه یافت
دراین موقع هدف آنها انهدام آماجهای جزیره هنشو بود . درماههای
نوامبر و دسامبر ۱۹۴۴ متفقین بیش از پیش بجزایر اصلی ژاپن
نزدیک شدند وجزیرهٔ ایوجیما واقع در ۷۵۰ میلی خاک ژاپن مورد
حمله نیرو های دریائی وهوائی امریکا قرار گرفت روز ۱۸ فوریه
۱۹۴۵ نیرو های دریائی امریکا در این جزیره مهم پیاده شدند
و ده روز بعد موتویاما شهر عمدهٔ آن را تصرف نمودند .

در این اثنا پیشروی در فیلیپین نیز مرتباً مداومت داشت
روز ۱۵ دسامبر نیرو های امریکائی بجزیره میندورو پیاده شدند
و درظرف یک هفته فرودگاههای مهمی را که فقط ۲۵۰ میل بمانیلا
فاصله دارد بتصرف آوردند در روز ۹ ژانویه امریکائیها بجزیره
لوزن نیز که ازمهمترین جزایر فیلیپین میباشد نیرو پیاده کردند
و در اثر استراتژی ماهرانهای یک ستون تندرو از سربازان امریکائی
۱۴۰ میل راه در ظرف شش روز طی کرده وارد مانیلا پایتخت
فیلیپین گردیدند .

نیروهای انگلیسی که در برمه مشغول پیکار بودند روز هشتم ماه مارس وارد ماندااله شدند و ۱۲ روز بعد دژ «دوفرین» را که آخرین موضع دفاع ژاپنیها در داخله شهر بود بتصرف آوردند دسته های ارتش ۱۴ ژنرال سلیم بدون آنکه مجالی بدشمن بدهند پیشرفته رانگون را در سوم ماه مه نجات دادند . ارتش ژاپن که دچار مضیقه خواربار شده بود و راهی برای تهیه آذوقه نداشت بسرعت از هم گسیخته شده و تا مدت ٤ ماه ارتش ١٤ انگلیسی مشغول رفت و روب بقایای آن بود . در این ایام بادهای موسمی شدیدی نیز میوزید و عملیات جنگی را دشوار میکرد .

فتوحات متفقین در کلیه جبهه ها یکی بعد از دیگری فرا میرسید در تاریخ ۹ مارس دسته های سربازان امریکائی بجزیرهٔ میندانائو پیاده شدند و روز ۱۷ مارس اشغال جزایر ایوجیما خاتمه یافت دریاسالار نیمیتز بدون آنکه وقت خود را صرف استخلاص کلیهٔ اراضی فیلیپین نماید بجزیرهٔ اوکیناوا واقع در مجمع الجزایر ریوکیو حمله برد و بآنجا نیرو پیاده کرد و بیك سلسله عملیات مهم دوجنبه (زمینی و دریائی) مبادرت ورزید .

در اول ماه آوریل یعنی شش ماه بعد از این عملیات طی یك پیکار شدید هوائی ودریائی که در آن ابتکار عملیات کاملا در دست متفقین بود ژاپنیها ۳۹۰ هواپیما و شش ناو جنگی از دست دادند تاها پایتخت اکیناوا در روز شانزدهم ماه مه مسخر شد و مقاومت منظم سپاهیان ژاپون در این جزیره در تاریخ ۲۱ ژوئن پایان یافت . دو هفته بعد یعنی روز پنجم ژوییه ژنرال مك آرتور استخلاص سرتاسر جزایر فیلیپین را رسماً اعلام نمود . حملات هوائی متفقین بر جزایر اصلی ژاپن در نتیجهٔ تصرف ایوجیما و جزایر فیلیپین و اکیناوا روبشدت و تزاید نهاد چنانکه روز نهم مارس طی یك حمله هوائی هزاران بمب آتش زا بر مناطق صنعتی توکیو ریخته شد در ۱۴ مه ۴۰۰ ۱ هواپیما امریکائی طی یك پرواز دسته جمعی ناگویا سومین

سنگاپور در اواخر ماه ژانویه این ایستگاه گرانبها از دست انگلیس‌ها بدر رفت و بیدرنگ پس از آن پیروزی های برق آسای ژاپن در کلیهٔ جزایر اقیانوس ساکن آغاز گردید.

تلفات سنگینی در منطقه مالاکا و مخصوصاً در سنگاپور بر قوای امپراتوری انگلیس وارد آمد و شکست نیروی انگلیس در این منطقه یکی از بدترین شکستهای ارتش انگلیس بود.

اینک پس از سه سال و نیم مجدداً منطقهٔ حیاتی شبه جزیره مالاکا آزاد شد و ناوهای انگلیس بسنگاپور باز گردید.

طوریکه رادیو دهلی خبر داده بعداً زره دار کلئوپاترا و زره دار سوفینکس با راهنمائی یک ناوشکن ژاپنی از میان مینهای ژاپن عبور نموده و در بندر سنگاپور لنگر انداخت و پاک کردن آبهای منطقه مالاکا از وجود مین بسرعت ادامه یافت و نیروی زمینی انگلیس نیز پس از چند روز وارد این بندر شد.

ژنرال مانک آرتر بفرمانده کل نیروی ژاپن در سنگاپور دستور داد که نسبت بفرماندهٔ کل ناوگان انگلیس در هند خاوری که اینک با زره دار کلئوپاترا وارد سنگاپور شده است یاری و مساعدت نماید.

آزادی سنگاپور پس از سه سال و نیم یکی از بزرگترین وقایع برای امپراتوری انگلیس بشمار میرود زیرا بدون سنگاپور محال است که انگلیس بتواند موقعیت دیرین خود را در خاور دور حفظ کند و این نکته قابل توجه است که چگونه انگلیسها از جزیره بریتانیا در باختر اروپا بخاور آسیا یعنی آنطرف دنیا دست انداخته اند!

متفقین با ژاپن چگونه رفتار خواهند کرد ؟
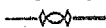
آیا ژاپن هم سرنوشت آلمان را پیدا میکند ؟

اکنون که نیروی های متفقین در خاك ژاپن پیاده شده وباشغال خاك آن کشور پرداخته اند موضوعی که بیش از هرچیزی جلب توجه میکند معامله ای است که متفقین با ژاپن خواهند کرد و مخصوصاً این مسئله که آیا سرنوشت ژاپون هم مانند آلمان خواهد شد یا اینکه متفقین سیاست دیگری را نسبت به ژاپنیها اتخاذ خواهند کرد فوق العاده مورد توجه محافل سیاسی دنیا قرار گرفته « ویلی چرچ اموت » سیاستمدار آمریکائی که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۸ در ژاپن اقامت داشته است طی مقالهٔ زیر اطلاعاتی در این خصوص و در بارهٔ نظریات امریکا نسبت به ژاپن بخوانندگان محترم میدهد .

نخستین چیزی را که باید در نظر داشت این است که ژاپنیها را با تمام معایبی که دارند نمیتوان نابود نمود و ما امریکائیها و همچنین افراد سایر کشورهای متفق مجبوریم بعد ها نیز با آنها زندگی نمائیم و بدین ترتیب برای زندگی با آنها از هم اکنون باید نکاتی را در نظر گرفته و راه حلی پیدا نمائیم .

نخستین نکته ای را که من باید با تماس طولانی که با ملت ژاپون داشته ام خاطر نشان کنم اینست که ژاپونیها برخلاف شایعات منتشره متفاوت فوق العاده زیاد خشن و شریر نیستند و در خون و اعصاب آنها چیز فوق العاده ای وجود ندارد که آنها را بیرحم تر و شقی تر از مردم دیگر کرده باشد منتهی محیط آنها در چند سالهٔ اخیر طوری بوده که آنها را اینطور بار آورده است . اگر این

بی دینی ژاپن در آن کشور میشود بیشتر درمیان ارتش ژاپن بوده است و طبقات غیر نظامی کمتر بدین کار اقدام میکنند . بدین ترتیب با بکار بکردن یك روش صحیح و عاقلانه این عده را میتوان از عقاید قدیمی خود منحرف کرد وافکار آنها را متوجه آزادیخواهی و دموکراسی نمود .

در قدم اول برای انجام این مقصود باید دولت ژاپن را وادار کرد که اصول قدیمی سیاسی خود را زیر پای گذارده و کشور خویش را برطبق اصول آزادی و دموکراسی اداره نماید . اگر دولتی در ژاپن توانست که این مقصود را عملی نماید زمام امور بدست وی سپرده شود و گرنه تا مدتی دولتهای متفق خود زمام ژاپن را مانند آلمان در دست گیرند .

سپس باید بوسیلهٔ تبلیغات یعنی انتشار روزنامه‌ها و کتابهای مختلف ، همچنین رادیو ملت ژاپن را با محیط خارجی و کشورهای دیگر جهان مربوط کرد و آنها را با عقاید سیاسی جهان خارجی آشنا نمود و کم کم فکر آزادیخواهی را در آنها بوجود آورد .

بطوریکه عده ای از محافل سیاسی معتقد میباشند و [illegible] آنها هم مناسب است اگر طبقات متوسط و فقیر ژاپن ظاهراً برای پذیرفتن مرام آزادیخواهی آماده تر از مردم [illegible] است [illegible] [illegible] دولتهای آمریکا و انگلستان از این [illegible] باید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] امپراطور ژاپن [illegible] [illegible] امپراطوری [illegible] [illegible] این است که یا اصولاً باید سلسله امپراطوری ژاپن [illegible]

شده و سلطنت از خانواده آنها منتزع گردد یالااقل امپراتور فعلی ژاپن خلع گردد واین موضوعهم علت دارد .

امپراتور در ژاپن بطورکلی مافوق تمام مقام های لشکری و کشوری و احزاب و مذهب است و نفوذ فوق‌العاده ای در تمام قسمتها دارد ولی امپراتور فعلی ژاپون طوری رفتار کرده که بمنزلهٔ عروسکی در دست زمامداران لشکری آن کشور شده و زمامداران لشکری ژاپن از نفوذ فوق‌العادهٔ امپراتور درشئون کشور سوء استفاده کرده او را آلت اجرای مقاصد و نقشه های جنون آمیز خود قرار دادند . همین موضوع است که امریکائیها وسایرملل متفق را برعلیه وی برانگیخته وبرای اینکه چنین وضعی تجدید نشود آنها را تشویق به برکناری او کرده است .

این عقیده در امریکا طرفدار زیادی دارد که باید پسر امپراتور فعلی ژاپن را بجای او برتخت آن کشور نشانید ونیابت او را بیکی از رجال معتدل ژاپن داد و مراقبت نمود که از مقام فوق‌العادهٔ او سوء استفاده ای در آن کشور نشود .

ولی اصولاً بطورکلی برای این که روزی از مقام امپراتور ژاپن سوء استفاده نشود و بخصوص نفوذ مذهبی او ملت ژاپن را وادار باقدام جنون آمیزی ننماید باید بعدها درطی اشغال ژاپون سعی شود که با روشن کردن افکار مردم ، از نفوذ مذهبی امپراتور کاسته گردد .

برای اجرای این نقشه ها لااقل بعقیدهٔ من سه چهارم قرن یا بعبارت دیگر در حدود ۷۵ سال وقت لازم است و در ظرف این مدت بایستی باید خاک ژاپون را اشغال نمایند یا این کشور را در وضع گذشته که برنامهٔ بالا اجرا شود .
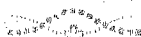
خلع سلاح ژاپن

بزرگترین خلع سلاح تاریخ بدون ریختن یک قطره خون و شلیک یک گلوله پایان یافت

شب ۲۴ مهرماه ۱۳۲٤ ژنرال ماک آرتر فرمانده نیروی اشغالگر متفقین درژاپن دربرابر رادیوی توکیو راجع بخلع سلاح هفت میلیون تن نیروی ژاپن که دیروز بانهایت موفقیت پایان یافت نطق مهمی ایراد نمود و طی آن اظهار داشت که بزرگترین خلع سلاح تاریخ با نهایت موفقیت پایان یافت و اینک ژاپن از جرگه ملتهای بزرگ دنیا خارج شد ، از لحاظ یک دولت نظامی بکلی نابود گردیده و هرگاه بخواهد درمیان ملتهای دنیا مقامی داشته باشد باید بیدرنگ راه صلح و صداقت بوید . ژنرال ماک آرتر اظهار داشت که خلع سلاح ۷ میلیون تن نیروی ژاپنی یک اقدام بسیار خطرناک و ازجمله حوادث بزرگ تاریخی بشمار میرود - لکن این اقدام خطرناک بدون آنکه یک قطره خون بزمین بریزد و یا یک گلوله شلیک گردد انجام یافت و هرگز چنین تسلیم شرم آوری در تاریخ مشاهده نشده است این حادثه نه تنها ازلحاظ طبیعی ژاپن را

ژنرال ماک آرتر

باستانی از میان میرود و بجای آن ملت متکبر و متعصب که داعی سیادت در آسیا را داشت یك ملت ۷۰ میلیونی فقیر و بینوا قرار میگیرد که معلوم نیست سر انجامش چه خواهد شد .

باید دانست که خود ژاپن یکی از کشور های بسیار فقیر جهان است که تمام قدرت و عظمت پیشین خویش را مدیون توانائی سیاسی و حیثیت خود در آسیا بود ژاپن جز مقداری گوگرد و مختصری مس از فلزات گرانبهای جهان مخصوصاً آهن هیچ نصیبی ندارد و کانهای زغالش بهیچ روی احتیاجات کشور را تأمین نمیکند و از لحاظ نفت نیز در مضیقه است و از تمام خاکش که تقریباً یك برابر و نیم انگلستان است فقط صدی ۱۵ بهره برداری میشود و قسمت اعظم احتیاجات آن از واردات تأمین میگردد اکنون که تمام مستعمرات ژاپن از دستش خارج شده و کلیه قدرت نظامی و سیاسی آن از میان رفته است معلوم نیست که در آینده زندگی خود را چگونه ادامه خواهد داد و رژیم دموکراسی در این کشور مغلوك که حتی قبل از شکست خانواده های بیشماری از فرط گرسنگی دختر های خود را میفروختند چگونه برقرار خواهد شد ؟

البته همانطوری که ژنرال مك آرتر در نطق خود گفته ژاپن از جرگه ملتهای بزرگ دنیا کاملا خارج شد و از لحاظ یك دولت نظامی نابود گردید ولی رسم و شفقت حکم میکند که موقتاً اکنون بکودکان ژاپنی و خانواده های بیشماری که اصلا گناهی در بر افروختن آتش جنگ کنونی نداشتند و دستخوش مطامع یك دسته میلیتاریست ستمگر قرار گرفته بودند کمك کنند و اکنون باید دید که در این راه تا چه اندازه موفقیت حاصل خواهند کرد ؟

ترجمه : م ۰ ب ۰ ۲۹

از دری ناس

روحیهٔ فعلی ملت ژاپن

« دموکراسی » مبحث این مردم زود دوست شده

اکنون که ارتش ژاپن شکست خورده و بلاشرط تسلیم متفقین گشته روحیهٔ مردم آنکشور چه میباشد ؟

صرفنظر از کلیهٔ مسائل و مراحل دیگر، ملت ژاپن فعلا تحت فشار مستقیم یک موضوع میباشد . و آنرا باید مسئله خواربار و تغذیه دانست .

بعلاوه دولت ژاپن نسبت بمردم خود بمراتب از نازی های آلمان سخت گیرتر بوده و بنحوی ایشان را مراقبت مینمود که بهیچوجه از دنیای خارج اطلاعی حاصل نمیکردند . ژاپونیها هنگامیکه ارتششان پیشتر میرفت اخبار دروغ میشنیدند و از زمانی هم که ورق برگشت و اوضاع عمومی جنگ بنفع متفقین پیش میرفت خبرهائی دروغ تر از اولی بگوششان میرسید . روزنامه های ژاپونی اکنون سعی میکنند که دلایل و اسباب شکست را برای خوانندگان خویش واضح و آشکار سازند ولی جز یک دلیل نمیتوانند موضوع دیگری را پیش کشند . آنهم قحط و فقد، خرابی سازمان دولتی و سخت گیریهای سال ستمکار آن بوده است .

انکار نمیتوان کرد

اگر به تمام جهانیان هم بگوئیم که ارتش پیروز ژاپن بس

از مدتی عقب نشست ولی باز بسختی مقاومت میکرد و براثر انفجار یك یا دو بمب اتمی تسلیم گشت حقایق را از نظر توده ملت ژاپن نمیتوانیم پوشیده داریم . زیرا او وارد در جریانات خود بوده وباوجود مجاهدت کامل پلیس وجاسوسان داخلی معهذا به بیشتر امور واعمال دولت آگاه است.

بهتر از دیگران

اریستوکراتهای ژاپونی که لیدرهای ادبی ، صنعتی ، اداری وسیاسی آنکشور ازبین ایشان انتخاب شده ومیشو تدبیش از دیگران وبهتر از هرکسی بوضع حقیقی میهن درسابق اطلاع دارند و بخوبی میدانند چطور وچرا ارتش معظم ژاپن بزانو در آمد.

روزنامه ورادیو

علاقه ئی که فعلا اشخاص با نفوذ وتقریباً عموم مردم ژاپن نسبت برادیو وروزنامه پیدا کرده‌اند دراین کشور بی سابقه است و بطور خلاصه ازقول ایشان میتوان گفت:

باید حقایق بطور واضح برای مردم تشریح شود وهر کسی خودرا آماده شنیدن اخبار ، چه خوب وچه بد بنماید . اکنون که ارتش وعمالش از بین رفته اند باماست که بطرف رادیو و روزنامه هجوم آوریم و بدانیم که این وسیله ووسایل دیگر نظیر آنهارا (دموکراسی) مینامند . بدون تردید باید بچنین امری علاقه نشان دهیم زیرا تنها راهی است که مارا بدنیای خارج مربوط نموده و بعلاوه میتوانیم بهتر به خواهشها وافکار متفقین پی ببریم .

ئی اعتاقی :

روزنامه آساهی که از روزنامههای معروف ژاپن است در

یکی از شعارهای اخیر خودتو شده «آنچه را که ما اکنون باید تشخیص داده و دریابیم آنستکه سابق مردم امید و علاقه ای نظیر امروزی نسبت داشته و از همین رو بود که کابینه های سابق نیز آنچه را مایل بودند انجام میدادند و به آرزوها و پیشنهادات ملت وقعی نمی نهادند.

« سازمان و روش کار سابق باید از بین رفته و در دولت تشکیلاتی داده شود که نزدیکی کامل بین عموم افراد ژاپونی ایجاد شود و بعلاوه حس خودداری از جنگ ها دور و علاقه به صلح و دوستی در تمام مردم این کشور رسوخ نماید.

« دولتی که در آینده بروی کار میآید و عموم زمامداران ما باید باین حقایق متوسل شوند و ژاپن را از این راه که یگانه طریق آزادی و زندگی دوستانه است هدایت و راهنمائی نمایند »

دموکراسی

عده زیادی از اهالی ژاپن خواهان دموکراسی میباشند . از روزیکه سانسور روزنامه ها تا حدی مرتفع شد این اشخاص دست بفعالیت زده و در روزنامه ها مقالاتی منتشر نموده اند . مهمترین روزنامه ای که خواهان ایشان است روزنامه (یومی اوری هوچی) میباشد که در یکقسمت از مقالات خود در روز ۲۹ اوت گذشته چنین نوشته (علت اشغال ژاپن و اقامت سربازان متفقین در این کشور برای این است که موقع برای حکومت دموکراسی و دلسوز بر روی کار بیاید آمده لیدر های متفقین زمانی دستور اخراج سربازان خود را صادر خواهند نمود که (دی یت) ژاپن که مثل پارلمان انگلیس و یا کنگره امریکا برای ملت خود کار کرده و در راه آرامش جهان قدمهای موثری بردارند در آنروز است که ژاپن نیز برای همیشه در جامعه ملل متفق دموکرات خواهد شد .

برخلاف

مهمترین اختلافی که ژاپن امروز با آلمان شکست خورده دارد آنست که کشور زرد پوستان دارای یك وزیر امور خارجه و سیاست خارجی میباشد. بعلاوه نخست وزیر آن کشور شاهزاده هیگاشی کولن در نخستین سخنرانی خویش راجع به سیاست ژاپن نسبت بچین همسایه بزرگ گفته بود: «ما باید نسبت بچین سیاست خویش را عوض نموده و آنچه را که گذشته است تصحیح نمائیم. علاقه ما به چین زیاد است و از این پس بدوستی و یگانگی خویش همت خواهیم گمارد.

معبد مشروطه خواهی

اگر گفته شود که بسیاری از ملت ژاپن بسوی معبد دموکراسی میآیند دروغ نیست. چه، خیلی‌ها در صددند بهر وسیله که شده وضع وروش کار دول غربی را سرمشق خویش قرار دهند. و هر چه بتوانند خویشتن را به دول دموکرات و مللی که سالها این مرام نیکو را سرمشق زندگی خود قرار داده‌اند نزدیك نمایند.

چینی

عقیده همین عده راجع بچین آنست که باید خصومت و دشمنی سابق را کنار گذارد و از این پس توسط «اتحادیه روحی» بایشان نزدیك گردید. مقصود از این اتحادیه آنست که چون هر دو کشور در شرق دنیا قرار گرفته، نژاد زرد پوست هم هستند و مهمتر آنکه بسیاری از عادات و رسومشان هم نظیر یکدیگر است لذا بهتر و بیشتر از سایر ملل میتوانند همکاری کنند.

وضع عمومی ژاپن و روحیهٔ افراد آن فعلا باحقایقی که در این مقاله گفته شد چندان اختلافی ندارد، و تردیدی نیست که در آینده بیشتر بکنه این حقایق میتوان پی‌برد.

متن عهدنامهٔ شوروی و چین

دولت شوروی حاکمیت چین را بر منچوری

برسمیت شناخت

متن عهدنامه شوروی وچین که یکی از بزرگترین ومهمترین مسئله های بین المللی است و از چندهفته پیش توجه کلیه محافل دنیا را بخود جلب نموده بوده اینک انتشار یافته و در سر تا سر جهان تولید شور شوقی فراوان نموده است زیرا بر خلاف انتظار محافل بیطرفی که گمان میبردند اساس اختلافات منافع بین کشورهای آنگلوساکسن و شوروی از طرفی وچین و روسیه از طرف دیگر باندازه ای شدید است که با نیروی امید حصول سازش بین آنها نموده این عهدنامه ثابت

استالین

کرد که کلیه مسائل مربوط بدو کشور با نهایت تدبیر حل گردیده و بعلاوه طوری تنظیم یافته است کشور های انگلیس و امریکا نمیتوانند نسبت به آن کمترین ایرادی داشته باشند . بموجب این عهد نامه که اعتبار آن سی‌سال است دو کشور متعهد گردیده‌اند که جداً از خطر بروز حمله و تجاوز احتمالی ژاپن جلوگیری نمایند و بمحض شروع حمله ژاپن متفقاً از آن جلوگیری نمایند . بعلاوه در زمان صلح مناسبات خود را بر روی اصل کاملة الوداد قرار دهند و در کلیه شئون اقتصادی با هم همکاری نمایند و بدینقرار صلح و آرامش آسیا را کاملاً تضمین نمایند .

بر طبق این عهد نامه کلیه مسائل مهم آسیا که ممکن بود روزی موجب تولید اشکالاتی گردد حل گردیده و مخصوصاً قضیه منچوری که یکی از بغرنج ترین مسائل سیاسی جهان بود تصفیه گردیده است زیرا بر طبق این عهدنامه دولت اتحاد جماهیر شوروی رسماً حاکمیت چین را بر منچوری برسمیت شناخته و حاضر شده است که بمحض خاتمه عملیات جنگی اداره امور منچوری را نیز بچین واگذار نماید .

موضوع مغولستان داخلی نیز کاملاً حل گردیده است زیرا دولت چین استقلال آنرا برسمیت شناخته است .

یکی از مسائل مهمی که بر طبق این عهد نامه کاملاً فیصل یافته است موضوع کمونیستهای چین است زیرا دولت اتحاد جماهیر شوروی بر طبق این عهد نامه فقط دولت مارشال چیانک کای شک را بعنوان یگانه دولت ملی شناخته و رسماً متعهد گردیده است که در امور داخلی چین یعنی منطقه کمونیستهای چین بهیچ روی مداخله ننماید و بدینطریق کمونیستهای چین هیچ چاره‌ای جز آن ندارند که بهر قیمت که هست با دولت مارشال چیانک کای شک

بسازند و بدیهی است که دولتین انگلیس و امریکا از هر حیث بااین ترتیب موافق میباشند .

گذشته از این در عهد نامه برای تقویت و تشیید همکاری بین دو کشور مواد مهمی گنجانیده شده است که از آن جمله یکی استفاده از راه آهن و بنادر منچوری است که بیش از پیش موجب توسعهٔ حسن تفاهم بین دو کشور خواهد گردید .

تنها موضوعی که درعهد نامه اخیر شوروی وچین بدان اشاره نشده است موضوع کره است که ظاهراً باید دریک انجمن بین المللی حل گردد .

مارشال چیانگ کای شک

بطوریکه رادیوی لندن اطلاع داد نیروی امریکائی نیز در اشغال کره شرکت جسته واین موضوع میرساندکه راجع به اداره موقتی کره نیز بین چهار دولت سازشی حاصل شده است .

رادیوی دهلی هم خبر داد که مائو تسه تونگ لیدر کمونیستهای چین درخواست مارشال چیانگ کای شک را برای مذاکره در اطراف تأمین و صلح چین پذیرفته و بطور یک بطرف مقر مارشال چیانگ کای ـ شک حرکت کرده و حال آنکه چند روز پیش شخصاً از ملاقات چیانگ ـ

دکتر سونگ نخست وزیر چین

کای - شک خود داری نمود و به اعزام یک تن نماینده اکتفا کرد این موضوع میرساند که عهد نامه شوروی و چین کلیه موانع را که در راه تأمین وحدت چین وجود داشت از میان برداشته است بالاخره چین پس از ۸ سال تحمل دشوار ترین مضائق اینک در پرتو عهد نامه جدید شوروی وچین تبدیل به یکی از بزرگترین کشور های آسیا گردیده است و میتواند بکمک اتحاد جماهیر شوروی و امریکا صلح و آرامش را در سرتا سر قاره آسیا برقرار سازد .

در هر صورت عهدنامه شوروی و چین یکی از بزرگترین سند های سیاسی است که در تأمین صلح و آرامش آینده جهان تأثیرفراوان دارد وبهمین جهت است که امضای این عهدنامه در کلیه کشورهای شیفتهٔ صلح و آرامش تولید خوشوقتی فراوان نموده است .

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان

ترجمه : م . ب . ۷۹

از برنارد نیومان

اژدهای سیاه

تشکیلات آدمکشی ژاپنیها

سازمانیکه برنامه خود را انجام میدهد و کسی از نام افراد آن اطلاعی ندارد

از جمله موضوعاتی که پس از تسلیم بلاشرط ژاپن بر متفقین کاملا آشکار گشت انجمن و تشکیلاتی بود بنام «اژدهای سیاه» که به اعمال فجیعی چون قتل نفس و آدم کشی اقدام مینمود.

ژاپنیها در حدود دویست سازمان آدم کشی داشته اند که اژدهای سیاه یکی از آنها میباشد ولی این یک از تمام بیشتر قابل توجه و امعان نظر است چه هیچیک از افراد آن همکاران خویش را نمیشناسند وهنگام عمل هم فقط با سه یا چهار نفر از ایشان روبرو میگردند.

نه هر کسی

عضویت اژدهای سیاه شرایط بخصوصی داشته و نظامنامه‌های ویژه ئی جهت استخدام دارد، مثلا فقط افسران رشید و قوی نیرو های زمینی و دریائی که اداره کنندگان حقیقی ژاپن هستند، اجازه دخول دراین سازمان دارند. این اشخاص، یعنی اعضاء این سازمان معتقدند که خداوند ژاپن را فقط برای آقائی و ریاست آفریده بنابر این وظیفه ملتی زرد پوست چون ایشان است که عقیده و مقصود خدا را عملی سازند و جدی در اعتقادات خویش راسخ بچون خود پا برجا میباشند که از استعمال بمب اتمی نهراسیده و تصمیم به ادامه نبرد داشتند.

اشغال نمود ، با کنفرانس لندن دایر بر تجدید نیروی دریائی موافقت ننمود . ولی فوراً از طرف کمیتهٔ اژدهای سیاه بدیار عدم رهسپار گشت .

یکی دیگر از نخست وزیران ژاپن اینوکائی هم در دست این افراد کشته شد زیرا عقیده داشت که باید باچین ساخته و از دردوستی وارد شد .

دیگران :

از جمله اشخاص قابل ملاحظه دیگری که توسط این سازمان مخفی نابود گشتند « بارون دان » یکی از صاحبان صنایع بزرك ژاپن بود که با عملیات خویش سبب بحران ژاپن در منچوری شد ولی هنوز برنامه خودرا خوب بموقع اجراء نگذارده بود که دریکی از خیابانهای توکیو هدف تیری نامعلوم گردید .

دولت ژاپن تصمیم گرفته بهر نحوی که ممکن باشد قاتل را بدست آورد . وبهمین علت بیش از یك میلیون افراد ژاپونی تحت استنطاق در آمدند ولی قاتل کشف نگردید بعلاوه قضاة دادگستری و وزراء کابینه نیز دست از اقدام کشیدند ، چه هر کدام بنوبه خود از کمیته سخت میترسیدند .

کلاه کولاکی قاآن !؟

مرکز سابق اعضاء هیئت رئیسه کمیته اژدهای سیاه هراوزاکا (منچوستن ژاپن) بود که نامرتب در مواقع بخصوصی همدیگر را ملاقات کرده و تصمیمات لازمه را میگرفتند .

این اشخاص شغل های بلند و مهمی در آن میبودند که از کلاه خود کولاکی قاآن کمتر سبب استعجاب و تحیر نمیگشت و هر کسی بنابر تعداد مقتولین خود و خدماتی که بکمیته کرده دارای علائم بخصوصی بود در عداد این افراد باید عمومی سرباز ، ناوی معلم ، سیاستمدار وبالاخره اشخاص معمولی را نام برد که همه جان خود را برای پیشرفت مقاصد کمیته در دست گرفته و به بزرگی و اقتدار ژاپن عقیدهٔ راسخ داشته و البته هنوزهم دارند »

بزرگترین فعالیت

در ماه فوریه ۱۹۳۶ بزرگترین فعالیت های اژدهای سیاه بظهور رسید یعنی یکی از اعضاء آن بنام سرهنگ (ایزاوا) بعلت کشتن افسرارشد خود بجای میزدها که خوانده شده و تنها دلیلی که درمقابل گفته‌های قضات داشت علاقهٔ خود بود به (افتخار و شرافت ژاپن) بود ولی محکوم شد . همین امر سبب گشت که دوستان و همکاران او نقشه اصلی خودرا که کشتن تمام اعضاء کابینه بود عملی سازند .

هولیوود

قبل از شرح عملیات ایشان باید دانست که هدف کمیته اژدهای سیاه همیشه اشخاص پیرو آنهائی که اقلا ازهشتاد سال بیشتر دارند میباشد .

هریك ازوزراء کابینه بنحوی خودرا ازانظار مخفی میداشت تامبادا کشته شود داستان فرار نخست وزیر آنزمان که دریاسالار (اوکادا) بود ورد زبانها و طرف توجه کمپانی های فیلمبرداری هولیوود واقع شد .

کودتا

قاتلین شوهر خواهر او را اشتباهاً بجای نخست وزیر کشتند . ولی دولت اعلام داشت که نخست وزیر بقتل رسیده و براثر عدم شوهر خواهر او ، باسم رئیس الوزراء تشییع جنازه رسمی نمودند ولی شخص اوکادا در تشییع جنازه خویش شرکت کرد و بدین نحو از خاین خطر و مرگ حتمی رهائی یافت .

پس از خاتمه این موضوع کشف و در بازداشت اوکادا بواسطه این حادثه هالیوودی توجه عموم قرار گرفت ولی فرمان امپراطوری حاکی از آن بود که باید از مقام خویش استعفا دهد (زیرا خداوند بزرگ امپراطور او را مرده میپنداشت)

این دفعه

این دفعه اژدهای سیاه فعالیت زیادتری نمود وبیش از پانزده نفر از اشخاصی را که هدف قرار داده بود بوضع فجیعی بقتل رسانید.

بعضی ها تصور میکردند که شاید با از بین رفتن این پانزده نفر برنامه عملیات کمیته نیز پایان یافته است. ولی تردیدی ندارد که اشتباه میکردند زیرا در سالهای اخیر نه تنها کار آنها کم نشد بلکه دامنه وسیعتری هم یافته قسمتی از افراد کمیته به چین مسافرت کردند وعده زیادی از میهن پرستان آن کشور را که جداًمخالف باژاپن بودند نابود ساختند.

باروسیه نمیشود

کمیته تصمیم گرفت که منچوری و سرحدات شوروی را دردایرۂ عملیات خویش وارد سازد ولی پس از مدتی دریافت که روسیه شوخی بردار نیست و افسران آنرا نمیتوان کشت.

درسال ۱۹۳۹ که روسیه مقتدر میشد عدۂ معینی از ژنرالها وسیاستمداران ژاپونی با همکاری با آلمان و در نتیجه یافتن نفوذ در آنسوی جهان مخالفت ورزیدند اما این سیاست دیری نپائید زیرا یکی پس از دیگری فوت (!) کرد. بالاخره باروی داخن اتفاق (پیرل هاربور) قدرت و نفوذ کمیته اژدهای سیاه دوباره هویدا و تثبیت گشت.

متفقین چطور

حالی که ژاپن بلاشرط تسلیم گردیده و کاملا شکست خورده است و هر روز بر تعداد افراد نیروهای فاتح در آنکشور افزوده میگردد آیا متفقین خواهند توانست که سری از اسرار این کمیته درآورده و یاکشف افراد آن، اژدهای سیاه را نابود سازند؟

جواب این سئوال را چند سال دیگر مطالعه فرمائید.

تحولاتی که بمب اتومی در سیاست جهان وارد نموده است

بمب اتومی عصر جدیدی را در تاریخ بشر آغاز کرده است . چه دارنده آن امریکا فعلاً بر سایر دول دیگر تفوق داشته و در صورت تمایل بجنگ خواهد توانست که دشمن را در همان روزهای نخست وادار بتسلیم نماید . چنانکه کشور ژاپن با آن همه قدرت و عظمت پس از بکار رفتن دومین بمب اتومی اسلحه را بر زمین گذاشت و دست از جنگ کشید .

عدم موازنه

درست است که بشر در علم و صنعت هر روز به ترقیات و اکتشافاتی نائل آمده ولی باید دید آیا در اخلاق و عادات اجتماعی و سیاسی هم ترقی کرده است ؟

اگر با نظر دقت بتاریخ چند سال اخیر نگاه کنیم بحقیقت تلخی پی میبریم . یعنی درمییابیم که از [illegible] یعنی [illegible] در اروپا بعلت صنایع و کارخانجات و آنچه مربوط باین دو است ترقی و پیشرفت فوق العاده زیادی نموده است ولی بمیزانیکه بشر نه تنها باین اندازه از حیث اخلاق سیاسی و اجتماعی وانسانیت بالا نرفته بلکه سطح آن بهمان قسمت سابق باقی مانده است .

چه فایده ؟

درست است که [illegible] و علمای اجتماعی بی نهایت کوشیده [illegible] داشته اند .

درست است که کتب فراوانی در این باره نوشته و گفته شده لیکن عاقلانه باید اذعان نمود که سطح عمومی اخلاق بمراتب پائین‌تر و عقب‌تر از سطح علوم و صنایع است .

سیاست در دنیای کنونی هنوز هم پا بند تمایلات و احساسات بشری است و اگر چه سیاست در نظر بعض دول مسیر معینی دارد و هر کس بروی کار آید مجبور براندن کشتی مملکت از همان راه است معهذا مشاهده میشود که همین ناخدایان بمجرد یافتن فرصت از مسیر اصلی منحرف میگردند وبعلاوه نوسانات وانحرافات آن کشتی ها را فقط اشخاص تیز بین و حساس در می یابند نه اشخاص دیگر .

معنی پیروزی

پیروزی زمانی حاصل میشود که احساسات فردی در سیاست از بین رفته و جای خود را به تمایلات اجتماعی دهد .
مقصود از کلمه پیروزی معنی آن است بطور اعم ، یعنی پیروزی بر هر چیز وموضوعی ، نه تنها کامیابی در جنگ .

حیوان جنگجو

بشر همیشه یک حیوان مخرّب وجنگجوئی بوده است . مضافاً باینکه تا کنون قدرت تخریب کلی نداشته و نتوانسته که عالم را فنا سازد . . اما اکنون آنزمان رسیده و دوره ئی که در آن زندگی میکنیم آخرین نقطهٔ آمال حیوانی بشر یعنی نابودی وخرابی میباشد . همان بشریکه روزی با چوب و نیزه میجنگید اکنون قدرت فنای جهان را دارد ، و از آنجائیکه پس از کشف یا اختراع چیزی در بعضی از شئون اجتماعی بشر تحولاتی ایجاد میگردد ، اکنون نیز بر اثر اختراع بمب اتومی تغییرات وتحولاتی در امور سیاسی عالم بطور کلی پیدا خواهد شد . و باصطلاح اکنون دورهٔ است که بشر پابه « رسیدگی سیاسی » دست بزند "

ما هم بله ؟

در کشورهای دموکرات ، بشر معمولی یعنی هر فردی مقداری وقت خود را صرف فکر در باره امور سیاسی مینماید و شاید

استفاده شده و آنرا قسمتی از شکل اصلی خود قرار دهند. درمقابل،
در بعضی ازکشورها چون آلمان و ایتالیا این عقیده کلیت نیافته و مردم
پیشرفت این امر یعنی مسئله سیاسترا برعهدهٔ چند نفر میگذارند.
آنان نیز بفراست وفراخور عقل وفهم خویش کارها را از پیش میبرند.

تنبلی یا اشتباه؟

شکست در سیاست ممکنست بر اثر دلایل و اسباب زیادی چون تنبلی، و مهم تر از آن، اشتباه هویدا گردد، ولی بیشتر بواسطهٔ دلایل اخلاقی وروحی شخص سیاسی بروز میکند. لرد (آکتون) ضرب‌المثلی دارد که در بین انگلیس ها بسیار معروف و متداول و از این قرار است:

« تمام نیرو ها متمایل و مجبور به اضمحلال هستند یکقدرت تنها و بلا مانع تنهائی خویش را بخودی خود از بین میبرد، تمام مردان بزرگ بد هستند. ولی اگر بتوانیم بگوئیم که تمام جابرین بد هستند گویا بهتر باشد اگرچه مبهم تر و بیشتر قابل توجه باشد.

بازی سیاست

تنها وسیله بازرسی قدرت و عظمت یک بشر قوی نیروی مقاومت افراد دیگر است. بعضی ها معتقدند که سیاست کار و بازی کثیفی است، و شاید حقیقتاً هم همینطور باشد، ولی پاک کردن کثافت سیاست نیز مثل تمام بازیهای دیگر چاره‌ئی دارد، و آن اطاعت و فرمانبرداری بازیکنان آن است از قواعد و قوانین بازی.

بازیهای اجتماعی

اگر قدرتی پیروزمند از میان برود هرطوری شده بالاخره [illegible] جانشین آن میگردد. تمام بازی های قدیمی ([illegible] که شهرت داشتند) بودند که گاه گاه زور و مشقات [illegible] و اداره میشوند، ولی گاه را هم زیاد بکار بردن آنها را [illegible] انداخت. [illegible] اصلاح [illegible] آن [illegible] است که امروز [illegible] جنگی [illegible] و با

بنامهای دیگر نامیده میشوند و در آن اردو بدون ذرئی مقاومت و ایستادگی مجبور به اسارت مشقت ، گرسنگی ، رنج ، کمک و چشیدن ضربات محکم شلاق شدند تنها دلیل این عده جمله «مامجبور باطاعت وانقیاد بودیم» است که درحقیقت معنا ومفهوم صحیحی ندارد .

مقدس یا بزرگ ؟

عده‌ئی سیاستمداران رااشخاص مقدس و بزرگی میدانند . این عقیده کاملا غلط است . اگر چه سیاستمداران ازقدرت ونفوذ خویش لذت برده وازآن بنفع مملکت خود استفاده میکنند و بمفهوم دیگر بزرگ هستند ولی اعمال ایشان تقدسی را نشان نمیدهد .

بعلاوه ، شغل این مردان سیاست است وواضحاً هر کس پس از انجام کار خود از اینکه هم باری از دوشش برداشته شده وهم مشکلی را از میان برده است باطناً مسرور و دلشاد میگردد .

بزرگترین اختلافی که بین سیاستمداران و اشخاص معمولی وجود دارد اینستکه دسته اول قدرت امتزاج هوش و فکر خودرا با امور سیاسی دارند در حالیکه دسته دوم فاقد این نیرو میباشند . ولی امروز هرچه افراد دیگر بیشتر در باره امور سیاسی فکر و دخالت کنند بهمان نسبت هم قدر ومنزلت سیاستمداران کاسته میگردد مگر آنکه سیاستمداران نیز سطح معلومات و اطلاعات خودرا بالا برند .

کار مشکل

امروز سیاست برای هر کسی کاری سخت و پر زحمتاست چه باید مدتی از وقت خود را صرف آن نماید . با رفقای خود بجنگد . اگر از این میدان با مظفریت بیش آمد که نامی ترین اشخاص عهد خویش میگردد و الا برای همیشه محو و نابود میشود معمولا سیاستمداران و آنهائیکه دراین راه قدم میگذارند بایدشغل خود (سیاست) را جدی دانسته وتمایلات فردی را فراموش کنند .

اینست مفهوم حقیقی عصر بمب اتمی و تحولاتی که در روحیه بشر و دوره گردان های سیاست جهان وارد نموده است .

بلا از آسمان گردیده نازل
بقدّ و قامت مخلوق موزون
(بشر شد بر قتال و ظلم تحریص
جهان از نو بخشم و جنگ کانون)
ز کف دادند مال و مکنت و جان
همه در مانده و ناچیز و مغبون
همه از زندگی مأیوس و ناکام
همه بر یکدگر مقروض و مدیون
(یکی ازدیگری) درخوف ومرعوب
ازآن یك آن یکی مشکوك ومظنون
(نه آن ترك سلاح جنك سازد
نه فکر دیگری بر صلح مقرون)
نه کس گردد زفعل خود پشیمان
ز وحشت عالمی در رنج و محزون
نه تقویت این کند برجان عفریت
نه آن یك امن بر شیطان ملعون
ز طیاره هزاران (بمب) باریده
به شب لشکر زدی بر هم شبیخون
به آئین صلح باید شست خون را
«که خونی را نمیشوید با خون»
خداوندا تو رحم کن به مخلوق
ز فکر خلق تو ما جنگ بیرون
نما صادر پی آسایش خلق
ز لوح عرش فرمان همایون

ز (دولت) این دعا فرما اجابت
که تا دنیا شود محفوظ و مأمون

ز بعد گفتن این چامهٔ نغز
ز هر جانب رسید این مژده اکنون :

ز (بمب اتمی) وز سوی امریک
جهان شد بر اساس صلح مقرون

اگر این (تحفه) افتد دست مخلوق
بگردد زیر و رو دنیا و وارون ! ..

از آن پس در زمین نامی نماند
نه گیتی ماند و نه دشت و هامون

بلی دنیا چنین گردیده آرام
همی عالم (بدین صلح) است مرهون

(عرب گوید که الملک و عقیم)
روایت میکنند از قول « هارون »

(برای صحت مرضی طبیبان
ز خون گیرند وخون ریزند بر خون)

معظم السلطنه دولت

ترجمه از مطبوعات فرانسه

باهر ضربتی سر یکنفر از گردن جدا میشد!

داستانیکه « کابورال فرنان کرون » حکایت میکند بخوبی نشان میدهد که ژاپنیها وحشیگری را نسبت به اسرائی که بدست میآورند تا چه حد اعمال میکنند .

کابورال کرون مجبور شده است کاملا لخت در کنار خندقی پهلوی (۵۰) نفر از هموطنان خودش زانو بزند ؛ در حالیکه صاحب‌منصب ژاپنی با یك شمشیر سنگین سر این افرادرا یکی یکی قطع کرده و بدن آنها را در خندق میانداخته است .

کابورال کرون خود از مرگ نجات یافته و اینك آنچه را که دیده است برای خوانندگان حکایت میکند :

* * *

« روز نهم مارس سال گذشته من در « هونك نانك » از بنادر کوچك هندوچین نزدیك لانکون بودم . مدت سه روز تمام بود که ما در مقابل محاصره ژاپنیها ایستادگی میکردیم ولی چون ژاپنیها کمکهای جدیدی دریافت کرده بودند در خطوط ما رخنه نمودند ما متحمل تلفات سنگینی شدیم ؛ نه آب داشتیم و نه اسلحه و مهمات ؛ بنابراین مجبور بتسلیم گشتیم . سرتیپ ژاپنی بسروان ما تبریك گفت و دفاع شجاعانه او را ستوده وی را دعوت کرد تا با افسران ژاپنی چای صرف کند .

تازه سروان دسته ما سر میز نشسته بود که یک افسر ژاپنی با قنداق هفت تیر بگردن او نواخت . پس از آنکه او نقش زمین گشت یک افسر دیگر ژاپنی گلوله ای در سر او خالی کرد و ما در آنموقع حاضر بودیم . دورا دور مارا سربازان و افسران ژاپنی که کاملا مسلح بودند محاصره کردند . بنابراین ما از تقدیری که در انتظارمان بود بدینوسیله آگاه شدیم .

گروه ما عبارت از نه نفر اروپائی ، چهل نفر تیرانداز هندی و چینی و دو زن از اهل آنامیت بود .

ما را بکلبه ماموزین کمرانک که در آن نزدیکی بود هدایت نموده و مجبورمان کردند که هرچه لباس داشتیم از تن در آوریم

هنگام غروب مارا بکنار جنگل هدایت کردند . در آنجا یک خندق نسبتاً طولانی در انتظار ما بود . وقتی بآنجا رسیدیم پنجه های همه ما را بهم متصل کرده و ما را وادار کردند که در کنار خندق زانو بزنیم .

راجع بآنچه که بعد پیش آمد فقط باید بگویم وحشتناک بود . از زیر چشم من مشاهده کردم که هر شخصی با شمشیری که بدست دارد نزدیک میشود .

هنگامیکه به همرزمان من رسید اولین ضربت را نواخت سر از بدنش جدا شد و در خندق افتاد . او بلافاصله شمشیر را چنین کرده [illegible] ترتیب یکی پس از دیگری سر از بدن جدا شده و در میان خندق میافتاد . با هر ضربتی یک سر در میان خندق میغلطید و با هر ضربتی مقتول آنچه فریاد میزد :

« زنده باد فرانسه ! »

هنگامیکه میرغضب نزدیك من رسید من چشمم را بستم . عضلات گردنم را منقبض کردم و کمی سر را پائین بردم . این حرکت غریزی مرا نجات داد و من حس کردم که ضربت بسیارقوی بسرم اصابت کرد و بلا فاصله در خندق غلتیدم .

ده دقیقه بعد همه چیز در اطراف من ساکت بود . من با احتیاط برخاستم و مشاهده کردم که ژاپنیها رفته بودند . اول من دوستان وهمکاران سفید پوست خود را صدا زدم هیچکس جواب نداد بیهوش شدم . و قتی بخود آمدم تاریکی همه جا را فرا گرفته بود . چند کیلومتر دورتر از آن قتلگاه دهقانان هندوچینی بمن جا و خوراك دادند و از من مواظبت کردند . بعد وقتی قدری قوت گرفتم بیك گروه از قوائی که بطرف چین میرفت ملحق شدم . »

اینست داستان این افسر فرانسوی که در لحظه اعدام خودش حاضر بوده است . وحشیگری چه بنام صلیب شکسته چه بنام دیگری باشد همه جا وحشیگری است و سه ماهی بیشتر نگذشت که ژاپن نیز بدوست ومتفق خودش آلمان ملحق گردید .

وقایع مهم پنجسال جنگ

در خاور دور

۱۹۴۱

دسامبر ۷ — نیروهای دریائی و هوائی ژاپن به تکیه گاه دریائی پرل هاربور در جزایر هاوائی بدون اعلان جنگ حمله نمودند و پنج ناو جنگی و سه ناوشکن و یک مین گذار و یک کشتی هدف گیر را غرق کرده و بسه ناو جنگی و سه رزمناو و یک کشتی هواپیمابر و یک کشتی تعمیر آسیب زیاد وارد آوردند و قریب سه هزار نفر کشته یامفقود شدند. ژاپونی ها بجزیره گوآم وسایر جزایر فیلیپین حمله بردند.

۸ ـ کنگرهٔ امریکا اعلان جنگ به ژاپن داد.

۱۰ ـ ژاپنیها در لوزون وجزایر فیلیپین پیاده شدند.

۲۳ ـ ژاپنیها گوآم را تسخیر کردند.

۲۴ ـ ژاپنیها جزیره ویک را تصرف کردند.

۱۹۴۲

ژانویه ۲ ـ ژاپنیها وارد مانیل شدند.

۲۳ ـ ژاپنیها در جزیرهٔ سلیمان و بریتانیای جدید پیاده شدند و استرالیائی ها را [illegible] نمودند

مارس ۱۷ ـ ژنرال مک آرتر وارد استرالیا شده و فرماندهی [illegible] بعهده گرفت.

آوریل ۹ ـ شبه جزیره باتان سقوط کرد و ژاپنیها ۳۶ هزار امریکائی و فیلیپینی را اسیر کردند.

۱۸ ـ هواپیماهای امریکائی [illegible] به توکیو و یوکوهاما و کوبه و ناگویا در ژاپن حمله نمودند.

مه ـ ٤ تا ٨ جنگ دریائی مرجان درگرفت ١٥ ناو جنگی ژاپن و یك هواپیما بر و ٤ ناوشکن غرق شدند امریکائیها یك هواپیما بر ویك ناوشکن ویك نفت کش ازکف دادند.

٢٥ ـ سرلشکر استیلول امریکائی اعتراف بهشکست متفقین در برمه نمود.

ژوئن ٤ تا ٦ ـ جنگ میدوی شروع شد ٤ هواپیما برژاپونی وسه ناوشکن و ٣ رزمناو غرق شد و ٢٧٥ هواپیما منهدم وقریب ٥ هزار ژاپونی کشته یاغرق شدند. تلفات امریکائیها عبارت بوداز ٣٠٠ نفر و ١ هواپیما و ١ ناوشکن.

١٢ ـ ژاپونیها در جزایر آتو و کیسکا در جزایر آلئوسین پیاده شدند.

اوت ٧ ـ افراد نیروی دریائی اولین حملهٔ متقابله خود را شروع نمودند و در گودال کانال و تولاکی در جزایره سلیمان در اقیانوس آرام جنوبی پیاده شدند.

اکتبر ـ ٢٥ ـ ٢٦ ـ درجنك جزایر سانتا کروز ژاپنیهایك رزمناو و ٣ هواپیما بر و ٢ ناوشکن از دست دادند و ٥رزمناو آنها آسیب دید تلفات امریکائی ها عبارت بود از ١ هواپیما بر و یك ناو شکن که هردو آسیب دیدند.

نوامبر ٨ ـ نیروی امریکائی که با هواپیما حمل شده بود در نزدیکی بونا در گینه جدید پیاده شد.

١٣ تا ١٥ ـ درجنك دریائی گودال کانال ژاپنیها ٢٨ کشتی شامل دو ناو جنگی و ٨ رزمناو و ٦ ناوشکن و ٨ کشتی حمل ونقل و ٤ کشتی باری از کف دادند و دو ناوجنگی و یك رزمناو و ٢ ناوشکن آنها آسیب دید.

تلفات امریکائیها عبارت بود از ٢ رزمناو و ٧ناوشکن.

۱۷ - نیروی امریکا در انی و توك در جزایر مارشال پیاده شدند.

۲۹ - جزایر آدمیرالتی مورد حمله متفقین واقع شد.

مارس - ۲۲ - نیروی سرلشکر ماك آرتور در ۱۵۰ میلی ساحل گینه جدید از اتیاپ تا هلندیا پیاده شده و قریب ۳۰ هزار نفر ژاپونی را محاصره کردند.

۲۳ - ژاپونیها بهندوستان هجوم بردند و به ۲۲ میلی ایمفال رسیدند.

مه - ۱۱ - ژاپونیها تمام خط آهن هانکو به پکن را تسخیر نمودند.

۱۸ - نیروی ماك آرتور واکده‌را تسخیر کردند.

امریکائیها به بیاك حمله نمودند.

ژوئن - ۷ - نیروهای چینی جاده برمه را قطع نموده و لامنك را تسخیر کردند.

۱۵ - نیروهای دریائی امریکا به سائیپان در جزایر ماریان پیاده شدند.

ژوئیه - ۱۹ - کابینهٔ ژنرال توجو در توکیو استعفا داد.

۲۰ - امریکائیها به گوام برگشتند.

۲۸ - نیروهای امریکائی به تینیان در جزایر ماریان پیاده شدند.

اوت - ۱ - متفقین ۱۰ میلی از ساحل سانساپور را در گینه جدید تسخیر کردند.

۴ - اعلامیه متفقین صادر شد مبنی بر اینکه نیروهای متفقین در شمال شرقی هند و شمال برمه قریب ۹ لشکر ژاپونی را نابود ساخته و ۴۲ هزار افرادرا کشتند.

ترجمه و تلخیص : آقای مسعود برزین (از دیلی میل)

اسلحهٔ مهم دیگری که از بمب اتمی مخوف تر است

مسئله قروض جنك و نقش قانون وام و اجاره

درجنك یك اسلحه مخوف دیگری را بغیر از بمب آتمی که باید فوق العاده طرف توجه قرار گیرد از یاد میبریم . این اسلحه اخیر مسئله اقتصادی و کمکهای مالی است که با قانون وام و اجاره آغاز گشته و اساس قرارداد (برتون وودز) را بنا نهاد .

فقط امریکا

در نقش مهمی که قانون وام و اجاره در جنك بازی کرد تردیدی نتوان داشت چه : مسلح و آماده نمودن ملل و در نتیجهٔ کسب پیروزی بدون آن امکان پذیر نبود " کمك های اقتصادی و مالی کشور های متحدهٔ امریکا تنها سلاحی بود که بالاخره آلمان و ژاپن را از پای در آورد .

انگلیس بیش از همه

بغیر از روسیه هیچ کشوری در جهان باندازه بریتانیا از این قانون استفاده نکرد . ولی یك موضوع دیگری را هم باید در مد نظر نگاه داشت و آن ایستادگی اخلاقی و نیروئی که از کلیه افراد انگلیسی در این چند سال جنگ دیده شد تا کنون در تاریخ بشر بی سابقه بوده است یعنی مشاهده نگشته که ملتی باین اندازه در هنگام خطر و نابودی بیکدیگر نزدیك شده و از کلیه حقوق و آرزوهای خود برای در آغوش کشیدن صلح دست بکشند .

از جنگ (سال ۱۹۳۸) برساند مجبور استکه قریب به پنجاه در صد بر آنچه در آن سال صادر میگشت بیفزاید . حال چطور انگلستان خواهد توانست که درانجام این عمل موفقیت حاصل نماید و میزان صادرات خویش را ترقی دهد ؟

تنها جوابی که بسئوال فوق میتوان داد آنستکه این مقصود وقتی بحقیقت میپیوندد که بازرگانی خارجی امپراتوری رایج بوده و توسعه زیاد داشته باشد .

اگر سیستم اقتصادی بین‌المللی کـه در سده نوزدهم وجود داشت دوباره خود نمائی کند یعنی بازرگانی خارجی باقرارداد های مشکل ، با مالیات های گزاف با گمرک های طاقت فرسا و بالاخره با تعرفه‌های بیفایده و بیجا امکان پذیر باشد امپراتوری نامبرده هم هرگـز نخواهد توانست قدمی برای بهبود اوضاع اقتصادی خویش بردارد .

تا دوسه سال دیگر انگلستان خواهد توانست که با مساعی بینظیری کـه در دوران جنگ از خود نشان داد ، میزان صادرات خود را طوری تعادل دهد که بتواند قیمت واردات را بپردازد . ولی از نظر اصول باید دانست که بکمك و مساعدت زیادی برای تعادل کلی فرستاده ها و واردات خویش محتاج است .

وضع هیچیك از ملل متفق مثل این کشور سخت و پیچیده نیست ، چه هر کدام دارای موقعیت خاصی بوده و بعلاوه قرض هیچیك از ایشان باین اندازه نمیباشد. البته هریك از آنها نیز محتاج اعتباراتی برای توازن واردات و صادرات خویش میباشند و برای ابتکار مسلماً سرمایه هائی تخصیص خواهند داد . ولی مسئله قابل ملاحظه آنستکه انجام این امر بدست دول خواهد بود و با آنهاست که باوضاع اقتصادی خویش کاملا رسیدگی کنند .

رئیس یا پیشوا

اگر دولت کشور های متحدهٔ امریکا شخصاً باوضاع اقتصادی جهان رسیدگی نکند مهذا لیدری و پیشوائی آنها را تقبل خواهد نمود . این امر تنها کاری است که انجامش از عهده دولت نامبرده بر آمده و البته در دنیائی عملی میگردد که اتحاد و یگانگی در آن حکمفرما باشد و تا ملل کوچک بتوانند خودرا از بلایای جنگ رها ساخته و زندگی خویشتن را بحال عادی عودت دهند .

موانع جدید

اگر مساعدت اقتصادی انگلیس را هم ذکر نمائیم باید زمینه مساعدی را هم که برای آن لازمست ایجاد نمود . خطرات و موانع بزرگی که فعلاً در راه همکاری جهان خود نمائی میکنند باید از میان برداشته شود . یکی از این عایق ها روش مخصوصی است که پاره ئی از کشور های امریکا نیز در این دسته است باسم پشتیبانی از منافع غیر اقتصادی داخلی خویش در پیش گرفته اند .

موانع بزرگ دیگری را هم باید از میان برداشت . این موانع اخیر پس از جنگ بین المللی اول خود نمائی میکرد و اکنون نیز در ساختمان سوالات خود نمائی میکند و بدون تردید اگر در صدد جلوگیری از آن بر نیائیم باز موانعی خواهد شد .

فروش جهانی آزاد

متوجهیم عده ئی از کشور های جهان از فروش بین المللی اول مشتری دولت امریکا میباشند . ولی مسائلی که فعلاً تحت عنوان قانون وام و اجاره بیان مطرح شده است بی اندازه بیشتر میباشد انگلستان منافع مستقیمی برای کسب پیروزی دریافت داشت

وبعلاوه منافع غیرمستقیمی هم تحت عناوین مخصوص چون کمک‌های دوستانه ، و غیره بدست آورده است .

اگر زمانی امر « قروض جنگی » آسمان اقتصادی جهان‌را ترك گوید و آنرا صاف بگذارد ، عموم ملل جهان خواهند‌توانست که وضع اقتصادی خود را خوب و سطح آنرا بالا برند .

یعنی قدرت آنرا دارند که دو باره دست باستقراض زنند ولی با اقتصادیون جهان است که گردهم جمع آیند وشرایط جدیدی چون مقدار کم ، مدت کوتاه و مزایای بیشتر وضع نمایند ولی مسئله قروض این دو جنك و بخصوص جنك اخیر بحدی جالب‌توجه است که دقت عموم دول را متوجه خویش ساخته و بدون شك نخست باید آنرا حل کرد .

خانم مارشال چانکایشك رئیس جمهور چین

ولی آیا با وجود این موضوع جائز بود که باخطر نابودی تمدن رو برو شد ؟

این افکار مرا بخود مشغول میداشت ومیدانم که مردم‌دیگری نیز با این افکار مدتها بسر برده اند .

دریکی ازروزهای ماه ژانویه ۱۹۳۹ یك نویسندهٔ کاتولیك ایتالیائی که از طرفداران جدی و صمیمی صلح بود بدیدن من‌آمد او از طرف کاردینال وردیه از من پرسید که آیا نظر من راجع بیك اقدام قطعی از طرف پاپ‌پی یازدهم نزد دو دیکتاتور چیست و حتی بمن گفت که اگر این نظر پی یازدهم را پسندیده ام راجع بآن با نخست وزیر فرانسه صحبت کنم .

اقدامات نزد دالادیه

من نه تنها از جنگ بلکه از فکر اینکه ممکن است در نتیجه یك شکست خانهٔ خراب کن برای فاشیسم به ایتالیا باز گردم قبول کردم که در این موضوع با دالادیه صحبت کنم و باو گفتم :

« چیزی بآخر عمر پی یازدهم نمانده است و این موضوع مقام و نفوذ او را بیشتر میکند . پس از آنکه در اوائل فکر های راجع به فاشیسم کرد اکنون عقیده دارد که او را فریب داده اند اگر بطور مخفیانه از او بخواهیم که بدو ظالم پیغام فرستاده و چند امتیاز کوچك هم با این اشتیاق خود ببرد و در مقابل از آنها بخواهد که تشکیل یك کنفرانس راجع به خلع اسلحه را قبول کنند فقط این عمل بضرر مجرمین تمام خواهد شد .

پس از مدتی مذاکره دالادیه تصمیم گرفت که کاردینال وردیه را مخفیانه به واتیکان بفرستد .

کاردینال روز سی ژانویه با اطلاعات و دستورهای کافی بدانجا

رسید . باوجود آنکه سخت بیازدهم ناخوش بود فوراً اورا پذیرفت و با صدای بسیار ضعیفی از کاردینال وردیه خواست که متن نطقی را در این موضوع حاضر کند تا او در نطق خودش در کلیسای سنت پیر روز دوازدهم فوریه بیان نماید .

برای این نطق او کلیه اسقف های ممالک رسمی را در رم طلبیده و پاپ میخواست تنفر خود را از فاشیسم در آن باطلاع جهانیان برساند . بدبختانه پاپ روز دهم فوریه مرد .

چند ساعت قبل ازمرگش این کلمات را در حال احتضار بطبیب معالجش گفته بود :

« دکتر مرا تا روز دوازدهم زنده نگاهدار زیرا مطالب مهمی را در آن روز باید بگویم . . . »

در هنگام تعیین پاپ جدید اوضاع بین المللی سخت تر و تیره تر شده و ازطرفی یک پاپ تازه کار آنچه را که یک پیرمرد [illegible] میتوانست انجام دهد نمیتوانست بکند .

موریس سارو از این موضوع اطلاع داشت

باید بگویم که تنها فرانسوی که من در این موضوع و [illegible] بالاخره با او صحبت کردم موریس سارو مدیر روزنامه [illegible] بود .

در آن هنگام من هر ماه دو مقاله برای آن مینوشتم و این [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از [illegible] پاپ [illegible]

[illegible] فرانسه و [illegible]

کاردینال خوش قلب و یك یا دو ایتالیائی تمام مساعی خود را بکار میبردند تا بد بختی بین المللی کـه ورود آنرا حس میکردند واقع شود ! .

من بشاه نامه نوشتم

هنگامیکه روشن شد که رایش آلمانی کـه صد در صد از هیتلر پشتیبانی میکرد تصمیم گرفته است کـه هرطوری شده ماجرائی که در ۱۹۳۸ شروع کرده بود ادامه دهد ؛ تنها امیدی که دیدم آن بود که ایتالیا در این کشمکش داخل نشود .

من بانقشه هائیکه طرح کرده بودم دست باقدامات زدم قسمتی از نقشه های خود را بیهوده باطلاع آقای ژورژ بونه وسپس روز ۳۰ مه ۱۹٤۰ در نامه ای به پادشاه ایتالیا اظهار داشتم .

در نامه مفصلا به پادشاه ایتالیا تذکر دادم که بالاخره فتح نهائی نصیب دموکراسیها خواهد شد و نامه خود را ازسمت مارگریت نزدیك تولون برای اوفرستادم .

ویکتور امانوئل بمن جواب نداد و ده روز بعد اعلان جنگ ایتالیا را بر علیه فرانسه و انگلستان امضا کرد .

وقتیکه در نوامبر سال (۱۹٤۳) بمن پیشنهاد کرد که کابینه وزراء را تشکیل دهم باو گفتم بیك شرط حاضرم و آن اینست که او استعفا دهد . زیرا استعفای او فقط میتوانست بجهانیان ثابت کند که ایتالیای جدیدی شروع بزندگی کرده است .

هنگام مذاکرات مختصری که با دوك دا آکارون وزیر دربار حامل پیامهای شاه کردم از او پرسیدم که از شاه بخواهد چرا به نامه من جواب نداد : او آنقدر مطمئن بود که آلمان دنیا را میگیرد .

از روزنامه فرانس سوار

تخلیه کرده باشند از روز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹۴۵ که روز امضای متارکه با ژاپن است شروع میگردد .

علیهذا وزارت امور خارجه بنام دولت شاهنشاهی و ملت ایران که با تمام وسایلی که دردست داشت صادقانه و صمیمانه عملیات جنگی متفقین کمك نموده انتظار دارد که مطابق فصل پنجم پیمان سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ خاك ایران بکلی تخلیه شده و دیگر حتی یکنفر ازقوای هوائی یازمینی یا دریائی متفقین در خاك و آبهای ایران باقی نمانده باشد .

این تاریخ تاریخ تخلیه حتمی ایران است که بایستی بموجب مقررات پیمان سه گانه عملی شود وهراقدامی هم که مطابق یادداشت شمارهٔ (۱۱۱۹) در تخلیه قبل از اینموقع بشود امتنان بیشتری را برای ملت ایران در برخواهد داشت .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی

و نیز مراسله ای بدین شرح بسفارت کبرای انگلستان نوشته شده است :

« جناب آقای سر ریدر بولارد سفیر کبیر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان »

« خبر تسلیم بلا شرط ژاپن و امضای ترك مخاصمه با آن دولت در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ باعث خوشوقتی بی نهایت دولت شاهنشاهی و عموم ملت ایران گردید و بدوستدار اجازه میدهد که برای تسلیم آخرین دشمن ما و دشمن متفقین شوروی تبریك دولت و ملت ایران را بجنابعالی اظهار دارم و بارتش نیرومند انگلستان و متفقین دیگر ما که موفق بشکست قطعی ژاپن شده اند صمیمانه شادباش گویم »

در اینموقع یادآور میشوم که مراسلهٔ که در تاریخ تسلیم آلمان و ختم جنگ در اروپا با آنکشور در ۱۳۲۴/۲/۲۹ شمارهٔ (۱۱۱۹) نوشته شده و بموجب آن اعلام گردیده بود که بودن قشون متفقین ما دیگر در ایران ضرورتی ندارد ومقتضی است خاك ایران را تخلیه نمایند تا کشور بحال عادی برگردد تا کنون بلاجواب مانده است

دولت وملت ایران نظر بکمال دوستی وصمیمیتی که موجود است انتظار داشت که پیشنهاد دولت ایران تا کنون با حسن قبول انجام شده باشد

ایضاً خاطر نشان مینماید مطابق پیمان سه گانه مدت شش ماهی که در طی آن بعد از متارکهٔ جنگ قشون متفقین باید ایرانرا تخلیه کرده باشند ازروز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹۴۵ که روز امضای متارکه با ژاپن است شروع میگردد .

علیهذا وزارت امور خارجه بنام دولت شاهنشاهی و ملت ایران که با تمام وسائلی که در دست داشت صادقانه و صمیمانه پیشرفت عملیات جنگی متفقین کمك نموده انتظار دارد که مطابق فصل پنجم پیمان سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ خاك ایران بکلی تخلیه شده و دیگر حتی یکنفر از قوای هوائی یا زمینی یا دریائی متفقین در خاك وآبهای ایران باقی نمانده باشد .

این تاریخ تاریخ سومی تخلیهٔ ایران است که بایستی بموجب قرارداد پیمان سه گانه عملی شود و هر اقدامی هم که مطابق یادداشت شمارهٔ (۱۱۱۹) در تخلیهٔ قبل از اینموقع بشود امتنان بیشتری را برای ملت ایران در بر خواهد داشت .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

وزارت امور خارجه - [illegible]

رونوشت تخلیه ایران مراسله [illegible] به سفارت کبرای امریکا فرستاده شده است .

تخلیهٔ ایران در نظر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان

رادیو لندن - مستر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان در نطق مفصلی که پس از سخنرانی «بوین» وزیر خارجه فعلی در مجلس عوام ایراد کرد راجع بایران اظهار داشته است:

این کشور در کمال وفا داری پیمانهائی را که با انگلستان و شوروی برای قادر ساختن این دو کشور از استفاده از خاک آن در مدت جنگ بسته بود، انجام داده است.

من خیال میکنم راست باشد اگر بگویم که قبول شده است که موضوع تخلیه ایران در انجمن وزرای خارجه که در ماه دیگر تشکیل میشود مورد مذاکره قرار خواهد گرفت.

اگر این موضوع در انجمن وزرای خارجه مورد مذاکره قرار گیرد خوبست زیرا جنگ ژاپن بپایان رسیده و دیگر بهانه‌ای برای ماندن ما در این کشور وجود ندارد. بدون شک ما میل داریم هرچه زودتر از این کشور خارج شویم. فقط ما یک علاقه در ایران داریم و آن اینست که این کشور را خوشبخت، متحد و نیرومند ببینیم چیزی که ما اصلا در این کشور نمی‌خواهیم، باز گشتن بود مناطق نفوذ و مسائلی که ما را برای یک نسل در این کشور منفور ساخته است، میباشد - من امید وارم که سیاست تخلیه ایران بوسیله متفقین عملی خواهد شد.

پیام رئیس جمهوری امریکا
بشاه و ملت ایران

—೦೦—
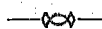
آقای ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیله آقای شایسته وزیر مختار سابق ایران درامریکا پیامی باعلیحضرت همایونی وملت ایران فرستاده ودر پیام مزبور اعلام داشته است که کشور ایران بزودی ازقوای متفقین تخلیه خواهد شد وزیر امور خارجه امریکا دستور دارد که در انجمن وزرای خارجه سه دولت در لندن برای تخلیه ایران جدیت کامل بنماید . بعلاوه رئیس جمهوری این نکته را تذکر دادند که در دنیای بعد از جنگ هیچ کشوری حق دخالت درامور داخلی ایران ندارد و دولت امریکا هم برای برانداختن نفوذ و دخالت خارجی از این کشور همه گونه پشتیبانی و مساعدت خواهد نمود »

مستر ترومن

این خبری بوده که دو سه روز قبل جراید تهران دادند و چون از یك مقام رسمی بما داده نشده است اندازهٔ صحت و جزئیات مطالب آن بر ما معلوم نیست ولی چون چند روز از انتشار آن گذشته و نه دربار شاهنشاهی و نه سفارت امریکا و نه وزارت امور خارجه ما هیچیك

نیروی متفقین چه ربطی دارد و کیست آن بی شرفی که مخالف رفتن نیروی بیگانه از ایران است و نام خود را ایرانی مینهد ؟

جنگ تمام شده و نیروی بیگانه باید از ایران بیرون برود و بیرون هم خواهند رفت . هریك از متفقین ما در این قسمت تعلل ورزند مارا در صمیمیت و حسن نیت خود ظنین خواهند کرد و چون ما یقین داریم که هیچ یك از دو همسایه معظم ما هیچگونه نظر سوئی بخاك ما ندارند تردیدی نداریم که تعلل نخواهند ورزید و بزودی نیروی خود را از مملکت ما بیرون خواهند کشید و پیمانهای موجود و اقوال سران سه دولت دراین خصوص برای ماسندی محکم و وثیقه‌ئی خلل ناپذیر است .

پیام رئیس معظم جمهوری امریکا یك سند محکم دیگری است که ما باستظهار بآن میتوانیم امیدوار باشیم که بعد از بیرون رفتن نیروی متفقین هم ضعف ما و قوت دیگران موجب نخواهد شد که کسی در امور ما دخالت کند .

ولی چیزی که قدری موجب فکر و تامل میشود اینست که چرا کسانی که سیاست یکطرفی ایشان از آفتاب روشن تر است و روزنامه های منسوب آقای سید ضیاء الدین که رنگ بسیار سیری دارند پیام آقای رئیس جمهور امریکا آب و تاب میدهند و خیلی پیش از اینهم یکی از ایشان چنین حرفی از قول رئیس سابق جمهور امریکا جعل کرده .

بعداز جنگ بین المللی گذشته که باز امریکا مخالف دخالت دیگران در امور ایران بود و سفارت امریکا در تهران بر ضد

قرارداد وثوق الدوله و استعمار ایران بیانیه منتشر ساخت کسی
که مقالات پیاپی بسفارت امریکا کرد و او را بباد ناسزا گرفت که
چرا باین قرارداد یعنی استعمار میهن ما مخالفت میکنند جناب آقای
سید ضیاء الدین و روزنامه رعد بود .

این بار چرا ایشان اظهار وجد و شعف میکنند که امریکا
طرفدار عدم دخالت دیگران در امور ایران است و آن کسانی که
حلقهٔ خارجی بگوش دارند نیز چرا ازاینخبر مسرور میشوند

آیا جنگ عالم سوز ریشه های خیانت را در سینهٔ بستگان
سفارت های خارجی نیز سوزانیده و یا مقصود از عدم دخالت
بنظر ایشان اینست که سیاست معهود در این خصوص تنها و بلا
متنازع بماند ؟

اگر کسانی که تا کنون زندگی و حیات خود را فقط مرهون
سیاست خارجی بوده اند از گذشته پشیمان شده و بخواهند از امروز
بآغوش مادر خودشان ایران برگردند اسباب خوشوقتی ماست ،
زیرا ما بعکس خودشان که خود را مردم لاابالی میدانند و تصور
میکنند جز را خیانت و جاسوسی بیگانگان نمیتوانند صاحب دستگاه
و شئونی بشوند ایشانرا مردم لایقی میدانیم و تاسف ما فقط از این
بابت است که چرا کج میروند . اغلب اینها مردم فعال و پشتکار
دار هستند و اگر از راه راست بروند زودتر بمقصد میرسند و
بکشور خود [illegible] میتوانند خدمات شایانی بکنند . [illegible] آنروزیکه
این اشخاص از کارهای سابق خود ندامت حاصل کرده و بفکر خدمت
بمیهن خود بیفتند روز خوشبختی ایران است .

ولی اگر هنوز سیاست [illegible] طرفی خود باقی هستند و از عدم
دخالت دیگران در امور ایران این مفهوم که امریکا [illegible]
[illegible] حاضر کرده است [illegible] ایران
ایشانرا دولت ایران [illegible] میکنند .

حوادث گذشته و عقل و منطق شهادت میدهند که امریکا چنین نظری ندارد و معنی هم ندارد که داشته باشد ، مگر امریکا مرض دارد که فرزندان خود را بکشتن بدهد و برای دیگران مستعمرات درست کند ؟

بر فرض محال که امریکا چنین نظری هم داشته باشد هر کس اندك غریزهٔ میهن پرستی دارد باید بداند که سیاست یکطرفی برای کشور ما بسیار خطرناك است و این همه آشوب و انقلاب که در نقاط مختلفه کشور برپاست غالباً زائیده سیاست یکطرفی است

« سرمقاله کیهان شماره ۷۵۶ مورخ هیجدهم شهریور ۱۳۲۴ »

مارشال آنتونسکو نخست وزیر و فرمانده کل قوای سابق رومانی

ور بمنچوری پلتیك تو بُد رهبر روس
نشد از ژاپن جیش «کروپاتکین»(۱) کمری

بود اگر فکر تو با عائله «منچو» یار
انقلابیون بسر شاه نگشتند جری

ور بُدی رأی تو دایر بحیات ایران
اینهمه ناله نمیماند بدین بی اثری

مثل است اینکه چو برمرد شود تیره جهان
آنکند کش نه بکار آید، از کارگری

تو بدین دانش افسوس که چون بیخردان
کردی آنکار که جز افسوس از وی نبری

برگشودی در صد ساله فرو بستهٔ هند
بر رخ روس و نترسیدی از دربدری

بچه گرگ که در آغوش بپروردی و نیست
این مماشاة جز از بیخودی و بیخبری

بیخردانه بتمنای زبردست حریف
در نهادی سر تسلیم زهی خیره سری

تو خود از تبت و ایران و ز افغانستان
ساختی پیش ره خصم بنائی سه دری

از در موصل بگشودی ره تا زابل
وز در تبت تسلیم شدی تا بهری

زین سپس بین که نگهداری این هر سه طریق
نیم ملیارد قشون بایدت بحری و بری

---

(۱) سردار روس که در جنگ منچوری از ژاپن شکست خورد.

ویژه گر پای بفشاری تا از خط روس

خط آهن بسوی هند کند رهبری

به عدو خط ترین ره را نزدیک کند

تا تو دیگر نروی راه باین پر خطری

سد بس معتبری ایران بد در ره هند

وه که برداشته شد سد بدین معتبری

یاد نفرین بلجاجت که لجاجت برداشت

پرده از کار و فرو بست رخ پرهنری

بلجاج و بغرض کردی کاری که بدو

طعنه را زد عرب دشتی و ترک تتری

حیف از آن خاطر دانای تو و آن رأی رزین

که در این مسئله زد بیهده خود را بکری

زهی آن خاطر دانای رزین تو زهی

فری آن فکر توانای متین تو فری

نام نیکو به از این چیست که گویند به هر

هند و ایران شده ویران ز سر اهل داورد گری

ارنست بوین وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس طی نطقی که سیاست خارجی دولت جدید انگلستان را تشریح نمود راجع بیونان چنین اظهار داشت « نظریهٔ امپراتوری انگلیس اینست که دولتی پایدار و آزادیخواه در آن کشور روی کار بیاید که بتواند انتخابات را در کمال آزادی صورت بدهد . » جای تأسف است که یونانیها همواره وقت گرانبهای خویش را با تغییر دولتها میگذرانند .

امریکا و انگلستان و فرانسه متعهد شده اند که در امر انتخابات آیندهٔ یونان نظارت کنند .

۳ - موضوع مهاجرت اقلیت‌های آلمانی از کشورهای چکسلواکی و لهستان

طبق خبرگزاری رویتر که چون دولت لهستان در نظر داشت پانزده میلیون آلمانی و دولت چکسلواکی نیز میخواست سه میلیون و نیم آنها را از کشور خود اخراج کنند ترومن ، آتلی ، استالین از آنها خواهش کرده اند که جابجا کردن آلمانها را فعلاً موقوف نمایند ولی آلمانیها از دانزیک و سیلزی اخراج میشوند مخصوصاً وضع آنها در سیلزی سخت بوده لهستانیها در نتیجهٔ فشار سخت آنها را وادار میکنند بیرون بروند و آلمانیها داوطلبانه سیلزی را ترک میگویند .

با حضور نخست وزیر و وزیر امور خارجهٔ چکسلواکی در لندن قطعاً موضوع اخراج آلمانیهای مقیم آن کشور در کنفرانس وزرای خارجه مورد بحث قرار گرفته است .

۴ - مسئله تخلیه ایران از قوای متفقین

در پیامی که مستر ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیلهٔ آقای شایسته وزیر مختار ایران در واشنگتن بشاه و ملت ایران فرستاده رسماً اظهار گردیده که وزیر خارجه امریکا دستور داده که در

انگلیس و امریکائی واقع شده و دو دولت اخیرالذکر آنرا برسمیت شناختند .

وزیران امور خارجه در مجمع خود در لندن طریقه‌ای برای ادارهٔ امور اتریش پیشنهاد نموده و مورد تصویب سه دولت بزرگ قرار گرفته و سیاست آنها در اتریش روشن گردیده .

۷ - فلسطین و اختلاف عربها و یهودیها

سالهاست که در بارهٔ حکومت فلسطین میان عربها و یهودیها اختلاف نظرهائی وجود دارد که هرچندی بزد و خورد و خونریزی میکشد و این مسئله از جنبهٔ داخلی گذشته و جنبهٔ بین المللی پیدا کرده است .

پنج دولت بزرگ که برای پایان دادن باین بحران و شورش در آینده برآنشده‌اند که‌راه حلی برای سازش عربها و یهودیها بیندیشند .

۸ - دعاوی مرزی فرانسه و بلژیک و هلند

از آنجائیکه دولتهای فرانسه و بلژیک وهلند در بارهٔ مرزهای خود با آلمان ادعائی دارند و ادارهٔ امور آلمان اینک بدست چهار دولت بزرگ متفقین امریکا و انگلیس و شوروی و فرانسه میباشد لذا صلاحیت رسیدگی باین دعاوی نیز با آنهاست که بایستی در کنفرانس وزیران خارجه آنها بررسی شود .

۹ - اقتصادیات اروپا و بحران زمستان

کشورهائی که از زیر تسلط و اشغال آلمان بیرون آمده از لحاظ خواربار و بخصوص مواد سوختنی مانند نفت و زغال در تنگنایند و از آنجا که دولتهای متفق در زمستان گذشته از قحطی و بیسوختی از کشور فرانسه که بتازگی از دست آلمان رها شده بود آزمایشهای تلخی داشته لذا از هم اکنون در صدد تأمین خواربار و بویژه سوخت کشورهای اروپا بوده و در نظر دارند که برای این منظور بزرگ با یکدیگر همکاری نمایند .

ترجمهٔ : آقای علاءالدین پازارگادی

مجازات جنایتکاران جنگ
در دادسراهای مخصوص

سه نوع دادسرا برای محاکمه و تعیین مجازات جنایتکاران نازی و فاشیست از طرف متفقین تعیین شده است :

۱ ـ **دادسرای بین‌المللی** ـ محاکمه جنایتکاران بزرگ و اعضاء کادر مخصوص نازی و فاشیست که مرتکب جنایات بزرگ شده‌اند اگر پیشنهاد دول متفق مورد موافقت انگلستان و روسیه و فرانسه واقع شود در یک دادسرای بین‌المللی صورت خواهد گرفت .

۲ ـ **دادسراهای ملی** ـ این دادسراها مأمور محاکمهٔ اشخاصی خواهند بود که نسبت به اهالی یک مملکت مرتکب خیانت و جرم شده‌اند .

۳ ـ **دادسراهای نظامی** ـ در مناطق متصرفی انگلیس و امریکا در آلمان دادسراهای نظامی برای شروع محاکمات جنایتکاران تشکیل شده است. این محاکمات مربوط به جنایاتی مانند آدم‌کشی با [illegible] و آزار و [illegible] اسرای انگلیسی و امریکائی میباشد. [illegible] محاکمات در منطقهٔ متصرفی انگلیس [illegible] بزودی شروع خواهد شد .

[illegible] که بوسیلهٔ چکسلواکی دادستان دیوان عالی [illegible] تهیه شده [illegible] و مقرراتی که بوسیلهٔ آن اعضاء کادر و سازمانهای جاسوسی و نظامی دیگر ممکن است از تعقیب و مجازات فرار کنند [illegible] این پیشنهاد [illegible]

ممکن است ثبوت جرم در باره افراد میسر نباشد بایستی اینگونه
اشخاص را بعنوان شرکت در جرم و همدستی در توطئه محاکمه
نمود . قرار است نمایندگان چهار دولت بزودی برای مطالعهٔ این
پیشنهاد جلسه ای تشکیل دهند انگلیسها بقدری مطمئن از قبول این
نقشه هستند که بسرعت مشغول جمع آوری اطلاعات واسناد ومدارک
لازم بر ضد این سازمانها میباشند .

فعلا صورت بیش از ٤ هزار نفر که اکثر آنها آلمانی هستند
بوسیله کمیتهٔ جنایتکاران جنگ تهیه شده ولی البته عدهٔ مقصرین خیلی
بیش از اینها است .

باین ترتیب محاکمه اشخاصی که جزء جنایتکاران بزرگ نیستند
و جرم آنها مربوط به محل معینی نیست بوسیله دادسرای نظامی
بین المللی عملی خواهد شد واین دادسرا درتاریخچه تکامل وسازمانهای
دادگستری تازگی دارد .

انگلیسها در وهلهٔ اول نسبت به قبول آن مشکوک بودند
زیرا تصور میکردند وفق دادن دستگاه دادگستری چهار مملکت
مختلف اشکالات زیادی در بر دارد فرانسوی ها از اول موافق با
این نقشه بودند و فقط میترسیدند که اسم فرانسه از صورت دول
بزرگ خارج شود در بارهٔ نظر رسمی روسیه هنوز اطلاعات موثقی
در دست نیست دولت روسیه از شرکت در کمیسیون جنایتکاران
جنگ که در لندن تشکیل شده خود داری نموده و طبق اظهاراتی
که رادیو مسکو و روزنامه رسمی ازوستیا بر ضد سیاست ترحم
آمیز سایر متفقین نسبت به جنایتکاران جنگ نموده اند ظاهرا تغییری
در رویهٔ روسها پیدا نخواهد شد ولی رویه اطمینان بخش انگلیسها
در این خصوص و عقیدهٔ آنها در بارهٔ کنفرانس چهار دولت نشان
میدهد که احتمال توافق با روسها وجود دارد .

نقشهٔ امریکائیها روی این اصل تنظیم شده که حد وسطی بین دستگاه دادگستری روسها و انگلیسها ایجاد شود.

جزئیات آن البته باید با نظر دولت روسیه حل و تعیین گردد پیشنهاد شده است که نمایندگان نظامی و کشوری چهار دولت با یک نفر نمایندهٔ دول متفق دیگر هیئت قضاوت دادسرا را تشکیل دهند که ریاست آنها به نوبه یکی از نمایندگان چهار دولت محول شود هر فرد متهم حق خواهد داشت برای خود وکیل مدافع انتخاب کند و خودش آزادانه از خود دفاع نماید.

دادسراهای ملی که مأمور محاکمهٔ عدهٔ زیادی از جنایتکاران جنگ خواهد بود در هر مملکت صورت معینی خواهد داشت و بیشتر شبیه به دادسراهای نظامی خواهند بود که کمیته جنایتکاران جنگ حق حاکمیتی نسبت بآن ندارد، ولی بی نفوذ هم نیست زیرا ارتشهای انگلیس و امریکا اینگونه جنایتکاران را تسلیم دادسراهای ملی خواهند کرد مگر اینکه جرم آنها طبق مدارکی که بوسیله کمیسیون ملل متفق جنایتکاران جنگ تهیه شده تقریباً بثبوت رسیده باشد.

مارشال ژوکوف سردار نامی روس

نگارش : آقای سپنتا مدیر روزنامه سپنتا
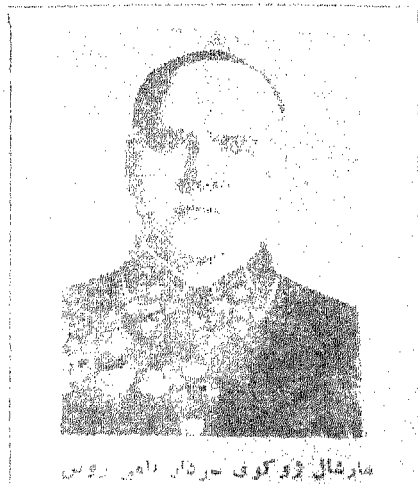
جناب آقای اتلی

تودهٔ ضعیف وفقیر ورنجبر ایرانی که اکثریت غالب وبلکه نهصد ونود و نه نفر از هر یك هزار نفر ایرانی را تشکیل میدهد موفقیت حزب کارگر انگلستان‌را در انتخابات اخیر آن کشور از صمیم قلب شاد باش میگویند و اگر بدین مژده جان فشاند حقا روا است ، چرا که میدانند افراد برجستهٔ این حزب در عین حالیکه آتش حب وطن کانون دل آنها را گرم میدارد و بسعادت و عظمت کشور انگلستان منتهای عشق و علاقه را دارند ولی شالوده و بنیان کاخ رفیع میهن پرستی خود را هرگز بر روی اذلال و بنیان خراب استقلال ملتهای دیگر ملتهائی که سوابق درخشان تاریخی دارند ،

مستر اتلی نخست وزیر انگلیس

از راه خرابی و ذلت و فقر و محنت دیگران خواهان نمیباشند .

ملت ایران میداند که سران محترم حزب کارگر انگلیس به اصلی که شاعر بزرك ایرانی برای سعادت و آسایش نوع بشر قائل گردیده و میفرماید : « بنی آدم اعضای یکدیگرند * که در آفرینش زیك گوهرند * چو عضوی بدرد آورد روزگار * دگر عضو ها را نماند قرار » معتقد بوده و بدون شك همانطور که میل دارند طبقات پائین ملت انگلیس در حال نعمت و رفاه و آسایش باشند ، خواهان آسایش و رفاه ملتهای دیگر نیز بوده و آنچه را که بر خود و تودهٔ زنجیر ملت خود روا میداراند بر توده های زحمتکش ملتهای دیگر نیز روا خواهند داشت .

جناب آقای اتلی : ملت انگلیس را میتوان مادر تمدن دنیا گفت و همانطور که یك روز ملت ایران مشعلدار تمدن دنیای قدیم بود و درقرون اخیر هم این ملت با عظمت را میتوان مشعلدار تمدن کنونی دنیا نامید و اگر از حق و انصاف نگذریم ملت انگلستان از لحاظ خدماتی که از راه نشر تعلیم مبادی حکومت مشروطه یعنی اصول آزادی و برابری وعدالت و بسط دایرهٔ علوم و فرهنگ جدید در بین افراد ملل دیگر کرده حق دارد که خود را مفتخر بداند و بتوان « مادر تمدن نوین دنیا » و انگلستان را مهد این تمدن بداند ولی تنها عیبی که تاکنون در کار سیاست مداری این ملت بوده همین بوده است که کلیهٔ افکار و مساعی سیاستمداران آن در تمامی اعصار و قرون اخیر متوجه یك چیز و مقصد بوده و آن جلب اکثر استفاده از ملتهای دیگر دنیا بنفع ملت انگلیس و مخصوصاً طبقه حاکمهٔ آن ملت بوده است .

نتیجهٔ این طرز فکر و سنخ عمل سیاستمداران آن کشور بزرگ همین بود که ملتهای بزرگ دیگری از کاروان تمدن دنیای جدید

عقب مانده و این عقب افتادگی بیشتر مسبب سوء استفاده ملتهای غالب گردیده، کار ضعف و توانائی ملل عقب مانده را بجائی رساند که یکمده از آنها بدون چون و چرا طوق عبودیت ملت انگلیس و برخی از ملل دیگر اروپائی را بر گردن گرفته وعدهٔ دیگر در سکرات مرگ و محو و اضمحلال افتاده و افراد آنها درلجه‌های فقر و نکبت وجهل و نادانی همواره غوطه‌ور باشند و اگرهم روزی عدهٔ معدودی از آن افراد بر اثر عوامل ازقبیل مسافرت بسرزمین اروپا و فرا گرفتن علوم جدید وآشنائی باصول تمدن نوین سر از خواب غفلت برداشته و خواستند بـه نشر همان مبادی که باعث ترقی دنیای جدید گردیده در ممالك خود بپردازند سیاست استعمار طلبی همسایگان آنها اجازهٔ چنین قیام و نهضتی را به آنها نداده و در نتیجه ملتهای مزبور ، مخصوصاً ما ملت های مشرق زمینی همواره در درکات پستی و ذلت ؛ نادانی باقی مانده و بلکه روز بروز بیشتر مراحل قوس نزولی این درکات را طی نمائیم .

جناب آقای اتلی ؛ چنانچه ظواهر امر و وعده و بشارتهای شما در طی بیانات اولیهٔ شما نشان میدهد شما سعی خواهید کرد که در درجه اول طبقات رنجبر و کارگر انگلیس از نعمت سعادت زندگی بهره مند گردیده و در درجه دوم صلح و سعادت پایداری بر جان بشریت فرمانروا باشد .

شما وعده میدهید که صنایع انگلیس مخصوصاً صنایع سنگین را ملی و اصول مالکیت را یا اصلاح یا ملغی کرده و بالاخره یك حکومت سوسیالیستی با تمام معنی در سر زمین کشور انگلیس برقرار فرمائید .

ما ازاینکه تودهٔ کارگر و طبقات زحمتکش انگلستان باین

سعادت عظیم نائل میگردند روی اصل محبت و صمیمیتی که نسبت به این ملت نجیب و اصیل و با تربیت و خدمتگزار بجامعهٔ علم و ادب دنیا داریم بی نهایت شاد ومشعوف ومسرور هستیم ، ولی از شما که قائد این نهضت نوین و این قیام مقدس هستید انتظار داریم که این سعادت وخوشی و لذت و نعمت و استفاده را تنها منحصر به ملت اصیل انگلیس نفرمائید ، سعی کنید همانطور که اساس مرام سوسیالیستی است ملتهای ضعیف دیگر نیز که اکثریت غالب افراد آنها در آتش فقر و مسکنت و بدبختی و مخصوصاً در میان شعلهٔ ظلم وستم بیدادگران آزمند میسوزند و بالغ برصد سه قرن است فریاد ناله و استغاثه آنها در فضای آسمان جهان انسانیت طنین انداز است واحدی بنالهٔ مظلومانه آنها گوش نمیدهد ازهمان نعمتی که امروز یافردا توده یاتین ملت انگلیس برخوردار میشود اینها نیز برخوردار گردیده و خلاصه آنکه آنچه را امروز برای آسایش و رفاه ملت خودتان میخواهید برای ملت های دیگری نیز بخواهید . اگر شما مصدر چنین خدمتی بجهان انسانیت گردیدید آقای اتلی — ما بشما قول میدهیم که گذشته از آنکه ریشهٔ فقر و رنج و مشقت و بدبختی را از صفحه زمین بر خواهید کند و تمامی افراد بشری را بسر منزل سعادت و رفاه واصل خواهید ساخت بلکه بزرگترین نام تاریخی را برای خود درصفحات تاریخ عمومی دنیا باقی گذارده و بنام یکی از بزرگترین مصلحین عالم بشری جاودان خواهید زیست .

ولی متاسفانه آقای اتلی ! متوجه باشید که برخلاف زمامداران گذشته ملت خودتان در این میان ملت ایران را که روزی آقا و فرمانروای دنیای متمدن خود بوده و امروز بر اثر سوء سیاست و خیانتکاری زمامداران خودش و هم سوء نیت زمامداران گذشته

کشور شما باین روز سیاه سفالت و بیچارگی افتاده از نظر لطف و عدالت پروری خود فراموش نفرموده و مخصوصاً به یکا یك افراد هیئت سیاسی دولت خودتان که مأموریت اداره امور سیاست انگلستان را در ایران دارند توصیه فرمائید که بر عکس گذشته که همواره بوسیلهٔ تیشهٔ بیداد اشراف و سرمایه داران ایرانی ریشه سعادت و رفاه افراد طبقات زحمتکش دوم و سوم ایرانی را از بیخ و بن بر میکندند و در زمرهٔ نوکران و خدمتگزاران صدیق و صمیمی دولت انگلستان بشمار میرفتند ، از این پس با افراد طبقات دوم وسوم مزبور دست محبت و برادری و یگانگی داده آنها را درراه احقاق حقوق ازدست رفته و بالاخص در راه تعدیل اصول زندگی و تأمین عدالت اجتماعی خودشان یاری نموده و بدست امثال وثوق الدوله ها و سید ضیاء الدین های خائن وطن فروش کاخ استقلال کشور وآسایش ملت ایران را سست و متزلزل ومشرف بانهدام ننمایند .

اگر شما این کار را کردید بشما قول میدهیم مجسمهٔ مهر و محبت شما را ما بر روی شالوده قلب پاك و بیکینه خودمان قرار دهیم .

روزنامه اصفهان

وزارت امور خارجهٔ انگلستان این تقاضا را پذیرفت و اجازه داد که وی وارد جزیرهٔ بریتانیا شود ولی دولت انگلستان این شخص را خوب میشناخت و بیقین میدانست که پشت پرده این مأموریت ساده و مشروع مأموریتهای دیگری دارد و مسلماً هر چیز در انگلستان ببیند بدون شبهه از آن نسخه ها یکی را به برچسگادن و دیگری را برم برای هیتلر و موسلینی خواهد فرستاد .

بنابر این دستور های لازم داده شد و ما مأمور پذیرائی و راهنمائی او گردیدیم .

ما جاسوس بودیم و او هم جاسوس بود بدین جهت از او خوشمان میآمد و مجال بزرگی بدست آورده بودیم که بریش یك جاسوس خارجی بخندیم . من و چند تن دیگر از همکارانم بلباس پیش آهنگی ملبس شده بودیم . از او استقبال کردیم او را بیك مهمانخانه عالی بردیم و اطاق مناسبی برای او تهیه کردیم یعنی تهیه کرده بودیم در آن اطاق چند میکرفون برای انتقال کوچکترین صداها و سیم کشی های بسیار ولی کاملاً پنهان و پوشیده از نظر تعبیه شده و این عمل آنقدر خوب اجرا شده بود که میتوان گفت تا بدان موقع بیسابقه بود .

وقتیکه وارد شدیم لیکور و یاهوی بای خوراندیم که خوب گیجش کرده و وسایل تفریحش را فراهم آوردیم و چند تن زن رقاص طناز را بدو گماردیم تا کاملاً مشغول و سرگرمش کنند .

مهمانخانه ای برای او انتخاب کرده بودیم که نزدیك پناهگاه ضد حملات هوائی بود . در لندن در آن موقع ما تقریباً وسائل دفاع ضد حملات هوائی هیچ نداشتیم فقط در تمام این ناحیهٔ وسیع سه آشیانه آتشبارهای سنگین وجود داشت . یکی از این آتشبارها ایسر و صدا به « گرین پارك » (باغ سبز) که رو بروی آن

مهمانخانه بود انتقال دادند و به متصدی آن دستور داده شد که همین
که بمباران از طرف دشمن واز توسط یك هواپیما شروع شد و حتی
اگر هواپیمائی در تیررس نبود درمدتی مدید با نهایت شدت و بلا
انقطاع شلیك کند .

چون در آن موقع شبی نبود که لااقل یکدفعه هواپیماهای
دشمن در حدود لندن دیده نشوند و بدینجهت توپهای آشیانه روبروی
مهمانخانه همه شب با غرش گوش خراشی که زمین را بلرزه
درمیآورد ومهمانخانه را تکان میداد صدا میکرد و بیچاره جاسوس
که بیشتر اوقات خودرا در پناهگاه بسر میبرد با مشاهدهٔ این
احوال وشنیدن این صداهای عجیب تصور میکرد که همه جای لندن
همین طور است وهمه نقاطش باهمین شدت درمقابل حملات هوائی
دفاع میکنند غافل از اینکه هرچه بود همین بود و در نقاط دیگر
نه توپی بود و نه وسیلهٔ دفاعی .

چون این صداها را شنید یکدفعه دلش خواست آشیانه
توپ را دیدن کند تا اجازهٔ صادر شود بسرعت برق و هنگامیکه آقای
جاسوس در پناهگاه با ترس و لرز مشغول [illegible] بود توپهای دو سه
نقطهٔ دیگر را بآنجا آوردند وچون توپچی ضد هوائی هم نداشتیم
عده زیادی از پیشاهنگان را لباس توپچی گری پوشاندیم و در آنجا
نگاه داشتیم آمد و این آشیانه را دید و با کمال غرور باو گفتیم
در هر آشیانه و هر گوشه پس آشیانه لندن چنین بساطی هست .

بعد او را با اتومبیل بردیم تا او آنجا اردوهای پیشاهنگان را
تماشا کند .

ولی کارها هم بر وفق مرام درست شده بود ، در تمام
انگلستان در آن موقع فقط یك لشکر ناقص وجود داشت که برای
کشور در جنگ هیچ و برای یك ناحیه یا یك شهر خیلی کوچك

خیلی زیاد بود . این لشکر را در ویندسور تمرکز دادند وهرچه
تانك و ارابه جنگی هم داشتیم درآنجا جمع آمده بود — مردم
گمان میبردند این امر اتفاقی است ولی برعکس طبق پیش بینیهای
قبلی وباحساب صحیح فراهم شده بود .

تمام افراد نگهبانان و افسران آن لشکر بسیار نیرومند و
درشت هیکل و تندرست بودند و ازاین حیث هرنقص که داشت با
کمك گرفتن ازمردم غیر عادی برطرف شده بود .

رفیق جاسوسمان با حیرت و اعجاب باین دسته ها نگریست
و ما با منتهای بی اعتنائی و مناعت باو گفتیم این فقط یکدسته
کوچك است که فعلاً در دفاع از کشور احتیاجی بآن نیست و
اینك بعنوان دسته نظامی مخصوص تشریفات دربارشاهنشاهی دراینجا
متمرکزشده است پیدا بود که بیچاره متحیر شده است ولی بروی
خود نمیآورد وپیوسته آب دهانشرا فرو میبرد .

این نقش هم خوب گرفت و این بینوای زرنك گمان برد
که واقعاً انگلستان دهها لشکر عظیم دارد که میتواند از لشکری
قوی ومجهز وازاینهمهٔ تانك وتوپ وغیره چشم بپوشد ! درصورتیکه
درهر کشور هیچ چیز جزهمان مختصر نداشتیم .

جاسوس فالانژیست طبق اصول جاسوسی که ما خوب ازبر بودیم
سعی میکرد خود تقاضائی نکند تا مورد سوء ظن ما نشود ومنتظر
میماند که چیزی را از دهان خودمان بگیرد ومورد تقاضاقراردهد .

ما هم درس خود را خوب بلد بودیم از اینگونه حرف ها
زیاد در دهان او میگذاشتیم . مثلا یك موقع مناسب طوری حرف
زدیم که او رغبت خود را بتماشای بندرگاه های جنگی انگلستان
اظهار داشت .

این موضوع پیش بینی شده وکلیه ناوگان بریتانیا در یك
بندر که در سر راه ما بود جمع شده بود ولی ما باو گفتیم گرچه

بهتر است ببندرهای خیلی بزرگ برویم ولی چون شاید وقت نشود فعلا به بندر کوچکی که در این نزدیکی هست میرویم .

وقتی که وارد بندرگاه شد و آن همه کشتی های عظیم را دید با نهایت سادگی گفتیم :

واقعاً انگلستان خیلی کشتی دارد ! ولی هرچه داریم فعلاً درجنگند ودر دریا ها پراکنده اند واین عده که زیاد مورداحتیاج نیستند در بنادر جمع آمده اند و حفاظت میکنند . حقیقتاً چشمان او از دیدن اینهمه کشتی های بزرگ و کوچک خیره شد و مثل این بود که نمیتواند باور کند که آنها را بچشم خود در بیداری میبیند ودراین محل هم عده زیادی پیشاهنگ باو نشان دادیم .

بطورکلی اینجا و آنجا بقدری پیشاهنگ دیده بود که دیگر از دیدن آنها کسل میشد ، ما نیز مثل او احساس کسالت میکردیم ولی هیچیک چاره نداشتیم وناچار بایستی تحمل کنیم زیرا او جاسوس بود و ببهانه دیدن پیشاهنگان آمده بود تا همه چیز دیگر را ببیند وما نیز جاسوس بودیم و بایستی پیشاهنگان را ده برابر آنچه هست و چیزهای دیگر را صد هزار برابر آنچه هست بوی جلوه دهیم .

عجیب‌ترین و موفقانه‌ترین مناظری که ما برای او ترتیب دادیم پانزده روز پس از بازدید بندرگاه و در موقعی بود که باتفاق او بوسیلهٔ هواپیمای [illegible] گشت کردیم در آنموقع هواپیماهای انگلیسی بسیار کم بود بطوریکه روی‌هم‌رفته در تمام مملکت بیش از چند هواپیمای شکاری و عدهٔ قلیلی اسپیت فایر نداشتیم ولی با وجود این در طول راه تقریباً در تمام لحظات از میان دسته های هواپیماهای اسپیت فایر عبور میکردیم و مثل این بود که تمام آسمان را این هواپیماها فرا گرفته و سیاه کرده اند بیچاره جاسوس مسحور هیچگونه نمیتوانست حدس بزند که همه این دسته هواپیما ها بیش از یکدسته

نیست منتهی‌همان یکدسته دمبدم از مقابل ما میگذرند میان ابر ها میروند و دوباره برمیگردند و از جلو ما عبور میکنند .

بدبخت مثل گیجها شده بود ، چشمانش داشت از فرط حیرت بیرون میآمد ومسلماً هرتصوری که قبلا راجع بههواپیمائی انگلستان میکرد صد درجه بزرگتر بیشترش را بچشم میدید .

دراسکاتلند ما مانور دیگری باو دادیم و او را از تماشای یك لشکر قوی ومجهز به تانك ها وارابه های جنگی بسیارمتحیر ساختیم و بینوا نمیدانست که این چیز ها که می بیند عیناً همانهائی است که قبلا در ویندرسور دیده بود و حتی من نگران شدم که مبادا فوق‌العاده باهوش باشد وبیاد آورد که این سربازان وافسران را قبلا دیده است ولی خوشبختانه هیچ متوجه نشد .

باو گفتم این لشکر که می‌بینید کامل نیست وهنوز تعلیمات وتجهیزاتش تکمیل نشده است تا به لشکر های آماده جنگ بپیوندند بعلاوه باین واحد ها احتیاجی نیست .

باز هم دراینجا عده بسیار زیادی پیشاهنك از همانها که مکرر دیده بود باو نمایش دادیم و حوصله اش را سر آوردیم .

هنگام مراجعت ازراه هوا بازهم ازمیان چندین هزار « اسپیت فایر » گذشتیم و این دفعه اسپیت فایر های انگشت شمار ما چنان خوب نقش خود را بازی کردند که امر برخود من هم نزدیك بود مشتبه شود .

چندی دیگر دربریتانیا بود وهرروز با نهایت مهارت چیزهائی از این قبیل بوی نشان دادیم وقتی که رفت یك چند جویا بودیم تا بدانیم چه گزارشی داده است . عاقبت درقسمتی از گزارش‌ها نوشته بود هر یك از دشمنان ما که میخواند هولناك و وحشت آور بود ضمن این گزارش نوشته بود : تمام انگلستان مبدل به یك اردو گاه فوق‌العاده مسلح شده است و نیز نوشته بود :

تمام شایعاتی که حکایت از ضعف انگلستان کند دروغی است و از طرف خود انگلیسها منتشر میشود تا آلمانها را گول بزنند و آلمان را بیك حملهٔ شوم که موجب فنای خودِ او خواهد شد وادار کنند !

این گزارش ها مشهودات مأموری بود که طرف اطمینان کامل محور بوده و بوی خیلی اهمیت میدادند و گزارش او را صد در صد باور میکردند .

حالا فکر میکنیم که بعدها کار این بدبخت بکجا رسید. شاید چون فهمیدند که دروغ نوشته سر به نیستش کرده اند و یا او را باضعف حقوق خود متقاعد کرده و بگوشه‌ئی روانه‌اش کرده‌اند . بهرجهة من از ریخت او و از صاف صادقی عجیبی که بوی تحمیل کرده بودیم خوشم میآمد و بدم نمیآید که باز هم زیارتش کنم . چیزی که یقین دارم اینست که هنوز هرجا که هست هرشب پیشامدهائی را که در انگلستان دیده بود در خواب می بیند !

اثر طبع : آقای دکتر مسرور

نوید صلح

ای حامیان جنگ ببندید بار ها
کاینک نوید صلح رسید از دیار ها

خاموش گشت آتش سوزندهٔ که بود
بر جان اهل عالم پیرار و پار ها

افسرده گشت دوزخ ظلمی که شعله اش
بر خانمان آدمیان زد شرار ها

شرمنده باد و خوار که از بهر سود خویش
در شاهراه صلح جهان ریخت خار ها

نابود باد و پست که بهر نژاد خویش
در خاک و خون کشید نژاد و تبار ها

ویرانه کرد یکسره آن قصرها که بود
از تیشه های صنع بهین شاهکار ها

گر حکم عقل بود زهی نارسای عقل
ور کار عشق بود زهی نابکار ها

سقراط کو که بیند شاخ درخت علم
در بیست قرن وانده چه آورده بار ها

عیسی مسیح خیزد و نفرین کند همی
بر مارهای امت و بدتر زمار ها

فکر بلند دکتر و استاد و فیلسوف
کوته نکرد شهوت سرمایه دار ها

وز صد هزار اسقف و کشیش وجاثلیق
یکدم نشد فسرده فروزان شرار ها

وز صد هزار دیر و کلیسا و صومعه
یک جا نماند بر حذر از انفجار ها

وز خیم جنگ زیر پی خویشتن سپرد
آن شهر های دلکش و آن کشتزارها

بگذر بشهر های اروپای دلفریب
تا بنگری که جنگ چه آورده بارها

برلن عروس ژرمن در توده‌های خاک
بنشسته زار و نالان چون سوگوارها

نقش و نگار او همه شسته زاشک و خون
وز خون و اشک بروی نقش و نگارها

بر جای کاخها و درختان دلپسند
هوداالصلیب هاست ز ده بر مزارها

اکنون اگر بعهد تمدن کنی نگاه
بیزار گردی از مدنیت شعارها

از خون نوجوانان تا قرنها همی
پیوسته لاله روید در نوبهارها

وآن لاله ها بناله و نفرت کند همی
بر جانیان جنگ و خیانت شعارها

نزدیک بود ظلم شود چیره بر جهان
و آزادی از زمانه بگیرد کنارها

تا شهرهای صلح دگر باره بر سرند
بنشست و کارها همه شد برقرارها

ای رهبران صلح بمانید جاودانت
تا هست آسمان و زمین و مدارها

اهریمن فساد برانید از جهان
تا نام نیک ماندتان یادگارها

نطق مهم ترومان و سیاست امریکا

نطق مهمی که رئیس جمهوری ترومان اخیراً بمناسبت جشن نیروی دریائی امریکا ایراد نمود شاید از لحاظ سیاست ملی و بین‌المللی امریکا بزرگترین نطقی باشد که تاکنون جانشین‌روزولت ایراد کرده است زیرا دراین نطق ترومان با روش رئالیسم‌خاصی ازروی نهایت وضوح سیاست امریکارا روشن‌نموده وشرایط‌همکاری دولت امریکا را با سایر ملتها تشریح نمود رئیس جمهوری‌ترومان مخصوصاً دراین نطق برای بمب اتومیك اهمیت بسیاری قائل گردید و پس از آن که تأیید نمود که هرچه زودتر تبادل نظر بادولت انگلیس وکانادا راجع بموضوع بمب اتومیك شروع خواهد شد تأیید کرد که‌کشف این بمب ایجاب نموده است که دولت امریکا در تعیین روش سیاسی خود نسبت بدنیا تسریع نماید . اصول یازده گانهٔ سیاست امریکا که هر یك بتنهائی در خود تفسیر و حلاجی است و از طرف رئیس جمهوری ترومان بدنیا اعلام گردید بقرار زیر میباشد :

۱ ـ دولت امریکا از راه خود خواهی وخود پرستی کمترین نظری بتوسعهٔ ارضی ندارد و از صمیم قلب مایل است که با تمام کشور های صلح خواه همکاری کند و جداً از جنگ با دولتهای صلح طلب احتراز جوید .

۲ ـ دولت امریکا میل دارد تمام ملت های جهان را که استقلال آنها در اثر زور و فشار از میان رفته است در باز گرفتن آزادی کمك مؤثر نماید .

۳ ـ دولت امریکا با هیچگونه تغییراتی دراوضاع کشور ها

و رژیم آنها که مخالف با میل ملت باشد موافق نخواهد بود .

٤ ـ دولت امریکا میل دارد با سایر متفقین خود در استقرار دولت های صلح جو و آزادی خواه در کشور های مغلوب همکاری نماید .

٥ ـ امریکا از استقرار دولت های پوشالی در کشور های مختلف جلوگیری خواهد کرد .

٦ ـ بنظر امریکا تمام ملت ها باید در استفادهٔ از مجاری آب و نهر های طبیعی خود آزاد باشند .

٧ ـ تمام ملت های عضو جامعه ملل باید به مواد اولیه دنیا دسترسی داشته باشند و از منابع سرشار جهان استفاده کنند .

٨ ـ کشور های نیمکرهٔ مقابل باید در نهایت دوستی وو داد بسر برده و از مداخله بیگانگان در موارد خود جلوگیری کنند .

٩ ـ تمام کشور های جهان باید برای بهبود اوضاع اقتصادی دنیا با هم همکاری کامل نمایند .

١٠ ـ آزادی فکر و عقیده باید در تمام کشور های جهان برقرار گردد .

١١ ـ برای حفظ صلح در دنیا باید یک اتحادیه ملل نیرومندی تشکیل یابد که در مورد لزوم برای حفظ صلح از توسل بزور خود داری نکنند .

این بود اصول مهم سیاست کنونی امریکا که رئیس جمهوری ترومان در نطق مهم خود بدانها اشاره کرده و در پایان اظهارات خود چنین گفت که البته کسی انکار ندارد که ما میتوانیم همین فردا این سیاست را عملی کنیم ولی سیاست ما همین است و برای اجرای آن از هیچ گونه فداکاری خود داری نخواهیم کرد .

بطوری که از این اصول برمیآید دولت امریکا در حقیقت سیاستی برای خود انتخاب نموده است که صد در صد با اصول منشور ملت های متفق و سازمان جامعه ملل آینده تطبیق میکند و بدینطریق برای نخستین بار در تاریخ ملت امریکا این صلح و همکاری بین المللی در تمام دولتها بالاتر گرفته و سایر کشور های جهان را باقتداء از ارزش خود دعوت کرده است .

جای هیچگونه شبهه نیست که هرگاه همین اصول یازده گانهٔ سیاست امریکا از طرف آن دولت بانهایت صمیمت اجراء گردد وسایر ملتهای جهان نیز این اصول را شمار سیاسی خود سازند بشر دیگر روی جنگ نخواهد دید و جهان تبدیل بخلد برین خواهد شد زیرا امریکا پیشنهاد میکند که هیچ دولتی بدولت دیگر زور نگوید و تمام ملتها از منابع دنیا حق استفاده داشته باشند و آزادی فکر و عقیده که گرامی ترین دارائی انسان است درهمه جا برقرار شود و برای بهبود اوضاع جهان همکاری مؤثری در تمام افراد جامعه برقرار گردد .

در این موقع که ابر های تیره آسمان سیاست دنیا را فرا گرفته و مشکلات سیاسی بیشماری در دنیا عرض اندام نموده است نطق ترومان همچون موسیقی دلنوازی است که آدمی را دقیقهٔ چند از دنیای آشفته کنونی دور نموده و بیک جهان شیرین و پرسعادتی که تنها آرزوی انسانیت است رهبری میکند و ما امیدواریم که نه تنها سیاست امریکا بطوریکه ترومان تشریح نمود صد در صد عملی گردد بلکه کلیه ملت های دیگر نیز از ملت جوانمرد امریکا اقتدا جویند زیرا سعادت دنیا بدینطریق تأمین خواهد شد .

اثر طبع: آقای کیوان

پایان جنگ

شکر مر دادار داور را که پایان یافت جنگ
بار دیگر صلح سامان داد سامان فرنگ
انگلیس و روس و امریکا چو کردند اتفاق
عرصهٔ پیکار شد بر دشمن خونخوار تنگ
این سه ملت آنچنان با یکدگر یکدل شدند
تا سر پر باد دشمن عاقبت آمد بسنگ
فرد فرد این سه ملت از پی جنگاوری
در زمین چون شیر و در دریا همانند نهنگ
از برای حفظ آزادی سپر کردند تن
نی ز برق تیغ بیمی نی ز باران فشنگ
ملک دشمن را تبه کردند از تأثیر بمب
روی دشمن را سیه کردند از دود تفنگ
دشمن خونخوار ویرانی طلب خفاش وار
شد زبون آخر بچنگ شاهباز تیز چنگ
گرچه دشمن همچو روباه دغل محتال بود
لیک از شیر ژیان سیلی خورد روباه لنگ
ماکیان را گرچه میدرد به آسانی شغال
لیک آسان خوار گردد زیر چنگال پلنگ
آفرین بر روح آزادی که ملتهای دوست
از برای حفظ آن رفتند زیر بار جنگ
دشمنان عدل و آزادی زبون گشتند و خوار
جام عفریتان استیلا طلب شد پر شرنگ

آنکه میپنداشت خود از دیگران بالاتر است
منت ایزد را که شد آخر دچار عار و ننگ
ملت ایران در این پیروزی و فتح بزرگ
جامه پوشد گونه‌گون و باده نوشد رنگ رنگ
شادی این فتح و پیروزی زند جام مدام
تا که بزداید ز لوح قلب پر امید زنگ
چونکه خود در راه پیروزی کشیده رنجها
نک سزاوار است جام شکر نوشد بیدرنگ
زادگای کورش و دارا سر افرازند از آنک
کرده‌اند از جان ودل خدمت برای ختم جنگ
پشت ایشان خم شد و ابروی ایشان خم نشد
تا که پشت صلح را سازند همدستان خدنگ
شکر ایزد را که پایان یافت این جنگ وجدال
حق و آزادی مسلط گشت بر زور پلنگ
دست نیرومند آزادی برون شد ز آستین
بر دهان زور گویان و بدان زد پالهنگ
من نه‌تنها شادمانم این نه‌تنها بزم هیش
از دماغه ماژلان جشن است تا باب برنگ
درهمه روی زمین نک جشن آزادی بپاست
ساقیان پر می بدست دلبران شوخ و شنگ
تا جهان باقی است باقی باد آزادی و عدل
شاد و خرم باد جان مردم با فر و هنگ
ملت ایران و امریکا و روس و انگلیس
باد باقی تا که دلخواه است بانگ نای و چنگ
سال میتوشم باقبال سران چهار ملک
جام خود را کان پر است از بادهٔ بیجاده رنگ

پیام به اتلی

ما مکرر گفته ایم که ملت ایران برخلاف آنچه طبقه دزد
و مرتجع وانمود میکنند نسبت بملت انگلیس احساسات دوستانه
دارد ملت ایران آرزو میکند که مامورین انگلیس در ایران دست
از پشت این طبقهٔ غارتگر بردارند و بخود ملت نزدیك شوند.
ما و انگلیس همسایه ایم؛ مملکت ما دالان مستعمرات اوست، صلاح
او در این است که کسانیکه در این دالان زندگی میکنند باوی
دوست باشند، صلاح ساکنین این دالان نیز در دوستی با اوست
ولی این طبقهٔ ناپاك نالایقی که بواسطه تجرد از تمام صفات انسانیت
و عاری شدن بهمه گونه تدنی و انحطاط برمردم مسلط شده اند
پیوسته اولیای امور انگلیس را درشرق ازملت ایران ظنین میکنند
و بایشان چنان مینمایند که تنها ما حافظ منافع شما هستیم و اگر
روزی ما از میان برویم و ملت ایران صاحب اختیار امور خویش
شود با شما خصومت خواهد کرد و این سوء تفاهمی که بدست آنها
بین ملت ایران و گله و شکایت ملت ایران ازانگلیس شده است
روزی که کارگران انگلیس اکثریت پارلمانی را بردند و اتلی
دولت کارگری تشکیل داد ایرانیها امیدوار شدند که آن سوء
تفاهمی که بین ایشان و دولتهای اشرافی انگلیس موجود بود
مرتفع گردد.

آقای صدارت متخلص به «نسیم» شاعر شهیر جوان شیرین
قریحه و توانا که بتازگی از شیراز وارد شده اند چکامه ئی بنام
«پیام به اتلی» ساخته که ایده آل ایرانیها را در این خصوص بخوبی
مجسم میکند، ما امیدواریم کارمندان روابط فرهنگی ایران و انگلیس

این قصیدهٔ شیوارا که تراویدهٔ یك قریحه پاك وفیاض و بی آلایش است ترجمه کرده وبعرض نخست وزیر شهیرانگلیس برسانند تاایشان ازاحساسات ملت ایران نسبت بخود ومرام وروش خود آگاه گردند :

***

اتلی ای رهبر بیدار و وزیر هنری
وی چومردان شرف اندوخته ازکارگری

انگلستان که جهانی را خود راهبراست
جوید از رای رزین تو کنون راهبری

چشم گیتی نگران تو و کابینه تست
از ثریا همه نام تو بود تا به ثری

سخنی چند از این شرقی گمنام شنو
ای که بگذشته ز خورشید تورا ناموری

بر حریفان قوی پنجه چو پیروز شدی
به که شکرانه آن سوی ضعیفان نگری

مردم شرق سراسر نگرانند که تو
ره اسلاف روی یا ره دیگر سپری ؟

رای کین داری یا بر سر مهری و وداد
حامی زوری یا دشمن بیداد گری ؟

همچواسلاف باشراف نظر داری وبس ؟
یا بمردم گروی از ره نیکو سیری ؟

بشنو این نکته زمن گرچه بدیدار بود
سر سر نگنته بر چون تو وزیر هنری :

شرقیان را همه زنهار بیك چشم مبین
بغلی تازی یکسان نبود با تتری

وگر این کشور آزاد منش را با هند
بینی از دور بیك چشم ز هی بی بصری !

نسبت ایران با کشور گلها بمثل
از درخشش چون نسبت دیو است و پری

ری که کانون وطنخواهی و آزادگی است
نیست چون قاهره و دهلی و بغداد هری

زین کهن کشور روزی هنر آموخته اند
همه کشور ها ، از خاوری و باختری

هیچ دانی که جهان از پس چهل سال هنوز
میزند خنده بر آمال سرادوار دگری ؟

آن وزیری که زیبانی آزادی سوز
در همه شرق بود شهره بگونه نظری !

هم زآنهم که خطا کرد وثوق الدوله
راند اورا وطن از خویش و کشمدر بدری

***

اندرین ملک گروهی چو ددان بی وطنند
داده از دست طمع را همه خوی بشری

ننگ دنیائی به نام که تا دامن حشر
بر همه دامن آلودهٔ ایشان ز تری

مردم از آنان بیزار بدانسان که زماو
یا بدانگونه که از باز شوان کبک دری

گر نبود همه کاری این دل ستمیان
[illegible] بر این مملکت نیمکشت جری

ور میانداری این جمع به اندیشه نبود
لشکر ایران تا که نمیشد کمری !

نی گمان بود ز گمراهی این راهبران
جیش امریکا اگر گشت بایران سفری

آری ازشومی این بیشمان است که هست
قسمت ملت ایران همه خونین جگری !

اگر آنست که میدانی در کار نبود
هرگز این قوم نبودند بدین شهره سری !

تا نپنداری دل سوی تو دارند همی
بندهٔ سیم و زرند اینان از بد گهری !

تا نیالاید بد نامیشان نام تو را
جهد کن تا بخطا عشوه آنان نخری

تا نگردیم بری از تو چنان کز دگران
هله زین قوم سیه کار بری باش بری

گردهد دست بدست آر دل از توده خلق
کز دغل بازی این طایفه سودی نبری

راست خواهی نتوان خواستن از کژدم نوش
یا طمع داشتن از حنظل طعم شکری

آنکه برجای گل و لاله نشاند خس و خار
ناورد بار سرانجامش گلبرگ تری

آن نهالی که دهی آبش از اشک کسان
اندرین باغ بدلخواه نگردد ثمری

فتنه در پرده مکن چون دگران تا نکند
خشم این ملت آشفته درون پرده دری

ره این ملک بهندوی سیه چرده مده بند
تا نشنند بما سرخ لبان خزری

بگناهی که شد این کشور همسایه هند
چند باید که شود عرصهٔ بیدادگری !؟

با همه ناله کزین ملک بر آید شب و روز
نسزد از تو که خود را زده باشی بکری

نیک دانی که بدو نیک جهان در گذر است
دولت و جاه و جلال است سراسر سپری

نه چنان کن که پس از رفتنت از پی باشد
یک جهان اشک شبانگاهی و آه سحری

آنچنان باش که جاوید جهانی گوید:
فری آن دانا دستور خردمند فری

(نقل از روزنامه کیهان)

نگارش: آقای رهروی

ایران وصلح جهانی

شرط زندگی در دنیای امروز چیست ؟

جنگ جهانسوز که نخستین شرارهٔ آن از دالان دانتزیك زبانه کشید وپس از شعله ورساختن کشورهای جهان ملتهارا برای یك تحول تاریخی بزرگ مهیانمود برای ما نیز واقعهٔ سوم شهریور ۱۳۲۰ را بارمغان آورد ولی از آنجائیکه هر شکست معمولا مقدمهٔ اصلاح وجبران خطایا ورفع معایب است شکست ارتش ایران باهمهٔ زیانها ورسوائیهائی که برای ما بارآورد این نتیجه راهم داشت که زنجیر گران دیکتاتوری از گردن ملت برداشته شد وعناصر حساس مجال آنرا یافتند که پرچم آزادیخواهی برافراشته و برای اصلاح کشور گامهای بلندی بردارند . وقتی طلسمهای بیست ساله شکسته شد وآزاد مردان از سیاه چالها رهائی یافتند وفرشته آزادی بربساط رنج دیدگان وآرزومندان سرفرازی ایران بال وپر گشود مردم چشم خود را باز کرده درپی یافتن علت این درماندگی برآمدند و بیك روز گار دلنشین که اجتماع ایرانی از حقوق خود برخوردار شود امیدوار شدند .

اما افسوس که باز گروهی جنایتکار وخائن که دست پروردهٔ دورهٔ دیکتاتوری بودند وملت دراثر سستی وزبونی وعدم رشد فکری خود نتوانست آنها را قلع وقمع نماید باهزاران قلاشی ودغلبازی ونیرنگ ودسیسه وتکیه بمقامات بیگانه موقعیت خودرا دردستگاه حکومت ونقاط حساس سازمانهای اجتماعی تحکیم نموده وبادردست گرفتن زمام امور ایران ستمدیده را از هرگونه جنبش وترقی باز داشتند و بنام دموکراسی به ننگین ترین عملیاتیکه حتی در دورهٔ دیکتاتوری هم برای آنها مقدور نبود دست زدند .

از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون کابینه های متعدد روی کار آمده و هرکدام مواد اصلاحی دربرنامهٔ خود گنجانیده‌اند وآنرا دستاویز زمامداری خود ساخته‌اند ولی نه تنها کوچکترین گامی برای رفع مضائق و دشواریهای زندگی تودهٔ رنجدیده و فقیر و پریشان برنداشته بلکه بهرد های بزرگ دیگری نیز مجال نشو ونما دراین جامعه داده‌اند ودر نتیجه هرج مرج، ارتجاع، ملوك الطوایفی در این کشور حکمفرما گردیده است.

عامل اصلی این فجایع همانا وجود خائنین دورهٔ دیکتاتوری است که پس از سقوط حکومت بیست ساله بساز بر دوش ملت تحمیل شدند.

این جنایتکاران در این چندسال تحت عنوان زمان جنگ تا توانستند بتضعیف بنیهٔ اقتصادی وایجاد مضیقه و بدبختی برای ملت کوشیدند واگر مردم از این همه تحمیلات مینالیدند مصائب آنهارا مولود وعارضه‌جنگ قلمداد میکردند درصورتیکه گرانی هزینهٔزندگی وفواصل عمیق طبقاتی که در ایران وجود داشته ودارد درهیچیك از کشور هائی که حتی صحنهٔ پیکار نیز بوده‌اند نظیر نداشته است این بدبختی که‌ما در دورهٔ جنگ داشته‌ایم وهنوزهم باوجود استقرار صلح گریبان ما را رها نکرده است عامل اصلی دیگری دارد که همانا فساد هیئت حاکمهٔ ایران میباشد ودر اثر همین فساد دستگاه حکومتی است که ماتاکنون نمیتوانیم مزه صلح را بچشیم.

الان فرشته صلح بر فراز جهان بال وپر خودرا گسترده‌ودنیا با گامهای بلند بجلو وبسوی آینده پیش میرود. آثار شوم و وحشتزای گذشته را پشت سر گذاشته درجاده تحول قطعی قدم بر میدارد وتوده‌های جهان آینده بهتری رابرای خود پی‌ریزی میکنند ولی ملت ایران باستثنای یکعده قلیل عناصر روشنبین و با حرارت

دست روی دست گذاشته و انتظار دارد که با این وضع شرب الیهود ،
هرج و مرج با ملل مترقی و پیش تاز دنیای نو در یک راه گام بردارد
یا با این عناصر فاسد و مرتجع که در رأس تشکیلات کشور مانند
زالو چسبیده‌اند میخواهد از نتایج صلح جهانی برخوردار گردد.

حقیقت این است که اگر ملت ایران با این رژیم و شرایط
اجتماعی و سیاسی کنونی خود چشم امیدی باستفادهٔ از مزایای صلح
داشته باشد اشتباه کرده است. زیرا بملت خواب آلود و غفلت‌زده‌ای
که تکلیف خودرا نمیداند کسی اعتنائی نمیکند و ملت ایران وقتی
میتواند ثابت کند که بیدار و هوشیار است و حق حیات دارد که
دست بیک جنبش بزرگ دامنه دار زده در اولین قدم حکومتی
لایق و صالح و واجد شرایط بقاء در دنیای کنونی روی کار آورد
و چون این جنبش باید با اصلاح مجلس آغاز گردد از اینرو مردم
باید برای مبارزه با کسانی که میخواهند در انتخابات آینده حق
حاکمیت توده های ستمدیده را غصب کنند مهیا سازند آن روز که
در اثر این جنبش ملی دستگاه فعالهٔ کشور تصفیه شود و ارتجاع
برافتد آنوقت است که ما میتوانیم بآینده خود در دنیای صلح امیدوار شده
و مطمئن باشیم که دنیا مارا ملتی رشید و لایق همسری و برابری با
ملل زنده و بیدار خواهد دانست.
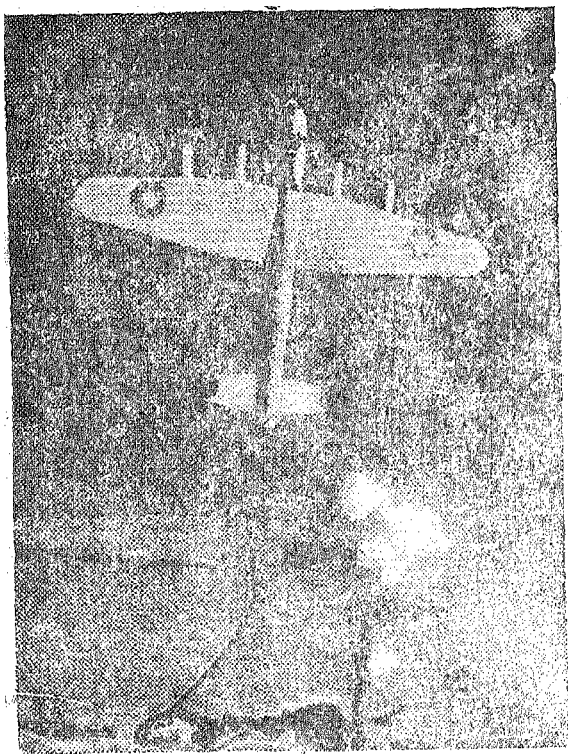
یکی از بمب افکنهای بزرگ متفقین

نگارش : آقای ا . ایوانف — ترجمهٔ : آقای ضیاءالدین نجفی

نقل از مجلهٔ عصر جدید

مشاهدات ما از آلمان ویرانه

پس از یکماه اقامت و سیر و گشت در برلن جز نخستین اثر عمیقی که از مشاهدهٔ ویرانه های آنشهر در قلب من پدید آمد خاطرهٔ دیگر ندارم . همینکه در فرودگاه از هواپیما پیاده شدیم باتومبیل نشسته بسوی مرکز برلن درجادهٔ سنگلاخ و ناهمواری رهسپار شدیم ؛ خوب بیاد دارم که جادهٔ وسیع پیش از جنگ خیابان اسفالتهٔ مشجر و با صفائی بود که دو طرف آن عمارات چند طبقه و ساختمانهای زیبا و با شکوهی وجود داشت و اکنون خرابه های آنها برجای بود ؛ باد شدیدی با صدای هولناک میوزید و خاك و گچی که تنها باقیماندهٔ بناهای عظیم شهر است با خود بلند کرده بر سر و صورت عابرین میریخت گوئی طبیعت نیز با ساکنان برلن نظر خوبی نداشت آسمان برلن را ابری از گرد و خاك پوشانیده و عبور و مرور بسیار دشوار بود . بالاخره بزحمت زیاد خود را بمرکز شهر رساندیم زیرا خیال میکردیم در آنجا کم و بیش عماراتی یافت میشود که بطور استثناء از آسیب بمب مصون مانده باشد ؛ متاسفانه بایستی اعتراف کنیم که این تصور غلط بود چه مرکز شهر نیز دست کمی از سایر نقاط نداشته و جز ویرانه چیز دیگری در آنجا دیده نمیشد .

پس از آنکه ویرانه هائی را که از پایتخت آلمان بجای مانده بود ترك کردیم از رود الب گذشته بمناطق تحت اشغال نیروهای انگلیسی و امریکائی وارد شدیم و در ناحیهٔ صنعتی روهر بتماشا پرداختیم :

سرچشمه قدرت آلمان در رور است

علت اصلی ترقی صنایع آلمان وجود کانهای متعدد زغال سنك و آهن این کشور است ، مهمترین کانهای زغال در ناحیهٔ رور میباشد که درباختر آلمان نزدیك رود « راین » واقعشده ومرکز آن شهر صنعتی اسن میباشد . درفاصلهٔ بین دوجنك بین المللی آلمان بعلت استخراج کانهای زغال وآهن بدستیاری کار شناسان ودانشمندان خود درفلز کاری برکلیه کشورهای اروپا برتری یافت کارخانههای فلزکاری بیشتر مراکز استخراج زغال و بزرگترین کارخانه های ذوب آهن و تهیه فولاد در ناحیهٔ رور برپا شده بود چنانکه طول ناحیهٔ صنعتی رور به ۵۰ کیلو متر میرسد .

در زمان جنك بار ها شنیده بودیم که نیروی هوائی متفقین ناحیه صنعتی روررا بمباران کردهاست . چندی پیش وزارت اطلاعات انگلیس عده ای از روزنامه نگاران انگلیسی وامریکائی را دعوت نمود تا باهواپیما برفراز آلمان پرواز کرده شهرها ومراکز صنعتی این کشور راکه از بمبهای متفقین آسیب دیده ازنزدیك تماشانمایند . درضمن این گردش مهمترین بقایای کارخانه های آلمان کروپ وتیسن درمنطقهٔ رور جلب نظر آنهارا نمود واین منظره مخبرین جرائدرا برآن داشت که پس از باز گشت از این سیروسیاحت بقلم فرسائی درباره لطمات و ضربات عظیمی که بر پیکر صنایع آلمان وارد آمده بپردازند .

رنانی وستفالی محل کارخانههای ذوب آهن امپریالیسم آلمان بود و پیش از این جنك مهمترین ناحیه صنعتی جهان بشمار میآمد چنانکه مقدار استخراج زغال سنك دراین ناحیه معادل کلیه محصول بزرگترین کانهای زغال کشور های متحده امریکا بود .

در رنانی وستفالی سنگهای آهن دار درنود کوژه مرتفع ذوب

میشد و قسمت عمدهٔ آهن ، چدن ، فولاد صنایع آلمان در اینجا تهیه میگردید چنان که میزان محصولات این بنگاه بزرگ صنعتی درسال ۱۹۳۸ بسیزده میلیون تن چدن یعنی ۸۳ ٪ محصول کل کشور آلمان ودر ۱۹۳۹ بشانزده میلیون ودویست هزار تن فولاد و ۱۴۰۰۰۰۰۰ تن آهن بالغ گردید .

درهمین ناحیه رنانو وستفالی بود که مؤسسات شیمیائی تروست آلمان بنام « ای . گه . فاربن ایندوستری » از کارخانه‌های سودسازی رنگ سازی ، کائوچوی مصنوعی ، آمونیاك و مواد دیگر شیمیائی تاسیس شده بود کارخانه‌های اسلحه سازی و صنایع ماشین آلات نیز در این قسمت قرار داشت . وفور معادن زغال و آهن و فلزات دیگر درورود باعث شد که این منطقه را کانون مرکزی صنایع آلمان نماید ودر درموقع جنگ حساسترین نقاط آلمان بود و بهمین جهت متجاوز از یکصد بار هدف حملات هوائی قرار گرفت و هر دفعه هزار هواپیمای بمب افکن انگلیسی و امریکائی بر آن بمب ریختند و با ویران کردن و از کار انداختن کارخانه‌های آن توانستند نیروی آلمان را ضعیف نموده او را وادار بتسلیم نمایند .

ناحیهٔ روهر از هواپیما

شنیدیم راه آهن بکلی ویران شده بود ، یک جاده جنوبی بین میانی و دو رود که از خطر بمباران نسبتاً محفوظ مانده بود تنها وسیله ارتباط پایتخت و مرکز صنعتی سابق آلمان را تشکیل میداد ، هنگام عبور از این جاده در امتداد راه قافلی دسته‌هائی از مردم اتحاد جماهیر شوروی بودیم که بتازگی از چنگال نازیها نجات یافته و بطرف میهن خود رهسپار بودند قیافه‌های لاغر و ضعیفشان حکایت میکرد که در مدت اسارت و اقامت در آلمان رنج و مشقت فراوان کشیده

ولی اکنون شاد ومسرور بودند که دورهٔ بردگی آنها بپایان رسیده وبآزادی بسوی خانه و کشور خود میروند.

رنانو وستفالی درسالهای اخیر محل اردوگاههای متعددی از اسیرانی بود که آلمانها از ممالك مفتوحه در آغاز جنك برای بردگی وخدمت سرمایه داران آلمانی بغنیمت آورده ودرکارخانه‌های کروپ ۸۰٪ عمله های کارخانه های « شرکت هرمان گورینك از اسرای جنگی بودند که از بامداد تاشام بازاء لقمه نانی که بآنها داده میشد کار کرده روز برزو ضعیف تر و لاغر تر میشدند چه بسا بیچارگانی که ازفرط خستگی و کم غذائی درگوشهٔ اردوگاهها جان سپردند.

روحیهٔ ساکنین رور

شهر صنعتی رور نیز دارای همان منظرهٔ غم‌انگیز برلن بود از خانه ها جز ویرانه‌ای باقی نبود و مردم در زیرزمینهای خرابه ودخمه مانندی مسکنی داشتند کارگران آلمانی که در ویرانه هابیتوته میکردند افرادی فرسوده وفرتوت بنظر میرسیدند پیشه‌وران همینکه سربازان دول متفق رامیدیدند تعظیم نموده وسلام میکردند وخودرا بسیار خاشع و خاضع نشان میدادند اما در میان عابرین جوانان آلمانی بالباس سیویل که سر و وضعشان از سرباز بودن آنان حکایت میکرد مشاهده میشدند که بانظری پرکین وخشمگین بفاتحین کشور خود مینگریستند واز انهدام دستگاه نازیها چنان مضطرب وعصبانی بودند که حتی قدرت تظاهر هم از ایشان سلب گشته بود [illegible] اسیران آلمانی که بتازگی از طرف نیروهای انگلیسی وامریکائی آزاد شده و اجازه بازگشت بخانه های خود را یافته بودند جمعیت وازدحامی در خیابانها فراهم آورده بود.

هنگام عبور از کوچه ها گاهی جوانان قوی و تنومند نظر
مارا بخود جلب میکردند. اینان سربازان وافراد ارتش سابق آلمان
بودند که لباس غیر نظامی برتن داشتند. هنوز درمجامع عمومی تابلو
که بر آنها عبارت «تنها برای آلمانها» نوشته شده بود وجود داشت
مهمانخانه‌های متعددی درنقاط مختلفه ناحیه روربرپا بود ولی جمعیت
فوق العاده ای در آنها ازدحام میکردند کیفیت غذا و نظافت نیز
بهیچوجه رضایت بخش نبود.

خانه‌ها واماکن بیش از کارخانه‌ها دراثر بمباران ویران شده
بود پیش ازجنگ ناحیه رور دریك رشته متوالی کارخانه ها، قصبات
وشهرهای کوچك که بتوسط تراموای بهم ارتباط داشت تشکیل مییافت
که اکنون بیشتر آن شهرها وقصبات باخاك یکسان گردیده است
برآورد دقیق ومحاسبهٔ صحیح میزان خسارت وارده براماکن وعمارات
امری دشوار میباشد ولی باکمال اطمینان از دیدن خرابیها میتوان
گفت که ۷۰٪ مساکن وخانه های ناحیه رور بکلی منهدم گشته واز
حیز انتفاع وسکونت ساقط شده است بیشك هدف اصلی متفقین از
از بمباران رور اضمحلال کارخانه ها بوده لیکن اکنون مشاهده
میشود که خسارات وارده برمساکن ومنازل فوق العاده بیشتر است
بطوریکه زیان کارخانه از بمباران ۴۰٪ تجاوز نمیکند ستونها و
ساختمان محکم کارخانه ها دربرابر ضربات بمب بخوبی مقاومت کرده
وخرابی در کارخانها بیشتر منحصر بقسمتهای فوقانی عمارات میباشد.
فعلا هیچیك از کارخانه ها بروز کار نمیکنند، عمله های بیشماری بخاك
برداری وپاك کردن محوطه کارخانه‌ها ومنازل کارگران مشغولند
جمعیت شهرها وقصبات رور بسیار زیاد واز آنجا که وضع سکونت
آنان در ویرانه ها خوب نیست اخیراً مردم راه صحرا و ییلاق را
پیش گرفته وزندگی بر روی چمن وزیر سایهٔ درختان را برسکونت
درزیر زمینها ترجیح داده‌اند.

وضع خواربار در رور

از آنجاکه رور ناحیه ای کاملا صنعتی است وسعت اراضی زراعتی آن خیلی کم میباشد و اهالی از حیث خواربار ومیوه و سبزی فوق‌العاده در مضیقه اند چنانچه جیره نان برای هر یکنفر سه لیور درهفته است .

روزهای یکشنبه خیابانی که ازرور به‌ییلاق میرود منظره‌ای تماشائی دارد مردان و زنان دوچرخه سوار از هرسن و هرصنفی با کوله پشتی بدهات میروند تا در آنجا اشیاء و اسبابهای خود را با ماکولات تعویض نمایند جمعیت دوچرخه سواران باندازه ایست که راه عبور ومرور را سد میکنند وشخص تازه وارد تصورمینماید که از کلیهٔ مردم دوچرخه سوار ناحیه رور رژه ای ترتیب یافته است . این نکـته را باید در نظر داشت که در حال حاضر وسیله نقلیه ای که اکثر مردم آلمان در اختیار دارند دوچرخه میباشد .

در این ایام تنها راه گـذران و امرار معاش کارگران و صنعتگران ناحیه رور مبادله اشیاء و اثاثیه منزل و ابزار کاربامواد غذائی است . مغازه‌های شهر تعطیل است و دهات فلاحتی که تقریباً از آسیب جنگ مصون مانده منبع منحصر بفرد آذوقه اهالی شهرهارا تشکیل میدهند و باین ترتیب فرصت خوبی بدست صاحبان املاک افتاده است و اینان بازار سیاهی ایجاد کرده مواد غذائی را بقیمت گزافی بمردم میفروشند .

تاسف از گذشته و نگرانی نسبت بآینده

اهالی رور خواه جوان خواه پیر از بچه‌های ولگرد گرفته تا مهندسین ومدیران فنی کارخانه ها همه افسرده و ملولند و آثار شکست وشرمساری از چهرهٔ ایشان ساطع است چه شکست وتسلیم

بلاشرط آلمان برای ایشان واقعه‌ای کاملاً غیر منتظره بود . آلمانیها بپیشوا و ارتش خود اطمینان کامل داشتند هیتلر در پایان نطقی که روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ درمجلس رایشتاک ایراد کرده گفته بود :

« من آن لباس مقدسی‌را که هنگام جنگ بین‌المللی بعنوان سرباز داوطلب درتن داشتم دوباره پوشیده ام و این لباس‌را پس از پیروزی از تن بیرون میآورم . دنیا باید یک چیز را بطور واضح بداند و آن این است که کلمهٔ « تسلیم » هرگز درفرهنگ من معنی نداشته است » اکنون موضوع مهمی که فکر و خیال صاحبان صنایع آلمان را بخود مشغول داشته چگونگی بکار افتادن واداره کارخانه‌ها درآینده میباشد . از مصاحبه‌هائی که با کارمندان هیئتهای مدیرهٔ کارخانها ی مختلف بعمل آوردیم این نکته بر ما معلوم گشت که تقریباً همه آنها معتقدند که درآتیهٔ نزدیکی آلمان دوباره عظمت صنعتی خودرا بدست خواهد آورد . عجب اینجاست که ایشان در برابر جنایاتی که دولت آلمان با بر افروختن آتش خانمانسوز جنگ مرتکب شد بهیچوجه خود را مسئول و شریک نمیدانند یکنفر مهندس عالیمقام آلمانی که مدیر یکی از کارخانهای بزرگ فلز کاری رور بود بما اظهار داشت : «سپاس خدایرا که جنگ پایان یافت ما در این جنگ متحمل خسارات مالی هنگفت و تلفات جانی زیاد شدیم . چه بسیار از مراکز صنعتی ما آتشکده شد ؛ چه شهرهای زیبا و کارخانهای عظیمی که با خاک یکسان گردید ! میخواهیم بشما عرض بکنیم که لااقل تا مدت پانزده سال جنگی بوقوع نخواهد پیوست زیرا ما قادر نخواهیم بود در مدتی کوتاهتر از این خود را برای جنگ دیگر حاضر و آماده کنیم »

یك مصاحبهٔ بسیار مهم

سران ارتش آلمان

در این مصاحبه تاریخی و مهم عقاید فرماندهان آلمان درخصوص علل شکست آنکشور معلوم میشود

ژنرالها و افسران ارشد متفقین اخیراً مصاحبه های مهم و بزرگی با سران ارتش آلمان و ژنرالها و مارشالهائی که از «ورماخت» دستگیر گردیده اند نموده و از آنها علل شکست نقشه های آلمان و پیروزی متفقین را جویا شده‌اند .

این مصاحبه ها درعین حال که خیلی از اسرار و رموز جنگ‌را فاش میکند درس تجربه بزرگی برای ژنرالهای متفقین نیز بشمار میرود و از لحاظ روشن شدن تاریخ جنگ کنونی نیز اهمیت بزرگی دارد .

ژنرالها و مارشالهای آلمان اغلب باین مصاحبه ها اظهار تمایل کرده و پاسخهای ژنرالهای متفقین را با خوش روئی داده و بدین ترتیب علل شکست آلمان را روشن کرده و اشتباهاتیرا که فرماندهی عالی آلمان در طی مراحل مختلف جنگ نموده کاملا متذکر گردیده اند .

نخستین بار افسران ستاد ارتش متفقین با مارشال گورینگ در اینخصوص مصاحبه کرده و نظریات او را جویا شدند سپس بازپرسهای ستاد نیرو های سه گانه آلمان مصاحبه نموده و نتیجهٔ این مصاحبه هارا انتشار دادند .

گورینگ در قسمت جنگهای هوائی بزرگترین اشتباهات هیتلررا در نبردهای هوائی استالین گراد دانسته و چنین اظهار داشته

که هیتلر باو دستور داد برای ارتش ششم آلمان که در استالین گراد محاصره شده بودند بوسیله هواپیما مقدار زیادی مهمات و خواربار برساند گورینگ انجام اینکار را غیر ممکن دانسته و بهیتلر گزارش داده بود که اینکار از نظر جنگی سودی نخواهد داشت و تلفات زیاد و قابل توجهی بنیروی هوائی آلمان وارد خواهد آورد ولی هیتلر اصرار زیادی بعملی شدن نقشهٔ خود داشت و فرمان داد که هرچه زودتر گورینگ اینکار را عملی نماید و درنتیجه تعداد زیادی از هواپیماهای نیرو بر آلمانی در حمایت عده ای از هواپیما های شکاری و بمب افکن هر روزه بر فراز استالینگراد پرواز کرده و برای نیروهای محاصره شده آلمان مهمات و خواربار میریختند هواپیماهای شوروی و توپهای ضد هوائی آنها در این هنگام تلفات زیادی بهواپیماهای آلمانی وارد آوردند ولی با وجود این از طرف فرماندهی نیروی هوائی آلمان بفرمان هیتلر هر روزه هواپیماهای تازه ای برای این منظور اعزام میشدند و قریب یکماه اینکار مداومت یافت در مدت این یکماه بنا بر اظهار گورینگ بهترین هواپیما های آلمان ورشید ترین و ماهر ترین خلبانان آن کشور از دست رفتند طوریکه هیچ نتیجه ای از عملیات آنها گرفته نشد وبالاخره ارتش ششم آلمان هم نابود شد .

بزرگترین موفقیت متفقین در نبردهای هوائی بعقیدهٔ گورینگ بمباران کارخانجات نفت مصنوعی سازی آلمان بود هرطوری این بمبارانها ضربت بسیار خطرناکی بر پیکر ماشین جنگی آلمان وارد آمد و بنابر اظهارات گورینگ در اثر این بمبارانها محصولات این کارخانه ها بمقدار فوق العاده زیادی کاهش یافت .

این کارخانه ها که سابقاً هرماهی یکملیون و ششصد هزار تن بنزین

مصنوعی برای هواپیماهای آلمان درست میکردند دراثر بمباران‌های مزبور هرماه دیگر بیش از ۲۰۰۰۰ تن بنزین نتوانستند درست نمایند و در نتیجه فعالیت نیروی هوائی آلمان خود بخود محدود گردید واین محدود شدن‌فعالیت دراوضاع کلیه جبهه‌های جنگ‌مؤثر واقع گردید بطوریکه در جبهه خاور هر روزه هواپیما های آلمان سابقاً بیش از ۳۰۰۰ بار پرواز میکردند ولی در نتیجهٔ نداشتن بنزین این اواخر تعداد پرواز آنها از روزی ۶۰۰ بارهم کمتر شده بود .

بعد از گورینگ سران ارتش متفقین با سه تن از بزرگترین ومعروفترین سران ارتش آلمان یعنی ژنرال «گوستویدل»رئیس کل ستاد نیروهای زمینی آلمان فلد مارشال «کایتل» سر فرمانده نیروهای سه گانه آلمان و فلد مارشال فن رونشتدت فرمانده کل نیروهای آلمان درباختر اروپا مصاحبه نمودند .

بعقیدهٔ این سه نفر علل شکست وعدم موفقیت نقشه های جنگی آلمان از قرار زیر است :

۱ ـ اقدامات هیتلر در خصوص وارد کردن ایتالیادرجنگ مارشال کایتل دراین مورد بخصوص اظهار میداشت که سران ارتش آلمان بطور کلی با ورود ایتالیا درجنگ مخالف بودند زیرا از نیروی آن کشور و موقعیت جنگیش بخوبی اطلاع داشتند و آن کشوررا سربار آلمان درجنگ میدانستند ولی هیتلر شخصاً اصرار زیادی در اینکار میکرد و عقیده داشت که ورود ایتالیا در جنگ منافع زیادی برای آلمان دارد و بالاخره برخلاف عقیدهٔ سران ارتش رفتار کرد و موسلینی را وادار بدادن اعلان جنگ کرد و حال آنکه اگر ایتالیا همانطوریکه سران ارتش آلمان میگفتند،درجنگ

بیطرف میماند و مخفیانه با آلمان کمک میکرد بمراتب موفقیت نیروهای آلمان بیش از این بود .

۲ ـ غفلت از پیاده کردن نیرو به انگلستان ـ محافل ارتشی آلمان پس از شکست فرانسه عقیده داشتند که باید فوراً دست بکار حمله بانگلستان گردید و از ضعف آن کشور استفاده نمود .

ولی هیتلر نظر باینکه نیروی دریائی آلمان برای اینمنظور کافی نبود با این نقشه مخالفت کرد و حملهٔ بانگلستان را بتعویق انداخت و بدین ترتیب فرصت گرانبهائی را از دست داد .

۳ ـ عدم جلوگیری از عملیات متفقین در شمال افریقا ـ فرماندهی آلمان بطوریکه سران ارتش آلمان اظهار میداشتند از لشکر کشی متفقین بشمال افریقا را قبلا اطلاع داشتند ولی منتهی خیال میکردند که نیرو های مزبور میخواهند در کرانه های لیبی و نقاطی که رومل تصرف کرده است پیاده شوند و اصلا بخاطرشان خطور نمیکرد که نیرو های مزبور در مستعمرات افریقای شمالی فرانسه پیاده گردید و از همین جهت در لیبی نیرو های زیادی متمرکز کرده و درافریقای شمالی فرانسه اقدامی بعمل نیاورد . حتی موقعی که کشتی های امریکائی وارد دریای مدیترانه گردیدند نیز آلمانیها انتظار داشتند که آنها در لیبی پیاده شوند ولی برخلاف انتظارشان غافلگیر شده و امریکائیها افریقای شمالی فرانسه را تصرف کردند .

۴ ـ اشتباه در عملیات نرماندی ـ نازیها خیال میکردند که نیروهای امریکا و انگلستان در قسمتی از کرانه های فرانسه واقع در تنگه پادوکاله پیاده خواهند شد و ازهمین جهت این منطقه را مستحکم تر نموده فون روندشتت ۱۴ لشکر خود را در این قسمت متمرکز کرده بود ولی برخلاف انتظار متفقین در سواحل نرماندی پیاده شده و آلمانیهارا غافلگیر کردند .

۵ ـ عدم موفقیت حمله متقابلهٔ آلمانی ها دراورانش ـ دراوت سال گذشته فرماندهی آلمان برای اینکه حمله نیرو های ژنرال پاتون را بطرف شرق درهم شکنند اقدام بحمله متقابل شدیدی در اورانش ـ مورتن نمود ولی حمله متقابله اش بعلت اینکه نیروی کمی بکار انداخته بود مواجه باعدم موفقیت گردید و حال اینکه اگر آلمان نیروی زیاد تری را در این حملهٔ بکار میبرد احتمال میرفت که یك ارتش امریکا بکلی نابود شود و بطور قطع این موضوع در سرنوشت جنك تأثیر زیادی داشت .

۶ ـ جلوگیری نکردن از حمله متفقین در اردن ـ نیرو های متفقین در نوامبر گذشته در اردن دست بحمله زده بودند که آنرا در ماه دسامبر توسعه داده و تبدیل بحمله و هجوم بزرگی کردند فرماندهی آلمان با این که در این منطقه نیروی کافی در اختیار داشت و میتوانست جلوی متفقین را بگیرد اقدام بدینکار نکرد و شروع بعقب نشینی نمود بامید اینکه این نقشه را درمرز های خود عملی نماید ولی فرصت گرانبهائی را از دست داد وحتی درمرزهایش هم نتوانست موقعیت اولی خود را بدست آورد .

۷ ـ شکست در « رماگن » ـ در « رماگن » فرماندهی آلمان آخرین خبط خود را مرتکب شد بدین معنی که نیروی کمکی کافی باین منطقه اعزام نداشت و درنتیجه نیرو های متفقین سر پل رماگن را تصرف نموده و از شمال جبهه آلمانی ها را بعقب نشینی وادار کردند ؛ در نتیجه فرماندهی آلمان مجبور شد نیروهائی را که برای حفظ منطقه رن نگاهداشته بود باینقسمت بفرستد ودر نتیجه در منطقه رن نیز مواجه با شکست بزرگی گردید .

کرتین فقید وزیر سابق استرالیا که اخیرا فوت کرد.

آیا جنگ دیگری دنیا را تهدید میکند؟
نامه سرگشاده یك نویسنده امریکائی
به روسیه شوروی

«روابط آیندهٔ کشورهای «انگلستان وامریکا»
«وشوروی بیش از هرچیزی اکنون توجه دنیارا»
«بخود جلب کرده است زیرا صلح یا جنگ جهان»
«آینده بستگی کاملی بچگونگی این روابط دارد»
« (ستانلی هیك) نویسندهٔ معروف امریکائی درطی»
«نامه سرگشاده ای که در مجله (ریدرز دایجست)»
«نوشته این موضوع مهم را کاملا روشن میکند .»
«ترجمه خلاصهٔ این نامه سرگشاده درزیر ازنظر»
«خوانندگان گرامی میگذرد»

پس از جنگ آینده

اکنون وحشت بیم جنگ آینده جهان را فرا گرفته است و عده ای تصور میکنند که در آینده یعنی پنج یا ده و بالاخره ۲۰ سال دیگر جنگ جدیدی شروع شده و دنیا را از نو زیر و زبر خواهد کرد .

این وحشت و ترس عواقب بسیار بدی دارد و تا کاملا برطرف نشود و فکر آن از سر مردم دنیا خارج نگردد نمیتوان امیدی باصلاح اوضاع پس از جنگ و برقراری آزادی کامل در کشورهای جهان داشت .

بعد از جنگ چیزی که بیش از همه چیز اهمیت دارد و باید بآن توجه داشت برقراری آزادی بتمام معنی در تمام کشورها

وبرطرف کردن این بیم ووحشت است وبدین ترتیب میتوان آینده جهانرا تأمین کرد .

در تأمین آینده جهان سه دولت بزرگ امریکا و انگلستان و شوروی رل بسیار مهمی بازی مینمایند و این مسئله مهم وبزرگ بستگی بموافقت یا عدم موافقت آنها با یکدیگر دارد .

ما سه دولت بزرگ دوش بدوش یکدیگر نبرد کرده و پیروز شده ایم تا چنین فرصتی را برای تأمین آینده جهان بدست آوریم .

این فرصت بسیار مهم و گرانبهاست در حقیقت در تاریخ هیچوقت و لحظه ای را حساس تر از این موقع نمیتوان یافت وباید از آن استفاده کرد .

روابط انگلستان وامریکا کاملا صمیمانه بوده و برای موافقت و حسن نظر آنها بایکدیگر هیچگونه اشکالی وجود ندارد و این موضوع خود جای خوشوقتی است و کمک مهمی بمنظور بزرگ تامین آینده جهان میکند .

ولی این نکته کاملا در امریکا روشن و واضح است و در روسیه شوروی هم بایستی همینطور باشد که برای برقراری صلح طولانی در جهان پس از جنگ ، توافق نظر و همکاری سه دولت بزرگ متفق یعنی امریکا ، انگلستان وشوروی لازم است و بدون آن مسائل آینده اصلا صورت خارجی پیدا نخواهد کرد .

احتیاج بصلح

برای پیشرفت و ترقی و بهبودی اوضاع هر کشوری هیچ چیز مهمتر و لازمتر از یک صلح طولانی نیست وبطور قطع زمامداران هیچ کشوری نیز بدون صلح طولانی امیدوار باین اصلاحات و پیشرفت کشور خود نخواهند بود .

مخصوصاً برای روسیه شوروی که وضع اقتصادیش هنوز باندازه کافی ترقی نکرده و صنایعش پیشرفتی را کـه باید نموده ، و بالاخره در اثر جنگ تلفات زیادتری از کشور های دیگر متحمل دیده است یك صلح طولانی و دائمی بیشتر از هر چیز دیگری لازم است .

آلمانیها در طی تصرف و اشغال خاك روسیه شوروی قریب ۱۵۰ میلیون « اگر » از بهترین اراضی کشاورزی روسیه را نابود کردند این مناطق پیش از جنگ درست نیمی از محصولات کشاورزی روسیه را میداد . قریب ده دوازده تا از بزرگترین شهر های روسیه در اثر جنگ ۵۰ تا ٦٥ درصدشان بکلی ویران شده است . عده ای از کارخانه‌های مهم روسیه کـه قریب ۵۹ در صد از آهن ، ۵۰ در صد از فولاد، ۷۷ درصد از آلمینیوم و ٦۰ درصد از زغال مورد تصرف روسیه را تهیه میکردند بکلی یا ویران شده و یا آسیب فوق العاده دیده اند .

کارخانه‌های آهن روسیه نیز دراثر کار و فعالیت زیاد زمان جنگ فرسوده شده واحتیاج به تعمیرو مرمت دارند « اوکارمنو » نویسندهٔ معروف مجله « ساتردی ایونینگ پست » دراین باره مینویسد :

« اغلب از ساختمانها و عمارت شهرها خراب شده اند . ساختمانهای تازه نیز باستثنای آنهائی که برای مصارف جنگی مورد لزوم بودند از ژوئیه ۱۹٤۱ ببعد نیمه کاره مانده‌اند . لباس افراد غیر نظامی از بس پوشیده شده دیگر غیر قابل استعمال گردیده هزار ها نفر از اهالی اینك تخت کفش هایشان از کاغذ و مقوا است .

مولوتف طی نطقی که در کنفرانس سانفرانسیسکو ایراد کرد اظهار داشت :

ـ ما گمان میکنیم که بتوانیم این خرابیها را اصلاح کرده

و حتی بهتر از پیش از جنگ نمائیم ولی البته کتمان نمیتوان کرد که انجام اینکار بسیار مشکل و دشوار است ».

زمامداران روسیه شوروی باید بدانند که اگر باتوافق نظر با دولتهای امریکا و انگلستان بتوانند کمک اقتصادی و صنعتی آنها را نسبت بخود جلب نمایند. چقدر کار آنها در اصلاح این خرابیها آسان و سریع خواهد شد.

این توافق نظر تقریباً میان سه دولت حاصل گردیده و آنها اکنون با یکدیگر همکاری مینمایند. این همکاری باصلاح خرابیهای روسیه و بکار افتادن کارخانه ها و مصرف محصولات امریکا کمک زیادی خواهد کرد.

تشابه وضعیت امریکا و شوروی

امریکائیها از راه ترمیم این خرابیها بوسیلهٔ محصولات صنعتی خود کمک زیادی میتوانند بدولت شوروی بکنند. دولت شوروی سفارشهائی اکنون بکارخانه‌های امریکا داده‌است برای استفاده بیشتری از کانهای منطقه «دونتز» نیز امریکائیها حاضر شده اند نقشه‌هائی در اختیار دولت شوروی بگذارند.

برای ساختمان تراکتورهای اراضی کشاورزی دولت شوروی بیشتر از موتورهای امریکائی استفاده میکند و قسمتی از ماشین آلات تصفیه نفت قفقاز را نیز اخیراً از امریکا وارد نموده است. این سفارشها بنفع امریکا میباشد زیرا کارخانجات آن کشور را پس از جنگ بکار انداخته و از بحران اقتصادی تا اندازه‌ای جلوگیری مینماید.

بطوریکه نویسندگان و خبرنگاران امریکائی از روسیه شوروی اطلاع میدهند در کشور اتحاد جماهیر شوروی نظر خوبی بمحصولات امریکائی داشته و در نظر دارند که از این محصولات

باندازهٔ کافی استفاده نمایند . بدین ترتیب صلح طولانی و توافق نظر کامل میان دو دولت امریکا و شوروی بنفع هر دوی آنها ست .

هرچند اصول کلی کشور ما با شوروی شباهتی ندارد و تمایلات سیاسی ما یکی نیست و هر چند که ما آزادانه از روسیه گاهگاهی انتقاد مینمائیم (همانطوریکه آنها هم از ما انتقادمینمایند)

ولی باوجود این در خیلی از موارد دو کشور و دوملت امریکا و شوروی بایکدیگر شباهت داشته و اختلافی ندارند .

دو کشور امریکا و شوروی هر دو از حیث منابع ثروتی و اقتصادی احتیاجی بخارج ندارند و از این حیث بیشتر از تمام کشورهای بزرك دیگر باهم شبیه هستند .

موقعیت جغرافیائی آنها نیز با یکدیگر شبیه است و در اثر همین موقعیت هر دو کشور غیر قابل شکست میباشند و در هیچیك از ادوار تاریخی دولت خارجی نتوانسته است کشور آنها را تصرف نماید .

همانطوریکه ژرژ سوم نتوانست بر امریکا دست یابد ناپلئون و بالاخره هیتلر نیز آرزوی تسلط بر روسیه را با خود بخاك بردند

دو کشور امریکا و شوروی علاوه بر این دو کشور جوانی بشمار میروند و تاریخ آنها قدمت زیادی ندارد و با منابع ثروت فوق العاده ای که دست طبیعت در سرزمین آنها بودیعت نهاده بیش از اینها میتوانند ترقی کنند و از این نظر نیز با یکدیگر شباهت کاملی دارند .

از لحاظ داشتن نژادهای مختلف نیز امریکا و شوروی با یکدیگر شبیه هستند .

اهالی روسیه از یك نژاد نیستند بلکه از ۱۵۰ نژاد مختلف بوده و به ۱۵۰ زبان مختلف صحبت میکنند ولی با وجود این اتحاد

کامل و پیوستگی زیادی از لحاظ ملیت دارند . امریکائیها نیز بهمین ترتیب از نژاد های مختلف اروپا بوده و همین پیوستگی را دارند .

اهالی این دو کشور نیز از لحاظ اخلاقی و روحی شباهت کاملی باهم دارند نظیر همان حساسیت و صمیمیت و وفا داری را که در اهالی روسیه ملاحظه مینمائید در اهالی امریکا نیز خواهید یافت .

بطوریکه خبر نگاران امریکائی گزارش میدهند در اثر همین تشابه اخلاقی سربازان شوروی و امریکائی در تمام نقاطی که با یکدیگر در تماس بودند روابط خوب و صمیمانه ای داشتند . این تشابه وضعیت خود به نزدیکی امریکا و شوروی کمک زیادی خواهد کرد .

روابط تاریخی امریکا و شوروی

باید اذعان کرد که دولتهای روسیه و امریکا روابط تاریخی خوبی اصولا با یکدیگر نداشته اند دولت امریکا تا پیش از شروع جنگ کنونی روابطش چه با دولت روسیه تزاری وچه با دولت روسیه شوروی خوب و صمیمانه نبوده و اغلب بسیار بحران آمیز هم بوده است .

دولت روسیه تزاری چون از انقلابات آزادیخواهانه امریکائیان بیم داشت علناً با امریکا مخالفت میکرد حتی در طی جنگ های آزادی استقلال امریکا بطوریکه دولت روسیه رسماً بیطرفی خودرا اعلام داشت از مخالفت با ملیون امریکا و کمک با دشمنان آنها خود داری نکرد در آغاز جنگ بین المللی گذشته نیز اختلافات روسیه و امریکا خیلی شدید بود .

پس از انقلاب روسیه و روی کار آمدن بالشویکها نیز روابط روسیه و امریکا رو به بهبودی نگذاشت زیرا این بار امریکائیها

از کمونیست ها وحشت داشتند و هرگز حاضر نبودند بروسیه نزدیك شوند .

این تیرگی روابط بطوریکه گفته شد تا آغاز جنك کنونی وجود داشت ولی نکته ای که قابل ذکر میباشد اینجاست که دولتهای امریکا و روسیه با وجود این سابقهٔ تاریخی تا کنون رسماً بر علیه منافع یکدیگر مشغول اقدامات نشده و صدمه بزرگی بیکدیگر نزده اند که کینه ای در آنها تولید نموده و از دوستی بعدیشان جلوگیری نماید بدین ترتیب این سابقه به تاریخی مانع از دوستی و صمیمیت آینده آنها نخواهد بود .

دولتهای امریکا و شوروی باید در این موقع بحرانی تاریخی بایکدیگر همکاری کرده ودوش بدوش یکدیگر دست باقدامات اصلاحاتی بزنند .

اگر دولت شوروی خیال میکند که در امریکا احساسات صمیمانه ای نسبت بآن دولت وجود ندارد در اشتباه است مطبوعات و جرائد امریکا تمام شاهد این موضوع هستند که ملت امریکا یك حس همدردی ودوستی نسبت به ملت شوروی پیدا کرده است .

شرایط دوستی امریکا با شوروی

درهر صورت دولت امریکا هیچ مانعی برای ادامهٔ همکاری ودوستی با دولت شوروی نمیبیند فقط اتخاذ دو سیاست از طرف شوروی ادامه این دوستی را غیر ممکن خواهد کرد یکی اینکه دولت شوروی با نیرو های خود بخواهد سیاست توسعهٔ اراضی را در پیش گیرد دیگری اینکه دولت شوروی با استفادهٔ از پیروزی خود درصدد انتشار وتوسعه مرام کمونیزم بر آید .

اتخاذ این دو سیاست است که امریکا را از شوروی دور خواهد کرد وتوافق نظر مابین آنهارا محال خواهد نمود .

خیلی بعید بنظر میرسد که دولت شوروی چنین سیاستهائی را اتخاذ نماید وروابط خود را با امریکا تیره نماید زیرا همانطوریکه دربالا اشاره شد دولت روسیه برای اصلاح خرابی های حاصلهٔ از جنگ در کشور خود بیش از هر چیزی اکنون احتیاج بیك صلح طولانی دارد .

بنابراین بهتر است که ملل بزرك امریکا انگلستان وشوروی ترس وبیم ازجنگ آینده را از سرخود دور کرده وباتفاق سایر ملل متفق در اصلاح جهان آینده و استقرار آزادی در سراسر گیتی گام بردارند .

ملکهٔ حبشه

اثر طبع : آقای خلیلی صبری

صلح

شکرلله برطرف شد پرده از سیمای صلح
منتشر گردید از نو درجهان آوای صلح

پیش ازاین گر بود اقطار جهان میدان جنگ
بعد ازاین گردد دگر دنیای ما دنیای صلح

راستی رخشنده تر گردید و روح انگیزتر
چهرهٔ آزادی از افکندن دنیای صلح

تا طریق توبه بنماید باهل شرق دور
بردمید ازغرب خورشید جهان آرای صلح

دشمن مغرور گر بود از حقایق بیخبر
زد ز روی جهل سنگ جنگ بر مینای صلح

عاقبت چون تار و پود قدرتش ازهم گسیخت
با کمال خواری و بیچارگی زد رای صلح

وانکه بود از خودپرستی آنها خواهان جنگ
هست اکنون از زبونی هر زمان جویای صلح

پیشوایان سه کشور ساختند از عزم خویش
قله ای محکم که بگذارند بر آن پای صلح

همت مردان بنا کرده است سدی استوار
تا از این پس جنگ بنیانکن نگیرد جای صلح

هیچ شکی نیست تا اکنون گروه های مخوف
رهسپار کعبهٔ مقصد شوند در پهنای صلح

این دلیران سعی ها کردند و خونها ریختند
تا که بنوشتند منشور سعادت زای صلح

هست امید آنکه مردان علمدار جهان
جامه ای زیبنده ، آرایند بر بالای صلح

سوی شرق وغرب عالم باتساوی بنگرند

زانکه نبود جز تساوی حافظ امضای صلح

پایهٔ هر کار بگذارند بر بنیان عــدل

تا که درطی زمان روشن شود معنای صلح

جای آن دارد که ما ایرانیان از دیگران

بیشتر مسرور باشیم از مسرتهای صلح

زانکه از ادوار پیشین با وجود اقتدار

در سر ما جای نگرفته جز سودای صلح

ما که طرفی برنبستیم از کشاکشهای جنگ

بو که دردخود دوا سازیم در اثنای صلح

ای عزیزان وقت بیداری است برخیزید هان

تا نگردد خواب سنگین تر از لالای صلح

پیش از این بودیم اگر در بستر غفلت بخواب

در هزاران رنج خوش بودیم با رؤیای صلح

بعد از این باید قدم در کار و کوشش داشتن

بهره ور بودن ز نیروی روان افزای صلح

گر نیفشانیم امروز ای برادر تخم کار

نیست جز آه و اسف محصول فردای صلح

تا که نشناسیم خود را لایق این موهبت

ننشیند بر رخ ما شاهد زیبای صلح

باید از امضای صلح آموختن رسم حیات

ورنه سودی کی دهد ما را بدون از امضای صلح

بود «صبری» که مدتی خاموش در دوران جنگ

از نوای صلح شادان گشت و شد گویای صلح
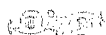
شهرهای اسرار آمیز زیرزمینی در آلمان

«اخیراً در مسکو اطلاعات حیرت انگیزی از»
«شهرهای اسرار آمیز زیر زمینی آلمان که بدست»
«ارتش سرخ افتاده انتشار یافته‌است . در این شهرها»
«که بدست کارگران خارجی ساخته شده آلمانیها»
«کارخانه ها، راه‌آهنهای زیر زمینی و ذخائر مهم اسلحه»
«و مهمات جای داده بودند :»

***

باورود ارتش سرخ بخاك آلمان پردهٔ ابهام ازروی بسیاری از اسرار که در عرض پنجسال جنگ در آلمان پدید آمده بود برداشته شد .

ارتش سرخ کارخانه ها ، شهرهای کوچك و مخازن بیشماری در آلمان شرقی یافته‌اند که کلیهٔ آنها درزیرزمین و باشرایط نامساعدی ساخته شده و بنظر میرسد که هدف نهائی آلمانها از ساختن آنها حفظ صنایع جنگیشان از حملات هوائی بوده است .

تا هنگامیکه روسها باین شهرهای زیرزمینی راه نیافته بودند هیچگونه اطلاعی از ساختمان و حتی وجود آنها بدست نیامده بود و کیفیت ساختمانی آنها از جملهٔ اسرار بشمار میرفت ولی اکنون که اغلب این شهرها و کارخانه های زیر زمینی صحیح و سالم بدست سپاه سرخ افتاده بسیاری حقایق دربارهٔ آنها کشف شده است .

پس از اینکه ساختمان این شهر ها بپایان میرسید آلمانها بمنظور رعایت اخفای کامل آنها کارگرانرا قتل عام میکردند . از

جمله روسها یك کارخانه بزرگی پیدا کرده اند که در جنگل بناشده و آلمانها برای پنهان داشتن آن از دید هوائی اطراف و جوانب آنرا با فن استتار پوشیده بودند .

درناحیهٔ دیگر یك زرّادخانه بزرك زیر زمینی کشف شد این زراد خانه در جنگل بزرگی قرار دارد و دارای راهها و ترنهای الکتریکی زیرزمینی است .

بقول یکی از خبرنگاران جنگی شوروی زرادخانه مزبور از بزرگترین مخازنی بوده استکهٔ آلمانیها در آنجا سلاحهای جهنمی خود را برای اجراء نقشه جهانگشائی خویش گرد آورده بودند آلمانها باغرس اشجار بروی این زرادخانه آنرا بابهترین وجهی از انظار پنهان داشته بودند .

درِ سیلو در بزرگ ورودی این مخزن اعلانی با این عبارت نصب شده :

« هر کس بدون کسب اجازه قبلی بدین جایگاه راه یابد بالمقدم آتش خواهد شد » قبل از ورود باین مخزن باید از یک معبر سیمانی عبور کرده بدرون آن راه یافت . هوای تالار این مخزن مرطوب است و بهوای داخل معادن شباهت دارد .

خمپاره ، بمب و مین در دو طرف دکوریدور بزرگ مخزن با نظم و ترتیب مخصوص جای داده شده و تمام محتویات با دقت کافی تنظیم شده است . دیوارهای مخزن که در طبقات [illegible] باشد بمبهای کالیبر بزرگ در جایگاههای سیمانی خود قرار دارند . تاریخ ساختمان و کالیبر این بمبها باحروف [illegible] روی آنها یادداشت شده است .

در این زرادخانه دکمه ای وجود دارد که با فشار مختصری روی آن میتوانستند مخازن مهمات را منفجر ساخته بهوا پرتاب سازند

ولی آلمانها بقدری در فرار عجله و شتاب داشته اند که حتی موفق بانفجار مخزن نگردیده اند .

هنگامیکه روسها بدرون مخزن راه یافتند هنوز دفاتر زرادخانه روی میز ها باز بود در روی یك میز دیگر نامه عاشقانهٔ نیمه تمامی با چاشت قراول مخزن جلب توجه میکرد و تمام این جریانات نشان میداد کـه آلمانها سخت دست و پای خود را برای فرار گـم کرده بودند .

اگر چه این مخازن بحقیقت شهرهای کوچك زمینی بودند لکن کسانی کـه در جوار این شهرها زندگی میکردند از وجود آنها اطلاعی نداشتند .

در شهر بوداپست اکثر مردم از وجود بنا های محقر کارخانه « لامپارت » مطلع بودند لکن کسی جرئت تماشای آنرا نداشت برای اولین بار ارتش سرخ بدون اجازه وارد این کارخانه شد در این کارخانه پناگاههای فولادی ضد هوائی کشف گردید .

ارتش سرخ بیك رشته حفرههائی در این کـارخانه برخورده کرد این حفرهها بگریدهرهای زیر زمینی که بوسیله درهای پولادین مسدود میشد ارتباط داشتند .

پس از جستجو و کاوش زیادی که در این مخزن بعمل آمد ارتش سرخ بیك کارخانه بزرگ چند طبقه زیر زمینی راه یافت . انبار این کارخانه مملو از ماشین آلات بود و قطعات فورا لومینی که در ساختمان بال هواپیمای مسرشمیت بکار میرود در آنجا بدست آمد .

در این مخزن کارخانه ها و مساکن زیر زمینی بوسیله چندین کیلو متر خط آهن بیکدیگر مربوط میشدند . در تونل این کارخانه بوسیلهٔ اتومبیل میتوانستند عبور و مرور نمایند و اگر بخواهند

پیاده آنرا طی کنند چندین روز وقت لازم است هزاران هزار کارگر خارجی که بزور و عنف بآلمان برده شده بودند در آنجا بکار ساختمان میپرداختند و هیچگاه اجازهٔ خروج از مخزن بآنها داده نمیشد و تقریباً درهمانجا جان میسپردند .

وقتیکه آلمانها مجال تهیه چنین مخازن زیر زمینی نداشتند کارخانه های خود را بجنگلها و نواحی غیر مسکونی منتقل میساختند در یکی ازنواحی که ۴۰ میل مربع مساحت دارد دههزار کارگرخارجی کار میکردند . هنگامیکه خطرهوائی محسوس میشد دستگاه مخصوصی دراندك زمانی ستونهای دود مصنوعی تهیه‌مینمود و محیط کارخانه وجنگل را از دید هوائی پنهان میکرد .

یك هفته قبل از رسیدن ارتش سرخ باین ناحیه آلمانها یك قسمت از کارخانه را منفجر نمودند و انفجار بحدی شدید بود که شیشه پنجره های کارخانه‌ای که درپنج میلی این ناحیه قرارداشت شکست وفروریخت .

با کشف این کارخانه زیرزمینی ارتش سرخ اطلاعات مفیدی از کیفیت ساختمانی آنها بدست آورد .

نقشهٔ این شهرهای زیرزمینی بتوسط مهندسین آلمانی موسوم (بتودت) طرح گردیده و در ساختمان آنها منحصراً کارگران خارجی بکار گمارده میشدند کارگران در کلبه های چوبی که با سیمهای خاردار احاطه شده بود زندگی میکردند .

دور گردا گرد مخصوصی که بازداشتگاه کارگران را احاطه میکرد سگهای وحشی زیادی جای گرفته بودند و اگر احیاناً کارگری میخواست فرار کند خود را بروی او انداخته و ضمناً خطر را اعلام مینمودند .

هر کارگری نمره ای داشت که با آسید های شیمیائی بروی سینه اش نقش بسته بود پس از اتمام یك ساختمان زیر زمینی

کارگران تحت آزمایش طبی قرار میگرفتند و آنها که استعداد کار داشتند بجاهای دیگر منتقل میشدند و بقیه در همانجا بقتل میرسیدند .

معمولا ازنظراختفای اسرار این‌شهرهای زیرزمینی‌اکثریت این کارگران پس از پایان‌کار جان بسلامت نمیبردند . روزنامه پراودا چاپ مسکو مینویسد که « ساختمانهای زیر زمینی آلمان باخون و استخوان صدها هزار مردم بی‌پناه اروپا بنا شده اند ».

ترجمه : عبدالرسول عظیمی

ملوانان متفقین هنگام پیاده شدن بخاک دشمن

آلمانها چگونه موسولینی را نجات دادند؟

درمصاحبه ای که ژانتیزن خبر نگار یکی از جرائد سوئیسی باموسولینی بعمل آورده دیکتاتور ایتالیا ماجرای فرار خود راشرح داده و چنین گفته است :

حوادثی که در ماه گذشته در ایتالیا روی داد بی مقدمه نبود ومقدمات آن هم با دقت و مهارت کامل فراهم شده بود . بطوریکه هر کسی میدانست درساعت معین چه بکند قرار شده بود مرادستگیر کرده بمقامات انگلیسی تحویل بدهند .

بعد از ظهر روز بیست و پنجم ژوئیه یعنی یکروز بعد از تشکیل جلسه شورای عالی فاشیست پس از ملاقاتی که با ویکتور امانوئل بعمل آوردم در ویلاساویاه بازداشت شدم وچون مرا از پله عمارت پائین آوردند دیدم بجای اتومبیلم یک آمبولانس در آنجا ایستاده است . افسری که در آنجا بود بمن امر داد که سوار آمبولانس بشوم در این موقع متوجه شدم که دامی برای من گسترده اند ولی در عین حال چاره ای جز تسلیم نداشتم .

آمبولانس مرا بسربازخانه برد و در آنجا در اطاق کوچکی زندانی شدم شب ۲۶ ژوئیه یک ساعت بعد از نصف شب نامه‌ای از طرف مارشال بادوگلیو بمن داده شد .

بادوگلیو نوشته بود اقداماتیکه بعمل آمده برای حفظ من از یک توطئه خطرناک بوده است . من نیز در پاسخ بادوگلیو نامه ای نوشته و از اقداماتی که برای حمایت من بعمل آورده بود تشکر نمودم ضمناً خاطر نشان کردم که تنها مکان امن برای اقامت من « روکا دله میناته » میباشد و در پایان هم آرزوی خود را نسبت بموفقیت مارشال بادوگلیو در مسئولیت سنگینی که بر عهده گرفته بود ابراز داشتم .

شب ۲۸ ژوئیه بمن دستور داده شد که خود را برای حرکت حاضر کنم . آمبولانسی مرا درساعت ۱۲ شب به بندر گائت رسانید و از آنجا کشتی بخار کوچکی بنام پرسیفون مرا بجزیرهٔ پونزا برد پس از یك شب اقامت در این جزیره بمن اطلاع رسید که باید خود را برای مسافرت دیگری آماده کنم . در ساعت ۸ صبح سوار یك ناوشکن فرانسوی موسوم به « پانتر » شده و بعد از ظهر بجزیرهٔ مادالنا که در شمال غربی ساردنی قرار دارد رسیدم ومرا در خانه یکنفر انگلیسی که ویبر نام داشت جای دادند .

روزی یك هواپیمای آلمانی دربالای خانه پرواز کرد وبقدری پائین آمد که صورت خلبان را دیدم و امیدوار شدم که آلمانها در صدد نجات من هستند . روز ۲۷ اوت بمن اعلام کردند که بایستی خود را آماده حرکت کنم فردای آن روز یك هواپیمای آمبولانس آمد و مرا بنقطه ای واقع در نزدیکی دریاچه براشانو (۴۰ کیلومتری شمال رم) منتقل کرد و از آنجا یك اتومبیل آمبولانس مرا بگران ساسو برد .

در این ضمن مذاکرات محرمانه بین بادولیو و چرچیل و روزولت جریان داشت و بعد ها فهمیدم که قرار بوده مرا برای یك مصالحهٔ بزرك تاریخی تحویل امریکائیها بدهند . در گران ساسو بیش از پیش تحت نظر قرار گرفتم اما چون مخفیانه بمن اطلاع دادند که آلمانها در رم میباشند یقین حاصل کردم که هیتلر مرا نجات خواهد داد . ساعت ۲ بعداز ظهر هنگامیکه نزدیك دریچه اطاق ایستاده بودم دیدم سه هواپیمای آلمانی از میان ابر ها ظاهر میشوند این سه هواپیما حامل چتر بازانی بودند که نزدیك عمارت فرود آمدند و یك طرفة العین دسته های مسلح بمسلسل کوچك عمارت را محاصره کردند و قراولان ایتالیائی هم از این حمله غافلگیر شده کوچکترین حرکتی برای مقاومت برعلیه آلمانها از خود نشان ندادند

یکی از هواپیماها مخصوصاً طوری ساخته شده بود که میتوانست
در جاهای کم وسعت و نا هموار بطور عمودی فرود بیاید . من
دراین هواپیما نشستم ولی موتور هواپیما بزحمت بکار افتاد و پس از
لحظه ای اضطراب از زمین بلند شدیم و بطرف رم رهسپار شده
بعد از دو ساعت بآنجا رسیدیم . از آنجا هم هواپیمای دیگری مرا
بوین رسانید و در ساعت ۱۱ شب وارد فرودگاه شدم . روز بعد
بطرف مونیخ حرکت کرده و از خطر نجات یافتم .

ترجمه : محمد علی عظیمی

عصمت اینونو رئیس جمهوری ترکیه

ژنرال اوچین لک فرمانده قوای هندوستان

ژنرال کوئیزو نخست وزیر سابق ژاپن

از نیویورک هرالد تریبون — ترجمه : آقای ع ـ سامانی

آوای بلبل

در یکی از روز های گرم تابستان ، دسته ای از قشون آلمان در اثر غلبه گرما و ریزش عرق زیاد ، حوالی یکی از قراء مضروبهٔ لیتوانی برای چند دقیقه راحت باش توقف کردند هنوز کوله پشتی و سلاح و قمقمه وسایر اثاثیه خود را بزمین نگذارده بودند که آواز شیرین بلبلی در فضا طنین انداز و توجه آنانرا بخود جلب نمود .

افراد قشون ، فوری دوربین های خود را از غلاف بیرون کشیده ، برای یافتن بلبل درختان جنگلی کوچکی را که در آن حوالی واقع شده بود مورد مناظره و تفحص قرار دادند ، ولی متأسفانه بلبلی در آنجا وجود نداشت .

پس از مقداری کاوش و جستجو ناگهان طفل خرد سالی نظر آنانرا جلب نمود که نزدیک گودالی نشسته مشغول خراش دادن پاره چوبی با چاقوی کوچک خویش و بازی کردن با آن بود .

وقتیکه نفرات برای دیدن وی شتافته و پرسشهائی از او کردند ، وی کاملاً متوحش گردیده چنین وانمود ساخت که دیدن آن منظرهٔ کاملاً وی را مضطرب ساخته است ضمناً با آلت کوچکی که در دهان خود مخفی ساخته بود با گریه بازی کردن فرمانده دسته برای دیدن آن دست خودرا بنزدیک دهان وی برد .

طفل فوری اسباب کوچکی را که با دست خود ساخته بود از پیش دهان بیرون کشیده بجیب خود قرار داد و یکی از بهترین و طبیعی ترین صداهای بلبل را بوسیله آن نواخت .

نغرات فوق العادهٔ ازاین تقلید درعین حال تفریحی ، مسرور و کراراً از وی درخواست تکرار آوای بلبل را کرده ، لیاقت واستعداد فطری او را مورد تحسین و استعجاب قرار داده متوالیاً اورا بتکرار هنرنمائی خویش تشویق میکردند .

در ضمن این نمایش مشغول کننده بلا مقدمه کودک آلت دست خود را برای تکلم از دهان بیرون آورده گفت : من علاوه براین میتوانم تقلید سایر مرغان بخصوص مرغ شباهنگ‌را درآورم وبلا فاصله شروع کرد بصدای مرغ شباهنگ کردن !

مدتی نفرات با این نمایش ناگهانی دور از انتظار در وسط بیابان سرگرم و چون از شغل سکنی و جاه و منزل کودک سئوال کردند ، گفت :

من بتنهائی دراطاقهای نیمهٔ مخروبه این قریه ، همین قریه ویرانه ای که در مقابل چشم شماست ، ساکن و روزها را حوالی دریاچهٔ کوچکی که همین نزدیکی هاست بصید ماهی مشغول هستم و روز گار خود را بخوشی و کامرانی در عالم تجرد و انفراد میگذرانم .

فرمانده دسته راههای اطراف موقعیت و وضعیت جغرافیائی محل را از او استفسار نمود ؛ او هم فوری جواب داد که بخوبی از کوچکترین راه و کوره راه وسایر این قریه وشهرهای اطراف آن مطلع است .

بنابراین بین او و افسر نامبرده قرار شد راههای پیچ در پیچ قریه و کوه و دره های اطراف را بعنوان راهنما بآنان نشان داده و درمقابل یکصد فلات سیگار آتش فی بسیار نفیس بعنوان جایزه دریافت دارد او هم باکمال میل این پیشنهاد را قبول نموده ، منتهی ضمن عقد خارج چنین اظهار داشت .

از تایمز

آتیهٔ آلمان

زمستان آینده ـ اداره امور بدست اهالی محل صنایع آلمان ـ سیستم مدیریت روسیه در ناحیه اشغالی خود!

با متفقین است که هرچه زودتر سیاست خود را در باره آلمان روشن نموده و چرخ های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن کشور را بحرکت در آورند تا آلمان امروزی که جز خرابی و بیچارگی چیزی در آن یافت نمیگردد تا حدی از گرداب بدبختی خلاصی یابد .

سرما و گرسنگی

موقعیت اقتصادی آن کشور از لحاظ فوق العاده قابل امعان نظر میباشد زیرا زمستان آتیه نزدیک و مخاطراتی را که از این لحاظ متوجه اهالی آنکشور میگردد نمیتوان نادیده گرفت .

جنگهائیکه در داخل آنکشور روی داد و از آن جمله [illegible] [illegible] [illegible] را از هم جدا نمود . بعلاوه آلمان شکست خورده و بدست متفقین اداره میشود و نتیجه اینکه [illegible] است که [illegible] و [illegible] اهالی آن مملکت بعمل آورند .

موقعیت سیاسی آنکشور را نیز باید طرف توجه قرار داد و اگرچه فعلا وضع اقتصادی آن آتی نمیباشد . معهذا مهم و باید دانست که در آینده جهان نقش بزرگی را خواهد داشت .

رسیده که قسمت زیادی از امور عادی واداری
ود اهالی واگذار گردد و این بارسنگین راخود

ك متفق در کنفرانس پوتسدام موافقت نمودند که
رهٔ مرکزی که بدست آلمانیها اداره گردد تشکیل
افسران مسئول متفقین از دور مواظب کار و رفتار
تورهای لازم را بآنها بدهند .

بجنك

اقتصادی یك مسئله دیگر راهم نباید ناگفته گذارد
سیاستی است که محصولات جنگی کارخانه‌ها را
صلح و آرامش تبدیل نماید . ولی هنوز تصمیمی
که آیا این محصولات جدید برای رفع احتیاج
خواهد بود تا زندگی سابق خود را از سر گیرند
فروش و دیون جنگ به متفقین ؟

نایع آلمان هرچند سال جنك براثر بمبارانهای
معهذا هنوز مقدار زیادی از کارخانه‌های آن دست
و یا خسارت کم بر آن وارد آمده است لذا
ن حد اکثر استفاده را نمود و اجازه نداد که
بیکار بایند طرف و آنطرف روند - زیرا نه تنها
لمان را باید در نظر داشت بلکه احتیاج شدید
ا بصنایع آلمان نیز نباید از خاطر برد .
های مشابه آلمان بود که چرخ اقتصادی و صنعتی
و جنوبی اروپا و بعضی از سایر ممالك جهان را

میگردانید وخیال که محور اصلی این چرخها ازکار افتاده تکلیف ملل دیگر هم که از آن استفاده مینمودند واضح وآشکار است

روسیه

روسها در ناحیهٔ اشغال شده خود یازده دائره امور اداری تشکیل وریاست آنها رام به لیدر های احزاب دادهاند بنا براین اگر کمی دقت نمائیم در میابیم زمانی رسیده که مراکز اداری مغرب آلمان هم بااین دوایرهمکاری کنند وبعداً تحت نظر کمیسیون مختلط اداری متفقین بکار اداره آلمان همت گمارند وشاید بتوان گفت که اگر این سازمان جلب نظر متفقین را نمود و ازهرجهت خود را دموکرات و طرفدار آزادی نشان دهد در آینده به اسم «حکومت آلمان» خوانده و شناخته شود.

[illegible]

چنین حکومت [illegible] اهمیت فوق العاده برای آلمان [illegible]

[illegible]

آخرین دقایق زندگی لاوال چگونه گذشت؟

روز ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ پس از آنکه لاوال نخست وزیر دولت ویشی بجرم همکاری با آلمان در پاریس تیرباران شد لاشه‌اش بگورستان جنایت کاران جنگ انتقال یافت. وی هنگامیکه سربازان مأمور تیرباران نزدیک شدند اجازه خواست که حکم آتش را خودش صادر کند لکن تقاضایش قبول نشد و هنگامیکه سربازان نشانه گیری میکردند چنین فریاد کرد: من مسئول این جنایت نبودم و تنها گناهم آن بود که فرانسه را بیش از اندازه دوست داشتم . . .

به قلبم بزنید!

لاوال قبل از آنکه تیرباران گردد سعی کرد با خوردن زهر خودکشی نماید لکن موفق [illegible] و نماینده دادستان [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] لاوال

[illegible]

گاهنامهٔ جنگ

روزهائی که در تاریخ ۶ سال گذشته با خط سرخ ثبت خواهد شد

اول سپتامبر ۱۹۳۹ «۹ شهریور ۱۳۱۸»

در این روز هیتلر بلهستان حمله کرد.

سوم سپتامبر ۱۹۳۹ «۱۲ شهریور ۱۳۱۸»

دو روز بعد نویل چمبرلن نخست وزیر انگلستان بآلمان اعلان جنگ داد.

در ابتدا جنگ کند و بی اثری بود تا اینکه هیتلر جنگ «برق آسای» خودرا در بلژیک وهلند آغاز نمود و باشغال فرانسه ختم کرد.

۲۹ مه تا ۳ ژوئن ۱۹۴۰ «۸ خرداد تا ۱۳ خرداد ۱۳۱۹»

در مدت این چهار روز بحریهٔ انگلیس موفق گردید بقیهٔ قوای شکست خوردهٔ بریتانیا رابدون تلفات سنگین به جزیرهٔ انگلیس منتقل سازد. این عده باکمک نیروی هوائی و قوای بحریه برای دفاع حاضر شدند.

۱۵ سپتامبر ۱۹۴۰ «۲۴ شهریور ۱۳۱۹»

در این روز نیروی هوائی آلمان بشکست قطعی خود بر علیه جزیرهٔ انگلیس پی برد زیرا ۱۸۷ طیاره از دست داد.

در مقابل آلمانها جزیره کرت را از راه هوا تسخیر کردند وسائط کوچک انگلیسی آنرا از بین بردند.

۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ «اول تیرماه ۱۳۲۰»

در چنین روزی هیتلر مرتکب بزرگترین خطای خود شده به روسیهٔ شوروی حمله کرد.

۷ دسامبر ۱۹۴۱ «۱۶ آذر ۱۳۲۰»

نیروی ژاپن پرل هاربور را بمباران کرد و امریکا وارد جنگ شد محور رم ، برلن ، توکیو تشکیل گردید .

۱۵ فوریه ۱۹۴۲ «۲۶ بهمن ۱۳۲۰»

ژاپنی هاسنگاپور را گرفتند و حمله آزمایشی نیروی انگلیس به «دیپ» بدون موفقیت اجرا گردید .

در اینموقع اوضاع دو بتحول گذاشت

۴ نوامبر ۱۹۴۲ «۱۳ آبان ۱۳۲۱»

رسماً اعلام گردید که قوای آلمان در بیابان باختر منهزم شده اند و رو به مغرب عقب نشینی میکنند .

۸ نوامبر ۱۹۴۲ «۱۷ آبان ۱۳۲۱»

نیروی امریکا وانگلیس درافریقای شمالی پیاده شدند

۲۳ ژانویه ۱۹۴۳ «۳ بهمن ۱۳۲۱»

ترابلس سقوط کرد .

۲۴ فوریه ۱۹۴۳ «۵ اسفند ۱۳۲۱»

مهمترین نبرد اینجنگ یعنی (استالینگراد)

با شکست و تسلیم نیروی آلمان خاتمه یافت .

۱۳ مه ۱۹۴۳ «۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۲»

جنگ امریکا با تسلیم کامل نیروی آلمان و ایتالیا بپایان رسید

۱۰ ژوئیه ۱۹۴۳ «۱۸ تیر ۱۳۲۲»

حمله به سیسیل .

۸ سپتامبر ۱۹۴۳ «۱۶ شهریور ۱۳۲۲»

تسلیم دولت ایتالیا .

۴ ژوئن ۱۹۴۴ «۱۴ خرداد ۱۳۲۳»

تسخیر رم پس از جنگهای سخت وطولانی ومدافعات شدید نیروی آلمان .

۶ ژوئن ۱۹۴۴ «۱۶ خرداد ۱۳۲۳»

نیروی متفقین بخاک فرانسه در نرماندی پیاده شد .

۲۳ اوت ۱۹۴۴ «۱ مرداد ۱۳۲۳»

شروع حمله بزرگ نیروی شوروی از یاسی بخاک بالکان و اشغال رومانی ، بلغارستان و عبور از سرحد یوگوسلاوی در اول اکتبر .

۱۲ ژانویه ۱۹۴۵ «۲۲ دی ۱۳۲۳»

شروع حمله بزرگ نیروی شوروی بلهستان و پروس شرقی .

۱۷ ژانویه ۱۹۴۵ «۲۷ دی ۱۳۲۳»

سقوط ورشو و قطع رابطه پروس شرقی از خاک اصلی آلمان

۲۹ ژانویه ۱۹۴۵ «۹ بهمن ۱۳۲۳»

رسیدن نیروهای شوروی به رود اودر در برسلاو

۴ فوریه ۱۹۴۵ «۱۵ بهمن ۱۳۲۳»

قطع حمله متقابله روندشتت در جبهه غرب

۱۳ فوریه ۱۹۴۵ «۲۴ بهمن ۱۳۲۳»

سقوط بوداپست .

۲۳ مارس ۱۹۴۵ «۳ فروردین ۱۳۲۴»

نیروی آمریکا از رود راین عبور کرد .

۱۳ آوریل ۱۹۴۵ «۲۴ فروردین ۱۳۲۴»

سقوط وین

۱۸ آوریل ۱۹۴۵ «۲۹ فروردین ۱۳۲۴»

نیروهای متفقین که از رود البه گذشته بود بسرحد

چکوسلواکی رسید و در ۲۷ آوریل نزدیکی لیپزیك به نیروهای شوروی اتصال یافت .

۲۸ آوریل ۱۹۴۵ « ۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ »

مونیخ مسقط الرأس حزب نازی بتصرف متفقین درآمد

۳۰ آوریل ۱۹۴۵ « ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲۴ »

نیروهای متفقین به شمال ایتالیا رسید و آزادیخواهان ایتالیائی شهرهای ژن و میلان و تورن را اشغال کردند و موسولینی را اعدام نمودند .

اول مه ۱۹۴۵ « ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۴ »

نیروی شوروی برلن را تصرف کرده رادیوی آلمان خبر فوت هیتلر را اعلام نمود .

۸ مه ۱۹۴۵ « ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ »

بنا به تصمیم دریاسالار دونتز جانشین هیتلر دولت آلمان بلاشرط تسلیم شد .

ترجمه: م ـ ب ۹۷

از ویکهام استید

پنج سال گذشته

حقایقی که هرگز فراموش نخواهد شد!

تسلیم بلا شرط ژاپنیها در خلیج توکیو، هونگ کونگ و سنگاپور نشانه پایان شش سال جنگ سخت و طاقت فرسا برای جهانیان بخصوص چین و امریکا و انگلیس بود. چینی ها که از شش سال هم تجاوز نموده و بیش از هشت سال با دیو مهیب جنگ دردوخورد بوده و بالاخره با همراهی و کمک متفقین دشمن خویش را به زانو در آوردند.

مقایسه

نبرد هائیکه کشور های آزادیخواه جهان با ناپلئون نمودند اگر چه مدتی بیشتر بطول انجامید، معهذا اینقدر شدید و سخت نبود و دنیا نظیر مصائبی که از سپتامبر ۱۹۳۹ تا آوریل ۱۹۴۵ دید هرگز بخود ندیده بود. زیرا در آن زمان نیروهای کمتری مشغول نبرد بودند فشار مالی نیز نوایت کمتر و بعلاوه زندگی ملی و اجتماعی ملل بخصوص انگلیس خیلی کم تغییر و تبدیل یافت. خطر ناپلئون پس از نبرد مشهور ترافالگار در سال ۱۸۰۵ میلادی بمراتب کمتر و بالاخره با خاتمه جنگ واترلو کاملا از بین رفت.

[illegible] !

پس از مرتفع گشتن آن خطر هیچگاه کسی با تواتی بخیال حمله به انگلیس نیافتاد تا سال ۱۹۴۰ که هیتلر قسمت اعظم خاک فرانسه را اشغال نمود، ناحیه کاله را مسلح و تمام سربازان خویش را در سواحل شمالی کشور کل متمرکز گردانید.

بیفایده

آلمانیها درجنگ بین المللی اول یعنی در سالهای بین ۱۹۱٤ و ۱۹۱۸ میلادی هم سعی بلیغی برای جلوگیری از عبورسربازان انگلیسی از دریای مانش و کانالی که بین فرانسه و آن کشورقرار دارد نمودند، ولی فایده ای نبخشید. زندگی آندورهٔ انگلیس بعدی که دردوران جنگ اخیر مورد خطر و اضمحلال قرار گرفت تحت فشارواقع نشد.

هر ملت دیگری

امروز ملت انگلیس نفس راحتی میکشد واز اینکه ازبلای بزرگی رهائی جسته دلشاد است. موقعیت جغرافیائی انگلستان در عین حال که تا بحال بنفع او بوده است برای وی خطراتی هم دارد منتهی اتحاد و یگانگی بی نظیری که در بین افراد ملت انگلیس، بخصوص در هنگام بروز خطر، وجود دارد او را ازهر نوع مخمصه ئی رهائی میبخشد. چنانچه این جنگ بهترین نمونهٔ آن بود. هرگاه ملت دیگری سوای انگلیس بود بدون تردید درزیر بمبارانهای سخت ۱۹٤۰ که هواپیماهای آلمانی هر دقیقه وثانیه نقاط مختلفه جزیرهٔ بریتانیا را از زیر پا میگذراندند زود تسلیم گشته واسلحه را برزمین میگذارد.

دو میلیون

البته زحماتی را که دو میلیونها و مستعمرات امپراتوری انگلیس چون کانادا، استرالیا، زلاند جدید، افریقای جنوبی وهندوستان متحمل گشته نباید ازنظردور داشت. تمام امپراتوری انگلیس دوسال قبل از اینکه هیتلر بروسیه حمله برد و پیش ازدو سال قبل از اینکه ژاپن بر (پیرل هاربور) هجوم کند، در آتش

جنگ سختی میسوخت با این دومینیون و متصرفات که همیشه با انگلستان کمک کرده اند در این جنگ نیز او را تنها نگذارده و دوشا... دوش وی برای نابود کردن دشمن بجنگ تن در دادند .

یکسال دیگر

یکسال دیگر با سختی و مشقت سپری شد . همه مشکوک بودند که آیا بالاخره دست آلمان و ژاپن در خاور میانه بهم رسیده و اینک کمر امپراتوری انگلیس را قطع خواهند کرد یا خیر ؟ آیا دول محور پس از الحاق لشکریان خویش بهم به استرالیا و زلاند جدید حمله ور میگردند ؟

العلمین و . . .

ولی عقب نشینی آلمانها از العلمین که شصت و شش میل تا اسکندریه فاصله دارد در اواخر سال ۱۹۴۲ و تسلیم لشکریان او در استالین گراد هر نوع شک و تردیدی را از بین برد . متفقین در یافتند که آلمان دیگر نه تنها قادر به پیشرفت نیست بلکه از نگاهداری ممالکی هم که اشغال کرده است عاجز خواهد ماند . بعلاوه امید دول محور برای برسیدن بهم و فتح ایران و هندوستان و مصر و ممالک متفق در نواحی دیگر جهان کاملا از بین رفت و نقش بر آب شد .

[illegible]

تا زمانی که کشورهای متحده امریکا زخم های (پرل هاربور) التیام داده وضع اقیانوس کبیر نا معین و شاید بتوان گفت که تقریبا تماشایی در کار بود .

[illegible]

پس از مدتی قلیل کشور های چون برمه ، مالایا ، سنگاپور

جزایر هند هلند ، فیلیپین و زلاند جدید یکی پس از دیگری از دست میرفت وتحت اشغال سربازان زرد پوست درمیآمد. استرالیا و زلاند جدید تنها دو کشوری بودند که سربازان ژاپونی را بخود ندیدند ولی حمله بر اولی حتمی بودچه نیروهای مسلح ژاپن خود را تا پنجاه میلی سیدنی رساندند.

ورق برمیگردد

ولی پیروزی دریائی کشور های متحدهٔ امریکا در دریای مرجان وکانال گودال ورق را برگرداند وراه پیروزی رابرای پیشرفت نیروهای دریائی متفقین باز نمودواین موفقیت در حقیقت باب جدیدی را در دوران جنگ افتتاح کرد، زیرا از آن پس هر روز مقدار معتنابهی سرباز و تسلیحات وغیره به نیروهای دریائی زمینی وهوائی متفقین میرسید.

در تاریخ امپراتوری انگلیس خطری به بزرگی و عظمت آن سالی که ژاپونیها تمام نقاط فوق الذکر را اشغال کرده بودند دیده نشده ولی باز جای آن دارد که ذکر شود فقط استقامت و جوانمردی انگلیس ها آن خطررا مرتفع ساخته و پیروزی حقیقی را جانشینش کرد.

امید ها

پس از تسلیم بلا شرط آلمان دول متفق بخصوص انگلیس وفرانسه و روسیه امید داشتند که شاید بتوان ستمگری و مصائب را با کسب پیروزی از یاد برد و لی متاسفانه اردوهای زجر و مشقت وکاری که آلمانیها در چند ساله پیروزی موقت خود تشکیل داده و ملت کشور های اشغال شده را به بد ترین نحوی عذاب دادند این امید هارا از بین برد.

این یکی هم

چون ژاپن هم تسلیم متفقین گردید صفحهٔ جدیدی در تاریخ

بدبختی بشر باز شد و روزی نیست که خبر های موحش و اسف انگیزی از شقاوت سربازان ژاپونی نسبت به اسیران جنگی و افراد مللی که در اقیانوس کبیر و چین تحت انقیاد در آوردند شنیده نشود .

هر چه بر تعداد این اخبار افزوده گردد بهمان نسبت هم متفقین در نابود کردن اساس استبداد و دیکتاتوری راسختر و عزمشان جزمتر میگردد .

امپراتور

هنوز معلوم نیست که امپراتور نیمه مقدس ژاپن که برای افراد خود جنبه الوهیت و خدائی دارد تا چه اندازه مسئول این خرابکاری میباشد . تنها امری که بر متفقین مسلم گشته آنست که اطرافیان او که مجتمعاً نام « لرد ها و ارباب های جنگی » بایشان میدهیم از هر حیث مسئول و باید در صف جنایتکاران جنگ در آیند .

بزودی عموم مسببین جنگ آلمان هم در محکمه حضور خواهند یافت . مهمترین افرادی را که از این دسته باید نام برد دکتر شاخت مالیه چی معروف است که هیتلر بدون او امکان نداشت بتواند سیستم نازی خویش را شروع و بکار اندازد .

برای محاکمهٔ این افراد دسته ئی از قضات و داوران عالی رتبه انگلیس اختصاص داده شد بعلاوه هیئتی هم از امریکا بصوب مملکت ... کبیر عازم گشتند تا در این محاکمهٔ تاریخی شرکت کنند

بقلم : فرانسوا موریاك عضو آكادمی فرانسه
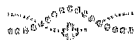
برای خاطر نوع بشر

« فرانسوا موریاك عضو آكادمی فرانسه مقاله مؤثری بعنوان »
« « برای خاطر نوع بشر » درروزنامه فیگارو بتاریخ هشتم اكتبر »
« نگاشته است كه « به نیكوترین وجهی نشان میدهد چگونه هنوز »
« برخی خوش بینان تصور میكنند كابوس جنگ درجهان نابود »
« نگردیده و چگونه انسانیت بدبخت وفرسوده درمعرض خطر »
« جنگ دیگری قرار گرفته است اینك این مقالهٔ پر معنی از »
« مد نظر خوانندگان گرامی میگذرد . »

***

من از جملهٔ آن ساده لوحان نیستم كه بگویم : « چون در روزنامه نوشته شده است صحیح است . » با این همه خبری را كه بسیاری ازاشخاص مانند من در روزنامه ها خوانده‌اند در اینجا نقل میكنم : « امریكائی ها با عده كثیری از كار شناسان بمب های بالدار آلمانی و اتریشی برای بنجسال قرار دادی منعقد ساخته اند و این كار شناسان بزودی بطرف امریكا حركت خواهند كرد و میتوانند تمام افراد خانواده خود را نیز همراه ببرند ازجمله آنها یكی فیشر مهندس معروف آلمان است »

بدیهی است در این موقع كه جنایتكاران جنگ میروند در مقابل دادگاه نورمبرك حساب جنایات وقبایح خودرا پس دهند معلوم است كه مدافعین آنها از این خبر درصورتیكه صحت داشته باشد تاچه اندازه استفاده خواهند كرد وعلاوه برای یك روزنامه نگاری كه مختصر استعدادی داشته باشد تاچه اندازه مایه تعجب خواهد بود .

البته این داستان در ظاهر چندان مهم بنظر نمی آید و بعلاوه ما قصد آنرا نداریم که در اینجا از متفقین بزرگ خودمان گله‌ای نمائیم لیکن باید تصدیق کنیم که این خبر بهترین گواه شکست موحشی است که بر نوع بشر وارد آمده است زیرا به نیکو ترین وجهی میرساند که هر سازمانی که بعد از این در جهان از قبیل جامعه ملل وغیره بوجود آید هیچگونه فائده بر وجودش مترتب نخواهد بود

آیا یک شورای خانوادهٔ که یکی از ثروتمند ترین اعضای آن در مقابل طرفداران لرزان و صامت خود برای حفظ منافع خویش مسلسلی همواره بدوش داشته باشد یک شورای خانوادهٔ حقیقی خواهد بود ؟ کاش این داستان فرصت جاپایی مییافت اما متأسفانه معنی بشتری دارد یعنی نشانه پیروزی ماده پرستی است .

پس از ده سال قصابی انسانیت که در خواب غفلت و گرسنگی عصبی در آمده بود شاید میتوانست از اعلامیه حقوق انسان و منشور ملتهای متفق مددی بخواهد و بشر پس از استخلاص ماشین های عصبی کشتار شاید میتوانست چیزی از مآل این بدبختی جبران آگاه گردد وخصوصا برای آنکه بشر از این فاجعه آنرا مغلوب و منکوب بیرون نیامده بلکه شرف خود را نیز از دست داده زیرا ما امروز می‌بینیم که در این جنگ پستی و دنائت و خونخواری بشر بحد [illegible] رسیده است .

هر گاه خبر امضای قرار داد پنجساله امریکائی ها [illegible] آلمانی فیشر [illegible] اعلام [illegible] میکند که :

« ما [illegible] امروزی [illegible] نداریم [illegible]
« آنکه تمام وسائل شرائی و الزام را فشرده کنیم
« حتی وسائلی را که برای ارتکاب جنایت [illegible]
« اختراع گردیده‌اند [illegible] وسائل [illegible] استفاده
را بنمائیم »

اینست درسی که امریکا بما یاد میدهد یعنی هیچ امیدی بمعنویات نباید داشت و دلایل معنوی امروز وجود خارجی ندارد زیرا روحی برای پذیرفتن آنها نیست . بعلاوه رهبران ملت های بزرگ طوری رفتار میکنند گوئی فاقد روح اند . نظر ملت های بزرگ امروز اینست که انسانیت بکلی باید از عقاید زیبای معنوی چشم بپوشد وتمام امید خود را برای حفظ صلح جهان متکی بدان نماید که چنان اسلحه های موحش وخانه براندازی اختراع کند که از بیم آن کشور های رقیب نتوانند بجان یکدیگر افتند زیرا در چنین موردی خود و دنیا را نابود خواهند ساخت .

بسیارخوب بنظرما وطبقه آنانیکه امیدوارند مجلس مؤسسان فرانسه بزودی با تصویب بهبود وضع کارگر ورنجبر ثابت خواهد کرد که هنوز به معنویات عقیده دارد آنستکه باتفاق سایر ملتهای آسیب دیده بنمایندگی روح درمقابل ماده قیام نماید و بملت های بزرگ که بهترین اختراع را آن میدانند که بیشتر موجب مرعوب ساختن طرف گردد ثابت کنند که عالیترین اختراع بشر بدست آوردن اصول معنوی واخلاقی خاصی است که جنگ را یکسره از جهان نابود کند .

یک حملهٔ اسرار انگیز بر خاک آلمان
حمله ایکه سر نوشت آلمان را تغییر داد

پاسی از شب میگذشت ، یکدسته از هواپیماهای انگلیسی که مرکب از ۶۰۰ بمب افکن سنگین بود ، شبانه آسمان دریای شمال را در هم میشکافت و غرش کنان بسوی کرانه های آلمان پیش میرفت . فردای آنشب ستاد نیروی هوائی انگلیس این خبر مختصر را منتشر ساخت :

« برخی ازنقاط ناحیهٔ «پنی موند» واقع در آلمان که دارای تأسیسات نظامی و جنگی بوده ، در شب گذشته مورد حملهٔ هواپیماها قرار گرفته است . »

در پس این خبر مبهم و مختصر یکی از مهمترین داستانهای جنگ پنهان شده بود ، فرماندهی بمب افکنهای انگلیس در یک جنگ هوائی بر دشمن فائق آمده و موازنه جنگ را بسود متفقین بهم زده بود . معهذا این حادثهٔ بزرگ که تا مدت یکسال ، یعنی تا هنگام ظهور و انفجار بمبهای بالدار بر فراز لندن ، مخفی ماند و هیچکس جز عدهٔ معدودی از حقیقت آن خبر نداشتند .

در بهار سال ۱۹۴۳ که حملات هوائی متفقین بر شهرهای آلمان آغاز گردید ، سران نازی بجنب و جوش در آمدند و برای برای حفظ شهرها و نقاط حیاتی خود مصمم شدند که تمام فعالیت کارخانه‌های هواپیما سازی آلمان را صرف ساختن شکاریها کنند ، [illegible] بعد با آنکه تصمیم آلمانیها انجام شده و محصول کارخانه‌های هواپیما سازی ایشان تقریباً بشکاریها منحصر شده بود ، نیروی هوائی آنان از دفع حملات حریف عاجز آمد و نقاط حیاتی آلمان طعمهٔ بمبهای آتشزا و انفجاری گردید .

تنها برای آلمانیها یك راه امید باقیمانده بود و آن بمبهای بالدار بود که در آنهنگام نمونه هائی از آن مورد آزمایش قرار گرفته و رضای خاطر سران نازی را فراهم ساخته بود .

اگر این سلاح بمقدار فراوان تولید و وارد عرصهٔ کارزار میشد ، دولت نازی میتوانست بدون از دست دادن بمب افکنها و هوانوردان آزمودهٔ خویش ، حملات مخرب را بر نقاط حیاتی حریف ادامه دهد و توقع ملت ناراضی آلمان را در گرفتن انتقام از دشمن بر آورد .

بفرمان هیتلر اقدامات لازم برای تکمیل بمبهای بالدار و ساختن مقادیر معتنابهی از آن شروع شد . مرکز اصلی تهیه و تکمیل این سلاح در یکی از مؤسسات هواپیما سازی واقع در ناحیهٔ « پنی موندە » بود . پنی موندە در سواحل جنگلی دریای بالتیك است و ۷۰۰ میلی از انگلستان فاصله دارد . بهترین استادان فنی کارخانه های هواپیما سازی و نخبه ترین مهندسین کارخانه‌های فلز کاری آلمان بدین نقطه فرستاده شدند با سر پرستی ژنرال « والف کابرنسکی » دانشمند کار دیدهٔ و ۴۹ ساله آلمانی شروع بکار نمودند . شمارهٔ این دانشمندان و مهندسین بچندین هزار نفر میرسید .

در ماه ژوئیهٔ سال ۱۹۴۳ دائره جاسوسی انگلستان ، باوجود فعالیت شدید « گشتاپو » آلمان در پنی موندە تشکیل شده مطالعات بسیار دربارهٔ گزارشهای جاسوسان و دقت درعکسهائی که بوسیلهٔ هواپیماها از پنی موندە برداشته شده بود بستاد نیروی هوائی امپراتوری پیشنهاد کرد که پنی‌موندەرا بمباران کند ومارشال « هاریس » فرماندهٔ نیروی هوائی تصمیم گرفت که این حمله را دریکی از شبهای مهتابی ماه بعد انجام دهد .

اتفاقاً در همان اوقات از مراقبت آلمانیها نسبت به پنی‌موندە

کاسته شده بود . بمب افکنهای شبانه نیروی هوائی انگلیس مرتباً
همه شب برای بمباران شهرهای « اشتتین » و برلن از فراز پنی
موئنده میگذشت و مسئولین امور پنی موئنده که بگذشتن طیارات
دشمن خوگرفته بودند تصور نمیکردند که نیروی هوائی انگلیس
از اهمیت این نقطه با خبر شده باشد .

عکسهای هوائی مخصوصی که برای حمله بر پنی موئنده
ضرورت داشت ، بدون آنکه نظر آلمانیها جلب شود در ضمن
پرواز های مقدماتی بر بنادر بالتیک برداشته شد ، این تصاویر
بطرّاحان نقشه حملة اجازه داد که هدف اساسی را که باید بیش از
سایر نقاط مورد هجوم هواپیما قرار گیرد مشخص کنند .

هدف نخستین را قسمت مسکونی دانشمندان و مهندسین ،
هدف ثانوی را کارخانه ها و جایگاههای بمب ، هدف سوم را
ساختمانها و بناهای محتوی نقشه های سلاح جدید معین کردند .
از شب ۱۷ اوت که در آنوقت ماه تقریباً بصورت قرص کاملی جلوه گر
میشد برای حمله انتخاب گردید .

هنگام پرواز فقط بهوانوردان گفته شد که پنی موئنده یکی از
مراکز عمدهٔ آزمایشی دستگاه « رادار » و محل اجتماع متخصصین
این دستگاه است و بآنان توصیه کردند تا آنجا که ممکن است
عدهٔ بیشتری از این متخصصین را نابود کنند و فرمانی که از طرف
فرماندهٔ نیروی هوائی صادر شده بود بدین مضمون برای ایشان
خوانده شد :

« اهمیت فوق العاده این حمله و لزوم تخریب آنرا بهمه
سرنشینان بمب افکنها متذکر و خصوصاً بآنان یاد آوری نمائید که
حتماً تخریب این هدف بایستی در همان حمله صورت گیرد و هرگاه
نتیجه حمله رضایت بخش نباشد و منظور ستاد نیروی هوائی
بر آورده نشود بدون توجه بصدمات و خطرات و اشکالات در شبهای
بعد نیز این تکرار خواهد شد »

در حدود ۶۰۰ بمب افکن چهار موتورهٔ سنگین در افق انگلستان اوج گرفتند و از طریق غیر مستقیم بسوی پنی موندە متوجه شدند ومدافعین پنی مونده ظاهراً بعادت همیشگی مقصد بمب افکنهارا « اشتتین» یا برلن تصور میکردند غافلگیر شدند .
نخست طیارات اکتشافی آهسته و آرام بروی هدف فرود آمدند و موشکهای رنگین خود را در اطراف آن فرو ریختند . سپس بمب افکنها دسته بدسته بمبهای شدید الانفجار و آتشزای خود را از فاصله چند هزار پا بر روی سه هدف پیش گفته افکندند . درمدت ۴۰ دقیقه زمین بدوزخی نورانی و فروزان مبدل شد . هنگامیکه آخرین دستهٔ هواپیما ها بمبهای خود را فروریخته مراجعت پیش میگرفتند ، شکاریهای شبانه آلمان که بیهوده اطراف برلن انتظار دشمن را داشتند سررسیدند و با بمب افکنها گلاویز شدند . ۴۱ بمب افکن انگلیسی در این نزاع تلف شد ولی پیروزی که یکی از بزرگترین پیروزیهای هوائی جنگ بود نصیب انگلستان گردید .

بامداد روز بعد یک هواپیمای اکتشافی از خرابیهائی که بدشمن وارد شده بود عکس برداری کرد ، نیمی از ۴۵ ساختمان که مسکن دانشمندان ومهندسین فنی بود با خاک یکسان ونیمهٔ دیگر نیز از حیز انتفاع افتاده بود .

علاوه ۵۴ درصد کارگاه از ساختمانهای مختص به کارخانه و آزمایشگاهها نیز بکلی ویران و ۵۰ ساختمان دیگر بسختی آسیب دیده بود . چند روز بعد نیز بقیه انبار ومخازن بخش دیگر از کوه و کنار فرا رسید .

از هفت هزار دانشمند و مهندسی که در پنی موند گرد آمده بودند ۵ هزار آن کشته یا ناپدید شدند . زیرا در اواخر حمله انفجار بمبها با انفجار مخازن زیر زمینی وغیره توأم گشته چنان

انفجار مهیبی ایجاد کرده بود که حتی مردی را که در سه میلی بسر میبردند کشته بود !

درنتیجه این واقعه ظهور بمبهای بالدار درعرصهٔ جنگ ششماه بتأخیر افتاد و آلمانیها نتوانستند سلاح سرّی را در موقعیکه برای استعمال آن معین کرده بودند بکار اندازند .

اگر بنی موندو دچار حمله مهیب و ماهرانه حریف نمیشد و استعمال بمبهای بالدار برای خراب کردن لندن و سایر نقاط حیاتی انگلستان ششماه بتاخیر نمیافتاد بیشک این سلاح درآن تاریخ تأثیر فراوانی در سرنوشت جنگ میکرد و شاید پیکار را بنفع آلمانیها خاتمه میداد .

جواهرات سلطنتی ورتامبرگ

بقراری که روزنامه (فرانس سوار) مینویسد جواهرات سلطنتی ورتامبرگ با چندین ملیون فرانک طلا در زیر زمین باغ خانهٔ دهقانی واقع در نزدیکی بادن کشف گردیده است . این جواهرات عبارت از یک تاج بسیار زیبائی مزین به سنگهای الماس و دست بند ها و یک عصای سلطنتی از طلا و دیگر جواهرات تاریخی میباشد ظاهراً این جواهرات بدست افسران فرانسوی که در جستجوی تبه کاران جنگ بودند کشف گردیده است .

ملاقات ترومن و اتلی

اتلی نخست وزیر انگلستان روز بیستم آبان با هواپیما بواشنگتن وارد ومدت اقامتش درامریکا دوهفته بطول خواهد کشید .

مستر اتلی نخست وزیر انگلستان

مذاکرات وی باپرزیدنت ترومن درباره مسائل مختلف از جمله بمب اتمی خواهد بود ممکن است که مکنزی کینک نخست وزیر کانادا نیزدر انجمن آنان شرکت جوید شاید دراین کنفرانس انجمن سه پیشوا (اتلی - استالین - ترومن) در آنجا تشکیل شود .

احتمال قوی میرود که مسائل زیر در موقع ملاقات این دو پیشوا درواشنگتن مطرح مذاکره قرار گیرد: ۱ ـ قضیه فلسطین ولزوم حل سریع آن . ۲ ـ قضیه نیروی اتم و بمب اتمی و چگونگی استفاده از آن . ۳ ـ روابط بازرگانی اقتصادی امریکا وانگلستان ٤ ـ مسئله شکست کنفرانس وزیران امورخارجه متفقین که درلندن منعقد شده بود

جامعه ملل در گذشته و حال

این نکته شایان نهایت توجه است که در حین جریان وقایع سیاسی فوری و مهم حال حاضر کمیته مقدماتی سازمان ملل متفق که در لندن مشغول تهیه مقدمات افتتاح سازمان مزبور است بهیچوجه جلب نظر نکرده است و مردم و مطبوعات جهان بآن اهمیت نداده اند. دستگاهی که برای حفظ صلح جهان بکار افتاده نباید مورد عدم توجه مردم جهان قرار گیرد ولو اینکه قسمت مهم عملیات آن بغلط و یا صحیح از نظر مردم پنهان باشد زیرا موضوع بسیار پر اهمیتی در تاریخ نژاد بشر در شرف وقوع است.

بشر در اثر آزمایش اشتباه ترقی میکند و مقایسه بین سازمان ملل متفق سال ۱۹۴۵ و جامعه ملل گذشته که در سال ۱۹۱۹ بوجود آمد بخوبی معلوم میدارد که چگونه سازمان جدید تکامل یافته است.

جهانیان بخاطر دارند که جامعه ملل گذشته بهیچوجه کوتاهی نکرد و عدم موفقیت آن در نتیجه کوتاهی و قصور مللی بود که آنرا تشکیل میدادند.

ملل کوچک و بزرگ جهان که از این موضوع سرمشق گرفته اند اکنون چنین تصمیم دارند که نداشتن نیروی نظامی و قدرت اجرائی نباید دیگر جامعه ملل جهانی را فلج کند.

پیشنهادات اخیر یک کمیته کارشناسان سیاسی و واحدهای نیروی هوائی هر یک از واحدهای ملی اعضاء جامعه قدرتی به اختیار سازمان جدید ملل متفق میگذارد که بهیچوجه با اختیارات و قدرت جامعه ملل قدیم قابل مقایسه نیست.

برخی تصور میکنند که مطالب فوق قبل از ماه ژوئن امسال یعنی تاریخ پیدایش بمب اتمی صحیح بود و چون این بمب کلیه اصول جنگ و لشکر کشی را منقلب کرده است دیگر کار شورای امنیت و سازمان ملل متفق بسیار سبک شده است ولی این موضوع اشتباه عظیم و خطرناکی است.

اگر قرار باشد جنگ آینده جنگ بمب اتمی و موشک های عظیم و دارای برد بسیار باشد بنابراین فوریت و اهمیت مسئولیت سازمان ملل متفق و شورای امنیت ده برابر و بلکه صد برابر زیاد میشود و باید بمبی که برشهر ناکازاکی فرو ریخته شده آخرین بمبی باشد که در جنگ برشهرهای جهان ریخته شده است این تصمیمی است که برای اجرای آن سازمان ملل متفق بوجود آمده است و اگر در این تصمیم شکست بخورد آینده تمدن بشر نابودی است.

از این جهت کلیه جهان متمدن باید در این تصمیم متفق باشند که سازمان ملل متفق نباید بهیچوجه عدم موفقیت حاصل کند و یا اینکه اصولاً فکر عدم موفقیت در آن راه یابد.

هنگامیکه کنفرانس سانفرانسیسکو تشکیل شد پیش بینی هائی راجع باختلافات آینده شده بود و یکی از بزرگترین این اشکالات که شاید مهمترین آنها بود عدم رضایت دولتهای کوچکتر از نظریه هیچ مرج پنجدولت بزرگی که اعضاء دائمی شورای امنیت را تشکیل میدادند بود - این پنج دولت عبارت از انگلستان امریکا ، روسیه ، فرانسه چین میباشد دلیل موفقیت متفق این پنج دولت روشن است.

اختیار و حکومت معمولاً در دست کسانی است که دارای قدرت و قوت میباشند این منطق بتوسط پاره ای از دولت ها علناً مورد استفاده قرار گرفت ولی پاره دیگر چنین تصور میکردند که اگر شورای امنیت یعنی هر یازده عضو که عبارت از شش دولت کوچک بعنوان کلیه اعضاء دائمی غیر ثابت و پنجدولت بزرگ بعنوان

اعضاء دائمی باشد دارای حقوق و رأی مساوی باشند مسئله تسلط و هرج مرج دولتهای بزرگ کمتر نمایان میشود .

بدیهی است تصور اینکه هر چهار دولت بزرگ و هر شش دولت کوچک عضو شورای امنیت در تمام موارد بر ضد دولت بخصوصی رأی بدهند خارج از موضوع است و موضوع توهم از اینکه ناشی از ترس و واهمه یکی از دولتهای بزرگ از ائتلاف بر ضد وی و یا بمنظور تثبیت تسلط دولتهای بزرگ باشد کار شورای امنیت را فلج مینماید .

مستر بوین چندی پیش اظهار داشت که مزایای دول بزرگ در شورای امنیت بخصوص مسئله «وتو» آنقدرهم که تصور میرود مهم نیست ولی این حرف در صورتی صحیح است که از حق «وتو» سوء استفاده نشود . سازمان ملل متفق مظهر یک فکر بسیار عالی است و در عین حال یک موضوع بسیار عملی و مهمی برای آینده جهان بشمار میرود . این سازمان بزرگ اسباب و ابزار مقدماتی برای حکومت بین المللی است و برای مرتبه اول در تاریخ تمدن بشر بیک سازمان بین المللی قوه مجریه نیز عطا شده است .

از این رو حقیقت یک سلسله همکاریهای محلی و بین المللی بوجود میآید ولی راه رسیدن باین هدفها همواره صاف و بی دغدغه نیست

ساختن یک سرویس اداری بین المللی که کارمندان آن از بین زنان و مردان بهمه ملل گوناگون انتخاب شوند و تصور کنند که وفاداری نسبت بسازمان ملل متفق را مقدم بر وفاداری بکشور های مربوطه خود قرار دهند کار بسیار بزرگ و مشکلی است . تنها امیدواری شخصی من باینکه این سازمان موفق خواهد شد کافی نیست بلکه باید با ایمان بر موفقیت آن قیمت شده کاری کرد که این سازمان موفق گردد اگر یک سازمان بین المللی نتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند بعید بنظر میرسد که ملتهای جهان مستقلاً و خود بخود باینکار موفق گردند .

ترجمه از ایماژ

اخلاق و رسوم ژاپنیها

ارتشی مرکب از یك میلیون و نیم سرباز شروع باشغال جزائر ژاپن نموده است این بیگانگان یا باصلاح ژاپنیها «سیوجینها» قطعاً از اخلاق و آداب عجیب مردم کشور ژاپن بحیرت خواهند افتاد.

گایشاها

سئوالی که اغلب اوقات از مسافرینی که از ژاپن بازگشته‌اند مینمایند راجع بگایشاها است. درزندگی مردم این سرزمین بقدری گایشاها اهمیت دارند که ژاپن معروف بکشور گایشاها شده است معذلك نباید این تعریف را صحیح دانست زیرا در حقیقت گایشاها مخصوص طبقه ممتازه هستند که در ژاپن اقلیتی را تشکیل میدهند.

گایشا کیست ؟

این موجود زیبا که جذابیت و حرکات دلفریبش در اشعار شعرائی که ژاپن را سیاحت کرده‌اند توصیف شده است برخلاف تصور عده زیادی زن معروفه نیست. گایشا باید باصول تربیت و هنرپیشگی آشنا باشد و همین آشنائی باین اصول او را در جامعه ژاپنی فرد ممتاز میگرداند. گایشا خدمات خود را درمقابل مبلغی که از قرار ساعتی تعیین میشود انجام میدهد و هنگامیکه اورا کسی اجیر کرده این مبلغ را باو میپردازد.

گایشا چه کارهائی انجام میدهد ؟

وی بمصاحبت کسانی که او را دعوت میکنند میپردازد و باید بتواند آواز بخواند، سامیزن (تار ژاپنی) بنوازد، رقص کند همچنان نثر بگوید درمباحث عشقی یامربوط بچیز های زیبا یا مسائل اجتماعی و سیاسی اظهار نظر کند، و نوشابه خوراك تعارف کند باکرشمه و ناز دیگرانرا سرگرم کند بالجمله در مهمانیها پذیرائی

کرده و این خواهشها را با حرکات واطوار خود شیرین ودل انگیز سازد . درژاپن میهمانی یا گردش بدون گایشا معنی ندارد و چون زن نمیتواند در مجالس پذیرائی شرکت کند یا بمصاحبت میهمان بپردازد گایشا این کار را انجام میدهد :

زن

اگر از خارجیها سئوال شود که آیا بمنزل ژاپنیها رفته و یا در میهمانی آنها شرکت کردهاید یا نه بندرت جواب مثبت داده میشود زیرا خانههای ژاپنی صورت حرم ندارد که زنها در آن محبوس باشند ولی زن اصولا در روابط و مناسبات شوهر خود با خارج دخالتی ندارد و در حقیقت موجود منزوی است که منحصرا بامور داخلی خانه و تربیت بچه ها و اگر پدر شوهر و مادر شوهر هم داشته باشد بمواظبت آنها میپردازد زن ژاپنی باید اصل (سه نوع اطاعت) را رعایت نماید یعنی پیش از ازدواج باید از پدر ومادر خود و پس از ازدواج از شوهر و درصورت مرگ شوهر از فرزند خود اطاعت کند . زن ژاپنی صفات نیکوئی دارد که همه آنها لطف و محبت و تواضع و وفاداری است چون از حقوق ومزایای اجتماعی خود محروم میباشد یکی از اقدامات مهمی که باید درراه استقرار اصول عدالت و دموکراسی در ژاپن بعمل آورد تأمین آزادی نسوان و تساوی حقوق زن ومرد میباشد .

کودکان

ژاپن معروف بهشت کودکان است و وجه این تسمیه آن است که ژاپنیها نسبت باطفال خود توجه مخصوصی دارند و روی همین اصل کودکان ژاپنی همیشه با تربیت ، عاقل ، مؤدب ومتبسم میباشند و اگر یکنفر خارجی ببینند فرار نمیکنند .

غالباً اتفاق افتاده است که من مدتی درباغ ملی یا درجاهای توقف کرده و با کودکان ژاپنی سرگرم صحبت ومکالمه با این کودکان

حیرت آور است زیرا درکشوری که تکلف بحد اعلی حکمفرماست سادگی جواب وسئوال اطفال قابل توجه میباشد معذلك باازدیاد سن وپاگذاشتن بدوران بلوغ تغییرات زیادی دراخلاق آنها پیدا میشود بطوریکه همین که دوران کودکی آنها بپایان رسید مردمانی دقیق برحرف ، وقت‌شناس شده ودر صحبت خود باخارجیها پیوسته سعی میکنند عظمت امپراتوری ژاپن را یاد آور شده و مخاطب بیگانه خود را متقاعد سازند که ژاپن را یاد آورشده و مخاطب بیگانه خود را متقاعد سازند که ژاپن کشور آسمانی وما فوق الممالك دیگر میباشد .

مذهب

ژاپنیها تعصب مذهبی چندان نداشته ودین درنظر آنها جنبه تفریح وتفنن را دارد .

ادیان مهم شایع در ژاپن مذهب بودا ، مسیح ، کنفوسیوس میباشد . تقریباً عموم ژاپنیها پیرو یکنوع آئین مخصوص بنام « شینتوئیسم » میباشند این مسلك که بنام « راه خدایان » موسوم است بر اصول احترام و تقدیس نیاکان و بویژه گرامی داشتن ارواح خدایان دیرین یعنی امپراتوران سابق ژاپن مؤسس میباشد بطور کلی در کشور آفتاب یافتن یکنفر که دارای مذهب معین و خالصی باشد غیر مقدور است و معتقدات مردم این سر زمین مخلوطی ازادیان ومذاهب مختلف که باخرافات زیادی توأم است میباشد .

من با چند تن ژاپنی سوابق دوستی دارم که ایشان خود را کاتولیك معرفی میکردند درصورتیکه امپراتور را بمنزله پاپ اعظمی که از طرف خدا بر گزیده شده میپنداشتند .

نظافت

یکی از صفات مشخص ژاپنیها علاقمندی فوق العاده بنظافت

بدن میباشد چنانچه تعداد گرمابه های شهر توکیو متجاوز از سه هزار میباشد بیشتر منازل ژاپن دارای حمام است و اهالی این کشور شستشوی بدن را بمانند خوراك روزانه امری واجب و لازم شمرده هر روز باستحمام آبهائی که درجه حرارت آن به ۴۰ درجه سانتیگراد میرسد استحمام مینمایند . معمولا حمام جای ملاقات عمومی بوده و هر روز صبح اهالی ژاپن در موقع شستشوی بدن از اخبار شهر اطلاع پیدا نموده و گرمابه بهترین میعاد برای دید و باز دید های دوستانه میباشد .

انتحار

خود کشی « هاراکیری » در کشور ژاپن بعکس سایر ممالك امری بسیار عادی میباشد گوئی مردم این سر زمین از اهالی ممالك دیگری علاقه و میل کمتری بحیات و زندگی خود دارند از مرگ نمیترسند و با اراده خود بحیات خویش خاتمه میدهند .

اغلب ژاپونیها بعلت خجالت و چنانچه خود میگویند برای اینکه رو و چهره خود را از شرمساری و خجلت نجات دهند بخود کشی متوسل میگردند . اغلب جوانان اقرار به قوت خود انتحار کرده و باصطلاح خود مثل این است که یك نامه قوری با شوق برای او میفرستند .

نوع دیگر از خود کشی که در ژاپن تحت عنوان « شنجو » خوانده میشود و آن انتحار عاشق و معشوقی است که ازدواج آنها بنا بعللی غیر ممکن بوده و یا موانعی در پیش دارند . اغلب این نوع انتحار ها دو جانبه میباشد و بیشتر اتفاق میافتد که این عاشق و معشوقها خود را در دریا غرق میکنند یا اینکه بالای کوه رفته انگشتهای همدیگر را درهم نموده و یکباره خود را بطرف پائین پرتاب نموده و برای همقطاری بدنیای دیگر رهسپار میشوند .

یك مقالهٔ خواندنی

رقابت در خاور میانه

« جیمس لاندیس یکی از بزرگترین روزنامه نگاران امریکائی »
« است که مدت ۱۶ ماه از سپتامبر ۱۹۴۳ ریاست اداره »
« عملیات اقتصادی امریکا را عهده دار بوده است و بعنوان »
« نماینده امریکا در اداره حمل و نقل خاور میانه و رأی زن »
« مخصوص سفارت خانه های امریکا در بغداد و قاهره و تهران »
« در مسائل مربوط به خاور میانه نقش بزرگی بازی کرده است . »
« وی اخیراً راجع به خاور میانه مقاله ای نگاشته است که در »
« سرتاسر امریکاتأثیر فراوان بخشیده است و چون این مقاله از »
« لحاظ ایران دارای اهمیت فروان است . ما اینك عین آن را »
« از مد نظر خوانندگان گرام میگذرانیم . در این مقاله بخوبی »
« میتوان دید که امریکا عزم جزم کرده است که در امور »
« خاورمیانه علاقه بیشتری ابراز داشته و در نگاهداری صلح و »
« آرامش این منطقه حساس دنیا جدا شرکت جوید . »

بمباران دمشق از طرف فرانسوی‌ها بار دیگر جنبه احتراق آمیز منطقهٔ خاور میانه را بجهانیان نشان داد . این حادثه از آن جمله حوادث ساده مربوط بحدت میهن پرستی یافساد اداری نیست بلکه یکی از هزاران حوادثی است که معمولاً در خاور میانه روی میدهد . بسیاری از این حوادث هم اکنون طی جنگ اخیر در ایران و مصر و عراق و فلسطین روی داده که موجب تولید اختلافات شدیدی بین روسیا و انگلیس ها و فرانسوی ها گردیده است . برخی ها تصور میکنند که این حوادث علائم اعمال زور و احساسات افراطی است . اما ظن قوی میرود که این حوادث تبدیل بانقلابهای

تجزیهٔ امپراتوری عثمانی بدست آوردن ا سهام نفت عراق برای اتباع امریکا اصرار زیادی بخرج دادیم . همچنین اعلامیهٔ «بالفور» وقیمومت فلسطین را تائید کردیم لکن بیش ازاین قدمی برنداشتیم و گذشته از این دو موضوع و پشتیبانی از برخی از تأسیسات خصوصی خود هیچ اقدام دیگری ننمودیم و منطقه خاور میانه را کاملا آزاد گذشتیم . اگر هم گاهی دستور هائی به نمایندگان دیپلماسی ما فرستاده میشد کمتر تعقیب میگردید و گذشته از این اگر هیئتهائی از طرف امریکا بخاور میانه اعزام میگردید تحت ریاست مردان نا آزموده ای قرار میگرفت و بطور کلی نفوذ و اهمیت ما درخاور میانه بسی ناچیز بود .

بدیهی است که سیاست خارجی را نمیتوان با همین اقدامات ساده اداره کرد و برای جلب توجه عموم به برخی مسائل تنها نباید بانتشار اطلاعات دیپلماسی اکتفا نمود بلکه برای ایجاد این علاقه در یک کشور دموکراسی بزرگی مانند امریکا باید دست باقدامات مثبت زد و مخصوصاً این عقیده را ثابت کرد سرنوشت این منطقه حساس دنیا بستگی کاملی به مقدرات ما دارد و هرگاه این عقیده درکشور ما رسوخ نیابد حتی برجسته ترین اقدامات دیپلماسی کاری از پیش نخواهد برد .»

تاکنون اقدامات ما درخاور میانه تابع مناسبات ما با کشورهای بزرگ بوده و روش ما نسبت به مصر و سوریه و ایران ناشی از سیاست مانسبت به انگلیس و فرانسه و ایتالیا بوده است و میزان عرب چنانکه در حقیقت وجود دارد در نقشه های ما مشاهده نمیشود . امروز موضوع مهمی که در میان است آنست که آیا سیاست پیشین یا آن سیاست ناقص باید همچنان ادامه یابد یا آنکه این منطقه حیاتی در سرنوشت دنیا آنقدر اهمیت دارد که توجه بیشتر و فعالیت سیاسی زیادتری را ایجاب کند یا نه ؟

«لیلی» یا فرودگاه مواج
اختراعی که در حمل و نقل هوائی انقلابی تولید خواهد کرد

رادیوی لندن باز برای بار دیگر خبر یک اختراع هیجان انگیزی را بگوش شنوندگان خود رسانید که بدون شبهه درآینده نزدیکی انقلاب بزرگی در اوضاع حمل و نقل با هواپیما حاصل نموده و در نزدیک کردن دور ترین نقاط دنیا بیکدیگر نقش بزرگی بازی خواهد کرد بقراری که اطلاع داده: یکی از افسران سابق نیروی دریائی انگلیس که در عین حال دانشمند بزرگی است «فرودگاه مواجی» اختراع کرده است که در وسط اقیانوس هواپیما با سنگین ترین بار میتواند به آسانی بر آن فرود آید و نام این فرودگاه [illegible] را «لیلی» گذاشته است.

«لیلی» برای نخستین بار در هنگام پیاده شدن قوای متفقین در نورماندی مورد استفاده قرار گرفته و در موفقیت عملیات بزرگ متفقین نقش فوق العاده بزرگی بازی کرده [illegible] آن تکمیل گردیده و تجربه های اخیر ثابت کرده است که میتوان از آن استفاده بزرگ نمود. اساس این اختراع که هنوز جزئیات آن کاملا معلوم نگردیده [illegible] دانشمند انگلیسی کاری کرده که [illegible] پاره گرچکی مانند [illegible] است [illegible] که بر [illegible] بار بزرگتر از آن وارد آید [illegible] در نتیجه هواپیما های بسیار سنگین میتوانند با نهایت سهولت در فرودگاه

مواج کوچکی که به‌آسانی میتوان حرکت داد یا درهر نقطه از اقیانوس که لازم باشد ثابت کرد فرود آیند .

مخترع لیلی که «هامیلتون» نام‌دارد برآنست که این‌فرودگاه نوظهور نه‌تنها درآینده بسیار نزدیك درحمل ونقل هوائی انقلاب تولید خواهد کرد بلکه در حقیقت فاصله های دراز را میان کشور های دوردست ازمیان برخواهد داشت بوسیله چند فرودگاه مواج‌میتوان فاصلهٔ‌دریاها واقیانوسهارا تقریباً ازمیان برد‌بدین معنی که درفواصل معین ازاین‌فرودگاهها قرارداده ومانند پلی‌کشورهارا بهم متصل نمود . مثلا با این اختراع میتوان فاصله ۲۲ میل دریای مانش‌را بین فرانسه وانگلیس بکلی‌ازمیان برده وانگلستان‌را بقارهٔ اروپا وصل کرد . علاوه براین کشتی های اقیانوس نورد نیز میتوانند برای بنزین گیری و تامین نیاز مندیهای خویش از این فرودگاهها که حکم بندر گاههای مواجی را دارند استفاده کامل نمایند و در نتیجه مسافات طولانی را با سرعت و سهولت بیشتری طی کنند .

یکی دیگر ازفوائد بزرك این اختراع جدید آنست که کاملاً از خطرات هواپیمائی و کشتی رانی جلو گیری میکند بدین قرار که بعد از این کسانی که در اقیانوسها از هواپیما بدریا می‌افتند یا آنکه دراثر پیش آمد کشتی غرق میشوند بطور قطع ازمرك رهائی خواهند یافت زیرا میتوان در هر فاصله چند میلی از فرودگاهها مانند پست های امدادی قرار داد وبکمك آنها از غرق کشتی ها یا ازهلاك شدن مغروقین جلوگیری نمود .

شهر دریائی

یکی دیگر ازفوائد بزرك اختراع جدید آنست که میتوان در میان دریا جزایر حقیقی ایجاد کرد و با مخارج قلیلی کاخهای

زیبائی برپا نمود مخصوصاً استفادهٔ از این فرودگاههای مواج برای کشور هائی که در مناطق حاره واقع شده‌اند فوق‌العاده مؤثر خواهد بود و میتوان کرانه های مصنوعی زیبائی ایجاد کرد .

چگونه ساخته میشود ؟

فرودگاههای مواج عبارت از الوار های بزرگی است که بوسائل فنی بهم متصل گردیده و با محاسبهٔ فیزیکی نیروئی دراین تختهها ایجاد کرده‌اند که میتوانند سنگین ترین بارها را تحمل کنند .

تأثیر این خبر

بمحض اینکه رادیوی لندن این خبر هیجان انگیز را منتشر ساخت کلیه روزنامه های انگلیس شروع به تفسیر آن نموده و همه این اختراع رایکی ازبزرگترین حوادث دریائی میدانند که انقلاب بزرگی در هواپیمائی و کشتیرانی حاصل خواهد کرد .

موسولینی پیشوای سابق ایتالیا

دولت شوروی هم بمب اتمی دارد

مطبوعات امریکا پس از بررسیهای دقیق اکنون متوجه شدهاند که دولت شوروی هم بمب اتمی دارد زیرا مجلهای که از طرف شورویها در امریکا منتشر میشود در ماه مارس ۱۹٤٥ یعنی ٥ ماه قبل از اینکه نخستین بمب اتمی بر هیروشیما افکنده شود در طی مقالهای نوشت که دولت شوروی توانسته است از اتمهای اورانیوم استفاده کند و طولی نخواهد کشید که از نیروی این اتمها برای بکار انداختن ماشینهای مختلف استفاده خواهد کرد . بدواً امریکائیها تصور کردند این مجله جعلی است و بآن تاریخ چاپ شده ولی پس از تحقیقات برای آنها مسلم شد که در همان موقع بطبع رسیده است . بعضی از محافل امریکائی معتقدند اگر دولت شوروی از اسرار بمب اتمی آگاه بود چرا آنرا بر علیه آلمان بکار نبرده و پس از استعمال نخستین بمب اتمی از دولتین امریکا و انگلستان تقاضا کرد فرمول این بمب را در دسترس آنها بگذارند ؟ ولی اینها پی بردهاند که کوچکترین بمب اتمی دارای فورمول های متفاوت است لذا آنها فقط یکی از آنها را انتخاب کرده و توانستهاند از نیروی آن در جنبش و افزایش قوای ماشین استفاده کنند . پس از واقعهٔ هیروشیما یعنی پس از اولین بمب اتمی بر این شهر روسها خواستند با همان فورمولی که امریکا و انگلستان موفق شده اند اتم را در جنگ بکار برند استفاده کنند . نکته قابل توجه دیگر گفتار رادیو لندن است که اظهار داشت (پول ریوت) عالم معروف فرانسوی

میگوید که دولتین شوروی و فرانسه در مدت ٦ ماه آتیه خواهند توانست بمب اتمی برای خود تهیه نمایند . روسها در یکی از جزایر دانمارك در اواخر جنك عده‌ای از علمای آلمان را اسیر نمودند که مشغول ساختن بمب اتمی بودند . روسها این علما را بشوروی انتقال دادند و تمام ماشین آلات و گزارشهای آنها را با خود بردند . عالم مزبور اضافه نمود که بمب اتمی که از طرف دولتین شوروی و فرانسه ساخته خواهد شد ٦٠ برابر قوه بمب اتمی خواهد بود که بر علیه ژاپن بکار برده شده است .

هیتلر پیشوای سابق آلمان

ترجمهٔ : آقای محمد مرتضوی

هیتلر عاشق شده بود !

سری که تا کنون کسی از آن اطلاع نداشت
کسیکه عشق پیشوای آلمان را تحقیر میکند !
هیتلر برای عشق خود هدیه میفرستد !

در آنموقعیکه . . .

در آن هنگامیکه ارتش شکست ناپذیر (!) هیتلر و ماشین مهیب جنگی آلمان کشور های کوچک را یکی پس از دیگری تسخیر میکرد !

در آن ساعاتی که پیشوای آلمان مست غرور و شهوت خود بکشور گشائی پرداخته و ملتهای ضعیف و دست و پا بسته را مجبور میساخت که در مقابلش زانو بزمین بزنند ! . . و در آن دقایقی که همه دوستداران هیتلر باتحسین و اعجاب به پیشوا و جنگهای برق آسای او خیره شده بودند !

غوغای هیتلر

ناگهان جوش و خروش عجیبی در اطراف هیتلر و حادثه‌ای که باو نسبت میدادند بر پا شد . حتی روز نامه ها و مجلات را مجبور ساخت که در اطراف قضیه باشاخ و برگ زیادی قلمفرسائی کنند و اندکی دیده دوستداران پیشوای آلمان را بخویش متوجه سازند .

یکی از روزنامه های خارجی راجع بملاقاتی که ماریون دانیل هنرپیشهٔ مشهور تآتر از هیتلر در مونیخ در ضمن نمایش خود بعمل

آورده بود مقاله ای نگاشت و بلافاصله سایر جراید آنرا با آب و تاب بیشتری نقل کردند و تفسیرهای مختلفی درپیرامون آن نگاشتند کم کم این قضیه اهمیت بیشتری بخود گرفته و در هر محفل ومجلسی سخن از آن بمیان آمد تا اینکه بگوش لیدر حزب نازی رسید و پیشوا دریافت که عنقریب دشمنانش از این قضیه که با نهایت اخفا صورت گرفته بود استفاده کرده وممکن است همین موضوع موجب این شود که هیتلر با شکست سیاسی سختی مواجه گردد . فوراً بگشتاپوی آلمان امر کرده هر روزنامه چه در آلمان و چه درسرزمینهای متصرفی راجع باین قضیه چیزی بنویسند یا هر کسی در بارهٔ این موضوع سخن گوید بدون درنگ توقیف شدیداً مورد تعقیب قرار گیرد بعداً حوادث شدید جنگی نیز این موضوع را کم کم از خاطرها برد و دیگر کسی جرئت نکرد کوچکترین سخنی درپیرامون ماریون دانیل و هیتلر نکرد .

اسرار فاش میشود !

اخیراً که آجودان مخصوص هیتلر بدست متفقین اسیر شد یکی از خبرنگاران امریکائی این سر پیشوای آلمان را فاش کرده و اظهار داشت که هیتلر شبی که ماریون دانیل را در روی صحنه تآتر مونیخ مشاهده نمود و هنرنمائی او را در هنگام رقص تماشا کرد قلباً فریفته او شده و وقتی هم که از نزدیک باو صحبت کرد با آنکه ماریون دانیل عشق او را تحقیر نمود ولی هیتلر که دیوانه وار عاشق شده بود این بی اعتنائی را ناچیز شمرده و با بی اهمیتی تلقی کرده !

هیتلر در نمایشگاه مونیخ

همین خبرنگار شرح این ماجرا و چگونگی ایجاد عشق

وفریفته شدن هیتلر رانسبت بماریون دانیل بزحمت ازاشخاص متفرقه کسب کرده وبرای روزنامهٔ خود نگاشته است.

ماریون دانیل که یکی از هنرپیشگان مشهور امریکائی است قبل از آغاز جنگ بین آلمان و امریکا باروپا مسافرت میکند ابتدا در برلن و سپس در مونیخ در نمایش شرکت مینماید . ماریون در نمایش اخیرخودکه هیتلرنیز بطور مخفیانه ای حضور یافته بود چنان هنر نمائی و دلربائی میکند که موجب میشود تماشا چیان چندین بار برایش کف بزنند .

ماریون بمسافرت خود ادامه داده بفرانسه میرود وهمه جا با استقبال شایان توجهی روبرو میشود .

تلگراف فوری از مونیخ

یکی از روزهای ماه فوریه بماریون دانیل تلگرافی از مدیر تآتر مونیخ میرسد که از او خواهش کرده بود فوراً برای شرکت دریك برنامه مجللی بمونیخ حرکت کند . ماریون که میل مراجعت بمونیخ را نداشت بتلگراف اهمیتی نمیدهد ، دو روز بعد مجدداً تلگراف دیگری میرسد که در این تلگراف تقاضا شده بود حتماً حتماً با هواپیمای مخصوصی که برایش خواهند فرستاد خود را بمونیخ برساند وضمناً تعهد شده بود که مبلغ یکهزار دولار هم برای یکشب او خواهند پرداخت

ماریون ناچار قبول میکند و با مادرش بطرف مونیخ رهسپار میگردند .

هدیه عشق هیتلر

نمایشی که بعلت حضور هیتلر با تشریفات خاصی برپا شده بود ماریون دانیل همان هنر نمائی را که در سایر نمایشهای خود ابراز میداشت در این شب نیز از خود بروز داده و موجب شد که

تماشاچیان چندین بار برایش کف بزنند و از طرف هیتلر دسته گلی برایش فرستاده شد!

پیشوای آلمان رنگش پریده بود

هیتلر که در تمام مدت نمایش در لژ مخصوص خود لحظه‌ای چشم از صحنهٔ تآتر برنمیداشت چنان رنگش پریده بود که گاه‌گاه دسته مبل را بسختی فشار میداد بطوریکه آجودان مخصوصش بخوبی این حرکت غیر عادی پیشوا را احساس میکرد.

ماریون وقت ملاقات هیتلر را ندارد

بعد از نمایش ماریون دانیل باطاق توالت رفت تا لباسهای خود را بپوشد مدیر نمایش وارد اطاقش شد با شعف و سرعت بیمانندی گفت:

پیشوای ما میل دارد شما را باو معرفی کنم.

مدیر نمایش بینهایت متعجب شد وقتی دید ماریون دانیل با کمال خونسردی و بی اعتنائی اظهار داشت که بهیچوجه وقت ملاقات هیتلر را ندارم.

هیتلر تبریک میگوید!

مدیر تآتر که کاملا مضطرب شده بود بزحمت دانیل را راضی کرد که اقلا چند لحظه نزد پیشوا تبریک شود، ماریون با خاطرش بخود هیچ بیم و ترسی نداد با کمال خونسردی و بی اعتنائی نزد پیشوا از تبریک شد و مدیر تآتر که رنگش پریده بود و از عاقبت این معامله میترسید توانست دانیل را به هیتلر معرفی کند.

پیشوای آلمان در حالیکه رنگش سرخ شده بود از جای برخاست و اظهار داشت:

ما اول این موفقیت بزرگ را بشما تبریک میگوئیم.

عشق هیتلر تحقیر میشود !

ماریون بدون اینکه باز هم کوچکترین تغییری در حالتش پدیدار شود با کمال خونسردی و بی اعتنائی مثل اینکه با یك تماشاچی عادی صحبت میکند گفت :

متشکرم آقا !

سپس بدون درنك خدا حافظی کرده وبطرف اطاق خود رفت .

ماریون دانیل همان روز ازمونیخ حرکت نموده وآلمان را برای همیشه ترك گفت .

ولی هنر پیشه مشهور نمیدانست که دیکتاتور آلمان فریفتهٔ او شده بود !

هیتلر عشق خودرا فراموش کرد !

با شکستهای پی در پی در تمام جبهه های جنك هیتلر عشق خود را فراموش کرد ولی گاهگاه موقعیکه خبر میرسید ارتشهای آلمان اندکی پیش رفته اند و پیشوا شاد و خندان میشد آجودان هیتلر میشنید که پیشوای نازی نام ماریون دانیل را بر زبان میآورد و از خاطرهٔ آنشب با خود سخن میگوید ! !
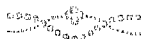
سازمان فرهنگی ملل متفق

نسل کنونی شاهد دو جنگ بزرگ جهانگیر بوده که براثر آن خانمانها بباد رفته ، شهر ها ویران شده ، سیلهای خون بهر طرف جاری گردیده و میلیونها نفوس در خاك و خون غوطه ور شده اند .

پس از جنگ نخست ، ملل فاتح درصدد برآمدند که باوسایل سیاسی از بروز جنگ دیگری جلوگیری کنند ولی چنانکه همه دیدیم متاسفانه موفق نشدند و باردیگر آتش و خون دنیا را فرو گرفت ، این مرتبه ملل متفق در صدد آمده اند اصول عمیقتر وموثرتری برای جلوگیری ازوقوع جنگ دیگری برقرار نمایند که بیشتر قابل اعتماد باشد .

اساسی که میخواهند شالودهٔ صلح آینده را بروی آن قرار دهند عبارت است ازبرقراری حسن تفاهم از راه ایجاد روابط ادبی و علمی فرهنگی و ارتباط فکری نزدیکی میان تمام ملل جهان .

بهمین منظور انجمنی باشرکت بیست نفر از وزیران کشورهای متفق در لندن تشکیل گردید و طرحی تهیه نموده برای اولیاء دول متفق فرستادند تامندرجات آنرا مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را بوسیله نمایندگان خویش در کنفرانسی که اول ماه نوامبر در لندن تشکیل میگردد اظهار نمایند .

دولت ایران که یکی از دول متفق است این پیشنهاد را استقبال کرده و نمایندگانی خود را برای شرکت در آن انجمن تعیین نموده و بلندن فرستاد .

خوشبختانه آقایان حکمت ، دکتر رعدی و دکتر صدیقی که بنمایندگی دولت ایران معین شده اند علاوه بر مطالعات فضلی که دارند سالهای دراز در رشته امور فرهنگ مطالعه نموده و عملاً

نیز از راه تصدی مقامات مختلف فرهنگی معلومات گرانبهائی بدست آورده اند از این لحاظ جای امید واری است که این مأموریت مهم را با منتها درجهٔ موفقیت بپایان برسانند .

اساسنامه سازمان فرهنگی ملل متحد در مقدمه خود بعلل تشکیل این انجمن اشاره کرده و مینویسد :

جهانیان در عصر حاضر بواسطه جنگ مواجه با انهدام منابع فرهنگی و پرورش و وسائل نشر علم و معرفت شده‌اند ، تخریب منابع فرهنگی که بدست کشور های دشمن در قسمت عمدهٔ ممالک اروپا و آسیا صورت گرفته ، نابودی آموزگاران هنرمندان دانشوران و پیشوایان فکر ، سوزاندن کتب ، غارت و یغمای شاهکار های صنعتی تاراج بایگانی ها ، ربودن اشیاء و ادوات علمی همه با هم وضعی ایجاد کرده که برای تمدن جهان و صلح دنیا چیزی از آن خطرناکتر تصور نمیتوان کرد !

این اوضاع تنها منحصر بکشور هائی نیست که در معرض حمله و تاخت و تاز دشمن واقع شده بلکه آثار آن در سراسر جهان مشهود است :

دنیای کنونی نیازمند آنست که از طریق علم و فرهنگ بهم مربوط باشد و محروم گردیدن هر قسمت این جهان از منابع فرهنگی قسمت دیگر منافی که بوسیلهٔ آن نو باوگان کشور های جهان باید تربیت شوند ماننده آنست که معارف عمومی بشریت را یکباره محروم کنند و وسائل فهمیدن و فهماندن را از میان بردارند و صلح و امنیت جهان را نابود سازند زیرا صلح و امنیت روی معارف عمومی و تفاهم افراد و ملل قرار دارد .

مهمترین مسئله ای را که این سازمان باید در سالهای نخستین تأسیس خود قرار دهد حل مشکلاتی است که بعد از جنگ موقع تجدید سازمان فرهنگ ملل عالم بوجود آمده است ، کیفیت و میزان احتیاج

بمساعدت و همکاری در تجدید حیات فرهنگی و ایجاد تسهیلات معارفی در کشورهائی که براثر فشار مصائب جنگ خسته و فرسوده شده اند وروشی که طبق آن بایستی این مساعدت انجام گیرد از جمله مسائلی است که مورد تحقیق و بررسی این سازمان قرار خواهد گرفت بنا براین میتوان گفت که مقصود این سازمان فرهنگی دو چیز است یکی تکمیل روابط و ایجاد حسن تفاهم و احترام به فرهنگ و هنر و علوم و ادبیات ملل جهان بطوریکه برای صلح جهان پایه وبنیادمحکمی باشد دیگری همکاری برای نشر و پیشرفت علوم و ادبیات عموم بشر بطوریکه همه ملل از آن استفاده کنند و در اثر آن اوضاع اقتصادی و سیاسی بصورت ثابتی مستقر شود

برای حصول این مقصود سازمان فرهنگی و پرورشی وسائل مشورت و تبادل نظر میان اولیاء فرهنگی ملل صلحخواه جهان را تسهیل مینماید. درراه آزادی نشر آراء و اطلاعات میان ملل دنیااز راه مدارس و دانشگاهها و مؤسسات مختلف فرهنگی و رادیو و سینما و کنفرانسهای بین المللی و تبادل آموزگار و دانشجو کوشش میکند ، موجبات تبادل نقشه ها وطرح های امور فرهنگی را فراهم میسازد و بکشورهائی که برای تکمیل پیشرفتهای فرهنگی تقاضای کمک کنند مساعدت مینماید.

هر یک از دول متفق دارای حق عضویت این سازمان هستند وحق استفاده از آن را هم بشرط اینکه تعهدات مالی خود را انجام داده و مقررات [illegible] را اعلام نمایند دارند ؛ سایر [illegible] همکاری است بنا به پیشنهاد هیئت [illegible] با اکثریت دو ثلث آراء بعضویت پذیرفته .

هر یک از دول عضو سازمان حق یک رأی در کنفرانس دارند ، کنفرانس سالی یکبار تشکیل خواهد شد و در مواقع لزوم

ممکن است بنابپیشنهاد هیئت مجریه جلسات فوق العاده تشکیل دهد جلسات کنفرانس در کشور های مختلف تشکیل میشود .

هیئت مجریه مرکب از پانزده تن میباشد که ازمیان نماینده گان انتخاب خواهند شد .

اعضاء هیئت مدیره درانتخاب نخستین پنج تن برای مدت سه سال و پنج تن برای مدت دو سال و پنج تن برای یکسال انتخاب میشوند اعضائیکه برای سه سال انتخاب شده اند پس از خاتمه مدت بلا فاصله حق انتخاب مجدد را نخواهند داشت ولی آنها که برای کمتر از سه سال انتخاب شده اند این حق را دارند .

هیئت مجریه اختیاردارد هروقت محلی خالی ماند عضو جدیدی برای آن تعیین کند .

هیئت مجریه رؤسا وصاحب منصبان خود را انتخاب نموده بوسیله تصمیماتی که در کنفرانس گرفته میشود آئین نامه های لازم را وضع خواهد نمود .

سازمان فرهنگی دول متفق دارای شخصیت بین المللی وصلاحیت قانونی است .

دول عضو سازمان همان حقوق ومزایا مصونیتها ومعافیتهارا در باره سازمان تسهیلاتی را برای یکدیگر قائل خواهند بود این مزایا شامل مصونیت از هر نوع تعقیب قانونی معافیت از مالیات و حقوق گمرکی و بطور کلی هر گونه مزایا و حقوقی که در احوال مشابه آن دولتها نسبت بکارمندان رسمی و دفتری دول خارجه منظور میدارند خواهد بود .

این اساسنامه موقتی اجرا میشود که بیست دولت ازدول متفق در کمیسیون مقدماتی فرهنگی و پرورشی قبول عضویت نموده باشند

یکی از شگفت انگیز ترین وقایع جنگ اخیر

ستوان کلایفتون جیمز یکی از افسران نیروی پادشاهی انگلستان است که قبل از ورود بخدمت سربازی شغلش هنرپیشگی در تماشاخانه‌ها بوده است. روزیکه او در یکی از تآترهای نظامی مشغول بازی بود «انتلیژانس سرویس» انگلیس متوجه شباهت فوق العاده او به ژنرال مونت گمری شد و برای آنکه موقعی انجام رل مهمتری را بعهده او واگذار نمایند ستوان جیمز را تحت تعلیمات قرار داد. افسر نامبرده باهوش وذکاوت بی‌نظیرش درمدت کوتاهی موفق گردید که عیناً تمام اطوار و حرکات و حتی طرز تکلم مونت گمری را تقلید نماید وهمین موقع جنگهای خونین و شدیدی بین قوای انگلستان و نیروی آلمان درافریقای شمالی جریان داشت و آلمانها مترصد بودند که بمحض آنکه ژنرال مونت گمری از محل فرماندهی خود دور شود حمله قطعی و نهائی را شروع کنند.

انتلیژانس سرویس از این موضوع اطلاع یافت و ستوان جیمز را بنام ژنرال مونت گمری باتفاق افسران پادشاهی انگلستان بوسیلهٔ هواپیما بالجزیره فرستاد و ژنرال ویلسون با تشریفات مخصوصی تا فرودگاه باستقبال او آمد و موقعیکه از خیابانها و کوچه های الجزیره میگذشت تمام اهالی و ساکنین شهر بطرز شایان توجهی نسبت باو ابراز احساسات میکردند. این هنرپیشه زبردست بقدری خوب نقش خود را ایفا نمود که کوچکترین شک و تردیدی را ایجاد نکرد.

آلمانها فردای آنروز بتصور آنکه ژنرال در الجزیره است حمله‌را شروع کردند ولی این بارهم مانند دفعات پیش اشتباه کرده و بالنتیجه با شکست سختی مواجه شدند.

ترجمه : اسمعیل صادقی

ترجمه : آقای مسعود برزین

اخلاق ملت ژاپن

تأثیر تمدن اروپائی در آداب و سنن ژاپنیها !

هر وقت که صحبت از اخلاق و رفتار مردم ژاپن شود انسان چیز های عجیبی میشنود و از همین مذاکرات است که شخص بروحیات این ملت عجیب پی میبرد .

شاید بطور اختصار بتوان گفت که ژاپنیها بطور عموم مردمی با انظباط ، مطیع ، سخت کار بوده و در بین خود بقیود اجتماعی اهمیت فراوان میدهند ، وظیفه را بالاتر از حق میشمارند ، بیشتر بفکر خانواده و اجتماع هستند تا شخص خود ، از عطریات خوششان می‌آید و سعی میکنند همیشه باادب و تربیت بوده و کوچکترین اشتباهی از ایشان سرنزند .

آنهائی که درژاپون زیست نموده‌اند اظهار میدارند که صرف نظر از اخلاق و صفات فوق ژاپونی ازهیچ حیث دیگری با مردم سایر ملل فرقی ندارد . و البته موضوع آداب و سنن قدیم یعنی «تراديسيون» باین قسمت اضافه نگشته است .

ژاپونی ها علاقه عجیبی به حفظ آداب قدیمی خود دارند و اگرچه اکنون هزاران سال از آن میگذرد معهذا از کلیه آثاری که باقی مانده ثابت میکند که بهیچوجه تغییری در یك یا کلیهٔ آنها وارد نیامده است .

بزرگترین دلیلی که بر این مدعا میتوان آورد آنست که در طول تمام این مدت بودائیسم و مسیحیت در آن کشور نتوانسته است آنطور که شاید و باید رسوخ یافته و یا از بین رود .

اگر چه پاره را عقیده بر آنست که مدتیست رژیم فئودالیته از آن مملکت رخت بربسته است . ولی لحظه‌ای دقت و تأمل در این

امر ثابت مینماید که سیستم حکومت ملوك الطوایفی سابق هنوز هم در ژاپن حکمفرما است طوریکه هم اکنون فردی با قدرت و ابهت تمام بر کلیه «ملوك» جزء فرمانروائی میکند . همین شاهزادگان کوچك و بسط قدرت روز افزون ایشان سبب گردید که رشد سیاسی در ژاپن کم شود و هرگاه بخواهیم آنرا با سایر موفقیتهای مملکت زرد پوستان مقایسه کنیم بحقیقت تلخی میرسیم .

بعضیها متعجبند که با وجود چنین حالتی چرا اتحاد کامل و یگانگی بینظیر بین مردم عجیب ژاپن برقرار است ؟ تنها جوابی که برای اینمسئله از افراد میتوان یافت آنست که ژاپونیها با وجود اختلاف مسلك و اخلاقهای خصوصی هر ناحیه معهذا لحظه ای که سخن از ژاپن و میهن پیش آید همه اختلافات را بیکسوی میزنند و مهمتر آنکه در عادات اجتماعی ملی عموماً در یك جاده قدم بر میدارند .

این اتحاد را باید معلول تنهائی آنها دانست ، چه - از وقتیکه ژاپن خودرا بیاد می آورد یکه و تنها در جزایر بی سر و صدای خویش مانده و از نفوذ خارجی ها و اختلاط جنس و خون جلوگیری بعمل آورده بطوریکه از ممالك دنیا تا بحال در مقاومت از نفوذ شرقی بیگانگان [illegible] پافشاری و استقامت بخرج نداده است .

اما از آنجائیکه تمدن به سرعت و مطابقه الفاظ و معانی شیکی و نظائر اینطور اعتنائی نمینماید ، لذا تمدن بداخل آن مملکت راه یافت و با آموختن صنایع جدید و تربیت و تعلیم اجتماعی زندگی مردم ژاپن نیز بسرعت انقلاب و تغییر دگرگونی یافت این تحولات از اواسط سده نوزدهم میلادی آغاز گشته و همچنین ادامه یافته

حمل و نقل آسان - استفاده از ماشین آلات صنعتی - استخدام کارگر در کارخانه ها - مسافرت مردم از ده بشهر ، جاده های وسیع و خوب و شاید مهمتر از همه ، تبلیغات تجارتی غرب تحولات بزرگی

در نحوۀ زندگی این زود پوستان گردید . طریقه ساده سابق از بین رفت و وضع نوینی جایگزین آن گردید . در حقیقت باید اذعان نمود که ساختمان اصلی و استخوان بندی زندگی و تمدن جدید ایشان بر روی پایه های صحیح و بنیانی استوار گذارده شد

ولی چنانچه در فوق مذکور شد باید اعتراف کرد که کلیه این نفوذ های خارجی و تمدن دنیای قرن بیستم نتوانست ذرۀ تغییر «در تراديسیون» ایشان وارد آورد هرفرد ژاپونی به تنهائی در نگاه داری آنها میکوشد و این مجاهدت بیشتر در طبقه زارع که کمتر با محیط خارجی و اجنبی سروکار دارد محسوس میباشد .

ولی فشار های اقتصادی که بردوش شهر نشینان ، کارگران طبقه متوسط ، کارمندان دولت ، کارخانه های کوچك مخصوصاً زارعین ومالکین اراضی کوچك میباشد سبب عدم رضایت ایشان گردیده و امکان ندارد که انسان بتواند کسی را راضی ازاوضاع عمومی بیابد .

این فشارها که در هر کشوری بالاخرۀ تولید انقلاب میکند در ژاپن کاری نمود زیرا نفوذ اصلی وقدرت کلی امپراتور بدست یکدسته افراد بخصوصی است که «خدای» ژاپون رااحاطه کرده و ارتباط وی را باجهان حقیقی قطع ساخته‌اند ، ایندسته افراد بدون ذرۀ رحم و عطوفت ، بدون کمی تفکر و تعقل ، هر کس را که مخالف خویش یابند بسیار عدم مسئولیت و اعتنائی ندارد که چه افرادی بیگناه و بیدفاعی گناهکار نه سیاست اینها سوزاندن خشك وتر با هم است تاقوۀ خود را نگاهداشته و هر قدر که بتوانند بر این ملت سواری کنند .

آمار وحشت آور جنگ

اکنون که جنگ پایان یافته است ، کشورهای بزرگ یکی پس از دیگری تعداد تلفات و خسارات خود را مرتباً اعلام میدارند هر مملکتی بنسبت خود بار سنگینی را متحمل گشته و بدبختانه باید اذعان نمود که تلفات جانی در این جنگ فوق العاده زیاد و اصولا قابل مقایسه با کشته شدگان جنگ بین المللی اول نمیباشد .

با ملاحظه آمار زیر که امپراتوری بریتانیای کبیر در آخر جنگ آلمان و قبل از تسلیم بلاشرط ژاپن انتشار داده است بقسمتی از اعداد جنون آور تلفات این چند سال اخیر پی خواهید برد ولی باید بدانید که تلفات جنگ از زمان شکست آلمان تا تسلیم بلاشرط ژاپن هم فوق العاده زیاد بوده و بدون شک در همین روزها آمار صحیح آنهم انتشار خواهد یافت .

نام نیروهای —	کشته	مفقود و سربازهای گمشده	زخمی	اسیر جنگی	جمع
امپراتوری	۳۲۲۰۴۲	۵۷۴۷۲۰	۲۷۵۴۲۵۰	۱۳۸۵۴۰	۷۰۰۲۳۸۰
کانادا	۳۲۰۱۸	۱۸۲۴۲۰	۵۰۰۴۲۰	۹۰۵۱۰	۱۰۱۰۰۸۰
استرالیا	۲۱۴۱۰	۲۰۱۴۰	۳۰۴۷۰	۲۳۸۰۰۰	۹۳۷۱۰۰
زلاند جدید	۹۸۳۴	۲۲۰۱۰	۲۱۱۵۳۰	۸۴۶۵۰	۳۴۷۸۰
آفریقای —					
جنوبی	۶۷۱۴	۱۱۸۰۰	۱۳۲۳۳۰	۱۴۰۹۸۰	۳۳۷۲۴۵
هندوستان	۲۳۲۶۵	۱۱۷۹۶۰	۲۴۰۲۴۰	۲۲۹۸۹۰	۱۷۷۳۱۶۰
متصرفات	۲۸۷۵۱	۱۴۸۹۱۰	۶۷۷۲۰	۸۰۵۱۰	۳۲۳۲۷۵۰
جمع کل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نام	کشته-مرده-	زخمی	گمشده	اسیر جنگی	جمع
ناویان-					
بازرگانی	٣٠٨٦٧	٤٦٩٠-	٤٢٥٢-	٥٥٠٦-	٤٥٣١٥-
افراددفاع ملی	١٢٠٦	٠٠٠-	٥٥٧-	٠٠٠-	١٧٩٣-
مردهای سویل	٢٦٩٢٠	٠٠٠-	٤٠٧٣٦-	٠٠٠-	٦٧٦٥٦-
زنان سویل	٢٥٣٩٢	٠٠٠-	٣٧٨١٦-	٠٠٠-	٦٣٢٠٩-
اطفال	٧٧٣٦	٠٠٠-	٧٦٢٣-	٠٠٠-	١٥٣٥٩-
ناشناس	٥٣٧	٠٠٠-	٠٠٠-	٠٠٠-	٥٣٧-

چنانکه دربالامذکورشد تلفات این جنك زیاد بوده ولی باید دانست که تلفات بطور کلی یعنی چه سرباز و چه غیر سرباز فوق العاده بود . زیرا هواپیماهای بمباران دراین جنك بینهایت فعالیت داشته و با فرو ریخته شدن بمب عدهٔ ازبین میرفتند .

ولی کشته شدگان افراد نیروهای مسلح را اگر با جنك بین المللی اول مقایسه کنیم میبینیم که این بار به نسبت (١ : ١) بوده در حالیکه آندفعه بنسبت (١ : ٢)

در مقابل اشخاص سویل زیاد کشته شده اند در بین سالهای ١٩١٤ و ١٩١٨ ازاین نوع اشخاص فقط ١١١٧ نفر بقتل رسیدند ولی از ١٩٣٩ تا ١٩٤٥ بیش از ٦٠٥٨٥ نفر .

نامه های متبادله میان مستر بوین

وزیر امور خارجه انگلیس

و مستر مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی

روز یازدهم اکتبر مستر ایدن از مستر بوین وزیر امور خارجهٔ انگلیس راجع بتخلیهٔ قوای روس و انگلیس از ایران در پارلمان سئوالی کرده . متن کامل سئوال و جواب ذیلا درج میشود :

مستر ایدن از وزیر امور خارجه پرسید آیا راجع بتخلیهٔ قوای متفقین از ایران اظهاراتی دارند یا نه ؟

مستر بوین جواب داد بسیار متشکرم که آن نماینده محترم بمن فرصت داد که در این باب اطلاعاتی بپارلمان بدهم . پارلمان بیاد دارد که موضوع ایران در پتسدام مورد بحث قرار گرفت وقتیکه راجع بتخلیهٔ فوری تهران از قوای متفقین داده شد و تخلیه قوای انگلیس بموجب ترتیب فوق اکنون تقریباً پایان یافته و آقای مولوتف بمن اطمینان داده است که تصمیم راجع بتخلیه قوای شوروی از تهران نیز بمورد اجرا گذاشته شده است .

در کنفرانس پتسدام راجع باقدامات بعدی در تخلیه ایران از قوای متفقین نیز موافقت شد که موضوع در نشستهای شورای وزیران مورد بحث قرار گیرد . البته پس از کنفرانس پتسدام اوضاع بکلی تغییر یافت .

در نتیجه خاتمه جنگ با ژاپن مواد پیمان سه گانه راجع بتخلیه کامل ایران از قوای روس و انگلیس در ظرف شش ماه پس از خاتمه مخاصمات شروع بشود و از همان مرحله عمل میشود . ولی چون این موضوع جزء دستور کنفرانس وزرای امور خارجه قرار گرفته بود من پیشنهاد کردم

نظر دولت انگلستان را در این باب کاملاً روشن سازم و بنا بر
این نامه ذیل را بآقای مولوتف نوشتم :

متن نامه :

پس از آنکه در کنفرانس پوتسدام تصمیم گرفته‌شد که موضوع
مراحل بعدی در تخلیه قوای متفقین از ایران در برنامه شورای
وزیران خارجه قرار گیرد اوضاع در نتیجه پایان یافتن جنگ ژاپن تغییر
پیدا کرده است . دولتین انگلیس و شوروی اینک تخلیه کامل ایران
ازقوای خود را قبل ازدوم ماه مارس ۱۹۴۶ یعنی شش ماه پس
از امضاء سند تسلیم ژاپن عملی خواهند کرد .

راجع بتاریخ تخلیه تنها چیزی که باید اکنون انجام دهیم
این است که از شورای وزیران خارجه خواستار شویم دوم ماه
مارس را بعنوان تاریخ مزبور یادداشت نمایند .

با این حال بنظر اینجانب چنین میرسد که چون قوای مربوطه
مأمور ایران وظایف زمان جنگ خود را که برای آن بایران فرستاده
شده بودند انجام داده‌اند دولتین روس و انگلیس ممکن است در این
باب مطالعه نمایند که آیا میتوانند آرزوی طبیعی دولت ایران را
که مایل است حتی الامکان منطقهٔ وسیعتری از خاک خود را هرچه
زودتر از حضور قوای خارجی فارغ ببیند عملی سازند .

بنابر این اینجانب میخواهم هنگامی که این موضوع در شورای
وزیران امور خارجه مطرح میشود پیشنهاد کنم که دولتین انگلیس
و روس موافقت نمایند که نیروهای آنها در نیمه دسامبر ۱۹۴۵
تمام ایران را تخلیه کنند بجز اینکه نیروهای انگلیس در منطقهٔ نفت
جنوب از اندیمشک بپائین و قوای شوروی در آذربایجان تاتاریخ
دوم مارس ۱۹۴۶ باقی باشند .

همچنین مایلم پیشنهاد کنم که حد اقل کارمندان اداری که

برای تصفیه مسائل مربوطه بتأسیسات نظامی لازم است مشمول پیشنهاد تخلیه فوق نباشند.

این کارمندان در مکانهائی که این گونه تأسیسات موجود است تازمانی که تصفیه امورمربوطه بآنهارا انجام نداده اند میتوانند باقی بمانند ولی البته آنان نیز مانند سایر افراد نیروهای شوروی و انگلیس تا دوم ماه مارس ۱۹۴۶ عزیمت خواهند کرد.

من مقتضی دانستم که چون قصد داشتم این پیشنهاد را هنگامیکه شورای وزیران خارجه موضوع تخلیه را مورد بحث قرار میدهند طرح نمائیم شما را قبلاً ازقصد خود مطلع سازم.

آقای مولوتف جواب نامه مراچنین داد:

ازاینکه درضمن نامه مورخ ۹ سپتامبر روش دولت انگلستانرا درموضوع تخلیه قوای انگلیس وشوروی از ایران باطلاع اینجانب رسانیده‌اید متشکرم.

من نیز بنوبه خود مایلم باطلاع جنابعالی برسانم که تصمیم کنفرانس سه دولت دربرلن راجع بتخلیه قوای متفقین از تهران هم اکنون از طرف فرماندهی شوروی وارد مرحله اجرا شده است

درموضوع تخلیه ایران از کلیه قوای شوروی دولت شوروی همچنان که اطلاع دارید این نظر را دارد که آنچه در قرار داد سه گانه انگلیس و شوروی و ایران ذکرشده است مورد قبول درمورد مذاکره و طرح تخلیه باقی قوای شوروی و انگلیس از ایران مسئله‌ای است موضوع در اختیار دولت که فعلاً بین ما مورد بحث قرار گیرد بنابر این دولت شوروی احتیاجی نمی‌بیند که این موضوع در شورای وزیران امور خارجه مطرح گردد.

در نتیجه تبادل این نامه ها که اصل دولتین انگلیس وشوروی را برای اقدامات مربوطه و نظامی که بموجب پیمان سه‌جانبه باید انجام شود گرفته بودند معین میسازد موقعی که این موضوع در تاریخ بیست و دوم سپتامبر در شورای وزیران خارجه مطرح شد آقای مولوتف

و اینجانب شوری را از تبادل نامه ها مستحضر داشتیم شورای مزبور تبادل نامه هارا بین ما یادداشت نمود و موافقت کرد که نظر بتبادل این نامه ها مذاکره درباب تخلیه قوای انگلیس وشوروی از ایران اقتضا ندارد و میتوان آنرا از برنامه کنفرانس خارج ساخت در یك نامه دیگر من شرح زیر را بآقای مولوتف نوشتم :

متن نامه دوم مستر بوین

بسیار خوشوقتم که ماچنین تفاهم صمیمانه در مورد تخلیه ایران از قوای متفقین که راجع بآن من در تاریخ ۱۹ سپتامبر بشما نوشتم و شما در بیستم سپتامبر بمن جواب دادید حاصل کرده ایم ولی متأسفیم که در نتیجه یك تردیدی در ترجمه یك سوء تفاهمی درخصوص منظور نامه شما روی داده است . اختلاف در زبانها البته سبب اشکالاتی میگردد . برای ما سوء تفاهمی از ترجمه متن روسی نامه اول آقای مولوتف حاصل شد از این قرار که جمله «دراواخر مدت مزبور » که در آن نامه ذکر شده بود اشتباهاً «پس از پایان مدت» ترجمه شده بود . همکاران من از اطلاع باینکه راجع بتاریخ تخلیه ایران از نیرو های متفقین یعنی دوم مارس سال ۱۹٤٦ یا ٦ ماه پس از امضای سند تسلیم ژاپن در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹٤٥ توافق کامل بین انگلستان وشوروی حاصل شد اظهار نهایت خوشوقتی نمودند دولت انگلستان بر اساس این توافق مشغول صدور دستوری بمقامات مسئول نظامی انگلستان میباشد . آقای مولوتف سپس چنین جواب داد . از اینکه نامه مورخ بیستم سپتامبر اینجانب سبب رضایت شما گردیده خوشوقتم . مایلم یکبار دیگر اظهار نمایم که در مورد دولت شوروی موضوع تخلیه ایران از قوا نظر باینکه پیمان مخصوصی که شوروی راجع بآن دارد موجود است بطور کلی صورت مسئله مخصوصی را بخود نگرفته بود تقاضا دارم در نظر داشته باشید که دولت شوروی اهمیت فوق العاده ای نسبت بانجام وظایفی که بر عهده گرفته قائل است .

طلای انگلیس

چطور این ذخیرهٔ بزرگ از انگلستان بمحلی دیگر انتقال داده شد؟

.....

بزرگترین قمار های جهان ، درحالیکه آلمان نفوذ فوق العاده داشته و برکلیهٔ اقیانوسها بخصوص دریاهای اطراف جزایر بریتانیا مسلط بود انجام گرفت . زیرا ذخیره طلای انگلستان کلا ازمراکز اصلی خود در سال ۱۹۴۰ بمحل امنی انتقال داده شد .

...بچه نیست :

روزی رسید که دربانک انگلیس ذخیره جالب توجهی وجود نداشت و کلیه شمش ، سکه وغیره با کشتیهای مخصوصی که از هر حیث مسلح ومجهز بوده بکشور های متحده امریکا نقل گردیده بود .

داستان حیرت انگیز این انتقال درماه ژوئن ۱۹۴۵ افشاء و در جراید انگلستان منعکس شد .

همه غرق گردند ؟

دو کشتی بزرگ ومعروف جهان یعنی (کوئین مری) و(کوئین الیزابت) مقدار زیادی از این ذخایر را حمل مینمودند عده‌ئی از کشتیهای دیگر هم که درحالیکه بیمه مال التجاره فوق العاده ارزان و غیر قابل توجهی را حمل مینمودند . با این [illegible] انتقالات را برای خویش کسب کردند .

در حالیکه آلمانی ها با عملیات کشتی های زیر دریائی ها وبیمه قوی خویش بخیال خود تمام امور اقیانوسها را در دست گرفته و اجازه نمیدادند [illegible] به منطقه‌ئی نزدیک شود ، وبیش از هزار میلیون پوند طلا بروی امواج وحشتناک دریا قرار داشته و با سرعت از جزیره‌ئی به منطقه‌ئی دیگر میرفت .

کمر امپراتوری :

از تمام بنادر انگلیس که تعداد فوق‌العاده زیادی دارد عموم کشتی های بزرك و حتی قایق های موتوری مسلح شده و عازم حرکت بودند زیرابزرگترین امرتاریخی انجام میگیرد واگرثروت بی‌پایانی بزیرآب میرفت محققا کمرامپراتوری انگلیس نیزمیشکست

دشمن فریب خورد :

عده‌ای از کشتی ها برای فریب آلمانی ها و بحریه پرسلاح ایشان بدون اسکورت حرکت نمودند و خوشبختانه کمتر آسیب دیدند . از یکهزار میلیون پوند ثروتی که بامریکا فرستاده میشد فقط پانصد هزارپوند ازبین رفت . بعضی از کشتیهای کوچك غرق شده و مال التجاره خود را که چیزی جز طلا نبود با خود بزیر آب بردند وازبین آنها فقط کشتی (نیاگارا) را باید نام‌برد که بیش ازده میلیون مال‌التجاره واندر عمق ۴۴۲۰۵ متر فرو برد .

غواصی :

ولی کلیه این مقدار را نباید بحساب ضرر وارد کرد زیرا یک دسته غواصان استرالیائی که افراد زبده‌ای برای غوص در آب اقیانوس دارند توانستند ۸ تا ۹ هزار پوند را از اعماق دریا بیرون آورد .

اقتصاد پیروزی :

محققاً هیچیك از کمپانی های بیمه جهان حاضر نبود که چنین مقداری را بیمه کند زیرا نه جرأت آنرا پیدا میکرد و نه سرمایه کافی جهت تضمین آن داشت .

ولی در جنگ انجام آن را بچیزی جز شانس و بخت نمیتوان تشبیه نمود که از هر حیث برای نجات و زندگی یک امپراتوری عظیم قابل اهمیت بود. خوشبختانه بدون ضرر زیاد انجام یافت و صفحه مشعشعی را در تاریخ نیروی دریائی امپراتوری انگلیس باز نمود.

از روزیکه جنگ ژاپن هم آغاز گشت مقداری از ثروت و طلاکه در ممالک دیگر بوده خطر حمله ژاپونیها بر آن زیاد بود مثل سابق بمحل امنی انتقال داده شد. و در ضمن همین جریانات بود که کشتی فوق‌الذکر - نیاگارا - غرق گشت.

این کشتی دارای سوابق زیاد و سابقاً بین وکلند - سیدنی و وانکوور مسافرت مینمود. و روزی هم در آب فرو رفت چندان فاصله‌ئی از ولنگتن بعید نداشت زیرا در دریای (تاسمانی) سیر گشت میکرد.

نیروهای کوچک جنگی

آژیر [illegible]

در آغاز جنگ آلمانیها یک نوع مرغ سکوتی [illegible] برای محافظت حیوانات اختراع کرده بودند و در جنگهائی که [illegible] حیوانات [illegible] را [illegible] آن بود که هر وقت حیوانات میخواستند [illegible] کنار [illegible] یک شماره برق از دهان مرغ صوتی پیدا میکرد و بعد از چند ثانیه صدای برق بلندی از دهان مرغ برخاسته حیوانات ترسیده بجای خود باز میگشتند.

بقلم کنت برنادوت رئیس صلیب احمر سوئد

آلمان در روزهای سقوط

هیملر گفت :

> من قسم خورده ام بهیتلر وفادار باشم و نمیتوانم مخالف قسم خود رفتار کنم .
>
> اگر متفقین بخواهند ملت آلمانرا نابود کنند باردیگر هیتلربزرگتری قهرمان ملی آلمان خواهد شد .

بالاخره پس از دوندگی بسیار توانستم هنریش هیملر رئیس و فرمانروای گشتاپوی آلمان و وزیر کشور و دست راست هیتلر و فرمانده کل ارتش داخلی را که همه وسائل آزار و شکنجه را برای ضد مخالفین نازیسم بوجود آورده و از سقوط آلمان تا آخرین روز های شکست قطعی جلوگیری کرده بود ملاقات کنم

ولیم شیرر در «یادداشتهای برلن» هیملر را مرد کوچک و ساده و بی آزاری که مانند معلم دبستان بی سر و صداست توصیف میکند ، ظاهر رئیس مخوف گشتاپو را بهتر از این نمیتوان توصیف کرد . من ناگهان او را در لباس سبز سربازیش بدون نشان مانند یک شخص عادی جلوی خودم دیدم و با نهایت تعجب متوجه شدم که ظاهراً مردی خوش صحبت و خوش محاوره است و برای آنکه از شدت و سختی گفتار بکاهد نکته های لطیفی بکار میبرد حقیقت اینست که برخلاف تصور در ظاهر هیملر هیچ چیز شیطانی وجود نداشت و در چشمهای او علامت صلابت و سنگدلی بهیچوجه دیده نمیشد بلکه من او را شخص زنده دلی یافتم که نسبت بهیتلر اخلاص و صمیمیت

پرستاران ممالك اشغال شده را شکنجه و آزار کردیم برای این بود که آنها خرابکاری میکردند .

پس از آن بمن گفت: «واقعاً میخواهید با نروژیها و دانمارکیها که اکنون در بازداشتگاههای آلمان هستند تماسی پیدا کنید و آیا میخواهید آنها را تحت نظر بگیرید تصور میکنید من بتوانم با تقاضای شما موافقت کنم؟» پس از کمی سکوت شخصاً جوابداد: «اگر من با اینموضوع موافقت کنم فرداست که روزنامه های سوئد با حروف درشت خواهند نوشت که جنایتکار جنگ هیملر از بیم مجازات میخواهد زمینه آزادی خود را فراهم آورد»

پس از آن هیملر اصرار داشت رفتار های خشونت آمیز آلمان را موجه قلمداد کند و در نتیجه گفتگوی بسیار قبول کرد که صلیب احمر سوئد در بازداشتگاههای نروژی و دانمارکی فعالیت آغاز کند و زنان بیوه و یتیمانرا بسوئد بفرستند ولی شرط کرد که همه مخارج اینکار بعهده صلیب احمر است .

چند روز بعد من با هیئت صلیب احمر با مقداری دوا و غذا بآلمان بازگشتم مدتی معطل کردند تا اجازه ورود بباشگاه لونکهام صادر شد: زیرا میخواستند فهرست بدست آورده وضع آنجا را مرتب کنند صدای توپ از جبهه جنگ بگوش میرسید، نیروی متفقین تا «برمن» رسیده بود و جنگ بقلب آلمان نزدیک میشد .

روز دوم آوریل بار دیگر هیملر را دیدم، آنروز بسیار گرفته و عصبانی بود صحبت ما چهار ساعت طول کشید بهیچ وجه انکار نداشت که اوضاع وخیم است ولی در عین حال نومید نبود؛ در اثنای این گفتگو طرح جدیدی برای فعالیت خود در آلمان ریختم زیرا متوجه شدم که خواهی نخواهی بقلب توفان سیاسی کشیده شده ام

هیملر بمن گفت: در راه مصالح آلمان هر کاری بتوانم باید انجام دهم

ولی باید جنگ دوام داشته باشد ، زیرا من نسبت بهیتلر قسم وفاداری خورده ام و بقسم خود پابند هستم .

گفتم : « آیا شکست آلمان قطعی شده است ؟ شما وقتی در سال ۱۹٤۱ بروسیه حمله کردید ، جنگ را بدو جبهه انتقال دادید و بدینجهت زمینه شکست آلمانرا فراهم کردید؟ . اکنون میگوئید برای مصالح آلمان هر کاری بتوانید انجام خواهید داد در اینصورت باید نسبت بآلمان بیشتر از هیتلر وفا دار باشید ، اگر اطمینان دارید که ادامه جنگ باضمحلال کامل آلمان منجر میشود باید از هیچ اقدامی دریغ نکنید »

هیملر جوابی نداد ، لحظه ای بعد او را در پای تلفن خواستند و بیرون رفت در غیاب او شالنبرگ پرسید آیا نمیتوانم با ایزنهاور مربوط شده در باره متارکه جنگ در جبهه غرب فقط در جبهه غرب با او مذاکره کنم ؟

گفتم این محال است باید پیشنهادی از طرف هیملر تهیه شود جز این هیچ اقدامی نمیتوان کرد ، من اطمینان دارم که ایزنهاور و متفقین غربی برای مذاکره در باره صلح آماده اند ولی باید پیشنهاد های صریحی برای آنها بفرستد. هیملر باز گشت و بار دیگر گفتگوی ما در باره کیفیت انتقال اسیران از باز داشتگاه آغاز شد پس از آن هیملر سخن را بجنگ و سیاست کشید و با تأثر گفت : آلمان خطاهای بزرگی مرتکب شده است و اعتراف میکنم نتیجه خطاهای گذشته است بزرگترین خطاهای ما این بود که با انگلستان صلح [illegible] نتوانستم [illegible] [illegible] وقت [illegible] آلمان پس از هیتلر [illegible] در روزهای بعد شالنبرگ چند بار پیش من آمد و پیوسته اصرار داشت که من با فرمانده نیروی متفقین در باره متارکه در جبهه غرب مذاکره کنم روز ۲۳ آوریل ، شالنبرگ بمن خبر داد که کار

هیتلر تمام شده است و شاید تا دو روز دیگر بیشتر زنده نباشد وهیملر قائممقام او خواهد شد شب آنروز بار دیگر هیملر را ملاقات کردم وی گفت احتمال قوی میرود که هیتلر تا کنون مرده باشد و اگر نمرده باشد بزودی خواهد مرد زیرا هیتلر ببرلن رفته است که با مردم پایتخت بمیرد اکنون برلن در محاصره است و سقوط آن همین امروز و فردا ست

در ملاقاتهای قبل هیملر پیوسته از سختی اوضاع دم میزد ولی ایندفعه صریح گفت «من اعتراف میکنم که آلمان شکست خورده است » در آهنك او چیزی که نشان تسلیم بحوادث بود خوانده میشد پس از آن گفت « اکنون باید دید که اکنون متفقین با آلمان چه میکنند اگر بخواهند ملت آلمان را محو کنند بار دیگر هیتلر بزرگترین قهرمان ملی آلمان خواهد شد زیرا فقط هیتلر میتواند مشکلات ملت آلمان را حل کند زیرا او بود که آلمانرا از ضعف و بدبختی و عواقب پیمان ورسای نجات داد »

اطلاعات شخص من نشان میدهد که این هاله نور که در روزهای آخر دور هیتلر بوجودآورده اند مطلقاً صحیح نبود هیتلر دربهار ۱۹۴۵ مرد مریض و علیلی بود و بهیچوجه قدرت قیام باعمال خارق العاده نداشت و اگر تصمیم گرفت دربرلن بماند برای آن بود که اطمینان داشت مردنیست .

در هر حال هیملر به من گفت با وضع کنونی دست من اکنون باز شده است ومن برای آن باقیمانده‌ام که آلمان را نجات دهم حاضرم در جبهه غرب تسلیم متفقین شوم و حاضرم که اعلام شود ولی در جبهه شرق تسلیم نخواهیم شد آیا شما حاضرید در این زمینه با فرماندهی نیروی متفقین صحبت کنید ؟

گفتم محال است که انگلیس و امریکا بدون اطلاع روسیه برای مذاکره حاضرشوند !

هیملر گفت میدانم اینکار مشکل است ولی من میخواهم میلیونها مردم آلمان را از اسارت روسها نجات بدهم .

گفتم من این پیشنهاد را مطرح میکنم بشرط آنکه اصول مذاکره شامل نروژ و دانمارک بشود .

هیملر گفت قبول میکنم ولی بشرط آنکه روسها دانمارک و نروژ را اشغال نکنند و اگر پیشنهادات من قبول نشود جنگ را ادامه میدهم تا در میدان جنگ کشته شوم پس از آن با آهنگ لرزانی گفت مطمئن باشید که من سخت ترین ساعات زندگانی خود را میگذرانم .

پیشنهاد هیملر باطلاع فرماندهی نیروی متفقین رسید و بلا فاصله بلندن و واشنگتن فرستاده شد چند ساعت بعد جواب رسید که باید آلمان در تمام جبهه ها بدون قید و شرط تسلیم شود ضمناً اشعار شده بود که پیشنهاد باطلاع فرماندهی نیروی شوروی رسانیده شده .

بدین طریق هیملر نتوانست در آخرین لحظه میان متفقین اختلاف بیندازد و مقدر شده بود که در سخت‌ترین روز های جهان سوز ، شاهد مهمترین ملاقات سیاسی باشم .

پس از آن دیدار آخر [illegible] افتاد و [illegible] که [illegible] آنرا بیاد ندارد و امید [illegible] تکرار [illegible] نباید بشود .

صفحه ای از سیاست جهان

مستر آنورین بیوان وزیر بهداری بریتانیا در کابینه کار و مدیر مجله تریبون چاپ لندن و یکی از مهمترین روسای اتحادیه کارگران جزء سوسیالیست های افراطی است و طی سر مقاله ای که در مجله خود (تریبون) تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹٤۵ منتشر نموده سیاست کنونی عالم و ریشه اختلافات موجوده میان شوروی - اتازونی - انگلستان را بطوردقیق از نظر یک سوسیالیست مفرط شرح میدهد

اینک ترجمهٔ آن مقاله :

هفته گذشته « والتر وینچل » مفسر رک گوی امریکا بی‌پرده گفت :

چهار اصل آزادی بچهار اصل فاسد دیگری تبدیل شده‌است :
« تصرف عدوانی - فریب - حرص - طلا »

وینچل هنگامی این تفسیر اخبار را در بارهٔ امور بین‌المللی تذکر داد که در آن واحد راجع بروابط بازرگانی امریکا و انگلیس در واشنگتن و میان وزیران امور خارجه دولت های متفق (اما نه چندان متفق) در لندن کشمکش هائی جریان دارد .

درست است که کنفرانس وزیران امور خارجه در آغاز کار میباشد و ما باید امیدوار باشیم که بالاخره راجع بروابط اختلاف نظر دائمی وسیع موجوده راه حل و توافق نظر قابل قبول پیدا خواهد شد ولی سودی ندارد که این حقیقت را کتمان کنیم که از آغاز روز پیروزی تا کنون بعد از یک هفته مذاکره فقط راجع به یک دهم از قضایای مورد اختلاف و نزاع هر گونه مبارزه‌های سیاسی در نگرفته بود .

در بارهٔ قرارداد پیشنهادی مربوط بصلح ایتالیا دو موضوع مهم پیش آمد کرده است که یکی از قسمت مرز های یوگوسلاوی و دیگری مستعمرات ایتالیا میباشد .

برای حل هر یک از دو موضوع دو راه مختلف پیش بینی میشود و در واقع هم همین دو راه مختلف اتخاذ گردیده است .

یکی اینکه درموقع این تعیین مرزها درراه همکاری بین‌المللی از فرصت استفاده ای شود و آزمایشی بعمل آید و یا اینکه یک یا چند دولت فاتح قربانی برای توسعه خاک خود بدهند .

مسئله مرز ایتالیا و یوگوسلاوی بطور کلی باقضیه تریست مربوط است در سایر قضایا حتی خود ایتالیائی ها همه اتفاق نظر دارند که مرزبندی سابق نسبت به یوگوسلاوی عادلانه نبوده وباید بسود یوگوسلاوی تجدید نظر شود .

در هر حال تریست موضوع جداگانه ای است ایتالیا و یوگوسلاوی میتوانند برای تصرف تریست روی زمینه‌های مختلف ترتیبی بدهند

اگر چه باید آشکارا گفت از نظر کثرت جمعیت دعاوی ایتالیا قویتر میباشد ولی هرگاه بندر را یکی از دو ملت مذکور اختصاص بدهند کاملا بی عدالتی کرده اند چون قضیه تریست ملی نیست و بین‌المللی است تریست تنها بندر دریائی یوگوسلاوی شمالی نیست بلکه برای اتریش ـ مجارستان ـ چکوسلواکی ـ آلمان جنوبی ـ و سویس هم این اهمیت را دارد . اگر واقعا نقشه‌های پیشنهادی راجع به حل و فصل بین‌المللی اروپا جنبه عملی بخود بگیرد تریست بندری است که میتواند برای کلیه دولتهای مربوطه بندر آزاد استفاده شود و بدین ترتیب در راه بین‌المللی کردن حمل و نقل اروپا قدم عملی برداشته شود .

با این که مخالفت‌های شدیدی برای عملی شدن این موضوع وجود دارد باز هم برای اجراء شدن این راه حل امیدی باقی است

با همه اینها اختلاف نظر راجع به تریست مشکلترین قضیه مربوط بقرارداد ایتالی میباشد بلکه مهمترین اختلافات آنقرارداد مربوط بآیندهٔ مستعمره‌های ایتالی و جزایر دودکانز است .

بطور اختصار حقایق مکشوفه از اینقرار است .

امریکائی‌ها چنین پیشنهاد کردند که اداره امور مستعمره‌ها بخود ایتالیائی‌ها در تحت نظارت کمیسیون بین المللی واگذار شود این پیشنهاد از چندطرف با مخالفت سخت مواجه گشت امریکائیها پیشنهاد دیگری دادند که مستعمره‌های ایتالی بسازمان امانت داری (تروستشیپ) دولت‌های متفق واگذار گردد و آن شوری فرمانداراني برای ادارهٔ این نواحی تعیین کند (فرمانداران باکمك رأیزنان متفقین بزرك و رأیزنان ایتالی آنجاها را اداره بنمایند) در ظرف پانزده تا بیست سال زمینه مستقل شدن آنان را فراهم سازند بریتانیا وچین از این پیشنهاد طرفداری میکنند فرانسویها هنوز تصمیم نگرفته‌اند ولی ظاهرا حاضر شده اند آن را زمینه مذاکره قرار دهند ولی پس از آزمایش‌های اخیری که در سوریه و هندوچین بعمل آمده اساسا فرانسویها با هر نهضتی که منجر باستقلال مستعمره‌ها و نیم مستعمره‌ها بشود تردید در موافقت دارند و بهمین دلیل انگلستان هم اول تردید داشت که چگونه با طیب خاطر این پیشنهاد را بپذیرد گرچه قسمت‌های امپراتوری بریتانیا خیلی بیشتر از امپراتوری بریتانیا خیلی بیشتر از امپراتوری فرانسه بیکدیگر وصل و مربوط است این سالها بریتانیا بالاخره اعتراضات خود را پس گرفت .

پیشنهاد ثانوی متقابل روسها

فی الواقع در مقابل پیشنهاد امریکائیان نه از طرف انگلیسها و نه از طرف فرانسویها مخالفتی بعمل آمد بلکه از طرف شورویها پیشنهاد مخصوصی داده شد که بجای هیئت بین‌المللی امانت داری فقط یکی از دولتها در امور هریک از مستعمره‌های ایتالی نظارت داشته

ولی اتفاقاً باین دعاوی شوروی اعتراضاتی هست و اعتراضات هم بمورد میباشد و هرگاه پیشنهاد امریکا باپیشنهاد شوروی مقایسه شود صحت این اعتراضات بخوبی منتشر میگردد زیرا پیشنهاد امریکا قدم مهمی است که بطرف همکاری و مسئولیت مشترك بین المللی برداشته میشود و بهمان دلیل بهترین وسیله توافق نظر است و هر سوسیالیستی باید از آن پشتیبانی نماید .

برعکس پیشنهاد شوروی مبنی بر تجزیه مستعمره و مستملکات دیگر ایتالیای شکست خورده میان دولت های فاتح یك نقشهٔ ارتجاعی است که فقط میتواند رقابت موجودهٔ امپریالیزم را شدت دهد این انعکاس تاسف آوری است که پیشنهاد مزبور از طرف دولتی میشود که یك وقتی ادعا داشت در برابر تقاضاهای امپریالیزم یگانه مدافع شعور و حافظ حقوق بین المللی میباشد این موضوع بیشتر قابل تاسف است که آقای مولوتف پیشنهاد امریکائیها را رد کرد و دلیلش هم این بود که چون قیمومت و نظارت (تروستشیپ) اجتماعی بین المللی تا کنون سابقه نداشته پس بهتر آنست که از آن صرفنظر شود و شرط عقل نیست که بآزمایش درآید ولی باید گفت که تا ۱۹۱۷ هم رژیم شوروی وانقلاب پرولتاریا در دنیا سابقه نداشته آیا شرط عقل بود که از آن هم صرفنظر گردد

حال در قسمت دیگر سئوال میکنیم که چرا نباید دولت شوروی هم مشترکانه راه بیابد ؟

در اینجا باید پرسید که چرا دولت شوروی آنقدر اصرار میورزد که در مذاکرات دست پیدا کند و آیا چه سودی از این وضع عاید شوروی میگردد ؟ و تا چه اندازه ممکن است در ساختمان و خوشبختی ملت روسیه مؤثر باشد اقتصادیه کشور های شکسته اروپا که البته روسیه سیاست بی آنان را تقاضا دارد از هر اقتصادیه دیگری در دنیا ضعیفتر و عقب تر میباشد .

دو طرف یا از طرف عموم بعمل آید وگرنه عملی نخواهد شد .

دعاوی روسیه برای تحصیل پایگاه‌های مدیترانه بهمان درجه غیر موجه است که بریتانیا بخواهد در بالتیك و یا دریای سیاه بخواهد یا اینکه روسیه و بریتانیا متفقاً بخواهند دراقیانوس آرام که امریکا آنجا را قلمرو انحصاری خود میداند پایگاه‌های استراتژی مطالبه کند و اگر سراسر جهان بدین ترتیب تقسیم نشده است نه تقصیر ماست و نه با موافقت ما بوده است

فقط اکنون برای معماران این تقسیم ناشایسته نیست که برضد نتایج آن اعتراض کنند و کوشش نمایند آن قسمتی را که بسود تقسیم خود نیست از میان بردارند .

البته مستر چرچیل نباید برای پرده آهنی اروپا اظهار تأسف نماید زیرا او خودش یکی از سه پیشوای بزرگی است که مسئول احداث آن میباشد همینقسم گویندگان شوروی هم «که خود آنها چنین بلوك «اتحادیه‌ای» از ممالك شرقی اروپا درست کرده‌اند که علاالاهمه آنان یك صدا حرف میزنند و عملشان بقسمی بیکدیگر تطبیق میکند که حتی اشکال دارد علیت افراد آنان را از یکدیگر تشخیص داد» نباید از همکاری نزدیك و اتحادیه کشورهای [illegible] اروپای غربی شکایت داشته باشند .

تقسیم تازه لازم است

روزنامه [illegible] دو گزارش اظهار داشته که یکی از دو سیاهی مهم جنگ آنستکه دولتهای دموکرات دیگر اجازه ندهند تقسیم دنیا بخواهان [illegible] شرق و غرب واقع گردیده .

ما کاملاً با این نظر موافقیم و خیلی خشنود هستیم از اینکه بالاخره دنیای دیگر نظری را که روزنامه ما پیوسته [illegible] تصدیق میکند

گفتگوی جنگ سوم

آیا جنگ سوم میان اروپا و امریکا درمیگیرد؟

آلمان نازی از پای درآمد ، دستگاه عظیم جنگی آن درهم ریخت و زمامداران آلمان بدون هیچ قید وشرطی بمتفقین تسلیم شدند. ممکن است بعضی‌ها تصور نمایند که جنگ اروپا بپایان رسیده و دیگر در این قاره صدای توپ و غرش طیارات شنیده نخواهد شد در صورتیکه چنین نیست و شاید ما اکنون درآغاز یکدورهٔ خطرناکی هستیم که حوادث بیش از این بدنیای ما چشم زخم بزند

متعاقب از پا درآمدن آلمان شکست ژاپون بوقوع پیوست و قوای مشترک انگلستان وامریکا ژاپون و اراضی و مستعمرات جدیداو را ازدستش خواهند گرفت ولی چون این دو دولت (یعنی امریکا و انگلستان) درجهان سیاست احتیاج مبرمی بیکدیگر دارند برسر تقسیم غنائم جنگی نزاع نخواهند کرد .

دولت ژاپون بهمان صورتی که بود برمیگردد ودول انگلستان و امریکا صنایع جنگی را از دستش خواهند گرفت .

امپراتوری ژاپن از بین خواهد رفت دولت انگلستان برای استرضای دولت امریکا بازار تجارتی چین را بامریکا واگذار خواهد کرد وخود بازارهائیکه در سایر نقاط دنیا دارد خواهد ساخت . بنا بر این در خاور دور اختلافی بین امریکا و انگلستان روی نمیدهد در مورد وضع دول بزرگ در آینده مبهم میباشد و معلوم نیست که اگر یک شالودهٔ متقنی برای صلح ریخته شود اوضاع اروپا چه خواهد شد.

دولت امریکا که تا قبل از این جنگ در امور قارهٔ اروپا مداخلت نمیکرد بعد از این جنگ در حل وفصل امور قارهٔ اروپا

شرکت خواهد نمود و این موضوع باعث خواهد شد که بقول کنلی وکیل مجلس سنای امریکا تصادمهائی بین دولت امریکا وشوروی حاصل شود .

کنلی وکیل مجلس سنای امریکا میگوید : یا امریکا نباید در کار قارهٔ اروپا شرکت نماید یا اینکه باید احتمال جنگ بین دولت امریکا و شوروی را پیش بینی کند . این موضوع بقول کنلی برای ما بسیار تأثر آور است که پیش بینی کنیم دریك جنگ عظیم دیگر شرکت خواهیم کرد .

ما وقتی بمجلات امریکائی از قبیل «هارپرس» ـ آتلانتیك ـ لایف ـ کولیرس » و سایر مجلاتی که از امریکا بتهران میآید نظر میاندازیم مشاهده میکنیم یك نوع اضطراب و عصبانیت بزرگی بر نویسندگان این مجلات که از بزرگترین نویسندگان امریکا هستند غلبه کرده .

اینها میگویند امریکا باید تدارك یك جنگ بزرگ دیگر را از همین حالا ببیند و تصور نکند که بعد از این جنگ دیگر دنیا قرین صلح و آرامش خواهد شد .

اینها میگویند : آلمان بعد از این جنگ سعی خواهد کرد که اختلافات بزرگی بین دولت شوروی و دول امریکا و انگلستان بیندازد زیرا [illegible] [illegible] که برای تجدید [illegible] خود دارد تنها ایجاد [illegible] است . اینها میگویند [illegible] آلمان برای ایجاد این اختلاف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بین دولت اتحاد جماهیر شوروی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] .

مجلات امریکائی میگویند : اگر در سالهای آینده جنگی بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و آلمان کمونیست از یکطرف و دول امریکا وانگلستان از طرف دیگر آغاز شود میدان جنگ :

کشورهای خاور میانه و بالکان ومغرب اروپا خواهد بود . بهمین جهت است که طرفین از همین حالا سعی میکنند که در این نقاط پایگاههائی برای خود ایجاد نمایند . موضوع ایران بالاخص در بعضی مجلات امریکائی مقام خاصی دارد و از اختلاف آینده دول بزرك متفق در ایران صحبت میکنند و میگویند که ممکن است این اختلاف بجنك منتهی شوذ . مجلات آمریکا میگویند : ما در عین حال که ژاپون را بعداز این جنك ضعیف میکنیم نباید کاری کنیم که وسیله معاش بکلی از دست ژاپون بدر رود ، این ملت کثیر-النفوس گرفتار گرسنگی شود و زمینهٔ جنگی در جهان فراهم آید زیرا بدون تردید ژاپون خودرا در آغوش دولت شوروی خواهد انداخت که بتواند انتقام این جنك را پس بگیرد و آرزوهائیکه نتوانست در این جنك عملی کند در جنك آینده عملی سازد .

دیگر از چیزهائی که مجلات امریکائی میگویند احتمال یك ائتلاف بزرگی در اروپا مرکب از دول شوروی وآلمان و ایتالیا و فرانسه وتمام دول کوچك اروپا برعلیهٔ امریکا وانگلستان است و ممکن است که بعد از این ائتلاف جنك بزرگی بین اروپا و امریکا درگیرد که بکلی تمدن را نابود نماید .

بعضی از نویسندگان تند روی امریکائی میگویند : اصلا صلاح نیست که بعد از جنك کارخانه های اسلحه سازی امریکا مبدل بکارخانههای تولید مصنوعات بازرگانی شود و اقتصاد دورهٔ جنك مبدل باقتصاد دوره صلح گردد برای اینکه اگر امریکا اقتصادیات دوره جنگ را باقتصادیات دورهٔ صلح تبدیل نماید ممکن است که در جنك آینده غافلگیر شود همانطوریکه فرانسه وانگلستان در این جنك غافلگیر شدند .

نویسندگان امریکائی میگویند : اگر ائتلاف عظیمی مرکب از تمام دول اروپا در آن قاره تشکیل شود بواسطهٔ کثرت نفوذ

و بنیهٔ صنعتی و منابع مواد خامی که این ائتلاف دارد ممکن است
امریکارا از پا در آورد و سراسر آسیا و افریقا را تصرف نماید
بر دول امریکا و انگلستان فرض است که با تمام قوا از تشکیل
این ائتلاف جلوگیری نمایند .

خوشبختانه در قبال این دسته از نویسندگان و متفکرین
بدبین که بروز جنگ را در خاور میانه یا در اروپا حتمی میدانند
و میگویند که این جنگ ممکن است که تا سال ۱۹۷۰ میلادی
یاسال دوهزار میلادی طول بکشد دسته دیگر از نویسندگان خوش
بین هستند که میگویند : نوع بشر اگر گناهی کرده بقدر کفایت
کفارهٔ گناهان خود را در این جنگ پس داده و از این پس باید
دورهٔ صلح و صفا آغاز شود .

نویسندگان و متفکرین خوش بین میگویند : بالاخره عطوفت
و حسن نیت دول بزرگ بر اهواء و امیال و هوی و هوس های
آنان غلبه خواهد کرد و خواهند توانست که صمیمانه دور هم جمع
شوند و سازمانی متین برای صلح آینده بریزند که ضامن حفظ
آرامش دنیا باشد .

اینها میگویند که بعد از این خونریزی بزرگ خداوند
به نوع بشر ترحم خواهد کرد و اورا ارشاد خواهد نمود که
بر جاه طلبی و هوی و هوس نفس غلبه نماید و اصول ثابتی برای صلح
و سلم بوجود آورد که دیگر جنگ بین المللی دیگری که قطعا
منهدم تر از این جنگ خواهد بود مشتعل نگردد .

ما از صمیم قلب با این دسته از نویسندگان خوش بین امریکائی
هم عقیده هستیم و امیدواریم که دنیا دیگر روی جنگ را نبیند و
مردم بتوانند [illegible] خود را در آغوش صلح و سلم زندگی نمایند .

از تشنگی خون میآشامیدند!

خبرنگار مخصوص روزنامه تایمز هنگکی از «یوکوهاما» برای جریدهٔ خود نوشته بود:

هرچه برتعداد اسراء آزاد شده جنگ افزوده میشد بهمان نسبت هم بر تعداد داستان های عجیب رنج هائی که سربازان ولشکریان ژاپونی بایشان میداده اند افزایش حاصل میگردید.

یکی ازافسران نیروی دریائی امریکا بنام (استاسن) میگوید: هیچیك از اردو های ژاپونی مطابق مقررات بین المللی نبوده وضع زندانیان بسیار بد و تأسف آور و بیش از هشتاد در صد ازایشان عملاً ازامراض مهلکی چون سل - اسهال خونی - بری بری مینالند و مرتبا فوت مینمایند.

اخیراً عدهٔ ازمیسیونرهای انگلیسی وامریکائی بازن واطفالشان از زندان خلاصی یافته‌اند. غالب اسراء جنگی از ضرب شلاق و رفتار ظالمانه مراقبین زندان شکایت دارند.

دریك کشتی که اسراء جنگ بایستی ازفلیپین بتوکیو میرفتند وضعیت خوراك وآب بی‌نهایت خراب وکم بود آب تاحدی رسیده بود که اسیران بیچاره مجبوراً رك خودرا زده خون خویش را بجای آب مینوشیده اند. ازیکهزار وپانصد نفر سرنشینان این کشتی فقط پانصد نفر رهائی یافته و بقیه بهلاکت رسیده‌اند.

عادت تعظیم کردن

موضوع قابل توجهی که ازتمام اسراء جنگی که مدتی رااسیر دست ژاپونی ها بوده اند دیده میشود عادت تعظیم کردن است زیرا اینان هرکس را که در برابر خود میبینند یا ازاو رد میشوند فوراً خم شده و تعظیم میکنند.

علت اصلی این کار فشار سختی بوده که زندانبانان ژاپونی برایشان وارد آورده وآنها را مجبور باطاعت وانقیاد نموده بودند

رانندهٔ یکی ازهواپیماهای نوع (سوپر فورترس) که طیاره‌اش دراواسط جنگ هدف قرار گرفته‌وخود مجبور بفرود شده بود تعریف میکند که از اولین ساعت اسارت ، ژاپونیها ما را بتعظیم کردن وامیداشتند . چون باینکار عادت نداشته و اغلب فراموش مینمودیم لذا میله های آهنی باندازه مداد لای انگشتان ودستان گذارده و فشار میدادند . مداومت این زجردلخراش سبب شد که بهمه تعظیم کنیم زیرا عذابی بالا تر از رنج فوق‌الذکر نمیباشد .

طلا های ربن تروپ

سربازان ارتش سوم امریکائی در اطراف منزل شهردار سابق شهر (باد - گاشتین) در آلمان ذخیره طلائی در حدود هفت میلیون لیره کشف کرده‌اند که متعلق به (ربن تروپ) وزیر خارجهٔ سابق آلمان بوده است .

این طلاها که عبارت از پول های طلای انگلیسی امریکائی ، ایتالیائی و مقدار زیادی هم شمش دست نخورده بوده سابقاً در منزل شخصی فون ربن تروپ نزدیکی شهر (سالز بورگ) در زیر زمینی مخفی و هنگامی که نیروی امریکا این نواحی را اشغال مینماید بدستور او تغییر مکان داده شده بود .

نگارش : آقای حسین خطیبی

یك نامه از موسولینی
رازها آشکار میگردد ـ دنیا بسوی نیستی !

ما وقتی نامهٔ دوم هیتلر را خطاب به چرچیل نخست وزیر سابق بریتانیا منتشر ساختیم سروصدا و هیا هوی عجیبی برپا کرد بعضی مقامات عالی و نمایندهٔ یکی از خبرگزاریهای رسمی مقیم تهران توضیحاتی در خصوص این نامه خواستند . برخی از روز نامه ها ومنتقدین بما ایراد کردند که در نشر آن نامه بدین جریانی راه خطا پیموده و از جانب صواب منحرف گشته و در تحریف و اصلاح آن دچاراشتباه شده ایم . ولی ما بایشان اطمینان میدهیم که در انتشار آن دو نامه هیچگونه نظر خاصی نداشته‌ایم و برای یك نویسنده یامترجم که باشعاع روح خود مجذوب میشود و پیش میرود خلافگوئی را خطائی جبران ناپذیر میدانیم .

اکنون نیز که نامه موسولینی پیشوای سابق ایتالیارا منتشرمیکنیم حتماً ازاین قبیل انتقاد و ایراد ها خواهیم شنید ولی خورده گیران این را در نظر داشته باشند که این نامه ها از هیتلر و موسولینی است نه دیگری و نامه ئی که دشمنی در حال یأس و حرمان و شکست وفلاکت و غلیان احساسات بنویسد ملایم تر از آن نخواهد بود که خوانده اید .

بهر حال سعی میکنیم در این نامه هم آنطور که در قبضه داریم مطلبی زننده ای که وجود دارد حذف نمائیم .

نامهٔ موسولینی

چندی پیش یکی از خبر نگاران امریکا موفق شد که با دونا راشل همسر بیوفای موسولینی درمیلان ملاقات کند تا اطلاعاتی

از طرز رفتار وخصوصیات زندگی پیشوای سابق ایتالیا کسب نماید
خبرنگار مزبور طی این ملاقات توانست نامه ئی را که موسولینی
بنام یکی از ژنرالهای بزرگ ایتالیا نوشته و نزد دوناراشل مخفی
بود بچنگ آورد. مقامات نظامی امریکا پس از اطلاع از مضمون
نامه آنرا ضبط و از انتشارش جلو گیری نمودند. هفته قبل که
بعلت شکست و تسلیم ژاپن ادارهٔ سانسور زمان جنگ منحل گردید
خبرنگار امریکائی نیز از موقع استفاده نموده بلا فاصله رونوشت
متن نامه فوق الذکر را دردست داشت منتشر ساخت و بانشر آن
نیمکرهٔ باختری را دچار بهت و حیرت و اسف و اندوه فراوان
نمود. تاریخ این نامه یک هفته قبل از موقعی است که پیشوای سابق
ایتالیا بدست میهن پرستان اعدام شود.

مطالبی که دیکتاتور ایتالیا که خود از نویسندگان مبرز
معاصر ایتالی بود نوشته حقایقی را روشن میسازد و احساسات خواننده
را بی اختیار تحریک و احساساتی قرین تأسف و تأثر میسازد. پیشوای
ایتالیا در این نامه راز هائی آشکار میسازد و نظر خود را نسبت
به هیتلر و آلمان از ابتدای اتحاد تا انهدام با روشی شرح داده و
مانند رفیق هیتلر انگلیس ها را متهم باشتعال نائرهٔ جنگ
دوم جهانی میکند و معتقد است که این نبرد تحمیلی برای ایتالیا
و آلمان نبرد حیات و ممات بود و ملت ایتالیا را همیشه پشتیبانی
تشویق نموده و [illegible] و [illegible] ایتالیا را
[illegible] شکست [illegible] و [illegible]
[illegible] آلمان [illegible] آزمایش و تکمیل آن
میباشند [illegible].

ایتالیا در خلاصه متن نامه را باطلاع [illegible] خوانندگان
گرامی میرسانیم:

در تاریخ [illegible] از هواخواهان و احساسات [illegible] است استعداد

کرده آرزو دارم که بنام وطن عزیزمان این نامه را درنزدیکترین فرصت بژنرال بادیانی رسانده و با این عمل روح وقلب مرا شاد و مادر وطن را خشنود سازی چهره فرزندانمان را ببوس و به (ادای) عزیزم بگو ازمرك من متاثر وغمین مباش .

***

ژنرال عزیزم . براثر نومیدی موقتی و تألمات روحی در ضمن سطور پریشان این نامه چنانچه سهو القلمی روی داده باشد معذرت میخواهم . مطمئن باشید در سر تا سر این نامه از نخستین واژه تا آخرین کلمه تنها عشق و آزادی و خدمت بجامعه ایتالیای عزیزمعرك ومعشوق من بوده و علاقه بدوستی و شایستگی اخلاق شما وفداکاری هائی که در گذشته نسبت بمن و ایتالیای بزرك ابراز نمودید مرا وادار کرد که در این لحظه پرسوز و گداز تاریخی که در چنك دشمنان درنده خوی گرفتار گشته ام ! با شما رازی در میان نهاده و درد دل کنم . خدای قادر دانا را شاهد خود قرار میدهم که در نگارش این نامه نظری جز اجرای وظیفهٔ ملی و وجدانی خود ندارم . من اینك با نوشتن این نامه نخستین گام را در اجرای وظیفهٔ ملی و وجدانی خود برداشته شما را برادرانه دعوت میکنم و انتظار دارم در موقع معین و مقتضی برای احیاء واحقاق حق ایتالیای بزرك با برادران آلمانی همصدا و متفق شده با آنان در انجام یك نقشهٔ اساسی که منجر بآزادی ملل دنیا از زیر یوغ ستمگری خواهد شد وملت ایتالیا را از این تب و تاب نجات خواهد بخشید توجه عمیقی بنمائید . و در نظر داشته باشید که من در آخرین روزهای عمر خود ودیعهٔ گرانبهائی بشما میسپارم که واجد اهمیت فراوان برای ملت ایتالیا و تاریخ دنیا است : شما در طی ده سال اخیر که دوست نزدیك ومشاور محرم من بودید بخوبی واقفید که من قبل از اتحاد با دولت آلمان برخلاف تهمتهای ناروائی که پارهٔ اشخاص بی خبر یا خیانت پیشه که آلت اجرای مقاصد پست و مشئوم سینیور [illegible] فریب میباشند بصورت [illegible]

از طرفداران جدی ضرورت حسن مناسبات ایتالیا با انگلیس بودم .
لیکن تبلیغات مسموم و شدیدی که در ۱۹۳۶ انگلیسها بر علیه استقلال
ملی و حق آزادی ایتالیا نمودند مرا در اتحاد سیاسی و اقتصادی
و نظامی با ایشان مبدل بیاس کرد . همین تبلیغات موهن و حملات
ناروا و سیاست مبهم و متغیر انگلیسها نسبت بما و وضعیت جغرافیائی
خاص ایتالیا بود که مرا بر آن داشت دستی را که هیتلر برای اتحاد
با ما بسوی من دراز کرده بود بفشارم و بهمکاری صادقانه سیاسی
و جنگی و مرامی با آلمان تن درداده و شرافت امضاء خود را که
بستگی با عظمت ایتالیا داشت محفوظ دارم .

اگر سیاسیون غرب بنرمی با ما رفتار میکردند و منطقهٔ نفوذ
ناچیز ما را در افریقا برسمیت میشناختند و روزنامه های دیلی میل
و دیلی نیوز و تایمز و دیگر جرایدی که منتسب بدولت انگلیس اند
ما را هدف تیر تهمت های زهر آلود جگر سوز بیشمار نمیساختند
من تصور نمیکنم جنگی بین ما و ایشان و اصلا در دنیا رخ میداد
سیاستمداران انگلیس لاقفه کوپر - ایدن - چرچیل ؟ بود که بنام حق، عدالت،
آزادی ، نوعدوستی ، حفظ حقوق ملل ضعیف آتش جنگ را دامن
زده با فروختن کردن آتش جنگ در بین الملل ملیت جوانان را دستخوش
ویرانی ساخته و بفنا و زوال محکوم نموده باعث میلیونها خسارت
مادی و معنوی و تلفات فوق العاده انسانی گشت که سالها وقت لازم
است تا بشر جبران اینهمه ضایعات مادی معنوی را بنماید . اینها الفاظ
فریبای تمدن ، عدالت ، آزادی انسانیت را با تسلط و زور و غلبه
و زور و فشار بر اهالی در مانده هند و برمه و مالایا و سنگاپور
و دیگر مناطق که زیر سلطهٔ نفوذ داوند صورت عمل و معنی بخشیده اند
و نشان دادند تا چه حد شیفتهٔ آزادی و حامی ملل ضعیف میباشند
[illegible] که اکنون دامنگیر
نوع بشر شده است نتیجه سیاست غلط و روش مستبدانه و رفتار
متکبرانه انگلیسها میدانم که برای حفظ مناطق نفوذ و سیادت و

بزرگی خود واستیلاء برقسمت اعظم پنج قاره دنیا ازهیچ نوع جنایت و فتنه و آشوب و فساد و مکر و حیله دریغ ندارند .

آزادیخواهان انگلیس بودند که چون اساس کاخ استعماری خود را با اقدام مجدانه آلمان در ۱۹۳۹ در تزلزل و ویرانی دیدند بنام «واژه قشنگ آزادی» جنگ مخوف خونینی را بملت صلح دوست ایتالیا و رشید آلمان تحمیل نمودند با اسلحه فاشیسم و نازیسم و در نتیجهٔ سیاست تزویر آمیز خویش و تحریک ملل آزادیخواه و صلح دوستی چون امریکا وروس جنگ مهمی بنفع اساس وبنیان امپراتوری استعمار طلب خویش روشن نموده سر تاسر دنیا را مدت شش سال دچار اضطراب و وحشت و ولوله و هرج مرج و قتل و کشتار موحشی ساختند ، از خون میلیونها ابناء بشر آسیاب سیاست خودرا گردانده وآزادی که بخون میلیون میلیون زنان بی شوهر، برادران بیخواهر ، پدران بی پسر ، دوستان بی یاور توأم ورنگین شده است برای قدرت امپراتوری خویش بدست آوردند و اکنون میخواهند جشن بگیرند ؟ جشن آزادی وپیروزی ؛ کدام آزادی ؛ کدام پیروزی ؛ آزادی سالهاست که درطلسم ایشان است . پیروزی هم نیز هنوز از کف ما خارج نیست ، ما هم در کنار ملت آلمان و دیگر آزادیخواهان بزودی جشن خواهیم گرفت ، جشن خون ! این جشنی است که کلیهٔ ابناء بشر را از فقر و مسکنت و بدبختی و بیماری و خرابی وویرانی ، جهالت و نادانی ، بندگی و بردگی نجات خواهند بخشید .

من در ۱۹۳۶ با پیشوای آلمان عهد و میثاق خون برای رهائی دو کشور مان از قید فقر وتنگدستی و رشتگاری مللی که درزیر سیطرهٔ نفوذ دشمنان انسانیت وآزادی میباشند بستیم اما تصمیم بر آن گرفتیم سعی کنیم اختلافات سیاسی واقتصادی ومرامی حاصله از روش دشمنانمان را از راه صلح و مسالمت فیصل دهیم .

حوادث بعدی نشان داد همه کوشش ما دراین راه در نتیجهٔ

امنیت ، عدالت ، بر خوردار سازد بنمائیم ، برای این هدف عالی و جهاد مقدس بود که میلیون ها جوان آلمانی و ایتالیائی در کنار هم بجنگ با دشمنان حق و آزادی برخاستند و شربت شهادت نوشیدند.

ما حساب معرکهٔ خونینی که ۵ سال و ۸ ماه دوام یافت بخوبی کرده بودیم ولی دست تقدیر ساعت کار خود را با ساعت عمل ما منطبق نساخت و در نتیجه مجبور پس از آنهمه پیشرفتهائی که درحصول بمقصود نمود کامیاب نگردید و دچار شکست ظاهری گردید . اکنون که ما بدین طریق شکست خورده ایم دشمنان ما درعیش و مستی بی پایان و غرور بی انتها غوطه ورند و بر روی میلیونها اجساد همنوع خود برقص مشغولند . ولی رقص اینها رقص بر روی آتش است و بزودی آتش این رقص کاخ هستیشان را خواهد سوخت . آن دشمن بشریت که از مرگ و بینوائی و ستم و بیدادگری توده ضعیف ملل خود را زر اندود ساخته بماند که دیگر ملتها زیر بار حکومت جبار وی که جهانرا عرصهٔ ظلم و ستم و جهانیان را اسیر شهوات و هوسهای خود پرستانه خویش کرده است نخواهند رفت ، بیدادگری و استعمار و استثمار در شرف اضمحلال و محکوم بسقوط است . مللی که در زیر فشار طاقت فرسای یک حکومت جابری جان میکندند و دود ظلم بچشم آنها رفته است امروز دیگر حاضر برای عبودیت و بندگی نیستند ، صدای غرش هواپیما و توپهای خود بود که آنها را تکان داده و چشم و گوششان را باز نمود .

اکنون توده های وسیع ملی مانند هند و سیام و سنگاپور و استرالیا و کانادا همه یکجور فکر میکنند و همه یک چیز طالب و خواهانند و آن آزادی و حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی حقیقی است

و حکومتی که جنگ را برای استیلای ابدی بر اینها روشن کرد و فعلا حاکم بر مقدرات ایشان است دیگر نخواهد توانست آنها را از سوی کمال مطلوب‌شان منحرف سازد و با وضع حالیه دنیا احساسات آنها روشن نشده خفه ونابود نماید . وجدان عمومی ملل خصوصاً شوروی وامریکا پس از این اجازه اسارت این ملتها و ادامه رژیم استبدادی که درمورد اینها حکمفرماست نخواهد داد

(بقیه دارد)

* * *

لشکر کشی بیهوده و استعمال گاز سمی در میان مردم بی اسلحه و در یک شبانه روز بلعیدن استقلال آلبانی و بهانه جوئی و حمله یونان آرام شکستن کمر فرانسه از پشت بدون مقدمه نیز لابد برای آزادی دنیا ومحو کلمه استعمار بوده است !

روزنامه کیهان شماره ۷۵۶

[illegible]

اثر طبع : آقای نظام وفا

جهان نو

جهان نوی خواهم و روز نو | جهانی و روزی بشادی گرو
جهانی زجان و دل انباشته | محبت در آن پرچم افراشته
جهانی برون از محیط ستم | نیفکنده هرگز در آن سایه غم
بس است اینهمه کینه و دشمنی | دل شوم و پندار اهریمنی
ستمکار و بیدادگر مردمند | مگر زهر آگین تر از کژدمند
بخونخوارگی خوی کرده چو دد | گریزان ز مردانگی و خرد
طمع ریشهٔ فتنه و جنگ ماست | طمع مایهٔ فکر نیرنگ ماست
طمع گر نکردی کسی بر کسی | نگشتی پی جنگ دیگر کسی
چه حاصل از این جنگ و خون ریختن | چو گرگان بیکدیگر آویختن
دل ماست تاریک و تار از بدی | نتابد بر او پرتو ایزدی
بدن شیشه‌ای و شماعیست جان | که در پشت این شیشه گردد عیان
گر این شیشه چرکین شد و تار گشت | بپوشاند او هم شماعی که هست
دریغا تن و جان ما تیره است | بر آزادگی خود سری چیره است
فلک زانه خورشید و اختر بسست | زمین ز آتش جنگ خاکستر است
پس از اینهمه جنگ و کشتارها | خرابی و تاراج و آزارها
نگردد دگر گیتی آباد و شاد | مگر با یکی صلحی از روی داد
الا ای سران سرافراز جنگ | که دیدید فرجام و آغاز جنگ
بدست شما ختم این جنگ شد | بنام شما رفع این ننگ شد
کنون [illegible] | بشکرانهٔ فتح و الطاف خدای
به کینه جوئی دگر نسپرید | بآرامش و صلح روی آورید
بکوشید صلح حق پایهٔ بیزوال | که حقی نگردد در آن پایمال
نه صلحی که آن از سر خیرگیست | سخن از زبونی و از چیرگیست

بر اندیشه زان صلح هر کشور است
که این صلح از جنگ مشکلتر است

نگارش آقای م . ح . بحیری

صلح جاویدان . . !

فرشتهٔ صلح و امنیت و حیات پس از سالها خونریزی و کشتار و ویرانی پای بر صفحهٔ اروپا و بلکه جهان میگذارد . شش سال خونریزی ، ویرانی ، دربدری ، سرگردانی ، شش سال ازمیان بردن ودرو کردن گلهای نورسته و باطراوت کشورها و اجتماعات شش سالی که باندازهٔ ششصد سال عالم انسانیت و تمدن را بقهقرا وعقب کشانید . این شش سال خونین ، این ایام مرگ و نیستی و فلاکت نوع بشر امروز باتمام میرسد . جنگ اروپا تمام میشود . ولی آثار منحوس و شوم آنان یادگارهای فراموش نشدنی این نبرد عظیم و خانه برانداز تاهزاران سال دیگر تمام نشده و از خاطرها محو نخواهد گردید .

این شش سال جنگ ، بهای نابودی میلیونها خانه و خانواده و صد ها هزار شهر و ده و قصبه تمام میشود هیچ خانواده ای امروز در کشور های اروپا و امریکا و اغلب کشورهای دیگر دنیا وجود ندارد که جامه سیاه عزا و ماتم بر تن نداشته باشد . آن یکی سرپرست عزیز خود را در طی این سالهای سیاه از دست داده است دیگری شوهر یا نامزد محبوب خود را گم کرده است . آن دیگری اطفال معصوم یا پدر و مادر خود را [illegible] آتش بمبها مفقود [illegible] .

[illegible] که در ایام صلح جایگاه صفا و [illegible] که تعداد [illegible] شهر های آباد و زیباهائی که [illegible] و آسایش [illegible] صدها سال و بلکه بیشتر نوع بشر بوده و امروز در میان خاکستر سیاه و نابودی [illegible] خانواده های متواری

آثار گرانبها و تاریخی منهدم و نابود ، اجاقهای فامیل خاموش ، دلها بخون فراق وجدائی عزیزان نشسته ، چشمها درانتظار عزیزان و گمشدگان مینهای نبرد آب گرفته .

جنگ تمام میشود ـ همه ملل جهان شادی و جشن میگیرند ، ناقوسهای عظیم کلیساها در آسمان طنین میافکنند ، شاد باشها و تبریکات رد و بدل میشود ولی هیچ فکر میکنید که این ایام سیاه و بدبختی و مرگ چگونه تمام میشود ؟ این پیروزی عظیم درمقابل چه گذشتها ، چه فداکاریها ، چه خانه خرابیها ، چه مصرو میتهای بینظیر حاصل گشته است ؟

تصور میکنید چندسال ، چه مدت دیگر لازم است تا دوباره اینچه خرابی و خسارت و ویرانی تعمیر و ترمیم گردد ؟

گذشته از اینها باید باین موضوع توجه داشت که درحیات بشر امور و عواملی وجود دارد که فقدان و نابودی آنها دیگر ترمیم پذیر نیست این عوامل عبارت از معنویات و امور مربوطه و وابسته بآن است یکی ازبزرگترین اثرات جنگ عبارت ازتغییر و تحویل روحیات و اخلاق ملل است یادگار های تاریخی از قبیل ساختمانها و ابنیه های عظیم که هر کدام شاهکاری بشمار میرود پرده های زیبا و باشکوه نقاشی ، و دیگر آثار هنری بزرگان و نوابغ گذشته اینها چگونه ممکن استدوباره فراهم و مهیا گردد اینهمه جوانان و شیرمردان دلاوری که فدای شهوات جهانگیری عده ای معدودی میشوند چگونه دوباره از زیر خروارها خاک بیرون شوند و باغوش مادرها وپدرها وعزیزان خود خواهند شتافت ؟

دنیا هر قدر که جلو برود دانشمندان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان هرقدر که طرح نقشه تبلیغات خویش مشی و رهنمایی هر قدر که رایج و متداول و مقبول باشد هرگز ممکن نیست این همه بلایا و بدبختی های روحانی و معنوی بشر را ازلوح

و صحیفهٔ افکار مردمان جهان بزداید . پرده پوشی روی فجایع
گذشته سودی برای نسل بشر نخواهد داشت . باید برای آینده و
دنیای بعد فکری نمود . مسلماً اگر بنا شود در هر قرنی یك یا
دو جنك عظیمی نظیر نبرد کنونی بظهور رسد پس از چند قرن
هیچگونه اثری از بشریت و تمدن در جهان نخواهد ماند ؟!

باید علت این فلاکت و خونریزی موحش را پیدا نمود والا
جدال و مباحثه بر سر معلول آن فایده ای ندارد . چرا باید هر
بیست سال یکمرتبه میلیونها نفوس بیگناه آدمی قربانی و منهدم
گردند و اینهمه خسارات و در بدری حاصل ملل گردد . جای بسی
تعجب و تاثر است اگر میبینیم که هزینه جنك یك دولت بزرك
فقط متجاوز از دویست و هفتاد و چهار میلیارد دولار شده است
این پولها ؛ این طلاها چرا باید در راه قربانی نوع بشر و ویرانی
هستی و زندگی آن مصروف گردد ؟

در فرانسه حساب کرده اند که دو میلیون کارگر مدت چهار
سال متوالی کار کنند و زحمت بکشند تازه ممکن است ترمیم خسارت
و خرابی جنك را بنمایند !

گذشته از آنکسانی که در میدانهای نبرد جان داده اند باید
ارقام حیرت انگیزی از تلفات مردم غیر نظامی و مظلوم را که
کم کم ظاهر خواهد شد مورد توجه قرار داد . یقیناً اگر هزینه
تمام مدت این جنك را غیر از مخارج ترمیم خرابی ها و ویرانی ها
بین مردم دنیا و ملل جهان تقسیم میکردند دیگر در جهان کسی
فقیر و محتاج و گرسنه نبود . اگر این همه طلا را برای خوشبختی
و رفاهیت قوم بشر صرف مینمودند شاید چهره منحوس گرسنگی
و عصیان و جنك خود نمائی نمیکرد .

امروز بزرگترین وظیفه تاریخی و انسانی بزرگان ملل و
پیشوایان کشور های بزرك عبارت از اینست که باید از نتایج و

اثرات این جنگ خونین کمال عبرت را گیرند و تلخی اینهمه خونریزی و ویرانی و بدبختی را هرگز از ذائقه خود دور ندارند و با همه توانائی و کوشش خویش و از صمیم قلب و خلوص نیت در بنا و ایجاد یك دنیای خوشبخت و صلحجو جدیت و فداکاری نمایند . دنیائی بوجود آورند که دیگر درآن فقر و استیصال و گرسنگی نباشد ، اسارت و بندگی و نارضایتی وجود نداشته همه باهم و برای یك هدف و منظور مقدس در خوشبختی و سعادت یکدیگر کوشش نمایند ..

خدای نکرده اگر امروز که جنگ بپایان میرسد حسد و کینه وغرور و منفعت پرستی جای عدالت و حقانیت و مساوات و بشر دوستی را بگیرد جای هیچگونه شك و تردید نخواهد بود که باز پس از چند سال طوفانی بمراتب سهمگین تر از امروز سراسر عالم را فرا گیرد و دو باره هستی اجتماعات و اقوام بینوای ملل غرقه دوخون شود - مرام و هدف پیروز مندان امروز جهان باید ایجاد یك صلح جاویدان باشد صلحی که دیگر پدر و مادرها را بیفرزند ، شهرها را خاکستر بشررا آزرده ودربدر نکند و گرسنگی و فقر و اسارت در دنبال خویش نداشته باشد .

مسلم شد که مشغول تهیهٔ مقدمات هجوم باین کشور میباشد و امیدوار بود که قسمت اعظم خاك جماهیر شوروی را بتصرف آورده آنرا مستعمره خود قرار دهد ' ولی متوجه شجاعت ملت شوروی نبود و هنگامی که حمله آغاز کرد خودرا در برابر نیروی عظیمی از افراد بی پروا و از جان گذشته دید ۰ این بود اشتباه دوم هیتلر ۰

خبط سوم پیشوای آلمان این بود که زمستان روسیه را فراموش کرد سرمای روسیه سخت و طاقت فرسا است نه تنها قشر ضخیمی از برف خاك پهناور شوروی را میپوشاند بلکه بادهای سردی هم از جانب استپها میوزد ۰

هیتلر در سال ۱۹٤۱ باین نکته توجه نکرد و حتی بنظر میرسد که در سال ۱۹٤۲ نیز هنوز باهمیت این نیروی عظیم طبیعی که در اختیار شوروی است پی نبرده بود زیرا خودرا با خطرات بیشتری مواجه ساخت ۰

خبط دیگری که محور مرتکب گردید این بود که گذاشت ژاپن بامریکا در پرل هاربر حمله برد در صورتی که اگر ژاپن فشار ضربات خودرا بر ما که در اروپا گرفتاریهای بسیار داشتیم متوجه مینمود مارا در خاور دور دچار مضیقه میکرد ولی جای خرسندی است که ژاپنیها ابلهانه بملت صلح دوست و نیرومندی تاختند ۰ در این هنگام دولت ژاپن با امریکا مشغول مذاکره بود ولی در گمراهی افتاد و تصور نکرد که در نتیجه غرق چند کشتی جنگی یا تخریب و انهدام یك بندر امریکائی انرژی خستگی ناپذیر و قدرت بی پایان ملت صد و سی میلیونی امریکا را بر علیه خود برمیانگیزد ۰ براستی این واقعه هم موجب خوشبختی ما گردید ۰ »

وبراستی اگردرآینده هم خدای ناخواسته الفاظ بردنیا حکومت کند هیچ صلح و آرامشی پایدار نخواهد ماند وپیوسته فریادجنگ طلبان و ملتهای ناراضی مانند صوت مرگ بر فراز جهان صدا میکند و انهدام بمعنای کامل خود آشکار میگردد ـ ملاحظه بفرمائید که در گذشته حکومت الفاظ تا چه اندازه موجب بدبختی ملل شده است نمایندهٔ آلمان درجامعه ملل سابق میگفت : (بزرگی کشورها بیشتر باین است که در پیش آمدهای مشکل و در مواقع عصبانیت که عقل غالباً نمیتواند آواز خود را بگوشها برساند ، در مقابل تحریکات مقاومت کنند حوصله بخرج دهند و حفظ منافع مشروع خود را از پیشرفت حق بجویند) همچنین گفت : (اصل آزادی که هر ملت و فردی از افراد برای آن مجاهده میکنند تحقق نمی یابد مگر اینکه بر پایه عدالت تکیه کند آلمان تصمیم دارد که این آمال بلند را وجههٔ سیاست خود قرار دهد تمام مللی را که در اینجا گرد آمده اند میتوان مصداق سخن آن شاعر بزرگ دانست که گفت ما از آن مردمانیم که در تاریکی مشتاق بوصول روشنائی هستیم) اما متاسفانه در پشت این جملات زیبا ودلفریب که دلهای جهانیان را تسلی میبخشد هیچ حقیقتی وجود نداشت اکنون زمامداران ملل متفق عزم راسخ دارند که بعالیترین امید های عالی بشریت لباس عمل بپوشانند و آینده جهان راتامین نمایند اصل دیگری که ماوا بآینده ایران امیدوار میسازد این است که در سازمان اقتصادی دوره صلح ملی ملل بزرگ با صمیمیت و اتفاقی که نظیرش تا کنون در تاریخ دیده نشده است بملتهای کوچک مساعدت خواهند کرد و بقول نخست وزیر بریتانیا کشور های بزرگ خدمت میکنند نه رهبری این موضوع که شاید علت صلح طولانی و پردوامی بشود ملل کوچک را از مشکلات اقتصادی نجات خواهد داد و در نتیجه این قبیل ملل شکمشان سیر تر

وساعات استراحتشان زیاد تر خواهد شد . اصل دیگری که موجب
تحریک امیدواری ماست این است که برطبق تصمیمات متخذه
در «انجمن یالتا» برعلیه تجاوز یا اجتماع وسائل تجاوز تدابیر گران
بهائی در نظر گرفته شده است که بر اثر آن تدابیر در آینده
موضوع کشمکش بر سر تفوق از بین خواهد رفت و دنیا دریک
فضای توفانی و پر از مشکلات خصمانه زندگانی نخواهد کرد
امروز بیشتر دانشمندان برای احتراز از وقوع جنگ جدید
و جلوگیری از انهدام بقایای تمدن چندین هزار ساله بشر اصلاح
وضع تربیت میلیونها فرزندی که در دامان فلسفه فرمانروائی پرورش
یافته اند لازم میدانند ما امیدواریم که ببهای خون میلیونها جوانی
که در میدانهای نبرد ریخته شده بنای عدالت و دادگستری استوار
گردد و میهن ما در سایه یک اتحاد بزرگ از مصائب و سختیهای
اجتماعی و اقتصادی برهد وظیفه حکومتها درراه دعوت مردم باتحاد
و اتفاق بسیار دشوار وقابل ملاحظه است و بگفتهٔ آن حکیم بزرگ
اجتماعی حکومتی که میخواهد برای ملت مفید باشد باید بهروسیله
که هست بدستههای مختلف ملت تلقین کند که لازمست اتحاد
طبقاتی را جانشین رقابت های داخلی نمایند دنیا که امروز فوائد
عملی این اتحادرا در نزد بعضی ملل مشاهده میکند قطعا درآینده
آنرا بیشتر مورد استقبال قرار خواهد داد .
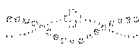
اسیر

درمصر و هندوستان درباغ وحش شیرهای زیادی دیدم ولی یکی بزرگتراز دیگران بود گوئی روز اول است که اسیر گشته زیرا هنوز تغییراتی در حال او دیده نمیشد.

قفس این شیر بسیار محکم و دارای میله های پولادی ضخیمی بود ، قامت اوازیکنفر بلند قد رساتر و چشمهای بزرك و نگاههای نافذش با یالهای بلند که گردن او را میپوشانید در نخستین نگاه وبرخورد هر بیننده را مجذوب میکرد . وقار این جانور بجای ترس تولید حس رقت در من نمود . میدانید چرا ؟ زیرا او اسیر بود !

در برابر یك اسیر بالاترین مرتبه تأثر واحساسات رقت و پست ترین آن نفرت است . چرا من باین اسیر رقتی دردل حس کردم اینك بشرح آن میپردازم :

هنگامیکه من به قفس نزدیك شدم گوئی این جانور ازتوجه من پی باسارت خود برد و با پهلوی راست خود بمیله ها فشار آورد ، من در همانجا معنی سعی و کوشش را فهمیدم ولی افسوس که این فشار سخت تأثیری در میله های پولادین قفس ننمود . بیچاره حیوان برگشته با پهلوی چپ همین عمل را تکرار کرد ولی چه سود ! . . . ناگهان ایستاد . من چنین پنداشتم که در برابر ناتوانی خود دم از شکست خواهد زد و بیکار خواهد نشست اما نه ! این بار دیدگان بزرك خود را بسته دهانرا از میان دو میله پولادی قفس بر آسمان افراشته مانند تندری که از افق تیره وتار بگوش رسد نعره برکشید و این منظره و صحنه شگفت انگیز اسارت در دل من تولید «رقت» نمود . گرچه این جانور در قفس اسارت با نظر بیقیدی بمن نگاه میکرد هیچگونه حسی در دل من برنمیانگیخت .
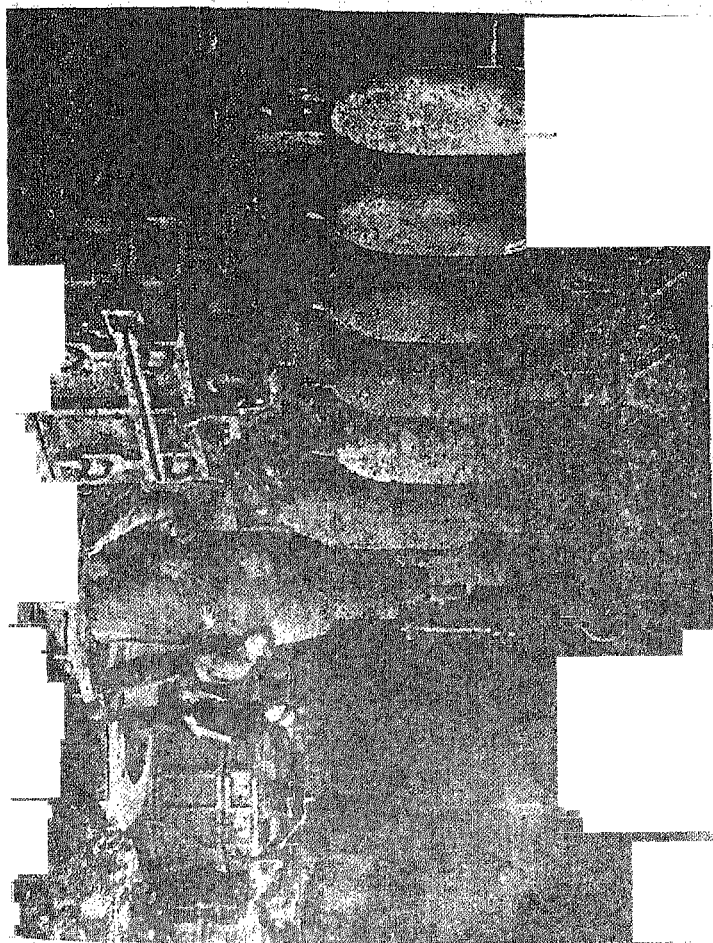
بمبهای سنگین وزن که ایرانیها را بزانو درآورد

در خصوص نقشهٔ صلح جهان
یك سر باز کشته شده امریکائی صحبت مینماید

رابرت اوبستر برك که بیش از نوزده سال نداشته و چندی قبل در جبهه جنك کشته شد عقاید و ایده‌های بزرگی برای صلح جهان داشته است . امروز عقاید او راجع به آرامش عمومیت یافته و همه امریکائیان آنرا پذیرفته اند .

امیلی تافت دوگلاس از اهالی شیکاگو که در امریکا نماینده هم هست از آنجائیکه تصور میکرد عقاید او عمومیت دارد چندی قبل نقشه اش را در واشنگتن منتشر ساخت .

***

نقشه او مدت کمی قبل از برداشتن زخم در جبههٔ آلمان در روز بیست و هفتم نوامبر سال گذشته بنا بر آنچه آسوشیاتد پرس میگوید ، نوشته شده بود رابرت یکی از دیپلمه‌های دبیرستان آموندسن بود فقط یکسال در ارتش خدمت میکرد . شش ماه از این مدت را در خارج از امریکا و چهار ماه بود که بجبهه قدم گذارده بود در ماه آخر به درجه سرجوخگی رسید و پس از فوت در بلژیك بخاك سپرده شد .

نقشه او از اینقرار است :

۱ ـ هیچ قسمتی از دنیا نمیتواند از نواحی دیگر مجزا باشد

۲ ـ بایستی یك معامله دوستانه بازرگانی بین ملل انجام یابد

۳ ـ در زمینه تعلیم و تربیت باید برای تمام یك سهم مساوی در نظر گرفت این آموزش و پرورش باید اجباری باشد و در دانشگاهها یك عقیده تدریس گردد .

۴ ـ هر ملتی باید حق آنرا داشته باشد که نوع حکومت خویش را تعیین نماید .. ولی طوری تنظیم شود که بحقوق و مرز های دیگران تخطی نکنند .

۵ ـ موضوع تسلیحات باید حدی داشته و از جمیع ملل یك نیروی شهرتانی بزرك تشکیل گردد .

۶ ـ یك محکمه بین المللی دائما تشکیل و مشغول رسیدگی بداوری و صلح جوئی باشد .

۷ ـ عده معینی از پزشك های حاذق دنیا برای بهبودی اوضاع طبی جهان باید باهم کار کنند .

دریاسالار [illegible] فرمانده نیروی دریائی امریکا در اقیانوس آرام که اخیرا بجای دریاسالار [illegible] فرمانده کل نیروی دریائی شده است .

از ریدرز دایجست ترجمه : غ - سامانی

انگلستان
در زیر آتش بمب

درمیان کتب زیادی که در اطراف اوضاع و احوال انگلستان در جنگ کنونی نوشته شده ، هیچکدام شیرین تر و در عین حال روان تر و فریبنده تر از کتابی نیست که مؤلف آن (بن رابرتسن) بنام « انگلستان در زیر آتش بمب » با بیان شیوا و پر مغز خود وضعیت انگلستان و مردم آن سرزمین را در زیر آتش سوزان بمب مجسم نموده باشد .

نام برده یکی از مخبرین جراید امریکاست که بعنوان نماینده گی عده ای از جریده نگاران آنجا در تابستان ۱۹۴۱ رهسپار لندن گردیده و در اثر ثبت یک سلسله وقایع حیرت انگیز و مناظر جانگدازی که با چشم خود دیده و غرش رعدآسای طیارات دشمن را با گوش خود شنیده ، مظالم انسانی را در برابر چشم ما روشن ودرعین حال جانبازی و فداکاری و شهامت جوانان آنسرزمین را از روی اطلاعات عمیق و منطق معقول خود بطالبان مدلل میسازد .

طیاره ای که در تابستان گذشته ، مرا از لیسبون بانگلستان پرواز داد ، در میان فرودگاه سبز و خرمی که مملو از کارگاه ها و هواپیماهای گوناگون بود فرود آمد .

هنگامیکه در آن نقطه محفوظ نشستیم و بمجرد فرود آمدن هواپیما به زمین ما را احاطه نمودند عموماً جوانان رشیدی بودند که در لباس آبی رنگ مخصوص قوای هوائی سلطنتی انگلستان ، گرداگرد ما حلقه زدند و اولین چیزی که توجه مرا باندازه‌ای بخود جلب کرد ، قیافه های بشاش و سیمای جذابی بود که این

جوانان باکمال خونسردی ، در عین حال جدی و آماده بهر کاری به خود گرفته بودند .

در آنروز در اثر شکست فرانسه ، سواحل آن مملکت در تصرف آلمانها هجوم ناگهانی دشمن ، انگلستان را هرآن تهدید مینمود و در اثر اینگونه نگرانی های فوق العاده من انتظارداشتم قیافه ساکنین این سرزمین راخارج از حالات عادی و اوضاع طبیعی مشاهده نموده ؛ یك نوع انقباض و گرفتگی را در وجنات آنان احساس نمایم .

اما برخلاف حدس من ، تمام مکانیسین های مملکت در کارخانجات مخصوصی با کمال خونسردی مشغول بستن سوارکردن پیچ و مهره کردن و مرتب کردن موتور های گوناگون بوده چکش و جراثقال آنان گوش فلك را کر میساخت .

کارگران بآزادی ازمحفظه هائی که درزیرآن هواپیماها محافظت میشود با عجله زیادی مشغول رفت وآمد بودند اتفاقاً یکی از آنها هم با آلت مخصوصی که در دست گرفته گلهای سرخ باغچه را مثل اینکه در ماورای جزیرهٔ انگلستان و اقیانوسها ابداً وقایعی رخ نداده باشد مشغول وجین کردن شده بود و در موقعیکه خلبانان سرویس چای خوردنی لطیف و مرتبی را در جلو میز ما قرار دادند .

در دل باخود گفتم : خدایا رحم کن !! انگلستان اگر بخواهد اینطورها کار کند و در برابر ایستادگی و مقاومت دشمن اینگونه دفاع نموده فعالیت های جنگی از خود ابراز ندارد گمان نمیکنم آخر سر غلبه بطرف او باشد .

عصر آنروز ، من به «والدورف هوتل» همان مهمانخانه‌ای که قبلاً برای اقامت من در لندن در نظر گرفته شده بود واردشدم

یکنفر خدمتکار بأمور رسیدگی اطاق من برای پائین آوردن پرده‌ها و اختفای پنجره‌های شیشه پرداخته و پس از انجام کارهای محوله ، از من سئوال کرد آیا آقا ماسك ضد گاز دارند ؟

من جواب دادم هنوز موفق بدریافت آن نشده ام . بالحن ملایم و مؤدبی جواب داد : بسیار خوب از طرف مدیر مهمانخانه یکی برای شما فرستاده خواهد شد که تا مدتی که موفق بدریافت ماسکهای دولتی نشده اید ، از آن استفاده نمائید . ماسکهای ضد گاز در مملکت مامجانی است

خدمتکار هنوز سخن خود را بپایان نرسانده بود مرا در اطاق تاریك و مملو از آثار هولناك جنك تنها گذارد . ظلمتی که پرده های سیاه دریچه ها در داخل اطاق ایجاد نموده بود ، یکنوع خفقان قلبی دچارم ساخت و من تا آنروز معنای راحتی ، آزادی و روشنائی را در مواقع عادی درك نکرده بودم .

با کمال عجله سر و صورت خودرا صفاداده بقسمت تحتانی عمارت که برای محل ناهار خوری تعیین شده بود ، سرازیر شدم و برای توضیح بایستی اضافه نمایم مدت زمانی را که در انگلستان اقامت داشتم با اینگونه سالنهای غذاخوری تحت الارضی زیاد سر و کار پیدا میکردم حقیقة منظرهٔ هولناکی بود . انسان مرك را بالمعاینه در برابر چشم خود میدید و بلا جهت در آن مقبره زیر زمینی یکنوع اضطراب ترس و آشوبی را در خود احساس کردم در صورتیکه ترس و واهمه من ابداً موضوعی نداشت ؛ زیرا محل اختفا کاملا از آسیب بمباردمان طیارات دشمن مصون و تا آنروز هم هنوز انگلستان با آن بمبارانهای هولناك مواجه نشده بود فردای روز ورود پس از معرفی و ثبت نام در دفتر شهربانی در نقاط مرکزی شهر لندن بتفرج پرداختم . سربازان

تمام افراد مملکت ؛ با هول و هراس زائد الوصفی مشغول رفت و آمد و هر آن مترصد ظهور طیارات دشمن در آسمان مملکت و قرار گرفتن زیر آتش سوزان بمب بودند .

در پلیموت « لارد استور» دادستان آنجارا ملاقات کردم فامیل نامبردهٔ فوق العاده مؤدب ، مهربان و عموماً با کمال گرمی و محبت از من پذیرائی نمودند .

«نانسی استور» خانم دادستان بمن چنین گفت : چهار نفر پسران ما در سربازخانه داوطلب خدمت و مشغول تعلیمات نظامی هستند ، من بعضی اوقات متفکرم کدامیك از ما بایستی پیشقدم میدان جنك باشیم پسرها ، پدرشان یا من .

آنشب را سر میز غذا ؛ استورها و چندنفردیگر ازمهمانان تمام گفتگویشان در اطراف سقوط پاریس و چقدر متأسف بودند از اینکه بفاصلهٔ یکساعت تمام ، اوضاع دگر گون و بیك طرفة العین ، امیدها مبدل بیأس و نا امیدی کامل در اثر سقوط فرانسه در سراسر انگلیس حکم فرما گردیده بود . میگفتند دیگر متفقی برای ما باقی نمانده پشتیبان و حامی ما از میان رفته !

ولی در برابر آنهمه تحسراتی که از انهدام فرانسه ابراز میشد ؛ بمن چنین گفتند متأسف نباشید «ماانگلیسهادارای احساسات عالیه و سرشاری هستیم که بالمآل خواهیم دانست در چه نقطه ماکن و جای پای ما درکجا قائم و مستحکم است »

آری همین احساسات عالیه و خاصیت نژادی عجیب وغریب بود که بطالع غیر معلوم انگلستان را منفرداً در عین یأس وتنهائی منفرداً وادار بفعالیت نمود !!

یك میلیون دلار برای اقتصاد پس از جنگ چین

وزارت اقتصاد خارجهٔ امریکا یك میلیون دلار برای نقشه صنعتی نمودن چین تخصیص داده است .

نقشهٔ پنج ساله این عمل را چهل نفر از متخصصین امریکا طرح و برنامه اش را تدوین نموده اند . عجالتاً برای ملاحظه دولت چین به آن کشور فرستاده شده است .

متخصصین نامبرده ادعا میکنند که تا بحال کشیدن چنین نقشه‌ای برای ایشان سابقه نداشته‌است . زیرا فقط ازدیاد صنایع فعلی چین در نظر نبوده ، بلکه آنان با نیروی ابتکار خویش کاری کرده و قالبی ریخته اند تا بتوان بدانوسیله آیندهٔ صنعتی چین را تأمین نموده و کشور نامبرده بتواند احتیاجات خود را در داخله رفع کند .

۵۰۰۹ کارخانه

متخصصین نامبرده در جواب یك خبرنگار گفته بودند « این طرح منظور کامل و اصلی ما نیست . دولت چین برای صنعتی نمودن کشور خود از ما کمکی خواسته ، این برنامه و طرح نتیجه افکار عقیده ما است .

با این برنامه قریب به [illegible] ۹۰۰ کارخانه معظم میتوان در کشور چین بکار انداخت ، و برای حمل و نقل داخلی باید [illegible] یك میلیارد دلار در نظر گرفت .

چین با طرح و برنامهٔ امریکائی میتواند در سالهای جنگ شیمیائی ، کارخانه ، تصمیم غذا ، استخراج معادن ، جلوگیری از جریان تقلیل آب رودخانه ها و غیره وارد اقدامات گردد .

کار برای ۷۰۰ هزار نفر

در نتیجهٔ بکار انداختن طرح فوق بیش از هفتصد هزار نفر از چینیها بکار واداشته خواهند شد . ولی هنوز معلوم نیست که با هزینه یك میلیاردی که جهت حمل و نقل داخلی ممکنست تخصیص داده شود چند صد هزار نفر کار خواهند گرفت .

در اینجا باید ذکری از نام «دونالد نلسن» که در مسافرت بچین نموده و شخص رابط بین دو کشور میباشد و بعلاوه پیشنهادات مفیدی هم نموده است ، کرد .

چشمهای الکتریکی برای جلوگیری از تخلفات رانندگان

در امریکا آلتی اختراع شده که وقتی آنرا در کنار جاده قرار دهند میتوانند سرعت سیر اتومبیلی را که میگذرد دقیقاً معین کنند این آلت چشمانی الکتریکی دارد که حرکت اتومبیل را بخودی خود دیده سرعت آنرا بدستگاه خودکار خود منعکس میدهد و آن دستگاه میزان سرعت را ثبت مینماید . از اینرو میتوانند از رانندگان متخلفی که در جاده ها بیش از اندازه معمولی حرکت میکنند ممانعت نمایند .

« داد »

گنجشك

افسانه اینکه چطور غاز های کاپیتولین رم را از حمله ناگهانی گالها در سال ۳۹۰ قبل از میلاد نجات دادند تقریباً فراموش شده و فقط عده کمی از آن مطلع اند . ولی آن داستان که یك پرنده با زدن نوك خود برروی طبل درسال ۱۶۹۰ بعد از میلاد قراول انگلیسی را از خواب بیدار و سربازان آنکشور را برای حمله ایرلندی ها در جنك بوین آماده نمود هرگز از خاطر ها محو نخواهد گشت .

هنوز کودکان ایرلندی جشن گنجشك را درروز « سنت استفن برپا میکنند و درحین انجام مراسم دیگر جسد یك گنجشك را بر روی طبقی گذارده پیشاپیش صفوف خود حرکت میدهند .

در بین داستانهائی که مربوط باین روز میدانند افسانه ایست که مربوط به یك گنجشك بوده و آن هم یك پاسدار رومی را بیدار میکند ودرنتیجه عموم سربازان را ازخطر هلاك نجات میبخشد .

حال کار نداریم که کدامیك از این افسانه ها صحیح تر و بحقیقت نزدیکتر است . بلکه مقصود از ذکر داستان فوق فقط آنستکه یادی از مساعدت پرندگان کوچك شده و بنقش مهم آنها پی میبریم .

قناری

پرندگان با تشخیص خطر به بشر کمك نموده و مثلاً ازقناری در زیر دریائی برای خبر از حملهٔ نیروی هوائی استفاده میکنند . زیرا وقتیکه دیده بانهای ساحلی هم از یافتن خبر از حملهٔ هوا پیما عاجز باشند این پرنده ناچیز بطور بخصوصی آواز خوانده و سربازان را مطلع میسازد .

سابق برای این از موش سفید هم همین استفاده میشد . ولی چون خبر او آنقدرها فوری و حساس نبود قناری جای آنرا گرفت .

سگ

سگها نقش بزرگی را در جنگ فعلی داشته اند از سگهای معروف آمریکائی بنام « سگهای دفاع » یا (ک - ۹) استفاده زیاد میشود . که بعضی از آنها عبارتند از : پاسداری ، امر بری ، راهبانی ، یافتن محل مین ، حمله بر افراد منفرد و غیره .

در انگلستان بتجربه ثابت شده است سگهای پلیس آلساتیان که در بو کشیدن و شنیدن بی مثال هستند برای تخریب های هوائی خوب بوده و آنانی را که در زیر آوار مانده اند زود پیدا میکنند . بعلاوه چون خیلی سبک هستند به محلهائی میروند که اگر انسان یا گذاشته ممکن است استقامت سنگینی را نداشته باشند و زود خراب شوند .

قاطر

قاطر را باید از جمله حیوانات دنیا دانست بدون تردید ارزش های مختلفی در ترابری ، حمل و بخصوص در نقاط کوهستانی ایتالیا بدون قاطر و سگهای [illegible] از کاری از پیش نمیبرند . بعلاوه قسمت اعظم عملیات و پیشرفت در [illegible] مربوط باین حیوان صبور و بارور بوده است .

مزیت مهم حیوانات [illegible] آنست که کوله بار [illegible] هامی مانند [illegible] قاطر [illegible] حرکت میکند [illegible] آنکه [illegible] بخصوص از [illegible] هیچ نوع تاثیری ندارد .

از آنها برای حمل [illegible] و [illegible] زخمی های جنگ در نواحی کوهستانی [illegible] استفاده میشود .

شتر :

در اینجا باید ذکری هم از شتر نمود ، اگر چه در تمام نقاط از آن کار نمیتوان کشید ولی فایدهٔ خیلی خوبی در نبرد حبشه داشتند . هیلاسلاسی با کمك آنها از راه سودان انگلیس و مصر پیش رفته تاج و تخت خودرا دوباره بدست آورد .

اهمیت شتررا باید ازآن قسمت که دیر بدیر احتیاج بآب دارد بخاطر داشت این خاصیت در جنگهای صحرائی افریقا فوق العاده جالب توجه است که در عین حال سبب شجاعت و استقامت سربازان هم واقع میگردد ، شتر قادر است که بارزیاد و سنگین را از صحراهای ریگزار بدون ذره ای اظهارالم برده واولین مستخدم بشر درچنین نواحی بوده وبا وجود استفاده زیاد از هواپیماهای غول آسای فعلی شتر اهمیت خویش را از دست نداده است .

شتر بهترین وسیله حمل و نقل بار میباشد نه تنها برای بار حاملی است بلکه جهت سواری نیز از آن استفاده میشود . بعضی از ارتش ها دارای سواره نظام شتر سوار میباشند هستند ، همانطور که قاطر در نواحی کوهستانی مهم است شتر هم در صحراو دشت قابل اهمیت میباشد .

در این روزها هواپیما و تانك سبك جای شتر را گرفته و در میدان های جنگ می بینیم که موتورهائی خراب شده و بی مصرف تانك دیده میشود اشکالی نیست گوشت شتر نیز جالب نظر میباشد .

اسب :

اسب نیز بخوبی خود سهمی بگردن بشر دارد زیرا هم توانائی حمل بار داشته و هم برای سرعت سواره نظام در وقت حمله بکار برده میشود . ولی چون امروز اصولا قسمتهای مختلف ارتش ها مکانیزه شده این حیوان نیز تا حدی اهمیت خودرا ازدست داده است .

هر کسی از نقش مهم سواره نظام در جنگهای گذشته اطلاع و به آن اذعان دارد . ولی باید گفت و قبول هم داشت که روز بروز عقب رفته و هر قدر که بر وسایل موتوری افزون گردد از اهمیت اسب و سایر حیوانات کاسته میشود .

مساعی قزاق ها را در نبرد روسیه نمیتوان فراموش کرد زیرا هنگامیکه موتور و تانك از شدت سرما قادر بحرکت نبودند سربازان نامبرده بکمك اسب های خود که از کوچکی باهم بزرك شده و باهم خیلی دوست و رفیق هستند از نواحی یخ بسته و رودخانه عبور کرده بطور ناگهان بر سر آلمانی ها خراب میشدند .

متفقین از اسب در ایتالیا و برمه و آلمانی ها هم در یکسال اخیر برای حمل نفت و بنزین جهت وسائل موتوری جبهه خود از آن استفاده مینموده اند .

فیل :

فیل زمانی مورد استفاده بوده ولی حال در مسائل جنگی چندان مفید نمیباشد در برمه برای ساختن پل و حمل بارهای فوق العاده سنگین بکار برده میشود .

متفقین از حیوانات دیگر مثلا از سگ برای تمیز کردن هم استفاده مینمایند .

خلاصه اینکه هر قدر بیشتر بوسائل موتوری محتاج شویم بنقشه مهمی که سابقاً حیوانات در جنگ داشته اند پی میبریم . اگر چه امروز هم قابل استفاده هستند ولی کم کم از صحنه خارج شده و بعید نیست که روزی فراموش هم بشوند ؟

در زندان تبهکاران جنگ

گورینگ وریبن تروپ زندان خودرا شخصاً جاروب میکنند دریاسالار دونتز ازهم غذا شدن باشترالیز امتناع دارد .

ماند فورد (لوکزامبورگ) بقرار اظهار خبرگزاری امریکا اطاق زندانهائی که در آن سران نازی زندگانی مینمایند وقریب چند ماه است که از بازداشت آنها میگذرد بطوری تهیه شده است که کلیه وسائل انتحار از دست آنها خارج شده است .

مثلاً اطاق ریبن تروپ بزرگترین سیاستمدار آلمان و وزیر خارجه دولت نازی دارای یك تختخواب سفری و یك تشك کاهی میباشد برای آنکه این بازداشت شدگان انتحار نکنند سیمهای برق از اطاقهای آنها عبور نداده اند .

شیشهٔ پنجره این اطاقها بوسیله نرده های آهنی از دسترس زندانیان خارج شده است .

بطوریکه این اشخاص بوسیله شیشه وشکستن پنجره نتوانند انتحار کنند .

همچنین اطاق آنها فاقد آئینه است ولی باید دانست که هر وقت زمامداران نازی بخواهند صورت خود را بتراشند وسائل اصلاح از قبیل تیغ و صابون و سایر چیز ها دراختیار آنها گذاشته میشود ودرحضور نگهبان صورت خودرا اصلاح میکنند .

زمامداران نازی که روزی برمیلیونها نفر حکومت میکردند وشاید عده ای ازجان ودل آرزوی تقرب بآنها وخدمتگزاریشانرا داشتند امروز از داشتن یك خدمتکار محرومند .

کلنل آندرس فرمانده بازداشتگاه زمامداران فاشیست بطوریکه اظهار میدارد « گورینك و ریبن تروپ هنوز هم نخوت و غرور خود را از دست نداده اند با آنکه هر روز صبح اطاق خود را جاروب میکنند معهذا باز هم تکبر از آنها دور نشده است »

کلنل آندرس در پاسخ سؤال یکی از روزنامه نگاران راجع باین بازداشتگاه میگوید :

« اینجا زندان است باین جهت زندانیان از داشتن کلیه وسائل راحتی و آسایش محروم هستند در عین حال قوانین و مقرراتی داریم که با کمال احترام آنرا اجرا میکنیم » کلنل آندرس در جواب سؤال یکی دیگر از مخبرین راجع بطرز معاشرت زمامداران نازی بایکدیگر گفت :

« روزیکه من ژولیوس اشترالیش را وارد این زندان کردم دریاسالار دونیتز از رو برو شدن با او خود داری کرد ، هنگامیکه ژولیوس اشترالیش بسر میز غذای همگانی رفت ، دونیتز میز را ترک گفت و از هم غذا شدن با او خود داری کرد . من در این وقت باین آقایان نصیحت کرده و متذکر شدم که اکنون دیگر نه نیروی دریائی و نه نیروی زمینی و نه نیروی هوائی وجود دارد ، حتی میتوانم بشما بگویم که کشوری بنام آلمان آن طوریکه فکر میکنید دیگر در بند نیست بنا بر این خوبست شما ها با یکدیگر بسازید و اوامر زندان را اطاعت کنید »

کلنل آندرس سؤالی که یکی از روزنامه نگاران راجع بچگونگی وسائل تفریح بازداشتیها از او نمود چنین پاسخ داد :

« بازداشتگاه اینجا زندان است و اینها اسرای هستند معهذا از بعضی وسائل تفریح محروم [illegible]

[illegible] بازداشتگاه

[illegible]

که ما برای آنها [illegible] تماشا کنند اینها وسیله تفریح آنهاست

ولی باید بدانید که [illegible]

[illegible]

[illegible]

بازداشتگاهی [illegible]

نگارش: آقای د. نوروزی

یکی از جلسات تاریخی
مجلس شورای ملی انگلستان

روز سپتامبر شنبه ۲۸ ۱۹۳۸ یکی از روز های تیره و وحشتناک تاریخ اروپاست فریاد سهمگین هیتلر که در بامداد این روز در اروپا طنین افکند در گوش ملل جهان مانند صاعقهٔ مرگ اثر کرد هیتلر میگفت: یا باید چکوسلواکی تسلیم شود یا اینکه بقوهٔ قهریه بزانویش در خواهم آورد فرانسه و انگلستان که ضمن پیمانی دست وفاداری وهم عهدی بچکوسلواکی داده بودند چون یار وفادار خود را با عفریت جنگ رو برو دیده و بتکاپو افتاده بودند. هیجان فوق العاده ای درپاریس ولندن حکمفرما بود. ماسکهای ضد گاز بسرعت در میان مردم تقسیم میشد. اطفال شهر را ترک میکردند. هیولای جنگ و وحشت بر سرتاسر این دو شهر بزرگ بال گسترده بود کمی پیش از نیمه شب به نیروهای دریائی انگلیس فرمان داده شد که خود را برای نبرد آماده کنند. پیش از یک گام با جنگ فاصله نبود بعقیده سیاستمداران هیتلر خود را برای جنگ آماده کرده بود و دیگر هیچ راه چاره ای بنظر نمیرسید. روزولت و موسولینی هردو پیامهائی حاکی از علاقه خود ببقای صلح بهیتلر مخابره کردند ولی آتشی که در درون پیشوای آلمان زبانه میکشید هردم رو بفزونی مینهاد در ۲۳ سپتامبر همین سال نمایندگان انگلستان در جامعه ملل بالیتوینف نماینده روسیه راجع بحملهٔ احتمالی آلمان بچکوسلواکی صحبت کرده بودند. لیتوینف گفته بود که در صورت حملهٔ آلمان بچک دولت روسیه حاضر خواهد بود که بلافاصله با ستادهای ارتش فرانسه و انگلستان تماس یابد. متن گفتار لیتوینف بلندن و پاریس مخابره شده بود ولی زمامداران انگلستان روسیه را نادیده انگاشته بودند امروز یعنی ۲۷ سپتامبر

مسئله روسیه نیز یکی از غوامض امور بود - انگلیسیها از خود میپرسیدند اگر ما وارد جنگ شویم روسیه چه خواهد کرد ؟ دو ساعت و نیم بعد از ظهر روز چهار شنبه ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۸ جلسه مجلس شورایملی انگلستان با حالتی آشفته و متشنج تشکیل شد - نمایندگان یکی بعد از دیگری با حالی غمگین و افسرده وارد میشدند و بر جای خود می نشستند جمعیت زیادی در تالار گرد آمده بود همه میخواستند از سرنوشت جهان خبر یابند همه آمده بودند که به بینند دولت انگلستان در قبال زور گوئی آلمان چه تصمیم اتخاذ خواهد کرد . . . .

در این حین نخست وزیر چمبرلن وارد شد قیافه نخست وزیر را غبار غم و کدورت فراگرفته بود — بنظر میرسید که افکار و خیالاتی او را بشدت رنج میدهد چشم همه بسوی تریبون دوخته شد - چمبرلن رشته سخن را بدست گرفت — با متانت و آرامی داستان مذاکرات انگلستان را با آلمان و کوششهائی را که برای ابقای صلح نموده بود بیان کرد . سکوت عمیق [illegible] و قیافه محزون و متفکر او وضعی عجیب بدین منظره بخشوده بود چمبرلن گاه گاه سخن خود را قطع میکرد و با نگاهی مأیوسانه باطراف مینگریست - نمایندگان با دقت بداستان دراز او گوش میدادند ، چمبرلن میگفت :

« من [illegible] اقدام [illegible] بود که [illegible] جلوگیری از جنگ آینده جلوگیری کنم ولی در این ملاقات فهمیدم که هیتلر جز بر اثر حمله آنی جنگ منظوری ندارد و علاوه برای جلوگیری از جنگ چکها را مجبور کردیم که استحکامات دفاعی و قسمتی از سرزمین خود را بهیتلر واگذار نمایند تصور میکردم که دیگر

آتش حرص هیتلر فرو نشسته است با خیالی آرام
بکرسپرك پرواز کردم ولی دیدم که آتش آز هیتلر
تیز تر شده است هیتلر میخواست که تمام سرزمین چك
را چون لقمه ای لذیذ و گوارا فرو دهد ـ ما
میخواستیم کاری کنیم که چکوسلواکی بتواند لااقل
قسمتی از ذخائر ارتش و منابع گرانبهای خود را عقب
بکشد شما میتوانید تصور کنید که بچه حیرت و
سرگردانی دچار شده بودم .

سخن چمبرلن باینجا که رسید جنبشی در صفوف نمایندگان
مشهود شد و صداهائی بعلامت شفقت و همدردی برخاست .

«ضربت سخت و شدیدی خورده بود»
باز لرزش دیگری پیکر تماشاچیان را فرا گرفت ـ چمبرلن
تکانی بخود داده و عینکش را جا بجا کرد سپس کاغذهائی را
که در پیش رو گسترده بود پس و پیش کرد و باز شروع بسخن
کرد : همه با اشتیاق خارج از حد منتظر بودند که نخست وزیر
وقایع دوازده ساعت اخیر و تصمیم خودرا بیان کند ـ هیجانی
مجلس را فرا گرفته بود ـ چمبرلن وارد مطلب شد و گفت :
دیروز صبح ....

در این هنگام صدائی در کریدورها شنیده شد ـ لرد
هالیفاکس که با شوق فراوان بسخنان نخست وزیر گوش میداد از
جای خود بلند شد و خارج گردید یکدقیقه بعد یك قطعه کاغذ دست
بدست بصندلی وزیر دارائی رسید ـ سرجان سیمون بادقت بکاغذ
نظر افکند ـ بلافاصله آن را به نخست وزیر داد ـ چمبرلن در
این هنگام لب از سخن گفتن فرو بسته بود ـ وضع اسرار آمیزی
سالن را فرا گرفت ـ چمبرلن باز عینك خود را تکان داده بخواندن

کاغذی که سرجان سیمون بدو داده بود مشغول شد — همه میدیدند که چهرهٔ چمبرلن آن بآن تغییر میکند چشمان خموده اورا برق شعف و شادمانی فرا میگیرد — چین های فراوانی که برپیشانی او گره افکنده بود دیده میشد که بتندی محو میشود — سرانجام چمبرلن شروع بسخن کرد — چند دقیقه ای را به بیان وقایع ۱۲ ساعته اخیر گذرانده سپس چنین گفت :

«اکنون میخواهم موضوع بسیار مهم دیگری را باطلاع مجلس شورایملی برسانم هم اکنون از پیشوای آلمان بمن نامه ای رسیده است که مرا دعوت نموده بامداد فردا با او در مونیخ ملاقات کنم — موسولینی و دالادیه نیز برای شرکت درمذاکرات دعوت شده اند — موسولینی دعوت هیتلر را پذیرفته است — یقین دارم که دالادیه نیز دعوت پیشوای آلمان را رد نخواهد کرد — جواب من هم که بدعوت هیتلر معلوم است ..... شور و شعفی خارق العاده در مجلس پدیدار شد — درظرف چند دقیقه سرنوشت جهان دیگرگون شده بود همه خیال میکردند که انگلستان با آلمان وارد جنگ خواهد شد ولی اکنون میدیدند که چمبرلن برای مذاکره بمونیخ میرود — فریادهای شادمانی و شعفی که کمتر در تاریخ مجلس انگلستان نظیر دارد از صحنه مجلس برخاست، همه نمایندگان از روی صندلی های خود بلند شده [illegible] — چمبرلن در میان فریادهای شادمانی نمایندگان از مجلس خارج شد — بدین طریق یکبار دیگر [illegible] برای چند ساعتی شکست خورده بود .

رئیس اداره احتکار افیون که استعداد این کودک را دید او را زیر نظر خود گرفت و مدت چند ماه سه چهار زبان بومی و زبان هندی را باو آموخت . نورنالا شروع بکار کرد و نخستین وظیفهٔ او مبارزه با قاچاقچیان افیون بود . نورنالا استعداد و مهارت شایانی نشان داد و رئیسش گزارشی از هوش و قابلیت او بلندن فرستاد باو دستور دادند زبان انگلیسی را باین کودک بیاموزد . نورنالا پس از آموختن زبان انگلیسی سمت جاوه و سنگاپور رفت ومنطقهٔ جاسوسی و فعالیت خود را شروع ببررسی نمود . هنگامیکه جنگ جهانگیر گذشته شروع شد نورنالا مأمور جاسوسی در سنگاپور گشت وظیفه ای که بعهده او گذاشته بودند خیلی دشوار بود . چون آلمانها در سنگاپور یك عده جاسوس از نژاد چینی داشتند که از رفت و آمد کشتیهای انگلیسی با خبر شوند فوراً در فرصت مقتضی هرچه بتوانند از کشتیهای انگلیسی غرق و نابود سازند . نورنالا مشغول مبارزه با این جاسوسها شد و چند دفعه از فعالیت ایشان جلوگیری کرد .

در اواسط جنگ بود که اداره انتلیجنت سرویس — جاسوسی انگلیسی نورنالا را بلندن احضار کرد تا مأموریت بسیار بزرگی بعهدهٔ او بگذارند معلوم است مأمورین جاسوسی انگلیسی از همه جای [illegible] مأموریت [illegible] آمده [illegible] او را از سنگاپور احضار نمایند .

مأموریت او [illegible] قاچاقچیان افیون بود که [illegible] مشغول شده بودند و میخواستند تریاک را در انگلیس [illegible] .

نورنالا متوجه [illegible] انگلستان [illegible] بود که [illegible] بعضی [illegible] اروپا [illegible] و هم [illegible] بزرگترین قاچاقچی افیون را با [illegible] کرده اند .

چند هفته بعد ناگهان در جراید لندن خبری درج شد باین مضمون که آن قاچاقچی زبردست در ضمن رفتن بمحکمه از دست مأمورین فرار کرده ودیگر دستگیر نشده است .

فردا شب آن روز که این خبر درج شد — نورنالا — در خیابان چینیها شروع بقدم زدن کرد و با چند نفر چینی آشنائی پیدا کرد بطرز محرمانه بایشان حالی کرد قاچاقچی کذائی که از زندان فرار کرده است منم وحالا میخواهم مجدداً مشغول کار شوم

شب آنروز یکنفر چینی بسراغ او آمد تا بهمراهی او قاچاق فروشی کند نورنالا بالاخره تمام قاچیان را شناخت ووسیله ای فراهم کرد که یك شب تماماً در یك رستوران حاضر شوند و همه را بدست پاسبانان سپارد پس از آن رهسپار جبهۀ فرانسه شد تا خاتمه جنگ که مجدداً بسنگاپور رفت .

صد ها نفر از مأمورین اداره جاسوسی انگلیس در سراسر دنیا مشغول پیدا کردن اطفال باهوش هستند که قابلیت جاسوسی داشته باشند این کار یك حسن سلیقه و تشخیص کاملی لازم دارد و از عهده همه کس بر نمیآید که بتواند اشخاص مستعد را انتخاب نماید

معمولا اطفالی که برای جاسوسی انتخاب میشوند در یکی از آموزشگاههای خصوصی تحصیل میکنند تادوفن خودماهر گردند .

احمد کوچك

داستان احمد کوچك راشاید شنیده باشید این شخص یکی از زبردست ترین جاسوسان انگلیس بود در هر کشوری میرفت لباس وآداب آنجا را میپوشید و رعایت میکرد میگفتند در تمام زبان شرقی و غربی مهارت کامل دارد که عیناً مثل اهالی آن محل حرف میزند .

پس از جنگ استقلال ترکیه در پیرامون این جاسوس هیاهوی بزرگی برخاست و تا چندی اسم و کارهای او در جراید اروپا درج میشد تا آنکه بدست ترکها اعدام گردید .

زندگانی این شخص سراسر با خیانت بود در محکمه ای که برای محاکمه او در آنکارا تشکیل شد اعمال گذشته خود را شرح داد واعتراف کرد که میخواسته است مصطفی کمال پاشارابکشد

این شخص بطوریکه خودش در ضمن محاکمه اعتراف کرد در آموزشگاههای مذهبی هندوستان تحصیل کرده و پس از آن بانگلستان رفته و دردانشگاه لندن تحصیلات عالی خود را بپایان رسانید . دردانشگاه لندن زبان انگلیسی را بحد کمال آموخته و در ادبیات فارسی وعربی وترکی مهارت شایان یافت .

پس از پایان تحصیلات وارد کار شده و در هندوستان فعالیت زیادی داشت . از هندوستان عازم کابل شده و حبیب الله خان (پدر امان الله خان) را کارد زده و ازآنجابترکیه رفت .

این شخص اعتراف کرد که معتقد بوده است متفقین تمام سرزمین آناطولی رامتصرف خواهند شد و نهضت ملیون ترك را از میان خواهند برد ولی در حدس و عقیده خود راه خطا رفته و اینك گرفتار ترکها شده است !!

دولت ترکیه بدستور مصطفی کمال پاشا یك نسخه ساختگی از یك روزنامه ترکی چاپ کرد که پر از اخبار دروغی مبنی بر فتوحات یونانی ها و شکست ترکها بود مقصود از این روزنامه آن بود که جاسوس نامبرده مجبور شود و اسرار خودرا بگوید .

احمد کوچك موقعی که در زندان توقیف بود غالباً از متصدی زندان تقاضا میکرد روزنامه برای او بیاورد متصدی زندان بدستور

اولیای امور برای او روزنامه میآورد و چند روز هم آن روزنامه ساختگی را برای او آورد و چنین وانمود میکرد که از این کار خود بسیار نگران و پریشان خاطر است و میترسد اولیای زندان مطلع و مخصوصاً این که او برای یکنفر زندانی روز نامه میآورد .

متصدی زندان مخصوصاً اینکار را میکرد که جاسوس در این باره شکی نداشته باشد .

بالاخره نقش ترکها در این بازی برضد جاسوس گرفت و احمد کوچك که بشکست اطمینان داشت راز های خود را فاش کرد وبخیانت خود اعتراف نمود . محکمه آنکار او را محکوم باعدام کرد و حکم درباره این جنایتکار اجرا گردید .

اختراعات جدید

دوچرخهٔ تلمبه زن

از این ببعد دیگر لازم نیست دوچرخه را با دست تلمبه زده وهوا بوسیله فشار داخل لاستیك دور چرخ نمود زیرا تازگی یك تلمبه بصورت یکی از پیچ های عادی درچرخ تعبیه شده که چرخ هنگام چرخیدن هوا را بدرون لاستیك تزریق میکند . فائده دیگر این اختراع آنست که اگر در لاستیك سوراخ پدیدار شود ولی بطوری نباشد که کمتر از مدت سه دقیقه هوای آن بکلی خارج گردد تلمبه خودکار آن را دائماً پراز باد نگاه خواهد داشت بهای آن هم بیش از بیست وپنج شیلینك نیست لکن هنوز زمامداران امور نظامی اجازه فروش آنرا نمیدهند .

ترجمه . آقای مسعود برزین
از دانشجوی حقوق

از فاینانشال تایمز

مسئله حمل و نقل هوائی در دنیای پس از جنگ

هواپیمائی موضوعی است که در دنیای پس از جنگ اهمیت بسزائی خواهد یافت زیرا بدلائل متعدده استفاده ئی که از آن در زمان صلح میشود بمراتب بیشتر از موقع جنگ است.

هواپیمارا مخترعین آن بخاطر افزودن آلتی کشنده بر ادوات جنگ اختراع نکردند. بلکه منظور و مقصود معینی داشتند که بدبختانه ما امروزه آنرا کنار زده از وجود طیارات سوء استفاده میکنیم لذا باید زخم هائی را که هم اکنون از وجود آن ها بوجود میآید با خودمان شفا و التیام بخشیم با استفاده از هواپیما برای حمل و نقل در زمان صلح کمک شایانی بیازرگانی و داشتن کالاهای متساوی در سراسر جهان خواهیم بود. آتیه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان بستگی کاملی به هواپیما و طرز استفاده از آنرا دارد. برای تعیین و تضمین صلح و نظم جهانی یک دنیای آرام و سالم و فعالیت های زیاد لازم است که با بکار بردن هواپیما بر سرعت عمل افزوده شده و اگر پس از جنگ گذشته چندین سال کوشیدیم که تا اوضاع را بحال عادی برگردانیم پس از این جنگ بیش از ۱۲ تا ۱۸ ماه کار نخواهیم داشت.

حمل و نقل هوائی استفاده های زیاد دیگری هم دارد که اجتماعی آنرا الفت از مسافرت و سرعت [illegible] در وقت است [illegible] زیرا هوائی [illegible] و [illegible] [illegible] است که هواپیما با سرعت فوق العاده [illegible] در آن حرکت مینماید.

ولی نباید فراموش کرد که هواپیمائی و بخصوص استفاده

طیارات برای حمل و نقل کالای بازرگانی هنوز در (درگاه) عمارت زندگی خود قرار گرفته است . بنا براین نباید انتظارات فراوانی از آن داشت و یا آنچه تا بحال اتومبیل و یا کشتی حمل میکرد ، آن نیز با خود ببرد .

بازرگانان جهان با بی تابی بی نظیری انتظار اختتام جنگ را داشتند تا هرچه زودتر با سرعت زیاد شغل خود را که تقریباً در دوران جنگ راکد مانده بود - صرفنظر از بازرگانی جزئی داخلی - شروع نموده و آنچه را بخواهند با یک تلگرام پس از حد اکثر ٤٨ ساعت بدست بیاورند ' زیرا این دسته از مردم بیش از دیگران ارزش وقت را دانسته و در زندگانی بازرگانی با تجربه بآنها ثابت شده که همه چیز را بغیر از وقت میتوان بدست آورد یا با پول خرید اگرچه عدهٔ زیادی از اشخاص بدبین که همیشه طرف بد هر چیز را میگیرند آنقدر ها بموضوع حمل و نقل هوائی خوشبین نیستند و یکی از دلایلشان اینست که خرج ساختمانی هواپیمای یک کمپانی در عرض یکماه سقوط کند کمپانی مزبور ورشکست خواهد شد ، ولی در جواب آنها باید گفت که با پیشرفت ساختمان طیارات این نقیصه مرتفع شده و همانطور که کشتیهای بالدار غرق میشد و آنها اهمیتی بدان نمیدادند از سقوط یکی دو هواپیما هم از جا در نمیروند .

دیگر از دلایل منفی بافان مذکور نداشتن خلبان خوب است خوشبختانه در جواب این دلیل آنان فقط کافیست که از ایشان خواهش کنم از خلبانان فعلی کشور ها سان ببینند . دیگر چیزی نمانده که عده خلبانان ارتش باندازه افراد نیروی زمینی آن بشود چه ، با تشخیص اینکه نیروی هوائی رل مهمی را در جنگ های فعلی بعهده دارد ، کشورهای جهان بدون استثناء بتربیت خلبانان

زیاد و ماهر همت گمارده و با بهترین وجهی در آموزش آنها
دقت کرده تشویقشان می نمایند .

نسل آینده یعنی نسلی که پس از ما بر روی کار میآید و
زمام امور جهان را بدست میگیرد. جوانانش مثل ما از دیدن هواپیما
تعجب نخواهند کرد . زیرا هرچه باشد موضوع پرواز برای آنها
هیچ نوع تازگی ندارد.

از آنجائیکه هواپیما از بهترین وسائل تفریح است شکی
نیست که فعالیت و اوقات بیشتری مصروف آن گردد . هیچ بعید
نیست که زمانی برسد که تمام مردم ، همانطور که امروز راندن
اتومبیل را میدانند ، آنوقت هم هواپیما برانند . چون متخصصین
این فن مشغول آزمایش‌های دقیق برای ساختن هواپیمای بزرگ تر:
سبک تر : و در عین حال محکم تر هستند ، بعید نیست که روزی
به آرزوی خود رسیده و آنچه را سالها برروی آن کار و تجربه
نموده اند تحویل جامعه دهند .

در اول مقاله گفتم که ممکن است ارزش ساختمان یک هواپیما
زیاد شده و در نتیجه قابل استفاده برای هر کاری نباشد . ولی در موقع
تحریر آن سطور موضوع رقابت را فراموش کرده بودم .

رقابت بهترین وسیله‌ای هست که در نتیجه آن فواید هنگفت
نصیب عامه و توده میگردد همانطور که زمانی قیمت اتومبیل بحدی
زیاد بود که فقط اشخاص میلیونر میتوانستند از آن خریده و
استفاده نمایند و امروزه بحدی ارزان گشته که همه قادر به تهیه
آن هستند بهمان نحو هم کارخانجات هواپیماسازی رقابت نموده محصول
خود را هرچه بهتر و ارزانتر خواهند فروخت .

اگرچه برای ساختن و پرداختن هر چیزی مدتها وقت
لازم است ولی در مورد مسئله حمل و نقل هوائی این موضوع
صدق نمیکند . زیرا جنگ بهترین آزمایشگاه هواپیما بوده و آنچه
امتحان و تجربه لازم بود در این چند سال بعمل آمده است .

نگارش : سرهنگ دوم ادیهن

از میدان جنگ

نینا !

امروز هنگامیکه در فرودگاه (۳۶) از هواپیمایم فرود آمدم افسری بسوی من دویده روزنامه ای بدستم داد . در آنجا عکس و شرح افتخارات خودرا مشاهده کردم . نوشته بود :

« ۰۰۰ ژان ، ادیهن سرگرد اسکادران ۱۷ چندین ساعت متوالی بی باکانه بر فراز خاك دشمن پرواز کرده ، یازده هواپیمای دشمن را سرنگون و مواضع آنان را باخاك یکسان نموده است .»

چه خوب بود ! اگر میدانستم هنگام خواندن این عبارت فکری کرده ای ؟

شاید بخود بالیده‌ای ، زیرا مردی که سالها دوست ودلداده تو بوده امروز بأین افتخار بزرك رسیده است .

شاید هم با خواندن این روزنامه و دیدن عکس من از جدائی ما که تو خود موجب آن گردیدی ، سخت پشیمان شده رنجها کشیده باشی ؛ از تو چه پنهان ، از این تصور دومی من بیشتر خرسند میشوم .

راستی از بمباران خاك دشمن چه میفهمی ؟

این مردمیکه امروز آنان را جز بنام دشمن نمیخوانیم وما سربازان جان خود را برای بی خانمان کردن آنان بخطر مرك میاندازیم کیانند ؟

هیچ گمان میبری که اینهمه درجه ، مدال و افتخارات خیره کننده از بمباران آن جنگلهای زیبائیکه تابستان (۱۹۳۶) را در آنجا با هم بسر بردیم ؛ نصیب من شده است ؟

هیچ میدانی آن کلبه های روستائی را که در آنشب مهتاب فراموش نشدنی دو یکی از آنها تا بامدادان بیدار بودیم و امروز خاك دشمن می نامیم ؛ چطور بیرحمانه درهم شکسته ام؟

هیچ میدانی چه آتشی بخانمان میزبانان مهربانیکه آنشب آنهمه محبت بپا کردند ، وامروز آنان را دشمنان خود مینامیم ، زده ام ....

نه ! نینایم بیهوده گفتم این سخنان مستانه را که بیاد تو در میان یاد داشتهایم نوشته ام ، برای سربازی چون من ؛ شرم آوراست

نینا ! یك روز هم که باز بیاد تو افتادم . می بینی ؟چقدر ساده و کودکانه فکر میکنم .

نه نینا ترا فراموش کرده ام ،

گرچه بارها خواسته ام که بتو بفهمانم : تورا دیگر دوست ندارم و نتوانسته ام ؛ بگذار که امروز بگویم : من تورا دوست نمیدارم .

راستی نینا ! خواهش میکنم که این بار دیگر باور کنی !

ترجمه — آسمان

تعداد تراکتور در انگلستان

در انگلستان بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ تراکتور مشغول کار است . در حقیقت برای هر ۲۰۱ جریب زمین یك عدد از آنها کار میکنند . بدین جهت کشاورزان این کشور از هر کشور دیگر بیشتر انواع ماشینها را دارند . تولید آنها در داخله مملکت ساخته شده است ، مقدار معتنابهی ولی از قرار هر تراکتور سه برابر بیشتر از معمول هر سه کار کردن آنان میباشند .

اقتباس ، آقای جهانگیر حاجعلیلو

گزارش یك سرباز

روی میدان جنك که رنك قرمزی داشت دوستانم یکی پس از دیگری میافتادند و جان میدادند ولی من همانطور پیش میتاختم ، میرفتم تا انتقام آنهارا از دشمنان بگیرم .

ما از باغها و خندقها و کوهها میگذشتیم و از دهکده هائی که ویران شده بودند عبورمیکردیم ولی دستم برروی دلم بود زیرا عکس مقدس مادرم در آنجا قرار داشت هر وقتی که خسته میشدم و قیافهٔ افسردهٔ اورا میدیدم دوباره نیرو میگرفتم و به پیشروی میپرداختم .

راه دوری نرفته بودیم که برج بلندی از دور پیدا شد ولی نگهبان برج هنگامی که مرا دید بنشانه روی پرداخت فقط من صدای مرك آور تفنك را شنیدم و سپس بآرامی بدون اینکه صدائی بکنم بزمین افتادم .

از دور صدای شیپور شنیده میشد و حمله با شدت تمام ادامه داشت من میدیدم که خون گرمی از زخمهایم در جریان است .

حدس میزدم که مرك روی آور میشود ولی مفتخر بودم که جزو شهدای راه میهن شمرده میشدم در اینهنگام خواب یا درست بیهوشی غلبه کرد هنگامیکه بهوش آمدم خودرا نزد رفقایم یافتم که با نظر نگرانی بمن مینگریستند .

آه ! چه اندازه شاد بودم موقعی که شنیدم دشمن سرکوب شده است !

از ادبیات بین المللی
حکایات لنین گراد

بقلم . نیکلا تیخونو
ترجمهٔ : آقای فرهاد ناخدا

دوشیزه جوان !

زن کنده و قطوری که شال بزرگی از فلانل بخود پیچیده بود در تاریکی باو بر خورده و با ترس و لرز تمام فریاد کرد :
— آی کیه آنجا ؟

ــ منم ، گفت دوشیزه جوان که بر روی پله های پلکان عمارتی نشسته بود ، منم ، پولیا ! .

ــ پس چرا فرار نمیکنی ؟ مگر صدای سوت خطر را نمی شنوی ؟ الان بکلهات بمب میریزند .

ــ منتظر همانها هستم . . . با آرامی جواب داد پولیا .

ــ چه نیازی بانتظار آنها داری ؟ زود خودت را نجات بده و برو در پناهگاه .

ــ وظیفه و عقیده من چنین ایجاب میکند : برو ، برو ، مادر جان ، ممکن است خطری برای شما رخ دهد . . . .

ــ بسیار خوب ، میروم ، ولی به بین ، دختر . تو که ازهیچ چیز بیم نداری روی پلکان چگونه میمانی ! . . .

ــ نه این است که من از چیزی بیم ندارم ؛ بلکه من دیده بانی هستم ! .

پولیا همچنان در روی پلکان نشسته بود و با چشمان درشت خود بدقت و هوشیاری تمام فضا را جستجو و کاوش میکرد در آسمان اشعهٔ نورافکنها یکدیگر را قطع مینمودند موشکها میترکیدند و دسته های اشعه سرخ از آنها در فضا پراکنده میگردید ، متقاطع

زرین گلوله ها در گنبد نیلگون آسمان حرکت میکردند و بالاتر از اینها در اعماق فضای لایتناهی غرش نا منظم هواپیماهای دشمن بر فراز شهر لنینگراد شنیده میشد .

یولیا خود را جمع کرده و با اضطراب و دقت تمام منتظر نعره های وحشتناك و انفجار های عظیم و حریق و شعله هائی بود که میبایستی عنقریب حادث شوند زیرا او موظف بود که بمحض وقوع آنها فوراً محل امکنه ای را که بسبب اصابت مینما ید بستاد دفاع محلی اطلاع دهد .

کود مصنوعی جدید

یکنفر زن متخصص در علم شیمی مسمات به الکساندـ اشلومرا) کارمند مؤسسه کشاورزی علمی شوروی اخیراً از خاك برك کودی تدارك نموده که در نتیجهٔ آن بر محصولات غلات وبقولات بین صدی بیست وسی افزوده شده ومشار الیها این اقدام را از نظر وقوع جنك نموده زیرا کود های معدنی حالیه وجود ندارد نام این کود (از وتوبعن) میباشد و یك پوند آن برای رشوه دادن به ده جریب زمین غله و یا صد جریب زمین بقولات مکفی میباشد .

ترجمه : اقای جهانگیر حاجیعلیلو

سرجوخهٔ کوچك

سربازان ناپلئون او را میپرستیدند و بعد از جنك «لودی» بواسطهٔ محبتی که نسبت باو داشتند اورا «سرجوخه کوچك» لقب داده بودند. بناپارت، بعد از یك گردش که عادت داشت نصف شب بخیمه خود بر میگشت، تاریکی زیاد بود ناگاه خود را در نگهبانی یافت. نگهبان همینکه سیاهی را دید تفنگش را نشانه روی نموده فریاد زد «بایست!» ناپلئون فهمید از صدایش که او تازه وارد است به ینجهت خواست او را امتحان کند: جواب داد، دوست من، افسر هستم... خوب... در این حال باید اسم شب را دانسته باشی.

— عجب! راستی آنرا نمیدانم چه! در اینصورت دور شو و الا آتش میکنم! — صدا نکن! من بشما میگویم که... هنگامی که شما «سرجوخه کوچك» خواهید شد، خواهید گفت. بصدای اینها سربازانی از خیمه بیرون دویده و همینکه ناپارت را شناخت فریاد زد: «زنده باد امپراطور!» نگهبان بیچاره که مبهوت شده بود گفت: آه من دیگر نابود شدم.

ناپلئون جواب داد: نه دوست من! آفرین! بر خلاف تو خیلی سرباز جدی بوده! این طلا را بگیر، فردا بخیمه من بیا پس از این از تو مواظبت خواهیم نمود.

یکنفر عضو شرکت نفت ایران و انگلیس متفقین را از یک خطر حیاتی نجات داد

چرچیل نگران و مضطرب شده بود زیرا گزارش های رسمی نشان میداد که تعداد خلبانهای انگلیسی کــه هنگام فرود آمدن در فرودگاههای انگلستان تلف میشوند بیش از خلبانهائی است که در آسمان کشور دشمن بضرب گلوله توپ یا مسلسل آلمانها بهلاکت میرسند ·

این وضع بی اندازه وخیم و خطرناک بود . بیشتر اوقات آسمان انگلستان از طبقات ضخیم مه پوشیده شده بود بطوری که خلبانهای انگلیسی نمیتوانستند موقع بازگشت از مسافرت جنگی فرودگاه خودرا بیابند و بی خطر بزمین بنشینند ·

خلبانان انگلیسی با بمب و نوار های دراز فشنگ بکشور دشمن میرفتند و پس از بمباران و نبرد خونین هنگامی که بمیهن خود باز میگشتند در آغوش کشور خویش و برفراز فرودگاه خود طعمه هلاکت میشدند دولت بریتانیا و مخصوصاً چرچیل حق داشتند که از این خطر بزرگ نگران باشند و خواب از چشمشان ربوده شود .

ماه دسامبر ۱۹٤٤ بود میلیونها سرباز متفقین در قاره اروپا میجنگیدند ولی مارشال روندشتدت فرمانده قبرومند آلمانی که باوضاع جوی انگلستان آشنائی کامل داشت از طبقات مه که آسمان آن کشور را پوشیده است مطلع بود فرصت را مغتنم یافته و حملهٔ بسیار سختی را شروع کرده بود .

وضع جبههٔ متفقین خطرناك شده بود و اگر نیروی هوائی متفقین مجدداً وارد میدان نمیشد و خطوط ارتباطی آلمانها رابمباران نمیکرد احتمال قوی داده میشد که مارشال کار آزمودهٔ آلمانی

جبههٔ متفقین را بشکافد و نیروی متفقین را بدو قسمت تجزیه نماید و هریك را جداگانه درهم شکند ولی مارشال آلمانی از این نکته غافل بود که دانشمندان انگلیسی این دفعه هم ارتش متفقین را نجات خواهند داد و با اختراع تازه ای نقشه‌های برلین را باطل خواهند کرد .

مارشال آلمانی از اختراع جدید که بنام (فیدو)موسوم‌شده بود اطلاع نداشت و هرگز منتظر نبود و احتمال نمیداد که در آن فصل که سراسر انگلستان از مه پوشیده شده و هوا برای پرواز مساعد نیست ناگهان بادسته های بزرگ هواپیمای متفقین روبرو شود و خطوط پشت جبهه اش بمباران گردد .

ولی در این صحنه هم بالاخره پیروزی نصیب علم وصنعت گردیده انگلیس ها کمال سعی را داشتند که رازاین‌اختراع‌جدید مکتوم بماند فقط پس از خاتمه جنگ بود که فرماندهان آلمانی‌نام (فیدو) را شنیدند و مارشال روندشتدت فهمید چه چیز باعث‌شکست او شده است .

فیدو نظیر یك عصای سحر آمیزی است که طبقات ضخیم مه ر میشکافد و بهواپیما اجازه میدهد در نامساعد ترین هوانیز مانند روزهای آفتابی بهار و تابستان پرواز کند وسالم بفرودگاه باز آید در طی همان نبرد که سرنوشت نهائی آلمان راتعیین‌نمود با آنکه در وسط فصل زمستان و در بدترین هوا‌بوشیکروز سیصد هواپیمای بمب افکن از انگلستان پرواز و بطرف‌شهر(سان‌ویت) حرکت نمود و مراکز مهم و نقاط حساس ارتباطی آلمانها را تخریب ساختند .

عصای سحری (فیدو) بیا همه اهمیتی که دارد خیلی ساده است . اساس این اختراع آن است که چهارلوله که از هر یك با دیگری پنجاه یارد فاصله دارد در اطراف فرودگاه نصب میکنند در این لوله ها بنزین میریزند و بوسیله ماشین آن را میفشارند

وقتی این بنزین مشتعل شود شعله نیرومند سفیدی از آن خارج میگردد که دود ندارد .

حرارت این شعله ها قطرات شبنم را که مایه واصل مه است میدل ببخار میسازد و فضای فرودگاه را پاك و برای فرود آمدن هواپیما مساعد میکند .

این عصای سحر آمیز نه فقط متفقین را در بلژیك نجات داد بلکه اساسا انقلاب مهمی در اصول نبرد هوائی ایجاد نمود .

فیدو در طی جنك های جبهه دوم بحساب دقیق ۱۰۶۰ خلبان متفقین را نجات داد و هواپیما هائی که قیمت آن تقریبا ۵۰ میلیون دلار بود ازنابودی رهائی بخشید .

اگر فیدو بفریاد متفقین نمیرسید معلوم نبود جنك بچه‌صورتی خاتمه مییافت .

بطوریکه گفته شد مه های آسمان انگلستان بیش از توپها و مسلسلهای ارتش آلمان بنیروی هوائی متفقین آسیب میزد . در یك مسافرت شبانه بخاك آلمان تعداد تلفات انسانی و مادی که در موقع بازگشت خلبانان بفرودگاه وارد میشد بیش ازتعدادی بود که در آسمان دشمن وارد شده بود :

یك شب چرچیل با قیافه غمناك و نگاههای یأس‌آمیز وخیره دراطاق خود راه میرفت . سیگار میکشید وحلقه‌های دود سیگاررا بهوا میفرستاد برای‌مقاومت درمقابل این‌آفت بزرك چاره‌ای‌میاندیشید ولی دفع این آفت درحدود توانائی او نبود فقط دانشمندان میتوانند باطبیعت مبارزه کنند چرچیل پس از ساعتی قدم زدن و تفکر پشت میز خود نشست و نامه ای به «ژفری لوید» رئیس دفتر محرمانه موسوم بدفتر جنك نفت نوشت «... هوپرم ۰» باید بهر قیمت که ممکن باشد چاره ای اندیشید .

واقعا خیلی زشت و خجلت آور است که خلبانان جوان ما سالم و پیروز مندانه از خاك آلمان باز گردند و در فضای وطن

برفراز فرودگاه طعمه مرگ شوند ، مه بیش از توپهای آلمانی خلبانان ما را درو می کند و هواپیماهای ما را نابود میسازد .

فرداشب یك جمعیت چهار صد نفری از علمای انگلیسی در اطاق بزرگ دفتر محرمانه حضور یافتند و برای دفع مه مشورت نمودند .

راهنمای متعددی بنظرشان میرسید که هیچ یك مورد پسند و تصویب اکثریت واقع نشد .

متوسل شدن بامواج شدید ، صوت جریان الکتریك ، جرقه - های برقی مواد شیمیائی که رطوبت را جذب میکند و خیلی چیزهای دیگر مطرح گردید ولی هیچ یك نمیتوانست منظور اصلی را تامین کند . بایستی وسیله ای پیدا کنند که هم مؤثر باشد و هم عملی و اگرنه در علم خیالی خیلی کارها میتوان انجام داد .

دکتر رانکین یکی از اعضای مهم شرکت نفت ایران و انگلیس پیشنهاد کرد که یکی رساله علمی که پیش از جنگ از طرف آلمانها نگاشته شده مورد توجه مشاور واقع شود . آن رساله مربوط باستعمال یك صف از مشعلهای بزرگ برای گرم کردن یك منطقه وسیع بود .

آلمانها این رساله را برای استفاده کسانی نوشته بودند و در زمستان از سرمای سخت اروپا آسیب میدیدند ولی دکتر رانکین عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس از آن رساله بنفع جنگ استفاده کرد .

این ابتکار علمی آلمانها هم مانند بمب اتمی ، مورد استفاده متفقین شد [illegible] بکار رفت .

تجاربی متعددی که صورت گرفت همگی رضایت بخش بود چون مقدار [illegible] انگلستان نصب شد و [illegible] برای اولین دفعه [illegible] پیدا نشده بود [illegible] فرودگاه باز گشت .

ضمناً هم مثل [illegible] برای جنگ اختراع شده ولی در دوره صلح خدمات بسیار مهمی انجام خواهد داد و هواپیماها [illegible] و [illegible] خلبانان [illegible] خواهد نمود .

اشعهٔ مرگ !

اگر ژاپنیها موفق شده بودند اشعهٔ مرگ را اختراع کنند خیال میکنید ژاپن فتح میکرد یا امریکا با بمب اتمی !؟

در حقیقت ژاپنیها در این راه یعنی اختراع اشعهٔ مرگ خیلی زحمت کشیدند ولی کمینه مدت مدیدی وقت لازم داشت تا اینکه موفق باین اختراع شوند ـ یک افسر عالی رتبه در ستاد ژنرال مک ارتور اظهار داشته است که پنج سال و نیم بود ژاپنیها برای کشف اشعهٔ مرگ آزمایش نمودند و در پایان جنگ فقط موفق شده بودند یک خرگوش را در مسافت سی یاردی و درظرف ده دقیقه بکشند ژاپنیها معتقد بودند تحقیقات آنان بیشتر بموفقیت آنان بود ودر ۱۹۴۵ مبلغ یک میلیون برای اینکار اعتبار منظور داشته بودند وبااینکه آنها موفق نشدند ولیکن دانشمندان امریکائی معتقدند که بناچار پیشرفت فنی شگفت انگیزی تسمت این تحقیقات خواهد بود و پیش از آنکه بصورت سلاح با ارزش در آید دنیای علم و دانش از آن استفاده خواهد کرد .

اساسی که تحقیقات علمی بر آن استوار است از اینکه هر گاه امواج فوق العاده کوتاه سیم را با یک قوهٔ فوق العاده زیاد در یک نقطه متمرکز سازند تأثیرات فیزیولوژی شگرفی در حیوانات پستاندار (از جمله انسان) خواهد نمود که منتهی بمرگ او میشود . در آزمایش هائی که بعمل آمده است خرگوش و میمون مورد آزمایش قرار گرفته اند یکی از آزمایش کنندگان خود را در معرض آزمایش قرار داده و دچار خستگی و سر درد گردید و ۲۴ ساعت بیمار بود !

جاسوسی
نقش بزرگی در این جنگ بازی نموده

« پس از جنگ بین المللی اول آلمانی‌ها اذعان نمودند »
« که جاسوسی انگلیس و بعبارت دیگر «اینتلیجنت سرویس» این »
« کشور یکی از ارکان اصلی شکست متحدین بود . »
« اخیراً نیز امریکائیان اظهار داشته اند که تصمیم دارند »
« یك نیروی جاسوسی نظیر انگلستان برای خود تشکیل دهند »
« که از هر حیث تعلیمات انگلیسی در آن مجری گردد . »
« این دو ادعا را انگلیسی‌ها افتخار بزرگی دانسته و بدان »
« مینازند . اینك دراین مقاله چند نمونه از آن را برای مزید »
« اطلاع خوانندگان ذکر مینمائیم . »

« دیروز هواپیماهای اسپیتفایر انگلیسی به یکی از هدفهای اسلحهٔ انتقامی «و ۲» آلمانی حمله برده‌اند این هدف از کارخانه‌های بزرگ این اسلحه است که در بین دو بیمارستان قرار گرفته ... چند قطار راه آهن نیز هدف واقع شده ... کارخانه بزرگ لیوفارن بر اثر [illegible] مواد خام [illegible] از آغاز هفته گذشته خوابیده بود »

نظیر این گزارش در روزهای جنگ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است باید دید که این هدف‌ها و مراکز دیگری که جنبه حیاتی برای آلمان داشت چطور کشف میشد و طیارات انگلیسی چطور تمام نقاط را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] ؟

[illegible]

چطور معلوم میشد که یك قطار حامل تسلیحات جنگی در

فلان ساعت از فلان ایستگاه حرکت نموده و بفلان شهر میرود ؟
چه کسی دریافت که کارخانه لیوفأرین چند روزی کار نمیکرد !

درست است که دوربین‌های حساس طیارات انگلیسی تصاویر بسیار حساس و جالب توجهی از این نقاط بر میداشتند ولی آیا از عکس هم فهمیده میشد که مثلا ماشین کارخانه حرکت مینماید؟ . . . دوربین قویتری ازاین دستگاه ها لازمست که داخل کارخانه ها را بیند و اطلاعات لازمه را مجسم سازد همین جاست که انسان جواب تمام این سئوالات و پرسش ها را فقط در یك کلمه «اینتلیجینس» جاسوسی و ضد جاسوسی میابد در این کلمه هزاران بلکه ده ها هزار نفر مرد و زن وجود دارد که فقط بخاطر میهن و کسب پیروزی جان شیرین خودرا درخطر انداخته و از فداکاری کوتاهی نمی نمایند چه بسا که یك حرکت کوچك یك کلام حرف و یا یك نگاه روح جوانی را از جسدش جدا میسازد .

جاسوسی شرافتمند

شاید شما باین عمل نام «جاسوسی» گذارید ولی زمانیکه صحبت از میهن و فداکاری پیش میآید درمیابید که کلمهٔ «جاسوس» در مورد این دسته صدق نمی نماید زیرا اینان داوطلبانه بوضع مخصوصی بمیهن خود خدمت نمایند . جاسوس کسی است که از طرف دولتی در کشوری دیگر مشغول کار شود ویا گرفتن پول از هر دو طرف بنفع مملکت ثانی خدمت نماید .

مهمترین اخبار و اطلاعات از همین مردان و زنان بدست میآید و با وجود آنکه زندگیشان را در دست گرفته و هر لحظه با خطر و ناراحتی زیست میکنند هرگز مدالی افتخار دریافت نمیدارند و کمتر کسی است که نام آنها را بداند و یا خودشان را از نزدیك بشناسد . بدلایل خاصی که ذکر آنها از حوصلهٔ این مقاله خارج است کمتر نام یا داستان ایشان در

ولی اینرا هم نمیتوان انکار کرد که ممکن است پارهٔ اوقات خبر بسیار مفیدی بر حسب اتفاق بدست انسان افتد .

یک خبر کوچک :

مثلاً مارشال هوائی (مدهورست) که از استادان اینتلیجنس سرویس میباشد تعریف میکند که چطور در اوائل جنگ یک انگلیسی در ایتالیا مسافرت میکرده و در راه آهن با چند افسر آلمانی و ایتالیائی شروع بصحبت میکند و آنها باو میگویند که هواپیماهای آلمانی فقط به (شتلاندز) مسافرت میکنند و اصولا بمب نمیریزند .

این امر برای آن فرد انگلیسی مفهومی نداشت و چون عین مکالمهٔ خود را برای محافل مربوطه در انگلستان تلگراف کرد ، علماء فن دریافتند که آلمانیها مشغول یک سری تفحصات رادیوئی میباشند حال اگر بگوئیم که این خبر کوچک جان یک میلیون نفر را از خطر مرگ حتمی نجات داد اغراق نگفته ایم .

فعالیت پرارزش

مهمترین نقشی را که جاسوسان بازی کردند اطلاعاتی بود که راجع به ۲ بمب پرنده ۷ دادند (داستان کامل این اتفاق تحت اسم چهل دقیقه که سرنوشت جنگ را تغییر داد در همین شماره درج شده است) .

اگرچه عمال گشتاپو و پلیس مخفی آلمان از مدتی قبل عموم افرادی را که حتی ذرهٔ سوء ظن راجع بایشان داشتند از منطقه بمب پرنده دور نمودند معهذا جاسوسان انگلیسی خبر اصلی را بلندن رسانیدند که در چه روز ؛ چه ساعت ، در کدام عمارت

از ساختمان های پیه موند و حتی چه اطاقی قریب به پنج هزار نفر از علماء، شیمی دانها، فیزیك دانها، مهندسین و ژنرال های محور گرد هم جمع میآیند تا جلسهٔ بزرگی راجع باسلحهٔ مخوف (و ۲) بمب هائی نظیر آن داشته باشند.

خوش‌بینی معکوس :

گشتاپوی آلمان بفعالیت خود میبالید و هیچ نوع خطری برای آن عده احتمال نمیرفت. ولی در همان لحظه ئی که اینان دور میز نشسته و صحبت مینمودند ناگهان طیارات نیروی هوائی انگلیسی برفراز آن عمارت بپرواز درآمده و آنرا سخت بمباران کردند.

نتیجه !

میدانید نتیجه چه شد ؟ گفته شد یکصد و پنجاه از این ۵۰۰۰ نفر که در میان آنها باید ژنرال (فن‌کاسیر کلینشتکی) و ژنرال (یشونك) رئیس ستاد نیروی هوائی آلمان [illegible] وقت و [illegible] را نام برد.

بخلبانان نیروی هوائی انگلیسی مدال لیاقت داده شد ولی آیا آن جاسوسان هم که این کار را انجام میدادند موفق بأخذ مدال و افتخار گردیدند ؟

[illegible] بمباران [illegible]
از [illegible]

ترجمه : آقای محمود برزین

تلخیص ازمجله دوارایلستریته

از داستان حقیقی این جنگ

چند نمونه از فعالیت جاسوسان انگلیسی

اگر گفته شود که یکی از دسته‌های مخصوص ارتش انگلیس در این جنگ نقش بسیار مهم و مؤثری را بازی کرد مطمئنا چیزی جز حقیقت بیان نگشته است . چه ؛ براثرمساعی همین دسته بود که ساعت بساعت دقیقه بدقیقه ارتش، افسران وستاد های لشکر متفقین از کلیهٔ اتفاقات اطلاع حاصل مینمودند . این اعمال بحدی سریع انجام مییافت که حتی گیرنده ه های خبر نیز بیچاره وخسته شده ازفعالیت آندسته که مامور این کار بودند د ر تعجب میماندند . در مدت یازده ماه جنگ در جبهه های غرب اروپا بیش از ۷۰۰ هزار از این خبر های کوچك بـه ستاد ارتش های دوازدهم و بیست و یکم رسید .

جزئی ترین خبر از کنار گوش دشمن رد شده بدست متفقین میرسید و برای اینکار رادیو های دهنده بخصوصی ساخته شده بود کـه نظیرش درهیچ کشوری ازجهان دیده نمیشود . بعلاوه رمزیکه دوبین دهندگان خبر وارتش وجود داشت غیر قابل فهم بود واگر برفرض محال ایستگاهی در آلمان این رمز را در دفتر خود ثبت مینمود کسی قادر نبود کـه آنرا کشف کند و در حقیقت مفتاح آن باین زودیها بدست نمیآمد .

هر وقت که موقعیت جدیدی روی میداد فوراً با چتر نجات بمحل انداخته میشد . چه بسا که این(محل) پشت جبهه دشمن وخیلی هم خطرناك بود .

این مأمورین درتاریکی شب با برزمین گذارده و با دستگاه

از انجام وظیفه خویش و همکاری با ارتش هفتم انگلستان به‌ارتش آن کشور گرویدند.

مهمترین نقش ایشان در افریقا آن بود که بصحبت های داخلی تانکها گوش فرا داده و طرز حرکت موتوریزه آلمان را دریابند و بستاد خبر دهند. در عین حال که هوا ابر و مه آلود بود بتانك های خویش دستور حرکت میدادند و بهمین وسیله بود که در هر دقیقه ستاد ارتش انگلیس از موقعیت موتوریزه خویش مطلع بوده و آنها را برای حمله و پیشرفت هدایت مینمود

درچند ماه اول سال ۱۹٤٤ یك عده جدیدی برای کارهای چتر نجات تربیت شدند. چندین نفر از آنها از شرکت کنندگان در حملهٔ (دی‌یپ) بوده و بقیه نیز از این افراد داوطلب وفداکار انتخاب شده بودند که پس از دیدن تعلیمات لازمه وارد نیروی هوائی مخصوص و در پشت جبهه فرود میآمدند. ولی صرف نظر از تمام فعالیت های آنها، باید گفت که از ژوئن ۱۹٤٤ بزرگترین کار ایشان آغاز گردید، چه باید حملهٔ نهائی و از بین بردن آلمان شروع میشد.

برخی از ایشان قبل از حملهٔ بر اروپا در فرانسه «ریخته» شدند و بقیه نیز با سایر افراد حمله کننده بدان کشور پا گذاردند. جزئی ترین اخبار حمله توسط همین دسته به ستاد میرسید. باید اطمینان داشت که اگر زرنگی و مهارت این دسته نبود بدون تردید در پیشرفت کار تکان و کندی زیاد حاصل میگردید. بعضیها نام این دسته‌ها را «سربازان رام و اجاره» بین انگلیس وامریکا لقب دادند زیرا بهترین وسیله ارتباط دو ارتش این مملکت منظم بودند؛ وقتیکه ژنرال آیزنهاور از ستاد لشکر دوم انگلستان بازدیدی بعمل آورد در تمام مدت از چابکی افراد این دسته تعریف و توصیف میکرد. چون از هفت گری در خواست کمك از

این جهت نمود بیش از بیست و چهار ساعت نگذشت که یک هیئت کامل
از سرباز و افسر از اسکاتلند احضار و در اختیار او گذارده شد.

امریکائیان مایل بودند که نیز از این دستجات ترتیب دهند
ولی تا بخود جنبیده و ترتیباتی دادند وقت گذشت زیرا دیگر
احتیاج مبرمی بایشان احساس نمیگشت

اگر کسی وارد اطاق کار ژنرال (گربار) رئیس این دسته‌ها
میگردید سرش از تعجب شروع بدوار کرده و دهانش باز میماند
چه بر اثر ازدیاد نقشه و علائم زیاد انسان سر گیجه میگرفت
و مهمتر آنکه اگر دقت هم میکرد چیزی دستگیرش نمیگردید.
فقط شخص ژنرال بود که از هر نقطه یا علامت بمقصودی پی برده
و بدانوسیله از موقعیت هر یک از افراد خود در نقاط مختلف
اروپا و افریقا اطلاع حاصل مینمود

دیگر از بزرگترین فعالیت این دسته رساندن خبر از کوچکترین
حرکت موتوریزه و وسائل حمل و نقل ارتش آلمان بود در (آردن).
متفقین بهیچ وجه از اردوهای زرهی و [illegible] آلمان که
در آن جنگلها [illegible] زندگی [illegible] اطلاع نداشتند ولی این
افراد خود را بدان نقاط رسانده اخبار لازم را میفرستادند.
آخرین وظیفه آنها رساندن خبر الحاق ارتش های شوروی و امریکا
و انگلیس بود ارتش امریکا چندین نفر از آنها را بمحلی که
تصور میشد الحاق صورت میگیرد گسیل داشته و [illegible] لحظه‌ای
که سربازان شوروی نظامیان امریکائی و انگلیسی را [illegible]
آن نیز [illegible] ارتش [illegible].

اکنون که [illegible] این دسته‌ها پایان یافته است [illegible]
[illegible]
و [illegible] شده‌اند [illegible] نمیتوانند.

[illegible] دیگر از روی اعمال آنان پی [illegible]
[illegible] ثابت [illegible].

ترجمه از مجلات خارجی

آمارهائی از نتایج جنگ

بانك تنظیمات بین المللی اخیراً چهاردهمین گزارش سالیانهٔ خودرا انتشار داده است .

دراین گزارش آمارهای جالب توجهی از خسارات جنگ اخیر نظر را جلب میکند .

مثلا از روی این آمارها معلوم میشود که بازرگانی خارجی کلیهٔ کشورها طی جنگ مختل شده و سازمان و وضع اساسی خودرا از دست داده است همچنین بشهادت این آمارها میزان زاد و ولد در زمان جنگ تقریبا در تمام کشورهای جهان فزونی یافته است .

همچنین معلوم میشود که میزان دیون عمومی در کلیهٔ کشورها بوضع حیرت آوری بالا رفته و مصارف جنگی باعث شده است که این افزایش از ۲۵۰ در صد بمیزان ۹۳۰ در صد برسد .

اینك چند رقم جالب توجه از این آمار ها را ملاحظه میکنید :

بازرگانی خارجی :

در سال ۱۹۳۹ مجموع داد و ستد دنیا به ۴۶ میلیارد دلار بالغ شده پس از پنج سال جنگ و خونریزی این رقم تقریبا بنصف تنزل یافت یعنی بمیزان ۲۵ میلیارد دلار رسید .

اتحاد جماهیر شوروی که بیش از کشورهای دیگر از سلط

نازی ها آسیب دیده طی این مدت در صدو هشتاد در صد تجارت
خودرا با سایر کشورها از دست داد .

کشورهای متحدهٔ امریکای شمالی فقط بمیزان چهل دو در
صد از رقم تجارت بین المللی شان کاسته شد ولی از حیث تنزل
بازرگانی خارجی در درجهٔ دوم ممالک دیگر قرار میگیرد .

در درجهٔ اول از این حیث یعنی از حیث خسارت پولی
امپراتوری انگلستان متضرر شده یعنی هیچ کشور باندازهٔ وی
مبلغ بازرگانی خارجیش تقلیل نیافته است .

اینها که گفتیم راجع به شکست تجارت خارجی متفقین بود ،
این شکست و تنزل در کشورهای محور و پیروان آنها خیلی بیشتر
و جدی تر از خسارات متفقین و دول بیطرف بوده است ؛ مثلا
ژاپن و آسیای شرقی شصت و سه در صد مقدار بازرگانی خارجی
خودرا از دست داده و از حیث مالی مبلغ ۹ میلیارد دلار از
تجارتخانه در ۱۹۴۴ نسبت به ۱۹۳۹ کاسته شد زیرا در آخرین
سال قبل از جنگ معاملات بازرگانی خارجی این کشورها ۱۰ میلیارد
دلار بود .

در مورد آلمان و کشورهای اشغال شدهٔ اروپا تنزل بسیار
فجیع تر است زیرا در ۱۹۳۹ [illegible] بازرگانی خارجی این کشورها
به ۲۲ میلیارد دلار [illegible] ولی در [illegible] آخر [illegible] هفت
میلیارد دلار تنزل [illegible]

نتایج و [illegible]

[illegible] کشورها
زیاد [illegible] طی این جنگ [illegible] کشورهای
جهانی باستثنای آلمان و ژاپن [illegible] افزایش قابل ملاحظهای
[illegible] نشان داده است .

در سوئد نسبت این افزایش بیش از همه ممالك است زیرا میزان ولادت در سال ۱۹۳۹ تعداد۹ر۱۴ از هر هزار نفر بود ولی این رقم در زمان جنگ به ۳ر۱۹ رسید .

در آلمان با وجود اقداماتی که دولت در راه تکثیر نسل بکار می بست در ۱۹۳۹ از هر هزار نفر ۶ر۱۹ بچه بوجود میآمد ولی درزمان جنگ یعنی تا ۱۹۴۳ به ۱۶ بچه از هر هزار نفر تنزل یافت .

وامهای ملی

در آلمان و در بریتانیای کبیر مالیات ها در ۱۹۴۳ بحد اعلای خودرسید ولی در ممالك متحده امریکای شمالی و در ژاپن درآمد مالیات ها تا۱۹۴۴ هم رو بافزایش میرفت .

در کشور های اشغال شده بیش از پنجاه در صد مخارج عمومی صرف پرداخت هزینه‌های اشغال‌میشد یعنی بمصرف‌مهاجمین و اشغالگران میرسید .

قرض داخلی آلمان در آغاز جنگ ۳ر۱ میلیارد دلار بود تا پایان ۱۹۴۴ تقریباً در حدود پنجاه برابر افزون شد یعنی بمبلغ ۵۰ میلیارد رسید .

قرض کشورهای متحده امریکا در آغاز سال ۱۹۴۴ بمبلغ ۴۴ میلیارد دلار بود در پایان همان سال به مبلغ ۱۸۵ میلیارد دلار بالغ شد .

ژاپن در ۱۹۳۹ فقط سه میلیارد دلار قرض داشت ولی در ۱۹۴۴ میزان قروضش تا پانزده میلیارد دلار افزون شد .

در انگلستان‌هم میزان قروض خیلی بالا رفت چنانکه در آغاز جنگ این کشور ۲۸ر۵۲۰ میلیارد دلار مقروض بود ودر۱۹۴۴ بمبلغ ۷۳ر۲۲۰ میلیارد دلار ترقی یافت .

ولی قبل از آنکه این سیاست روشن گردد باید در آتیه وضع کار و روش مردم آن مملکت را در مورد مؤسسات سیاسی دید چه خواهد بود! آیا این ملت زرد پوست که از جنگ و ستیز خوشوقت بوده و خونخواری و آزار افراد بشر را از صفات ممیزهٔ خویش میدانند در آینده حاضر خواهند شد که از این رفتار دست بردارند! آیا این ملتی که سالیان دراز زیر یوغ بیدادگری باسم وزیر ورئیس و غیره روزگاری بد و ناشایست میگذرانده اند مایلند از این پس تحولی بزرگ بزندگی خود دهند یا هنوز هم ترسیده و باید دولتی ظالم و جابر داشته باشند.

قدری مسلم آنست که حکومتهای دیکتاتوری این چند صد ساله و آنانیکه دور امپراتور را گرفته و در سایه نام او آنچه را که میخواستند انجام میدادند ملت را سخت از خود ترسانده و بهیچوجهی بایشان آزادی نمیدادند ادامه این وضعیت برای ایشان ناشایست و خطرناک بوده باید هر طور که باشد دولتی دلسوز بر روی کار آورد که با دقت و ممارست زیاد باوضاع داخلی مملکت و نحوه زندگی ملت خود وارد و به بهبود آن همت گمارد.

بزرگترین اصلی را که در اداره امور ژاپن باید در نظر داشت آنست که ملت زرد پوست ژاپن، بنا بر شهادت تاریخ و شواهدی که در دست است نمیتواند یعنی لایق آن نیست که دولتی دموکرات داشته باشد. این موضوع بر همه مسلم است و هرگاه کمی دقت کنیم در خواهیم یافت که ملل شرقی بهیچوجه دارای سوابقی همپای ملل غربی بوده و تربیتی ندارند که باید دارای حکومتهای مستقلی هم باشند.

متفقین که خود هوا خواه آزادی و دموکراسی هستند نیز شاید مایل و مصمم اند که دولتی دموکرات در ژاپن بروی کار باشد تا از هر حیث چرخ سیاست جهان براحتی بگردش در آید. ولی اول باید دید آیا ملت ژاپن مایل است و یا قابلیت آنرا دارد که

چیزی و عدم رضایت مردم را آزار و اذیت خواهد کرد که کسی حاضر نخواهد بود بسخنان وعاظ گوش فرادهند ویا در حزبی نام نویسی نمایند . زیرا همه باید شکم خویشتن راسیر کرده و کاری کنند که از کمی پوشش وبدی هوا بامرك دست بگریبان نگردد .

با تمام این تفاصیل هنوز هم نمیتوان گفت کهچه تحولات و تغییراتی در اوضاع ژاپن بوجود خواهد آمد . مطمئناً پس از چند سال باید از تجربیات زمامداران و محافل مسئول متفقین در ژاپن استفاده کرده کشتی آنکشور را ببهترین وجهی هدایت و برای دنیای آزاد نوین آماده ساخت .

آلمانیهای سویس با عشق بدموکراسی و آزادی پرورش یافته و در یك کشور دموکرات تربیت شده اند پرتو عدالت و مساوات افق روحشان را روشن ساخته و ازسر چشمه‌آزادی و بشردوستی سیراب گردیده‌اند تفاوت میان این دو تیره یعنی آلمانیهای آلمان و آلمانیهای سویس بحدی زیاد است که اگر اشتراك زبان نبود یك مرد بیگانهٔ محال بود تشخیص دهد و باور کند که این دو ملت از یك نژاد هستند اکنون باید دید این تفاوت فاحش از کجا آمده است .

تقریباً ششصد سال پیش ، شش‌قرن قبل از دورهٔ پرآشوب کنونی ما ، سکنه خود را بر سر دو راهی اساسی یافتند . و خوشبختانه راهی را که بطرف دموکراسی منتهی میشد انتخاب کردند این ملت که از سه نژاد فرانسوی آلمانی ایتالیائی تشکیل شده در این شش قرن همان راه را ادامه داده اند . من شخصاً در یکی‌از قصبات سویس شاهد جریان روشنی از این دموکراسی ششصد ساله بودم و بچشم خویش طرز انتخابات سالیانه سویس‌را دیدم . این صحنهٔ جذاب که من تماشا کردم مظهر کامل روحیات و مدنیت سویس میباشد ، روحیات وطرز تفکر اجتماعی هرملت‌را از جریان انتخابات آن ملت میتوان تشخیص داد . اکنون آن صحنه را برای شما نقاشی میکنم تا شما هم از تماشای این پرده جذاب لذت ببرید و در تقدیر و تحسین از این دموکراسی‌سعادت بخش با من شریك و هم‌آواز گردید .

اطراف میدان بزرگ قصبه را سیم کشی کرده بودند فقط اشخاص وارد محوطه داخل سیم کشی میشدند که حق انتخاب کردن داشتند . کودکان و زنان در پشت سیم ها ایستاده بودند . گوئی این مدرسه ای بود که اصول دموکراسی را بایشان میآموخت .

انتخاب کنندگان آینده از حالا برای شرکت در انتخابات آینده تمرین میکردند . در وسط میدان میزی برای ناطقین گذاشته بودند که دو شمشیر برهنه روی آن دیده میشد این کار بموجب یک سنت باستانی صورت میگرفت و شمشیر علامت آن بود که باید برای حفظ دموکراسی فداکاری کرد مردم جمع شده بودند تا شهردار آیندهٔ خودرا انتخاب نمایند شهردار که مدت خدمتش منقضی میشد اعمال خود را شرح داد و گزارش جامعی از خدمات خویش بمردم تقدیم نمود دست های مختلف هر یک کاندید خود را معرفی کرده نوبت برای رأی گرفتن و سپس مردم باانگشت بلند کردن رأی خودرا اعلام نمودند . برخی تغییرات که بایستی در قوانین صورت گیرد ، مطرح و بتصویب رسید برای فقرا پول جمع شد و مبلغی اختصاص یافت . خلاصه آنکه مردم جمع شدند و در یک جلسه مستقیماً سرنوشت یکساله خودرا تعیین نمودند و باقی اوقات خاطر بی کار خود رفتند .

در سال ۱۸۹۱ بود که روش مراجعه بآراء عمومی در سویس برقرار شد از آن سال تا امروز دولت سویس در هر موضوع مهمی که [illegible] آینده حکومت را [illegible] بآراء عمومی میگذارد ، حتی قوانینی هم که بتصویب رسیده باشد اگر سی هزار نفر از اشخاص که حق انتخاب کردن را دارند بخواهند که باید بآراء عمومی مراجعه شود . در این روش دیگر تقلب و حیله فروشی امکان ندارد . کسی نمیتواند با پول رأی دیگران را خریداری نماید . کسی نمیتواند [illegible] را با [illegible] خود [illegible] که قرار شد همه [illegible] بآراء عمومی مراجعه شود عده ای از امریکائیها [illegible] با این روش [illegible] و [illegible] مردم که [illegible] اهل منطق و برهان [illegible] قوانین [illegible] و از این رژیم نتایج مضحکی گرفته شود [illegible] امریکائیها بعده ای از اهالی سویس

هم سرایت کرد و نزدیک بود از این روش چشم بپوشند ولی تجربه نشان داد که ترس و تردیدشان بیجا بوده است . مثلا در سال های پس از جنگ بین الملل اول که بحران سراسر اروپارا فرا گرفته بود سویس هم گرفتار کسادی و بحران اقتصادی شد و ملت را بفکر چاره جوئی انداخت .

عده ای از مردم سویس پیشنهاد کردند که مالیات تازه ای بر سرمایه های هنگفت بسته شود ، با آنکه این مالیات جدید فقط شامل صدی شش نفر میشد که دارای مکنت سرشار بودند در موقع مراجعه بآراء عمومی رد شد و ملت آن را نپذیرفت چون ناطقین و مطبوعات اظهار داشتند که مالیات تازه ولو آنکه فقط بر صدی شش نفر یعنی یك شانزدهم ملت تحمیل شود خلاف مصلحت است ملت آن پیشنهاد را نپذیرفت و بالنتیجه مالیات جدیدی وضع نگردید !

با آنکه سویس هم مثل امریکای شمالی دارای دو مجلس عوام و سنا است . دولت یعنی قوه اجرائیه خیلی کمتر از امریکا زیر تأثیر پارلمان است . در سویس ملت مستقیماً حکومت میکند و با آنکه پارلمان دارد همه قضایای مهم باید بآراء عمومی مراجعه گردد . دولت سویس مرکب از هفت وزیر است که هر یك بنوبت مقام نخست وزیری را عهده دار میشوند . در سویس بنسبت جمعیتش بیش از تمام ممالك دنیا روزنامه منتشر میشود مطبوعات با چشم دقیق مراقب کارمندان دولت هستند و در اعمال ایشان نظارت میکنند . مردم سویس پول خودرا بیهوده خرج انتخابات نمیکنند . مهمترین مبلغی که تا کنون خرج انتخابات شده پنجاه لیره بوده است ! آنهم فقط یك بار اتفاق افتاد که یك حزب در موقع انتخابات پنجاه لیره خرج کرد و مورد ملامت ملت واقع شد که چرا اسراف و ولخرجی کرده است !!

روزی که جنگ بین الملل اول شروع شد کسانی تصور میکردند شیرازه وحدت ملی سویسها گسیخته خواهد شد .

آلمانیهای سویس بطرف آلمان و فرانسویهای سویس بطرف فرانسه متمایل خواهند شد و در کشور سویس میان این دو نژاد جنگ خواهد شد ولی حوادث نشان داد که وحدت ملی سویس بیش از آنچه تصور شود قوی و محکم است نه آلمانیهای سویس و نه فرانسوی های سویس هیچ یک خللی دراساس وحدت ملی راه ندادند .

جنگ بین المللی دوم شروع شد و بیشتر مفسرین اخبار و مطلعین برموز سیاست معتقد بودند که آلمانیهای سویس فریفته تبلیغات آلمان بزرگ میشوند و برای شرکت در رایش بزرگ بآلمان میروند یا قسمتی از سویس را ضمیمه آلمان میسازند ولی باز هم حوادث نشان داد که اشتباه کرده اند .

همهٔ افراد ملت سویس از پیر و جوان زن و مرد جدا مخالف نازیها و مرام دیکتاتوری بودند و کشور سویس مانند یک جزیره در میان دریای توفانی بر پای ایستاده و در مقابل تمایلات آلمانها جز آنچه رای ملت بود مقاومت کرد .

آلمانها که در سالهای اول جنگ مانند سیل خروشان بهر طرف [illegible] میدان [illegible] مبارزه [illegible] سویس را [illegible] مرز آن کشور [illegible] ملی سویس [illegible] قوا و استعدادهای مرزی را [illegible] اگر بخواهند بکشور سویس حمله [illegible] بازش را بکشتن دهند [illegible] خواهند شد که منابع [illegible] قطعاً [illegible]

برکت صنعت و در سایه مهربانی و خوشرفتاری باسیاحان خارجی زندگی میکنند چنین کشوری را مسخر کردن کار مفیدی نیست .

در سویس فرماندهی عالی دائمی وجودندارد . این کشور اصلا محتاج بوجود ژنرال ها نیست و پولش را در این راه صرف نمیکند افسران ارتش سویس از درجه سرهنگی بالاتر نمیروند فقط درموقعی که حادثه مهمی پیش آید یاخطری متوجه کشور گردد یکنفررا تادرجه سرتیپی ترقی میدهند که فرمانده کل ارتش گردد وقتی که اوضاع بحال عادی بازگشت نمودبی کارسابق خود میرود .

درجنگ اخیر وقتی آلمانها کشور سویس را تهدید کردند ژنرال ژیزان که فرمانده کل ارتش شده بود افسران را احضار کرد و گفت « اگر بیگانگان خواه آلمان و خواه ارتش دیگری بکشور ما حمله کردند ما تا آخرین نفس مقاومت خواهیم کرد شما هم خودرا برای جانبازی مهیا سازید ... » مردم سویس میدانستند این آقای ژنرال بمحض آنکه اوضاع بحال عادی برگشت و خطر احتمالی مرتفع شد فورا بشغل سابقش که گله داری است باز میگردد همینطور هم شد . مردم سویس بیش از هر ملت دیگری مالیات میپردازند .

سویسی ها مخصوصا برای جلوگیری از تورم پول و جلوگیری از ایجاد فاصله میان طبقات ملت متوسل بوضع مالیاتهای تصاعدی شده اند که نمیگذارد افراد سرمایه دار از وضع دوره جنگ سوء استفاده کنند و عواید هنگفت ببرند .

سویس هم مانند همه ممالک دنیا مواجه با مشکلات زیاد است ولی ملتی که تا ایندرجه عاقلانه زندگی کرده و بر همه مشکلات غالب گشته سرانجام مشکلات فعلی را نیز مرتفع خواهد ساخت و بار دیگر زندگانی رفاه و پرتنعم را از سر خواهد گرفت .

« از مطبوعات خارجی »

همان وقت در دهکده ای که در زیر آن تپه واقع شده و تا ساحل فرانسه بیش از چند میل فاصله نداشت ، عدهٔ زیادی از دهاتی ها در یگانه مهمانخانه آنجا جمع شده و از هر دری صحبت میکردند .

در یك گوشهٔ سالن چند جوان دور میز پیر مردی نشسته بودند که از طرز رفتار و گفتارشان معلوم بود که جوانها شاگرد مدرسه و پیر مرد استادشان میباشد . یکی از شاگردان میگفت من چند روز است که در رفتار فردریك همین شخصی که لباس افسران آلمانی بتن دارد دقت میکنم ؛ تا کنون نتوانسته ام خودرا قانع سازم که او خدمت نظام را انجام داده است ، چندین روز و شب متوجه حرکاتش بودم ، هر روز در ساعت معینی ببالای تپه رفته مدتی در آنجا باقی میماند و همیشه سعی دارد که در آن ساعت خودرا بآنجا برساند .

حتی یك روز که ساعتش کار نمیکرد و نمیتوانست درست وقت را تشخیص دهد یك وقت از من ساعت را سؤال کرد ، چون فهمید که ۸ و چهل و پنج دقیقه است بدون آنکه کلاهش را بردارد از اطاق خارج گردید و یکراست بطرف تپه روان شد . من میتوانم قسم بخورم که او افسر نیست ؛ زیرا خوب بیاد دارم که در فوریه گذشته « فوریه ۱۹٤٤ » که هواپیماهای متفقین دهکده مارا بمباران کردند بدون اینکه در صدد خارج شدن از خانه بوده و بفکر باشد که دیگران را نجات داده واز آمدن هواپیما آگاه سازد در اطاق خود خوابیده بود .

کتابهائی که در اطاقش مشاهده کردم تمام مربوط بعلم فیزیك وهواشناسی بوده هیچ یادداشت تاریخی وجنگی دیده نمیشد موقعیکه آن جوان بانیطورسیده ، در مهمانخانه باز شده و ژان و

فلور وارد شدند. ژان یکراست بطرف میز آن عده آمده آنچه را که دیده بود شرح داد و ساعت یازده گذشته بود، که همه پی کار خود رفته و مهمانخانه خلوت گردید.

پیرمرد استاد که جزء دسته میهن پرستان بود، و در این دهکده برعلیه آلمانها کارشکنی میکرد، چون بخانه خود رسید مدت نیم ساعت در اطاق دفترش مشغول نوشتن بود و آنچه را که در مهمانخانه شنیده بود بمرکز میهن پرستان ارسال داشت آنها هم با وسائلی که در دست داشتند بانگلستان فرستادند زیرا مأمورین انگلیسی از آنها خواسته بودند که کوچکترین خبری را بآنها اطلاع دهند؛ برای اینکه بیشتر حوادث و رازهای مهم را از روی اخبار بی اهمیت میتوان کشف کرد.

چند روز بعد اداره جاسوسی انگلستان در باره یک افسر آلمانی اطلاعاتی بدست آورد که در ایستگاه گیرنده رادیو باخبار انگلستان گوش میدهد.

اداره ضد جاسوسی، پس از دریافت این خبر ابتداء باین فکر افتاد که شاید آن افسر برای شنیدن اخبار [illegible] باآنجا میرود؛ ممکن است در ضمن فرستادن اخبار معمولی بوسیله رمز، خبرهای دیگری نیز برای آن [illegible] میگردد.

مدت چند روز [illegible] دقت کردند ولی [illegible] ازعاملین پیشنهاد کرد که [illegible] چند روز از ساعت استماع اخبار را [illegible]

بنگاه پخش اخبار موافقت کرد و [illegible] فرستادن اخبار را بتأخیر انداختند [illegible] چند روز [illegible] کردند، تا از قرائن [illegible] که هرگاه [illegible] درهمان

ساعت‌هائیکه بایستگاه میرفت وهم اکنون نیز خانه خودرا ترک‌مینماید.

از رسیدن این خبر به مأمورین اداره ضدجاسوسی واضح و آشکار گردید که افسر آلمانی از اخبار استفاده نمیکند ؛ پس بطور یقین چیز دیگری طرف نظر او میباشد . از این جهت بچندین نفر از دانشمندان و اهل خبره رجوع کردند ؛ یکی از پروفسورهای معروف انگلستان پس ازمدتی تحقیق ؛ عقیدهٔ‌خودرا اظهار داشت که بعدها صحت آن معلوم گردید .

دومی گفت : این شخص همانطوریکه فرانسوی‌ها میگویند افسر نیست بلکه یکی از دانشمندان ومهندسین زبردست آن کشور میباشد و از اخبار رادیو لندن هم استفاده نمیکند ، بلکه مؤسسه «بیلک‌بی» درهمان ساعت اوضاع جوّی ؛ بخصوص وزیدن بادهای مختلف‌را در انگلستان منتشر میسازد ومیداند که آلمانها مشغول تهیه اسلحه ای هستند که بدون خلبان پرواز دهند .

هواپیمائی که خلبان داشته باشد ، میتواند جریان باد مقاومت کرده و بدون انحراف بمقصد برسد ، ولی این‌دستگاهی که در دست اختراع میباشد باد در آن مؤثر است وخط سیرشرا تغییر میدهد .

این عقیدهٔ مورد پسند واقع شد و «بیلک بی» در برنامهٔ خود تغییراتی داد ، تا در ۱٦ ژوئن ۱۹٤٤ گوینده رادیولندن پرواز اولین بمب پرنده را باطلاع رسانید در ضمن اظهار داشت که «بیلک بی» از این تاریخ بواسطه مشکلات جنگی و ترس از بمباران تعطیل خواهد شد .

مردم لندن هرچه فکر میکردند ؛ نمیتوانستند رابطه بین آنهورا پیدا کنند ، فقط مأمورین اداره ضدجاسوسی و پروفسور از علت حقیقی آگاه بودند و میدانستند که چگونه آلمان از یک بنگاه انگلیسی استفاده مینمود "

با لباس مبدل اکنون در شهر ها و کوچه های آلمان میگردند و نقشهٔ تجدید عظمت آلمان را میکشند .

نازیهای مزبور بلباس کارگران خارجی یا اسرای خلع سلاح شده درآمده و بفعالیت خود ادامه میدهند . بطوریکه گفته میشود این سازمان وسیع ، بوسیله شخص هیتلر اداره میگردد و دارای ستادی است که بادسته های مختلف نازیها تماس گرفته و میخواهد آلمانیها را در تشکیلات بازرسی متفقین در آلمان وارد کنند .

هنگامیکه (هاینریش بوتکر) یکی از چهل نفر خرابکاران نازی در «دورتموند» دستگیر گردید در اطاق وی جامه دانی بدست آمد حاوی مقدار زیادی پول و جواهرات بود که چندین میلیون مارك قیمت داشت همچنین ۹۰۰ بطری لیکور در اطاق او کشف گردید که نیمی از آنها ساخت کشورهای دیگر اروپا بود وی مدعی بود که آنهارا خریده است .

همین طور موقعی که (ژرژبویرین) را در «اسن» بازداشت مینمودند ، وی خواهش کرد باو اجازه داده شود پیامی باین مضمون بجای بگذارد : « تمام وعده های ملاقات فردای مرا برهم بزنید .

اینها و امثال اینها آیا نشان این نیست که ملت آلمان از رخوتی که بلافاصله پس از شکست بدان دچار شده بود میخواهد خارج شود ؟

مقامات متفقین برای آنکه زیارتگاهی جهت آلمانیها درست نکرده باشند محل ودفن «هیملر» رئیس سابق گشتاپو را از همه مخفی نگاهداشتند ، معهذا یکنفر ناشناس بر گوری صلیب چوبی سیاهی قرار داده است و همین صلیب آیا بمنزلهٔ علامت و نشانی بشمار نمیآید ؟

بالاخره آیا ملت آلمان در انتظار حوادث آینده ، خودرا حاضر نمیکند که در پیرامون مرکزی گرد آید و فعالیت تازه ای برای تجدید قدرت آلمان آغاز کند ؟ از مطبوعات فرانسه

سلاح ضد بمب اتمی
توپ جدیدی که امریکا برای حفظ نیروی دریائی خود از بمب اتمی میسازد

وزیر دریاداری امریکا اعلام نمود که : اکنون یك توپ جدید و بدیعی در امریکا ساخته و تکمیل گردیده است مقصود از تدارك این سلاح همانا حفظ نیروی دریائی امریکا از حملات هوائی مجهز با بمبهای اتمی میباشد .

برد این توپ دریائی پنجاه هزار پا میباشد و تاثیر آتش آن بواسطه دستگاه مخصوص (راد)را اینستکه تمام اطراف هواپیمای حامل بمب اتمی را بایك باران دائمی آتش ازهرسو احاطه میکند !

اسرار بمبهای فشفشه ئی آلمان در تابوت مردگان در یکشهر آلمانی کشف گردیده است

در یك مقبره ئی خارج از شهر هاوبلد ؟ در آلمان سیلة قوق ـ العاده شگرفی که آلمانها برای اختفاء اسرار سلاح بمبهای فشفشه ئی آلمان بکار زده بودند کشف گردیده است ـ از مقبره مذکور شش تابوت بیرون آوردند که دردرون آنها تمام نقشهای تربوطة و بمبهای فشفشه ئی آلمان با تفصیل و جزئیات بدست آمده که ـ نقشه های مذکوره را در درون آن تابوتها پنهان کرده بودند .

هیچکس بیشتر از کشیشی که نماز بر جنازه میت گذاردو اشخاصی که جنازه را مشایعت میکردند دچار حیرت و استعجاب نشدند و دسته های گل که برای نثار بروی جنازه آورده بودند ازدست ما افتاده پایمال گردید .

اگر اعترافات شخصی بنام دکتر واشی که خود مدیر اینکار بودهیچگاه این نقشه‌های نفیس کشف نمیشد و باین شرط اعتراف کرد که با زنش که در منطقه متصرفی روسها توقف داشت ملاقات نماید ولی ملاقات آنها طولی نکشید فعلا شخص مذکور در زندان بسر میبرد .

از مطبوعات خارجی
عبدالحسین سامانی

سوء تفاهم

ایالت «نپال» یکی از استانهای مستقل هندوستان است که طبق قرارداد مخصوص، روابط سیاسی با دولت انگلستان دارد و سربازان بومی آنجا که بنام «گرخاس» نامیده میشوند در ارتش انگلستان مشغول خدمت و بشجاعت و بی باکی معروف میباشند.

یکی از حکایات شیرینی که از تهور سربازان گرخاسی نقل مینمایند این است که عدهٔ از آنهارا برای فراگرفتن تعلیمات هوائی و تمرینات پرش و فرود آمدن توسط پاراشوت (چترنجات) با هواپیما بوسط آسمان منتقل و چنین در نظر گرفته شده بود که از ارتفاع ۱۰۰۰ متری خودرا بزمین پرتاب نمایند.

قبل از شروع بعملیات وکیل باشی دسته ای که از خود گرخاسها بود نزد افسر فرمانده آمده محکم پاهارابرزمین کوفته دست راست خودرا بعنوان سلام نزدیك پیشانی بالا برده و گفت:

جناب سروان خیلی معذرت میخواهم نه آنکه تصور فرمائید افراد من ترسو و از جانبازی و فداکاری در راه نیل بمقصود بیم و هراسی داشته باشند خیر اینطور نیست ولی چون برای دفعهٔ اول است خواهشمندم اجازه بفرمائید مسافتی که برای آنان در نظر گرفته شده به ثلث تقلیل داده شود.

فرمانده مسافتی را که شما برای آنان قائل شده اید ممکن است پاراشوت باز نشود — پاراشوت ؟!!! وکیل باشی باحدقه‌های گشاده و دهان باز که منتهای تعجب اورا مدلل میساخت سؤال کرد:

ببخشید جناب سروان افراد تصور میکردند ابداً از این چیزها در کار نبوده و بایستی بدون اسباب و آلات پرش دست خالی خودرا بزمین پرتاب نمایند!

میکرد بلکه اربابش را آزاد کند . بالاخره فهمید که کاری نمیتواند از پیش برد و در میان درختان پریده و فرار اختیار کرد .

معذلك ، آن مسخرهٔ شجاع بمحض آ نکه کمی دور شد فکر کرد که خوبست برگردد و با اربابش که فوق العاده بوی محبت داشت اسیر شود . پیش خود گفت : هر کس تا اسیر است میخواهد آزاد شود و چون آزاد شد میخواهد خود را باسارت اندازد .

بمحض آ نکه در میان جنگل مخفی شد صدائی باو گفت : وامبا ! صدا را شناخت و گفت : گورث ! بلا فاصله خوك چران از میان درختان در آمد و گفت : چه شد که تورا در اینجا میبینم ؟

ارباب و خانم من و تمام دیگران بدست مردانی که ملبس بلباس سبز بودند دستگیر شدند .

گورث گفت : تو شمشیر داری و شجاع هم هستی . ما فقط دو نفریم ولی بایك حمله ناگهانی ممکن است کار بزرگی بکنیم حال بیا برویم .

همانطوریکه داشتند میرفتند شخص سوّمی ظاهر شد . از لباسش وامبا خیال کرد که یکی از یاغیان است که اربابش را گرفته اند . سپس در نور کمی که آنجا بود قیافه لاکسلی را تشخیص داد و او همان کسی بود که در مسابقه تیراندازی جایزه را ربود .

وی گفت : مقصود از اینکارها چیست ؟ چه کسی غیر از یاغیان جرئت دارد در این جنگل بغارت مشغول گردد و سردانرا اسیر کند .

وامبا گفت : ممکن است بروید و ببینید که آنها از مردان خودتانند یا نه زیرا آنها بقدری شبیه شمااند مثل سیبی که نصف کرده باشند .

من الان میروم و میفهمم . همینجا بمانید تا برگردم .

بعد از چند لحظه لاکسلی مراجعت کرد. وگفت: آنها را دیدم و فهمیدم که از ما نیستند و مقصدشان را فهمیدم. برای ما سه نفر حماقت است که بآنان حمله بریم ولی امید وارم چندی طول نکشد که نیروئی که با آنان مقابله تواند گرد آورم. کدریك ساکسونی آنقدر حامی دارد که اورا کمك کنند.

این را گفت و باقدمهای بلند در میان جنگل براه افتاد وخوکچران و مسخره هم ویرا تعقیب نمودند.

فصل یازدهم
گرد آوری یاغیان برای جنگ

لاکسلی و دو رفیقش بعد از سه ساعت راه رفتن بفضای آزادی رسیدند که درمیان جنگل قرار داشت و در مرکز آن میدان درخت بلوط بزرگی روئیده بود. در زیر آن درخت چهار پنج نفر مرد [illegible] بلباس سبز خوابیده بودند و چند نفر دیگر اینطرف و آنطرف قدم میزدند و مراقب آنها بودند.

بمحض آنکه قراولان صدای نزدیك شدن چند نفر را شنیدند بدیگران آگهی دادند. آنهائیکه خوابیده بودند از خواب پریده و با کمانهای خود بطرف آینده گان قراول رفتند ولی بعدا آن سه نفر را شناخته [illegible] خوش آمد گفته و احترام گذاردند و برای [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سر دستهٔ یاغیان پاسخ داد : بدکاری نیست پس فرایرتاك کجا رفته ؟

در کلبه اش در کومپا نهورست میباشد . (معلوم شد اسم کشیش فرایرتاك است) .

لاکسلی گفت : من بآنجا خواهم رفت . شما هم باطراف رفته و تمام رفقا و هرکس دیگری را که میتوانید جمع اوری کنید و در سپیده دم همینجا یکدیگر را ملاقات خواهیم نمود . دو نفر از شما شتابان بطرف جاده ایکه به تور کویلستون قلعهٔ فرانت دو بوف میرود روان شوید . چند لرد جوان که بالباسها شبیه ما ملبس میباشند چند نفری را دستگیر کرده و بقلعه میبرند . برای آنکه نام یاغیان بیدی برده نشود باید آنها را تنبیه نمائیم .

سپس لاکسلی ودو رفیقش راه خود را بطرف کلبه متروك کومپانهورست ادامه دادند . چون بهمان فضای جلو کلبه که آنوقت روشن شده بود رسیدند وامبا بگوش گورث گفت : آ امرد مقدس عجب تازی میخواند .

درحقیقت زاهد باامهمانش در کلبه داشتند سرودی رامیخواندند (از ترجمه شعر آن صرف نظر شد) بالاخره لاکسلی بادق البابهای مکرر عیش آندو را منقص کرد .

شوالیه با عجله اسلحه اش را دربر کرد و تارك دنیا علامات عیش را مخفی میکرد .

صدائی از خارج گفت : ای کشیش دیوانه ، در را بروی لاکسلی باز کن .

تارك دنیا بشوالیه گفت : خطری متوجه نیست . سپس درا باز نمود .

لاکسلی گفت : ای زاهد چرا رفیق باده گساری را راه دادی ؟ مگر دیوانه شده ای که شوالیه ایرا که نمی شناسی راه

میدهی ؟ مگر وعده های خود را فراموش کرده ای ؟ زود
نماز را کنار گذار و اسلحه برتن کن زیرا ما بتمام یاران خود
احتیاج داریم .

زاهد بسرعت خرقه اش را در آورده و لباس سبزی برتن
کرد وموقعیکه مشغول آنکار بود لاکسلی شوالیه‌را بخارج برد و
چنین خطاب کرد :

شما کسی هستید که در روز دوم مسابقه پیروزی را احراز
کردید . بیهوده انکار نکنید .

شوالیه گفت : بالفرض هم که سخن شما راست باشد چه فایده از
این حرف حاصل میشود ؟

در اینصورت من شما را جزو دستهٔ خود خواهم کرد یک
عده اشخاص شجاعی که خود را بیش از آنچه هستند نشان میدهند
[illegible] زادهٔ ما [illegible] (کدو یك) و [illegible] و [illegible] این را
دستگیر کرده و بقلعه ایکه [illegible] نام دارد و در نزدیکی جنگل
است برده اند . از شما که یك شوالیهٔ سرباز و مرد انگلیسی
حقیقی هستید میپرسم که آیا ما را در نجات دادن آنان یاری میکنید ؟
شوالیه جواب داد : وظیفهٔ من است که با شما یاری کنم . ولی
میخواهم بدانم که شما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] با شما یاری
[illegible]

[illegible]
در آمده و با شمشیر [illegible] گفت :

بیای زاهد دیگرانهم بیایند که اگر بخواهیم قلعهٔ رژی نالدفرانت دو بوف را فتح کنیم باید تمام عده قلیل خود را جمع آوریم.

شوالیهٔ سیاه پوش گفت: فرانت دو بوف! کسیکه در جلو پادشاه برعایای وی حمله برد چه شخص پستی است مگر بتازگی دزدهم شده است؟

زاهد گفت: دزد! بگمان من دزدی که ازآن بدتر نباشد براو شرف دارد.

فصل شانزدهم

دژتورکویلستون

مردان مسلحی که کدریك و همراهانش را دستگیر کرده بودند باعجله پیش میرفتند. تاریکی همه جارا فرا گرفته و جادههای جنگل بخوبی معلوم نبود. چند مرتبه راه را گم کردند و موقعیکه طلوع فجر آغاز شد مطمئن شدند که بجاده اصلی رسیده اند.

بوا ـ ژیلبرت به دوبراسی گفت: حالا موقعی است که ازما جدا شوید. میدانید که بعداً باید نقش شوالیهٔ نجات دهنده را بازی کنید.

دوبراسی گفت: تادستگیر شدگان را بسلامت بقلعهٔ فرانت دو بوف نرسانیم من شمارا ترك نخواهم کرد. سپس در آنجا بشکل اصلی خود در آمده و در مقابل لیدی راونا حاضر شده و باو خواهم گفت که تمام بنکارهائی که گناه آنها بگردن من است برای خاطر عشقی است که بشما دارم.

بوا ـ ژیلبرت مقدس جوابداد: دوبراسی، چه چیز سبب شده است که نقشه خودرا تغییر دادید؟ امید وارم که ازمن بدگمان نشده باشید.

فصل هفدهم

شهامت ربه کا

دو نفر قراول ربه کا را برده و در اطاق کوچکی از برجهای دوردست قلعه انداختند. در آن اطاق پیرزنی را یافت که نخ‌ریسی میکرد و یکی از آهنگهای انگلیسی را زیرلب زمزمه میکرد.

یکی از قراولان به پیرزن گفت: ای پیرزن، باید از این اطاق بیرون بروی. اربابمان امر کرده است که اطاق را خالی کنی و برای این مهمان زیبا بگذاری.

پیرزن گفت: آه، یك موقعی حرفم بقدری نفوذ داشت که بهترین مردان مسلح را از میان شما از خدمت خارج میکردم ولی حال بایستی که بفرمان پیشخدمتی مثل شما برخاسته و بیرون بروم.

قراول دومی گفت: دولریکای مهربان. بس است دیگر راجع بایتکار دلیل نیاور و برخیز و خارج شو. یکوقتی هم دوران تو بود ولی مدتها است خورشید جوانی تو غروب نموده است!

پیرزن گفت: خدا شما را خیر ندهد! خدا کند که مثل سگی کشته شوید! ولی من تا نخ‌تابی را تمام نکنم از اینجا بیرون نخواهم رفت.

قراولان گفتند: حرفهای خود را بارباب بزن. سپس بیرون رفته و پیرزن را با ربه کا بحال خود گذاردند. پیرزن نگاهی باغضب به ربه کا کرده گفت: خدا میداند که دیگر چه عمل شیطانی مخفیانه ای را میخواهند انجام دهند؟ ولی میتوان حدس زد. از چشمان سیاه و گیسوان آبنوسی، پوست بدن سفید میتوان حدس زد که برای چه کاری اینخانم را باین بیغوله فرستاده اند. اینخانم بیگانه هم میباشد. سپس پرسید: شما اهل کجا هستید؟ چرا جواب نمیدهید؟ چرا گریه میکنید ولی حرف نمیزنید؟

ربه کا هم بزبان فرانسه گفت : پس شما یاغی نیستید . از بچگی یك نجیب زاده نورماندی بوده اید آیا بمن رحم خواهید کرد؛

آنورد که بوا - ژیلبرت بود صورت را آشکار ساخته گفت : حدس شما صائب است من یاغی نیستم و درعوض آنکه این جواهراترا از شما بگیرم اگر تسلیم من شوید سر وروی شما را با جواهر پرخواهم کرد . شما اکنون اسیرمن هستید . پس بمن تسلیم شوید و شما را بعظمتی خواهم رساند که خانمهای نورماندی بپای شما نرسند .

ربکا گفت : بشما تسلیم شوم ! ای شوالیهٔ نامرد ! من از شما متنفرم : خدای ابراهیم راه فراروا برای من باز کرده است حتی اگر از گودال شرمندگی باشد .

وقتی اینحرف را زد پنجره را باز کرده و لحظه ای بعد بکنار برج جائیکه هیچ فاصله ای بین او و پرتگاه مخوف نبود ایستاد .

سپس گفت : اگر یك قدم آنطرف بگذارم از بالا پرت خواهم شد و بدن من در روی سنگهای پائین خورد شده و پیش از آنکه تسلیم شما شوم از شکل انسان خارج خواهم شد .

شوالیهٔ کمی مکث کرد وعزم راسخ وی که تاکنون رحم و شفقتی بآن راه نیافته بود برای چند لحظه بتحسین از شجاعت وی پرداخت .

صدای کرنائی از جلوی درب قلعه شنیده شد آن صدا سه مرتبه با چنان قوتی زده شد و اعلام داشت که دشمن در جلوی قلعه حاضر شده در لحظه ای میخواهد برج و باروی قلعه را مانند پرکاهی ازبین بردارد .

بوا - ژیلبرت گفت : آن کرنائیکه زده شد معلوم میکند که واقعه‌ای رخ داده که بحضور من احتیاج دارند خدا حافظ . انشاءالله فوری مراجعت خواهم کرد .

شوالیهٔ ها آن کاغذ عجیب‌را خواندند وباتحیر هرچه تمامتر بیکدیگر خیره شدند .

دوبراسی اولین کسی بود که باشلیك خنده سکوت راشکست و بوا ـ ژیلبرت هم باخنده ویرا جواب گفت فرانت دوبوف معلوم بود که از این خنده و خوشحالی بیموقع و نابجا اوقاتش تلخ شد .

سپس گفت : بشما اخطار میکنم که این خنده بیموقع را بهتراست ترك نموده و بمشورت در اطراف اینموضوع بپردازید .
سپس بیکی ازخدمه خود گفت : آیا فهمیده ای که آنهائیکه اعلان جنك بما داده اند چقدر قوه داوند پیشخدمت جوابداد : اقلا دویست نفر در جنگل گردآمده اند .

فرانت دوبوف گفت : با واگذار کردن قصر خود بشما دردسری برای خودفراهم کردم .

بوآ ژیلبرت گفت : خیلی شرم آورست . آقای شوالیه بگذارید مردان خود را جمع کرده و آنان را شکست دهیم . یك شوالیه حتی یك سرباز هم برای بیست نفر ازاینطور اشخاص کفایت میکند

فرانت دوبوف جواب داد : اگر آنها دهاتیهای جنوب بودند این حرف راست بود ولی آنها دهقانان انگلیسی هستند که برآنها غیر از قوه مزیتی نداریم ولی همین برتری برایمان کافی است . شما گفتید حمله کنیم ؟ ما حتی قشونی که با آن بتوانیم از قلعه دفاع کنیم نداریم . قشون اصلی من در شهریورك است وهرچه دراینجا قشون داریم متعلق بآقای دوبراسی هستند وتماماً چهل پنجاه نفر حاضر داریم .

بوآ ژیلبرت گفت : از همسایگان خود امداد بطلبید و تقاضا کنید که مردانشانرا جمع کرده وبنجات سه تن شوالیه که از طرف یك مسخره ویك خوك چران درقلعهٔ نجیب زاده فرانت‌دوبوف مورد حمله واقع شده اند بشتابند .

فرانت دوبوف گفت : پیغام مرا که بآنان خواهد رسانید ؟ حمله کنندگان تمام جاده ها را تحت نظر دارند . آقای بوآ ـ ژیلبرت شما قادرید که این کاغذ را بنویسید پس من دیکته میکنم و شما بنویسید . این کاغذ که الان میگوییم جواب حمله کنندگان است .

بوآ ـ ژیلبرت قلم بدست گرفته و چنین نوشت :

« آقای رژنالد فرانت دوبوف و متحدین ایشان از غلامان قبول مبارزه نمیکنند و اگر حقیقتاً شخصی که خود را شوالیهٔ سیاه پوش میخواند ادعای افتخار شوالیهٔ بودن را دارا است باید بداند که با این اتحاد با غلامان خود را خوار ساخته است و اما راجع باسیران ، ما قصد کرده ایم که امروز پیش از ظهر آنان را بقتل رسانیم و بنابراین خواهش داریم کشیشی اینجا بفرستید که آنها گناهان خود را در این اوقات [illegible] نموده و باخدای خود صلح نمایند »

با این کاغذ آنها خیال داشتند کشیش را بقلعه خواسته و بوسیله وی کاغذی باطرافیان و آشنایان برای طلب کمک بفرستند .

کاغذ را تا کرده و بنامه رسانی که بیرون در منتظر بود دادند . وی نامه را پیش حمله کنندگان برد [illegible] چونکه در میان دستهٔ آنان کسی قرائت نمیتوانست ، شوالیهٔ سیاه پوش آنرا گرفته و خواند [illegible] را برای رفقا شرح داد .

و اما [illegible] کرده [illegible] را بگشتند ؛ [illegible] که آقای [illegible] گفت : [illegible] که در کاغذ نوشته بود [illegible]

[illegible] خود [illegible]

و اما [illegible] داریم که با [illegible] را انجام دهیم .

لاکسلی گفت : این تهدید ایشان فقط حقه ای است که میخواهند فرصتی بدست بیاورند والا آنها جرئت چنین کاری راندارند.

شوالیهٔ سیاه پوش گفت : دلم میخواست که کسی بین مابیدا شود که بقلعه رفته و بفهمد که قوهٔ آنان چه اندازه است . راستی آنها کشیش خواسته اند که بفرستیم . شاید این زاهد مقدس بتواند برود و اطلاعاتی را که لازم داریم برایمان تحصیل نماید .

تارك دنیا در پاسخ گفت : آقای شوالیهٔ ، بشما میگویم که موقعیکه لباس مقدسم را کنده و اسلحه در بر کردم کشیش بودن و تقدس ودانستن زبان لاتین وتمام این چیز های من ازبین رفته است .

شوالیه سیاه پوش گفت : میترسم که میان ما کسی نباشد که بتواند نقش کشیش را بازی نماید :

وامبا کمی صبر کرده سپس گفت : بعقیدهٔ من یك احمق در هر کاری باید احمق باشد و گردن خود را درراه مخاطراتیکه عاقلها از آن رو گردانند بگذارد وبنابر این من حاضرم .

شوالیهٔ گفت : احسنت ای رفیق خوب پس لباس بوشیده وبرو وبارباب پیغام ده که اطلاعی از وضع درون قلعه بما بفرستد . عده آنها کم است و احتمال دارد که بایك حمله ناگهانی و ماهرانهٔ ما از پا درآیند . فقط باید مواظب باشیم که کسی خبری از عده ما و سایر اطلاعات بقلعه نبرد .

لاکسلی گفت : بقدری مراقبم که حتی پرنده ای هم نمیتواند اخباری از ما بقلعه ببرد .

وامبابعد ازمدت کمی بالباسهای مذهبی ملبس گشته وبآنان گفت : پوکس و ابی سکوم (۱) سپس با قدمهای موقرانه که شایسته کشیشها میباشد بسوی مأموریت خویش رهسپار گشت .

---

(۱) این جمله بزبان لاتین بمعنی آنست که « آرامش باتو باشد »

چاپ آگهی ها

در گلهای رنگارنگ بنفع اعلان دهندگانست زیرا این کتاب هرماهه درتهران در سه‌هزار نسخه چاپ میگردد و شماره های آن همیشه در دست خوانندگان باقی میماند.

یکبار آگهی در گلهای رنگارنگ بمنزلهٔ صدها آگهیست که بارها دراوراق بیدوام چاپ گردیده ودرزوایای فراموشی فرو رود.

دستمزد چاپ آگهی: تمام صفحه ۲۰۰ ریال - نیم صفحه ۱۰۰ ریال ربع صفحه ۵۰ ریال است. بااینهمه مزایا معهذا حق الطبع آگهی ها در گلهای رنگارنگ ارزانتر از روزنامه هاست.

با آگهی های دائمی تخفیف داده میشود و برای آزمایش هم شده یکبار آگهی های خودتانرا برای طبع و نشر در گلهای رنگارنگ ارسال دارید.

نشانی: خیابان سعدی - روبروی گرمابه ایران - کوچه فاریابی - خانه دوم دست راست - شماره تلفن ۵۱۰۸ بنگاه مرای

جایگاه فروش گلهای رنگارنگ درتهران.

۱ - کتابفروشی ابن سینا — شاه آباد (چهار راه مخبرالدوله)

۲ - « جهان نو — بین چهار راه شیخ‌هادی و چهار راه پهلوی.

۳ - « زمانی — خیابان بوذرجمهری چهارراه گلوبندک.

۴ - « پاس — خیابان امیریه برابر بازارچهٔ شیخ هادی.

۵ - کتابفروشی خاور — شاه آباد جنب کوچه حمام وزیر.

۶ - « تهران — لاله زار جنب کوچه پشت شهرداری.

۷ - بنگاه دیدهبان — « « اول کوچهٔ ناموس

کارخانه صنائع

لوازمات فنی طبی

COFFRE FORTS ININFLAMMABLE

LITS

INSTRUMENTS TECHNIQUES MEDICAL